



شعر معاصر افغان

۱۸۶۳ - ۱۹۷۳

دکتر اسماعیل سویلمز

مترجم: ظهور مظهر

بهار ۱۴۰۵



شعر معاصر افغانستان

۱۹۷۳ - ۱۸۶۳

نویسنده: دکتر اسماعیل سویلمز

مترجم: ظهور مظهر



شعر معاصر افغانستان

نویسنده: دکتر اسماعیل سویلمز | مترجم: ظهور مظهر

ویراستار: دکتر محمد داوود منیر | محل نشر: هرات - افغانستان

ناشر: انجمن ادبی هرات

طرح جلد و صفحه آرایی: حسین علی ابراهیمی

طرح رویه جلد برگرفته از اثر عبدالحکیم کریم زاده

نوبت چاپ: اول، بهار ۱۴۰۵ خورشیدی | شماره گان: ۵۰۰ نسخه

حق نشر محفوظ است.

بسم الله الرحمن الرحيم

سخن ناشر

آفتابی ست که تعالی فرهنگی و دستیابی به برج و باروی دانش و هنر جز با فرآوری و نشر و پخش آفرینش‌های دست و دماغ بشر میسر نمی‌شود و نیز توان‌گری و توان‌مندی زبان مادری جز با افزونی فرآورده‌های هوش و خرد مردم آن دیار به دست نمی‌آید. فرهنگ و مدنیت پربار این سرزمین به همت پیشینیان آگاه و روشن‌روان ما با چنین روی‌کردی به این نیرومندی و توان‌مندی رسیده و جابه‌جایی فرآورده‌های روح و روان گذشته‌گان ماست که امروزه، جامعه ما را از پیشینه مدنیتهایی پربار و شایسته‌یی بهره‌ور گردانیده است. با چشم داشت به این سنت پسندیده و شیوه شیرین دیرینه، فرهنگ‌یان جامعه و به‌ویژه نهادهای ادبی - فرهنگی کارگزاری دارند و گماشته‌گی که با تلاش و کوشش و پی‌گیری جدی می‌تواند به سامان برسد. یکی از این تکلیف‌ها چاپ و نشر داشته‌ها و آفریده‌های نسل‌های امروز برای تداوم، پایایی و بلندپایه‌گی فرهنگی و رسانیدن به آینده‌گان است. با چنین باوری انجمن ادبی هرات - که از سال ۱۳۰۹ خورشیدی به این مهم پی‌برده و به نشر و پخش آفریده‌های این مرز و بوم در قالب نشریه‌ها و مجله‌ها پرداخته - و اکنون نیز بر همان رسم دیرین، برآن‌ست تا آثار پژوهشی و هنری، آفرینش‌گران این دیار فرهنگ‌دوست و دانش‌پرور را - به اندازه توش و توان خود - به چاپ و نشر بسپارد.

این بار اقدام به نشر «شعر معاصر افغانستان» اثر دکتور اسماعیل سویلمز نویسنده و پژوهشگر معاصر ترکی نموده‌ایم. در مورد ادبیات معاصر کشور و شعر معاصر، کارهای پژوهشی مختلفی صورت گرفته است که هر کدام از زاویه‌یی به این امر پرداخته‌اند. گاهی نگاه‌ها بیشتر به مرکز کشور معطوف مانده و به بزرگ‌شهرها نیز نیم‌چه نگاهی افکنده‌اند؛ برخی به یکی از بزرگ‌شهرها پرداخته‌اند و کار خویش را معطوف به همان شهر نموده‌اند؛ عده‌یی هم تنها همان پرداخت به بزرگ‌شهرها و مرکز را به شعر کل افغانستان تعمیم بخشیده‌اند.

بنابراین تا هنوز جای یک پژوهش ژرف و جامع در مورد شعر معاصر افغانستان خالی است. آقای دکتور سویلمز با نگاهی غیرجانبدارانه و منطقی به شعر معاصر افغانستان نموده و به معرفی مختصر برخی از شاعران برجسته - تا جایی که منابع شان یاری می‌داده - پرداخته‌اند. ایشان نیز، در برخی موارد که نتوانسته‌اند نمونه کلام شاعر را پیدانمایند، به ذکر نام تعدادی از شاعران آن دوره، اکتفا نموده‌اند. این کار برای کسانی که خواسته باشند آشنایی مختصری با شعر معاصر افغانستان پیداکنند، سخت غنیمت است - به ویژه که جناب دکتور این پژوهش را برای هموطنان خود در ترکیه انجام داده‌اند. این اثر می‌تواند تصویری نسبتاً روشنی از شعر معاصر افغانستان برای دانشجوی اهل ترکیه به دست دهد. زبان ترجمه اثر، زبانی رسا و روشن است و دانشجو رابطه بسیار راحتی با آن می‌تواند، برقرار کند. همین امر باعث شد که این اثر به زبان فارسی در ایران نیز ترجمه شود، تا از این طریق بتواند در خدمت دانش‌جویان رشته زبان و ادبیات فارسی در افغانستان نیز قرار بگیرد. با توجه به فشرده‌گی مطالب و روانی نثر ترجمه، دانش‌جوی افغانستانی نیز می‌تواند رابطه خوبی با متن برقرار نماید و تصویری فشرده از شعر معاصر کشورش به دست آورد. افزون بر این، خواندن این اثر برای منی که سال‌هاست با ادبیات سروکار دارم و در زمینه ادبیات معاصر کشور کتاب‌ها خوانده‌ام، خالی از فایده نبود. به گونه‌یی که در متن اثر به نکته‌هایی تازه‌یی مواجه شده‌ام که تا زمان خوانش این کتاب، با آن آشنا نبوده‌ام.

باتوجه به آنچه گفته‌ام، انجمن ادبی هرات بر خود لازم دید، تا این اثر ترجمه شده به زبان فارسی در ایران چاپ و نشر نماید، تا هم زمینه آشنایی علاقه‌مندان به شعر معاصر کشور را از دیدگاه یک پژوهشگر غیرافغانستانی بداند و به ویژه که فشرده‌گی، ساده‌گی و رسایی اثر زمینه‌ساز این امر است که بیشتر دانش‌جویان رشته فارسی در ایران بتوانند، استفاده نمایند. با این حساب جا دارد که نوشتن این اثر مفید و ارزشمند و چاپ نثر ترجمه آن را برای جناب دکتور اسماعیل سویلمز تبریک بگوییم.

چاپ این اثر چند حسن دارد، نخست این که با کار یک پژوهشگر ترکی و میزان علاقه‌مندی ایشان به زبان فارسی در ایران آشنا می‌شویم. دودیدگر، دانش‌جویان ما تصویری روشن و بی‌طرفانه از شعر معاصر افغانستان حاصل می‌نمایند و سه‌دیگر این که این اثر برای استادان و پژوهشگران نیز فرصتی می‌دهد تا دنبال پژوهش‌های عمیق‌تر و گسترده‌تر در زمینه شعر معاصر کشور و فراتر از آن، ادبیات معاصر افغانستان، باشند.

هیأت رهبری انجمن ادبی هرات بر خود لازم می‌داند تا سپاس و قدردانی داشته باشد از دکتور عرفات دنیز که این اثر را در اختیار انجمن ادبی هرات قرار داده‌اند و زمینه نشر این اثر پژوهشی را نیز میسر ساخته. افزون بر این، انجمن ادبی هرات رسالت و مسؤولیت خود می‌داند که تا به

یاری خداوند دانش پرور و هنرمند آفرین آثار بیش تر و متنوع تری از نویسندگان میهنی و دیدگاه پژوهشگران دیگر دنیا، از زبان های دیگر به ویژه آن زبان ها که زیرساخت فرهنگ و تمدن مشترک اسلامی و انسانی ما را حمل می نمایند، به دست نشر بسپارد- به خصوص که آن اثر در مورد فرهنگ و ادبیات کشور خودمان باشد. ان شاء الله تعالی

انجمن ادبی هرات

بهار ۱۴۰۵

پیش‌گفتار

افغانستان، سرزمینی که محمد اقبال آن را «قلب آسیا» نامیده است، از دیرباز گهوارهٔ ادب مشرق زمین بوده است. این سرزمین در سدهٔ اخیر نیز این جایگاه خود را حفظ کرده و شاعران بزرگ و ارزشمندی را پرورده است. تاریخ افغانستان، با شعر درآمیخته است و در دوره‌های مختلف، شاعرانی پدید آمده‌اند که در تاریخ شعر جهان، جایگاه ویژه‌ی یافته‌اند. افغانستان که در میانهٔ حوزهٔ فارسی‌زبان از هند تا آناتولی قرار دارد، در گذر تاریخ شاعرانی چون حنظله بادغیسی، شهید بلخی، مولانا جلال‌الدین بلخی، ظهیر فاریابی، سنایی، جامی، نوایی، آصفی، واصل، ندیم، آزاد، قاری و مستغنی را تقدیم کرده است؛ نام‌هایی که در تاریخ ادب با احترام یاد می‌شوند.

پدیدآمدن چنین شاعران بزرگی در افغانستان، ریشه در نظام آموزش سنتی این سرزمین دارد. آموزش در مکتب‌های خانه‌گی و حلقه‌های درسی آغاز می‌شود و در مدرسه‌ها و مساجد ادامه می‌یابد. در این مراکز، علاوه بر علوم دینی، زبان و ادبیات فارسی و عربی نیز آموزش داده می‌شود. همین حلقه‌های درسی بودند که پیوند میان ادبیات کلاسیک و ادبیات نوین افغانستان را برقرار کردند. در این مدرسه‌ها و مساجد، آثاری چون دیوان حافظ، حدیقهٔ سنایی غزنوی، مثنوی مولانا، و بوستان و گلستان سعدی همچون کتاب درسی تدریس می‌شود.

در کنار آموزش در مکتب‌های خانه‌گی، مساجد و مدرسه‌ها، سنتی به نام انجمن‌های شعر و دیوان‌خوانی نیز وجود دارد. از روزگاران کهن، محافل شعر در افغانستان می‌شود، اما از دورهٔ تیمورشاه به بعد، این انجمن‌ها بیش‌تر به خواندن شعرهای ابوالمعانی بیدل اختصاص یافت. نزدیکی جغرافیایی با هند - مرکز سبک هندی - و روابط فرهنگی دیرینه، جایگاه ویژه‌ی بیدل در تاریخ شعر افغانستان بخشید. محافل بیدل‌خوانی به تدریج به یک مایهٔ فخر ملی بدل شد و نه تنها در دربار پادشاهان و امیران، بلکه نزد شاعران بزرگی چون غلام‌محمد طرزی نیز ادامه

یافت. برخی پژوهشگران برای تأکید بر نقش بیدل و سبک هندی در شعر افغانستان، این پدیده را «بیدلیسم» نامیده‌اند.

در دوره دوست محمد خان (۱۸۳۵-۱۸۶۳ میلادی) برخی شاعران به سبک خراسانی و عراقی گرایش یافتند، اما نفوذ سبک هندی همچنان ادامه یافت. در عهد شیرعلی خان (۱۸۶۳-۱۸۷۹ میلادی)، افغانستان نخستین بار با جهان بیرون ارتباط گرفت. روزنامه شمس‌النهار به پیش‌نهاد سید جمال‌الدین افغانی منتشر شد و به‌مثابه پنجره‌یی به سوی جهان بود. سپس در عهد حبیب‌الله خان، انتشار روزنامه‌های سراج‌الانخبار و ارشادالنساء پیوندهای فرهنگی و ادبی با بیرون را بیشتر کرد.

با انتشار سراج‌الانخبار، آثار برجسته ادبیات غرب از طریق ترجمه از ترکی به فارسی در افغانستان منتشر شد. با تأسیس دارالترجمه ترکی، آثار بسیاری از ترکی به فارسی برگردانده شد و زمینه پیدایش موضوع‌های تازه در ادبیات افغانستان فراهم گردید. محمود طرزی که مدتی در استانبول زیسته و زیر تأثیر شدید سید جمال‌الدین افغانی بود، با بازگشت به کابل در ۱۹۰۱ میلادی، راه تازه‌یی در ادبیات گشود و به این سبب، «پدر شعر معاصر افغانستان» خوانده شد. در عهد حبیب‌الله خان (۱۹۰۱-۱۹۱۹ میلادی) با تأسیس لیسه حبیبیه و افزایش شمار فارغان آن، جنبش نوگرایی شتاب گرفت. سپس در عهد امان‌الله خان (۱۹۱۹-۱۹۲۹ میلادی)، نهادینه شدن ادبیات معاصر، این جریان را گسترده‌تر ساخت. در عهد نادرشاه (۱۹۲۹-۱۹۳۳ میلادی)، با گشایش دانشگاه کابل و تأسیس انجمن ادبی کابل و نشر مجله کابل و همزمان در هرات با تأسیس انجمن ادبی هرات و نشر مجله هرات، ادبیات معاصر افغانستان رونقی تازه یافت. در دوره ظاهرشاه (۱۹۳۳-۱۹۷۳ میلادی) نیز با انتشار نشریات تازه‌یی چون انیس، اتحاد مشرقی، طلوع افغان، مجله اردو، مجله صحی و ارشادالنساء، ادبیات نوین افغانستان رشد چشمگیری کرد و با ترجمه‌هایی از ترکی، انگلیسی، اردو، فرانسوی، روسی و آلمانی، با ادبیات جهان پیوند یافت. شاعران برجسته‌یی چون آینه، الهام، بارق شفیع، توفیق، محمود فرانی و لایق، در پرورش شعر معاصر نقش مهمی ایفا کردند.

این مرحله رشد در روند مدرن‌سازی تا کودتای نظامی سال ۱۹۷۳ میلادی ادامه یافت. محمود طرزی در مدت اقامتش در ترکیه، تحت تأثیر ادبیات ترکی، شیوه نوینی را تجربه کرد که در مدت کوتاه طرفداران زیادی پیدا نمود. شعرهایی که محمود طرزی در ترکیه با آن‌ها آشنا شد و از ادبیات ترکی تأثیر گرفت، باعث شد در ادبیات افغانستان، ادبیات مدرن پدید آید و توسعه پیدا کند.

در این دوره، چون اکثریت شاعران در قالب سبک کلاسیک به سرودن آغاز کردند، در آثار نوگرایانه آنان نیز تأثیرات سبک کلاسیک - به ویژه در بخش قافیه و وزن - دیده می‌شود. اما به

تدریج تاثیرگذاری ادبیات کلاسیک ضعیف شد و از میان رفت و در هرجهت، فهم و درک تازه و نوی از شعر و ادبیات پدیدار گشت. محمود طرزی، که پیشگام این دگرگونی بود، بر این باور بود که در شعر معاصر باید از زبان عامه و حتی لهجه‌ها استفاده شود.

در شعر این دوره، موضوعاتی چون میهن‌دوستی، آزادی، عدالت خواهی و استعمارستیزی به شکل گسترده مطرح گردید. همچنان در این آثار، مضامین ملی‌گرایی در پیوند با مسایل سیاسی و اجتماعی به گونه پرنرنگ بازتاب یافت.

با نشر سراج‌الانخبار در آغاز سده ۱۹۰۰ میلادی - نشریه‌یی که به دو زبان رسمی امروز افغانستان، فارسی و پشتو، منتشر می‌شد و هدف آن همگامی هر دو ادبیات بود - شعر معاصر افغانستان مسیری گام نهاد که با واقعیت تنوع قومی و زبانی این کشور هماهنگی داشت.

با توجه به وجود دو زبان رسمی افغانستان و همچنین زبان‌های مختلفی که در سراسر این کشور صحبت می‌شوند، پرسشی مطرح است مبنی بر این‌که وقتی از شعر افغانستان سخن گفته می‌شود، منظور کدام زبان است. همچنین، مسئله نام‌گذاری یکی از این زبان‌های رسمی، یعنی فارسی، نیز مورد بحث است. در ایران به این زبان فارسی گفته می‌شود، در تاجیکستان تاجیکی و در افغانستان مدتی فارسی و مدتی هم دری نامیده شده است. این بحث‌ها پرسشی را پیش می‌آورد که آثار ادبی نوشته شده به زبان فارسی، در واقع متعلق به کدام زبان است.

به نظر ما، منطقی‌ترین و بدون مشکل‌ترین راه حل، جست‌وجو در تاریخ ادبیات است. زیرا می‌توان دید که در تاریخ ادبیات تاجیکی، دری و فارسی، تمامی نام‌های نمادین، یک‌سان هستند و آثار این شخصیت‌ها هم در تاریخ ادبیات فارسی، هم در تاریخ ادبیات تاجیکی و هم در تاریخ ادبیات دری یاد شده است. در رأس این نام‌ها، مولانا، رودکی، سنایی و نظامی قرار دارند که امروز هم توسط افغانستان، هم ایران و هم تاجیکستان مورد احترام و مالکیت فرهنگی قرار گرفته‌اند و در اوج تاریخ ادبیات جایگاه یافته‌اند.

در این تحقیق، شعر فارسی در ادبیات معاصر افغانستان مورد بررسی قرار گرفته و شاعران معاصر افغانستان که به زبان فارسی شعر گفته‌اند، معرفی شده‌اند. برای یک بررسی جامع از ادبیات افغانستان، باید به آثار تولید شده به زبان‌های دیگر نیز پرداخته شود. بنابراین، لازم به یادآوری است که این تحقیق شامل تمام ادبیات افغانستان نیست و تنها بخش فارسی آن را دربر می‌گیرد. فارسی به لحاظ تعداد گویشوران مادری توسط بیش از نیمی مردم افغانستان (تاجیک‌ها و هزاره‌ها) استفاده می‌شود و در عین حال زبان مشترک ارتباطی در سراسر کشور است، که این امر دلیل اصلی انتخاب فارسی در این تحقیق است.

علاوه بر بحث‌های پیشین، لازم است به مسئله دست‌بندی و دوره‌بندی تاریخ ادبیات

افغانستان نیز پرداخته شود. چه توسط پژوهشگران افغانستان و چه توسط پژوهشگران خارج از کشور، به‌ویژه پژوهشگران غربی، در آثار تحت عنوان تاریخ ادبیات افغانستان، بحث‌های گسترده‌ی درباره‌ی دوره‌بندی مشاهده می‌شود. هنوز در نگارش تاریخ ادبیات افغانستان، دسته‌بندی دوره‌ی مورد توافق همه‌گانی وجود ندارد. در این تحقیق، همان‌طور که در سنت رایج است، دسته‌بندی زمانی (کرونولوژیک) مبنا قرار گرفته و شاعران بر اساس تاریخ تولدشان طبقه‌بندی شده‌اند.

تعداد زیادی تحقیق درباره‌ی ادبیات و شعر افغانستان به زبان‌های فارسی، انگلیسی، روسی و عربی انجام و منتشر شده است؛ اما در ترکیه تاکنون تحقیقی به زبان ترکی درباره‌ی شعر معاصر افغانستان انجام نشده است، که همین امر دشواری و اهمیت این تحقیق که نخستین بار در این بخش هست را، نشان می‌دهد. علاوه بر دشواری دست‌رسی به منابع در ترکیه، مشکلات دست‌رسی به منابع در خود افغانستان نیز مانع بزرگی برای پژوهشگران این حوزه است.

علاوه بر این‌ها، به دلیل تحرکات سیاسی در افغانستان، ناآرامی‌ها و مشکلات امنیتی، مهاجرت‌های گسترده‌ی رخ داده و به وجود آمدن ادبیات دیاسپورا نیز قابل توجه است. با توجه به این واقعیت، می‌توان درک کرد که قلمرو و مسؤلیت یک تحقیق درباره‌ی تاریخ ادبیات یا تاریخ شعر افغانستان چه قدر گسترده و سنگین است. امروز افغانستان دارای چندین جامعه‌ی دیاسپورای متفاوت است؛ پاکستان، ایران، اروپا، آمریکا، استرالیا و به تدریج ترکیه ... شرایط زندگی اجتماعی و امکانات، به اندازه‌ی زندگی روزمره، زنده‌گی فکری دیاسپورا را نیز شکل می‌دهد. در این مکان‌های جدید، تحت تأثیر شرایط محیطی، نظام فکری جدیدی شکل می‌گیرد و تصور شکل گرفته با تصویری متناسب با جغرافیا به سخن تبدیل می‌شود و سخن به دنیای بیرون منتقل می‌شود.

به دلیل این شرایط، عناوینی مانند شعر افغانستان در پاکستان، شعر افغانستان در ایران، شعر افغانستان در اروپا، شعر افغانستان در آمریکا و شعر افغانستان در ترکیه نیز مطرح شده است. ابتدا باید گفت که شعر افغانستان امروز به دو بخش داخلی و خارجی تقسیم می‌شود. شعر افغانستان در داخل و خارج کشور همچنین باید بر اساس تنوع زبانی شان دسته‌بندی شود. این اشعار به زبان‌های فارسی، پشتو و ترکی نوشته شده و این تنوع در دیاسپورا نیز دوام دارد. برای درک مفهوم دیاسپورا در مورد افغانستان، یادآوری این نکته ضروری است که در سال ۱۹۷۹ میلادی، با اشغال افغانستان توسط اتحاد جماهیر شوروی، حدود دومیلیون و هشتصد هزار نفر به پاکستان، یک میلیون و پنجمصد هزار نفر به ایران مهاجرت کردند و ده‌ها هزار نفر دیگر به ترکیه، هند، اروپا، آمریکا، استرالیا و کشورهای عربی پناهنده شدند.

تحقیق درباره تاریخ شعر معاصر افغانستان باید هم به جریان‌های شعری که در داخل افغانستان ادامه دارند، بپردازد و هم به جریان شعری که در خارج از کشور نوشته شده و در حال تکامل است، دست‌یابد.

به دلیل این دشواری‌ها، تحقیقی که با عنوان تاریخ ادبیات افغانستان آغاز شده بود، به دلیل لزوم محدودکردن موضوع، به تاریخ شعر افغانستان تبدیل شده و با درنظر گرفتن زمان و دامنه تحقیق، محدود به شعر معاصر افغانستان شده است.

در این تحقیق، که با عنوان شعر معاصر افغانستان منتشر شده، با توجه به بحث‌های مربوط به دوره‌بندی ادبیات افغانستان، به اساس زمان آغاز و پایان روند مدرن شدن افغانستان یعنی ۱۹۰۱ تا ۱۹۷۳ میلادی مبنا قرار گرفته است. سال ۱۸۶۳ میلادی سالی است که امیر شیرعلی خان به تخت نشست و سال ۱۹۷۳ میلادی سالی است که داوود خان در افغانستان کودتای نظامی انجام داد. اطلاعات مربوط به قبل از سال ۱۸۶۳ میلادی در تحقیق ادبیات کلاسیک افغانستان و اطلاعات بعد از سال ۱۹۷۳ میلادی نیز در تحقیق ادبیات معاصر افغانستان مورد ارزیابی قرار گرفته‌اند.

در بخش مقدمه تحقیق، پس از ارائه اطلاعات کوتاه تاریخی از تأسیس افغانستان در سال ۱۷۴۷ میلادی، دوره پیش از مدرن شدن که به عنوان مرحله آماده‌سازی دوره مدرن ارزیابی شده، ارائه شده و سپس دوره مدرن مورد بررسی قرار گرفته است. در دسته‌بندی دوره‌ها، همان‌طور که سنت مرسوم است، بخش‌های سیاسی مبنا قرار گرفته و برای هر دوره به ترتیب وضعیت سیاسی، وضعیت اجتماعی و وضعیت ادبی ارائه شده و سپس ویژگی‌های شعر آن دوره و شاعران دوره مورد بررسی قرار گرفته‌اند. در معرفی شعر و شاعران هر دوره، تلاش شده است، تا شاعرانی معرفی شوند که به ویژه در محیط‌های سراج‌ال‌اخبار و اخوان‌الافغان و همچنین انجمن ادبی کابل، مجله کابل، انجمن ادبی هرات و مجله هرات گرد آمده‌اند و با ارائه آثار خود در راستای هدف و نگرش مشترک، برجسته شده‌اند و هم بر دوره خود و هم بر دوره‌های بعدی تأثیر گذاشته‌اند. برخی از شاعران، تاریخ فوتشان مشخص نشده و برخی دیگر همچنان زنده‌اند، بنابراین شاعران هر دوره بر اساس تاریخ تولدشان به ترتیب زمانی مرتب شده‌اند.

همچنین به دلیل مشکلات منابع، تاریخ انتشار اولین آثار همه شاعران قابل تعیین نبوده است؛ بنابراین در دسته‌بندی دوره‌بی، تاریخ انتشار اولین اثر، مرکز توجه نبوده و تاریخ تولد شاعر مبنا قرار گرفته است. در دسته‌بندی کروئولوژیک بر اساس تاریخ تولد، این موضوع توسط تاریخ ادبیات نویسان، مورد بحث قرار گرفته که شاعر باتوجه به زمان فعالیتش در چه دوره‌بی قرارگیرد. به ویژه در دوره معاصر که انتقالات دوره‌ها بسیار سریع است، این بحث به شکل گسترده‌تری مشاهده می‌شود. این عدم قطعیت تنها با تعیین تاریخ انتشار اولین آثار شاعران و مشخص شدن

نقش آن‌ها در شعر هردوره برطرف خواهد شد.

در این کتاب، این موضوع تثبیت شده است که بین سال‌های ۱۸۶۳ تا ۱۹۷۳ میلادی، سیصد و هفتاد و هشت شاعر زنده‌گی کرده و اثر ادبی تولید کرده است. اما در بخش ویژه‌گی‌های شعر این دوره و شاعران آن، به زنده‌گی‌نامه و نمونه‌های شعری نود و شش شاعر پرداخته شده است که در زمان خود با شعرهایشان برجسته‌گی یافته و نماینده ادبی آن دوره محسوب می‌شوند. منابع در دست‌رس برای دو صد و هشتاد و دو شاعر دیگر که اطلاعات کافی در موردشان موجود نبوده یا در دوره خود برجسته نشده‌اند، در بخش شاعران دیگر هردوره، برای اطلاع پژوهشگران ارایه شده است. از میان سیصد و هفتاد و هشت شاعر، نود و شش شاعری که به اساس تأثیرگذاری بر دیگران انتخاب شده است، ابتدا زنده‌گی‌نامه آنان شامل تاریخ تولد، خانواده، تحصیلات، مشغولیت و شخصیت ادبی به همراه آثارشان معرفی شده است، سپس نمونه‌یی از شعر برجسته هر شاعر ارایه گردیده است تا سبک و محتوای شعر او واضح شود.

به ویژه در دوره اخیر، به دلیل تحولات جاری در افغانستان، تعطیلی دانشگاه‌ها و کتابخانه‌ها و محدودیت دست‌رسی به منابع، باعث شده است تا اطلاعات کافی درباره برخی شاعران در دست‌رس نباشد. با این حال، به دلیل اهمیت اولین پژوهش در این حوزه، هراطلاعات قابل دست‌رسی گردآوری و در بخش شاعران دیگر هردوره، آورده شده است. همچنین برای کمک به پژوهشگران، منابع فارسی نیز در بخش منابع ارایه گردیده است.

با وجود تمامی دشواری‌ها، در این مطالعه، از منابع مهمی بهره برده شده است: از جمله مرکز معلومات افغانستان در دانشگاه کابل (ACKU) که توسط کتاب‌خانه‌های دانشگاه آریزونا پشتیبانی می‌شود و مجموعه دیجیتال افغانستان را ارایه می‌دهد، و همچنین منابعی که از تهران و کابل تهیه شده‌اند.

این دشواری‌ها دلیل ناتوانی انجام مطالعه‌یی ادبیات و شعر افغانستان در ترکیه را، تا امروز روشن می‌سازد. با وجود این که امید می‌رود این پژوهش که با دشواری‌ها آغاز شده است، جای خالی مهمی در این حوزه را پُر کند، بازهم احتمال دارد که برخی کاستی‌ها در آن وجود داشته باشد. بیان و یادآوری هرگونه کمبود، به ما کمک خواهد کرد تا چاپ بعدی آن با خطاهای کمتری منتشر شود.

در طول این پژوهش که مدت زیادی به طول انجامید، همسر عزیزم عایشه گل سویلمز، در حالی که از وقت گذاشتن به او کاسته بودم، با خواندن نهایی کتاب از من حمایت کرد، و همچنین از میرزا آرام و علی‌عمر که هر شب با پرسیدن «کتاب افغانستان تمام شد؟» در را به روی من باز می‌کردند، به خاطر صبرشان سپاسگزاری می‌کنم. همچنین از دوستان ارزشمند دکتر

زاهده پارلار و دکتر عمر اویان که خواندن نهایی کتاب و آرایه پیشنهادهای اصلاحی را برعهده داشتند، و از دوست گرانقدر و انسان نیکو، دانشیار دکتر موسی بالچی که با صبر ویرایش این کتاب را به عهده گرفته بود، قدردانی و سپاس‌گزاری می‌کنم.

دکتر اسماعیل سویلمز

فهرست

سخن ناشر.....	۵
پیش‌گفتار.....	۹
مقدمه.....	۲۱
ادبیات افغانستان.....	۲۳
ادبیات پشتوی افغانستان.....	۲۴
ادبیات ازبکی افغانستان.....	۲۶
ادبیات ترکمنی افغانستان.....	۲۷
دورهٔ پیش از مدرنیته (۱۷۴۷ - ۱۸۶۳).....	۲۹
۱. دورهٔ تأسیس (۱۷۴۷ - ۱۸۰۱).....	۲۹
وضعیت سیاسی.....	۲۹
وضعیت اجتماعی.....	۳۰
وضعیت ادبی.....	۳۰
۲. دورهٔ جنگ‌ها و استقلال (۱۸۱۱ - ۱۸۶۳).....	۳۰
وضعیت سیاسی.....	۳۰
وضعیت اجتماعی.....	۳۱
وضعیت ادبی.....	۳۲
ویژه‌گی‌های شعر این دوره.....	۳۵
دوران مدرن‌سازی (۱۸۶۳ - ۱۹۷۳).....	۳۷
۱. امیر شیرعلی خان و دورهٔ جمال‌الدین افغانی (۱۸۶۳ - ۱۸۷۹).....	۳۷
وضعیت سیاسی.....	۳۷
وضعیت اجتماعی.....	۳۹
وضعیت ادبی.....	۴۰
روزنامهٔ شمس‌النهار.....	۴۰
بازشدن مکتب‌های جدید و فعالیت‌های نشراتی.....	۴۱
ویژه‌گی‌های شعر این دوره.....	۴۱
شاعران این دوره.....	۴۲
غلام محمد خان طرزی (۱۸۳۰ - ۱۹۰۰).....	۴۲
محمد اسماعیل سپاه‌گوزوک (۱۸۵۷ - ۱۹۴۵).....	۴۳

- ۴۴..... محمود طرزی(۱۸۶۵-۱۹۳۴).....
- ۴۷..... عبدالعلی خان مستغنی وردکی (۱۸۷۵ - ۱۹۳۳).....
- ۴۷..... اندرز به شعرای وطن.....
- ۴۸..... میر محمدعلی آزاد(۱۸۷۹-۱۹۴۴).....
- ۴۸..... شاعران دیگر این دوره (۱۸۶۳-۱۸۷۹).....
- ۵۱..... ۲. دوره امیر عبدالرحمن خان(۱۸۸۰-۱۹۰۱).....
- ۵۱..... وضعیت سیاسی.....
- ۵۱..... وضعیت اجتماعی.....
- ۵۲..... وضعیت ادبی.....
- ۵۳..... ویژه‌گی‌های شعر این دوره.....
- ۵۴..... شاعران این دوره.....
- ۵۴..... محمدکاظم بلبل(۱۸۸۳-۱۹۴۴).....
- ۵۵..... عبدالعزیز حیرت(۱۸۸۶-۱۹۵۸).....
- ۵۶..... حیرت.....
- ۵۶..... هاشم شایق(۱۸۸۷-۱۹۴۴).....
- ۵۷..... عبدالحق بیتاب (۱۸۸۸-۱۹۶۹).....
- ۵۸..... محمد انور بسمل(۱۸۸۸-۱۹۶۱).....
- ۵۹..... میرزا محمدشریف خسته‌دل(۱۸۸۹-۱۹۳۰).....
- ۶۰..... عبدالله احرار(۱۸۹۱-۱۹۸۳).....
- ۶۱..... میر غلام حیدر خادم پیر هرات(۱۸۹۳-۱۹۵۰).....
- ۶۱..... عبدالکریم احراری(۱۸۹۳-۱۹۸۴).....
- ۶۲..... غلام نبی عشق‌ری(۱۸۹۴-۱۹۷۹).....
- ۶۳..... صلاح الدین سلجوقی(۱۸۹۵-۱۹۷۰).....
- ۶۴..... عبدالهادی پریشان داوی(۱۸۹۵-۱۹۸۲).....
- ۶۵..... غلام جیلانی جلالی(۱۸۹۵-۱۹۷۸).....
- ۶۶..... محمدابراهیم خلیل(۱۸۹۶-۱۹۸۴).....
- ۶۸..... غلام جیلانی اعظمی(۱۸۹۸-۱۹۵۵).....
- ۶۸..... محمد داوود حسینی (۱۸۹۹ - ۱۹۷۹).....
- ۶۹..... شاعران دیگر این دوره(۱۸۸۰-۱۹۰۱).....
- ۷۱..... ۳. دوره حبیب‌الله خان و امان‌الله خان و پس از آن(۱۹۰۱-۱۹۷۳).....
- ۷۱..... وضعیت سیاسی.....
- ۷۳..... وضعیت اجتماعی.....
- ۷۵..... وضعیت ادبی.....
- ۷۸..... سراج‌الآخبار.....
- ۸۰..... امان افغان.....
- ۸۱..... مجله انیس.....
- ۸۱..... تأثیر روزنامه‌ها و مجلات.....
- ۸۲..... انجمن‌های ادبی این دوره.....
- ۸۲..... انجمن ادبی کابل.....
- ۸۲..... انجمن ادبی هرات.....
- ۸۴..... خصوصیات شعر این دوره (۱۹۰۱ - ۱۹۷۳).....
- ۸۶..... شاعران این دوره.....
- ۸۷..... محمد عثمان پریشان(۱۹۰۱-۱۹۳۸).....
- ۸۷..... غلام احمد نوید(۱۹۰۱-۱۹۸۴).....
- ۸۸..... سید شمس‌الدین حیران تولکی(۱۹۰۱-۱۹۷۱).....
- ۸۹..... عبدالصمد جاهد(۱۹۰۲-۱۹۸۰).....

- عبدالواحد بهره هروی (۱۹۰۲-۱۹۸۵)..... ۹۰
- سرور جویا (۱۹۰۲-۱۹۵۱)..... ۹۱
- عبدالمجید احراری آسان (۱۹۰۳-۱۹۸۶)..... ۹۱
- بو بوجان حلیمه (۱۹۰۳-۱۹۶۶)..... ۹۲
- نیک احمد بلبل (۱۹۰۳-؟)..... ۹۳
- غلام سرور دهقان (۱۹۰۳-۱۹۷۵)..... ۹۳
- زمان الدین جیحون (۱۹۰۴-۱۹۹۹)..... ۹۴
- محمد کریم جلوه نزیهی (۱۹۰۴-۱۹۸۴)..... ۹۵
- قیام الدین خادم (۱۹۰۶-۱۹۷۹)..... ۹۶
- میرزا عبدالملک پهلوان غوری (۱۹۰۶-۱۹۵۲)..... ۹۷
- سید احمد بینا (۱۹۰۷-؟)..... ۹۸
- خلیل الله خلیلی (۱۹۰۷-۱۹۸۷)..... ۹۸
- عبد الغفور برشنا (۱۹۰۸-۱۹۸۲)..... ۱۰۱
- عبد الستار تنها کابلی (۱۹۰۸-۱۹۹۳)..... ۱۰۲
- قاری عبدالله (۱۸۶۸-۱۹۴۳)..... ۱۰۳
- گل پاچا الفت (۱۹۰۹-۱۹۷۷)..... ۱۰۴
- عبدالحی حبیبی (۱۹۱۰-۱۹۸۲)..... ۱۰۵
- شاه عبدالله بدخشی یمکی (۱۹۱۲-۱۹۴۸)..... ۱۰۶
- صفر علی امینی (۱۹۱۲-۱۹۷۰)..... ۱۰۷
- میر نجم الدین انصاری (۱۹۱۲-۱۹۷۱)..... ۱۰۸
- غلام علی امید (۱۹۱۲-۱۹۸۵)..... ۱۰۹
- حفیظ الله الیم (۱۹۱۳-۱۹۹۵)..... ۱۰۹
- باقی قایل زاده (۱۹۱۳-۱۹۶۱)..... ۱۱۰
- عبد الحسین توفیق (۱۹۱۳-۱۹۹۱)..... ۱۱۱
- میر امین الدین انصاری (۱۹۱۳-؟)..... ۱۱۲
- علی اصغر بشیر هروی (۱۹۱۵-۱۹۸۱)..... ۱۱۳
- امیر محمد اسیر (۱۹۱۵-۱۹۸۹)..... ۱۱۴
- محمد عبدالحمید اسیر «قندی آغا» (۱۹۱۵-۱۹۹۴)..... ۱۱۴
- سید اسماعیل بلخی (۱۹۱۶-۱۹۶۸)..... ۱۱۵
- عبدالرزاق امیدی هروی (۱۹۱۷-۱۹۷۸)..... ۱۱۶
- محمد آصف سهیل (۱۹۱۷-؟)..... ۱۱۶
- رقیة ابوبکر (۱۹۱۸-۲۰۰۲)..... ۱۱۷
- عبدالرحمن پژواک (۱۹۱۸-۱۹۹۵)..... ۱۱۹
- امان الله افضلی نطقی (۱۹۱۸-؟)..... ۱۲۰
- محمد یوسف آیینه (۱۹۲۰-۲۰۰۱)..... ۱۲۱
- عبد اللطیف آریان (۱۹۲۱-؟)..... ۱۲۳
- خلیل الله (۱۹۲۴-؟)..... ۱۲۴
- محمد آصف آهنگ (۱۹۲۵-۲۰۱۵)..... ۱۲۴
- مولوی محمد حنیف بلخی (۱۹۲۶-۲۰۱۰)..... ۱۲۵
- محمد رحیم الهام (۱۹۲۹-۲۰۰۲)..... ۱۲۶
- صالح محمد افضل افندی (۱۹۳۱-۲۰۰۴)..... ۱۲۷
- محمد باریق شفیعی (۱۹۳۱-۲۰۱۶)..... ۱۲۸
- عبد الجبار توکل هروی (۱۹۳۴-...)..... ۱۳۰
- عبدالله شفیقی (۱۹۳۴-۲۰۲۰)..... ۱۳۱
- محمد نادر خرم (۱۹۳۵-۲۰۱۷)..... ۱۳۱
- عبدالرووف پاییز حنفی (۱۹۳۷-۱۹۷۹)..... ۱۳۳
- شیر احمد نصری حق شناس (۱۹۳۸-۲۰۱۸)..... ۱۳۳
- محمد انور ترابی (۱۹۳۹-؟)..... ۱۳۴

۱۳۵.....	غلام حیدر حیدری وجودی (۱۹۳۹-۲۰۲۰).....
۱۳۶.....	مولانا خال محمد خسته (۱۹۰۴ - ۱۹۷۳).....
۱۳۷.....	واصف باختری (۱۹۴۱ - ...).....
۱۳۹.....	سید فضل احمد پیمان سوگوار (۱۹۴۱ - ۲۰۱۸).....
۱۳۹.....	خدیجۀ بلخی (۱۹۴۱ - ۲۰۱۵).....
۱۴۰.....	محمدعارف پژمان (۱۹۴۶ - ...).....
۱۴۱.....	لطیف ناظمی (۱۹۴۶ - ...).....
۱۴۲.....	رفعت حسینی (۱۹۴۹ - ...).....
۱۴۳.....	اسحاق دل جو حسینی (۱۹۴۹ - ...).....
۱۴۵.....	محمدعلی جاوید (۱۹۵۰ - ...).....
۱۴۶.....	محمدعاقل بیرنگ کوهدامنی (۱۹۵۱ - ۲۰۰۷).....
۱۴۷.....	سعادت ملوک تابش (۱۹۵۱-۲۰۱۰).....
۱۴۸.....	نصرالله پرتو نادری (۱۹۵۲ - ...).....
۱۴۹.....	محمد حلیم تنویر (۱۹۵۳ - ...).....
۱۵۰.....	جلیل شبگیر پولادیان (۱۹۵۵ - ...).....
۱۵۱.....	عبدالاحد تارشې (۱۹۵۶ - ...).....
۱۵۲.....	لاله زار روان.....
۱۵۲.....	قهار عاصی (۱۹۵۶ - ۱۹۹۴).....
۱۵۳.....	غلام حیدر اسیر هروی (۱۹۵۷ - ...).....
۱۵۴.....	عبدالغفور آرزو (۱۹۶۱ - ...).....
۱۵۵.....	ابوبکر یقین.....
۱۵۶.....	غوث الدین مستمند غوری هروی.....
۱۵۶.....	سید ضیاء الحق سخا.....
۱۵۷.....	برات علی فدایی.....
۱۵۷.....	مولوی سید محمد عمر شهید.....
۱۵۸.....	مولوی شیراحمد فائز.....
۱۵۸.....	محمدظاهر رستمی.....
۱۵۹.....	نادیا انجمن.....
۱۶۰.....	مولانا قاری فیض محمد دشتی فیضی.....
۱۶۰.....	محمد سعید مشعل غوری.....
۱۶۰.....	هروی.....
۱۶۱.....	محمد علم غواص.....
۱۶۱.....	حافظ محمد افضل شهیر.....
۱۶۲.....	فضل الله زركوب.....
۱۶۳.....	سید نورالحق صبا.....
۱۶۴.....	فضل الرحمن فقیهی.....
۱۶۵.....	احمد ضیاء رفعت.....
۱۶۶.....	محمد احسان پاک زاد (۱۹۶۱ - ...).....
۱۶۶.....	ثریا واحدی (۱۹۶۲ - ...).....
۱۶۷.....	لطیف پدram (۱۹۶۳ - ...).....
۱۶۸.....	ناهید بشردوست (۱۹۶۵ - ...).....
۱۶۹.....	عبدالسمیع حامد (۱۹۶۹ - ...).....
۱۷۰.....	شاعران دیگر این دوره (۱۹۰۱-۱۹۷۳).....
۲۰۱.....	نتیجه.....
۲۰۵.....	مآخذ.....

مقدمه

دولت افغانستان در سال ۱۷۴۷ میلادی بنیاد گذاشته شد. این سرزمین که تاریخ آن به هزاران سال پیش برمی‌گردد و امروز به نام افغانستان شناخته می‌شود، پس از آن‌که در نیمه دوم قرن هژدهم میلادی قوم افغان بر دیگران برتری یافت، افغانستان نامیده شد. واژه افغانستان به معنای «کشور افغان‌ها» است و در گذشته چندین ناحیه‌یی را که امروز جزو پاکستان می‌باشند نیز در برمی‌گرفت. افغانستان در موقعیتی قرار دارد که بر راه‌های هندوستان، ایران و آسیای میانه مسلط است.^۱

افغانستان کشور چندقومی، چندزبانی و چندفرهنگی است. در این سرزمین افغان‌ها (پشتون‌ها)، فارسی‌زبانان (تاجیک‌ها)، ترک‌ها، مغول‌ها و آریایی‌های هندوکش زنده‌گی می‌کنند. زبان‌های رایج در افغانستان عبارت‌اند از فارسی (فارسی دری)، پشتو، بلوچی و زبان‌های ترکی (ازبیک و ترکمنی). مردم افغانستان در زمان خلافت حضرت عثمان اسلام را پذیرفتند و اکثریت آنان مسلمانان سنی‌اند. در مورد شمار اقوام ساکن و زبان‌های رایج در افغانستان دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد، که نمی‌توان بر آن‌ها استناد جست و به این سبب از ذکر آمارهای نامعتبر و تأیید نشده درین جا پرهیز می‌گردد. اما از نگاه زبان به گونه تخمینی حدود ۵۰ تا ۶۰ درصد فارسی، ۳۵ درصد پشتو و ۵ تا ۱۵ درصد بلوچی، ترکی و دیگر زبان‌ها تکلم می‌شود.^۲

1. Tarzi, Abdulvehhab. «Afganiştan». İslâm Ansiklopedisi. Eskişehir: MEB, 1997. S.133 -

2. Öztürk, Rıdvan. «Kazım Emini'nin Şiirlerinden Hareketle Afganistan Özbek Şiirinde "Badarga" Teması». SUTAD, Sayı 49, 93-104, 2020. S.95 - DEİK. Afganistan Ülke Bülteni. 2012. Erişim: 15 Ocak 2022. https://www.deik.org.tr/ S. 1 - Rubin, R. Barnett. The Fragmentation of Afghanistan. New Haven: Yale University Press, 1995. S. 30 - Hamşioğlu, Oğuz. Afgan Modernleşmesi ve Türkiye (1880-1933). Yüksek lisans tezi, Ankara: Hacettepe Üniversitesi, Atatürk İlkeleri ve İnkılap Tarihi Enstitüsü, 2006. S. 106 - Dames, M. Longworth. «Afganiştan». İslam Ansiklopedisi. Eskişehir: MEB, 1997. S. 136 - 144.

افغانستان به دلیل موقعیت تاریخی و استراتژیک خود که در قلب قاره آسیا قرار دارد، همه‌واره کشوری با اهمیت راهبردی بوده است. به همین دلیل در طول سالیان متمادی با فشارها، یورش‌ها و اشغال‌های گوناگون روبه‌رو شده و مشکلات جدی را تجربه کرده است. این آشفته‌گی‌های سیاسی و تغییرات مکرر در اداره و قدرت، فرهنگ و ادب کشور را به گونه عمیق متأثر ساخته است. در روند شکل‌گیری افغانستان مدرن نیز این دشواری‌ها به خوبی احساس شده است.

در جریان ساخت هویت ملی در افغانستان، مسأله پذیرش فارسی به حیث یکی از زبان‌های رسمی نیز از همین مشکلات و دشواری‌ها تأثیر پذیرفته است. فشارها و مشکلات سبب شد که نام زبان فارسی به عنوان یکی از زبان‌های رسمی کشور چندین بار در قانون اساسی تغییر یابد. نخست «فارسی»، سپس «دری» و اینک دوباره بحث‌ها در مورد برگرداندن نام آن به «فارسی» مطرح شده است. بر بنیاد نیازها و خواست‌های متفاوت در روند ملت‌سازی، نام این زبان در ایران «فارسی»، در افغانستان «دری» و در تاجیکستان «تاجیکی» درج گردیده است.

تاریخ‌های ادبیات که در دوران دولت‌ها نوشته شده‌اند، شاعران و نویسندگان کلاسیک فارسی‌زبان چون رودکی، سنایی، عطار، مولانا و حافظ را به عنوان قله‌های تاریخ ادبیات یاد کرده‌اند. از همین رو، تاریخ ادبیات کلاسیک فارسی در سه کشور به گونه مشترک شکل گرفته است، اما در حوزه ادبیات معاصر تفاوت‌ها و جدایی‌های چشم‌گیری دیده می‌شود.

فارسی در تاریخ ادبیات افغانستان، در کنار حفظ جایگاه و اهمیت خود، هم‌زمان با زبان‌های دیگر کشور چون پشتو، بلوچی و ترکی (ازبکی و ترکمنی) همه‌واره نقش بسیار مهمی داشته است. در میان این زبان‌ها، فارسی پرکاربردترین و رایج‌ترین زبان است و پس از آن پشتو که دومین زبان رسمی کشور می‌باشد، قرار دارد. فارسی افزون بر این که زبان اکثریت گویشوران کشور است، به عنوان زبان مشترک ارتباطی نیز شناخته می‌شود؛ به گونه‌یی که گویشوران سایر زبان‌ها در افغانستان نیز فارسی را می‌دانند.

نام «دری» در گذشته برای لهجه شرقی زبان فارسی به کار می‌رفت، اما در جریان تاریخ، نام «فارسی» رواج بیشتر یافت و واژه «دری» کم‌کم به فراموشی سپرده شد.^۱ ادبیات کلاسیک فارسی که در سرزمین‌های افغانستان، ایران و تاجیکستان امروز، پدیدآمده، مشترک و یک‌سان است. همچنان روشن است که روند نوسازی و مدرنیته در هر سه کشور تقریباً هم‌زمان آغاز شد و نهادهای مدرن در دوره‌های نزدیک به هم گشوده شدند.

در روزگار جنبش مشروطه در ایران، در افغانستان نیز حرکت‌های فکری تازه‌یی شکل گرفت. در همین دوره نشریه‌ها و مجله‌هایی چون سراج‌الانباء، سراج‌الاطفال و ارشادالنساء منتشر گردیدند

۱. یاحقی، محمدجعفر. چون سبوی تشنه: تاریخ ادبیات معاصر فارسی. تهران: نشر جامی، ۱۳۷۵، ص ۲۹۹

و ترجمه‌هایی از ادبیات غربی آغاز شد.

در همین زمان، محمود طرزی (۱۸۶۵-۱۹۳۳ میلادی) که مدافع نوگرایی ادبی به سبک غربی بود، رمان‌ها، قصه‌ها و اشعار را که نخست از ادبیات غرب به ترکی ترجمه شده بود، از ترکی به فارسی برگرداند. او با نقد شعر کلاسیک، باورداشت که شعر باید به زبانی نوشته شود که مردم عادی آن را بفهمند. خودش نیز به همین شیوه شعر سرود و شاعران هم دوره خویش چون عبدالهادی داوی، عبدالعلی مستغنی و عبدالرحمن لودین را به این مسیر تشویق نمود.^۱

ادبیات افغانستان

در افغانستان دو زبان رسمی، فارسی (فارسی دری) و پشتو وجود دارد. در کنار این دو زبان رسمی، زبان‌های محلی فراوانی نیز در کشور تکلم می‌شوند. افغانستان به دلیل موقعیت مهمی استراتژیک، همه‌واره هم مردمانش مهاجر شده‌اند و هم مهاجر پذیرفته‌اند. این سرزمین در طول تاریخ میزبان اقوام گوناگون بوده و ساختار قومی آن بسیار متنوع است.

در نظام آموزشی افغانستان، آموزش به دو زبان رسمی فارسی و پشتو انجام می‌گیرد. فارسی که یکی از دوزبان رسمی کشور است، هم‌زمان زبان مشترک ارتباطی و پرکاربردترین زبان ادبی می‌باشد. فارسی در افغانستان همچنین به‌عنوان زبان دوم نویسنده‌گان و شاعرانی که به زبان‌های دیگر می‌نویسند، نیز جایگاه ویژه دارد. به دلیل پیشینه تاریخی و گسترده‌گی امروزی آن، ادبیات افغانستان در گام نخست به‌عنوان ادبیات فارسی شناخته می‌شود. فارسی در گذر تاریخ از هندوستان تا بالکان زبان پر قدرت ادبی بوده است؛ از همین رو بخشی از نویسنده‌گان این زبان، زبان مادری‌شان فارسی بوده و بخشی دیگر با وجود آن‌که زبان مادری‌شان متفاوت است، آثار خود را به فارسی نوشته‌اند. این امر در افغانستان نیز به شکل کامل آشکار است؛ ترک‌ها، پشتون‌ها و دیگر اقوام افغانستان در کنار زبان مادری‌شان، آثار ادبی خویش را به زبان فارسی که زبان مشترک ارتباطی و ادبی کشور است، نگاشته‌اند.

شهرهای مهم افغانستان عبارت‌اند از کابل، کندهار، هرات، جلال‌آباد، بلخ، تالقان، پلخمری، غزنی و خوست. افغانستان در مجموع سی و چهار ولایت دارد که در قالب چهار حوزه اداری تقسیم و اداره می‌شوند. در حوزه شرقی: کابل، ننگرهار، وردک، لوگر، لغمان، نورستان، کنر، پکتیکا، پکتیا، پنجشیر، کاپیسا، پروان، غزنی و بامیان قرار دارند. در حوزه شمالی: بلخ، فاریاب، سرپل، جوزجان، سمنگان، بغلان، کندز، تخار و بدخشان. در حوزه جنوبی: کندهار، زابل، هلمند، ارزگان، نیمروز و دایکندی. در حوزه غربی: هرات، بادغیس، غور و فراه شامل می‌شوند.

۱. یاحقی، محمدجعفر. چون سبوی تشنه: تاریخ ادبیات معاصر فارسی. تهران: نشر جامی، ۱۳۷۵، ص ۳۰۰

از نگاه فرهنگی، بلخ در شمال، کندهار در جنوب، هرات در غرب و جلال‌آباد در شرق به عنوان مراکز مهم فرهنگی شناخته می‌شوند، این درحالی‌ست که کابل به حیث پایتخت، به لحاظ اداری، اقتصادی و فرهنگی مهم‌ترین شهر کشور به‌شمار می‌رود. در این ولایات، افزون بر دو زبان رسمی، زبان‌های دیگر نیز رایج است. بر اساس اصلاحات قانون اساسی در سال‌های اخیر، در کنار زبان‌های رسمی، امکان نشر رسانه‌های دولتی و خصوصی، تاسیس مکتب‌ها و کورس‌ها، و چاپ کتاب، مجله و روزنامه به زبان‌های دیگر نیز فراهم گردیده است.

در ماده چهارم قانون اساسی افغانستان به گونه رسمی چهارده گروه قومی شناخته شده‌اند. این‌ها عبارت‌اند از: پشتون، تاجیک، هزاره، ازبیک، ترکمن، بلوچ، پشه‌یی، نورستانی، ایماق، عرب، قرغیز، قزلباش، کوچی و براهویی. در میان این‌ها پشتون، تاجیک، هزاره، ازبیک و ترکمن، اقوام برجسته‌تر می‌باشند.^۱

در جغرافیای افغانستان، در کنار زبان فارسی، به زبان‌های دیگر نیز آفرینش‌های ادبی صورت‌گرفته و آثار گوناگون نوشته شده است. از همین‌رو پرداختن به دیگر زبان‌ها و ادبیات‌های رایج در افغانستان سودمند است. براین اساس، در پیوند به زبان‌ها و ادبیات‌های برجسته کشور، معرفی کوتاهی از ادبیات پشتوی افغانستان، ادبیات ازبیکی افغانستان و ادبیات ترکمنی افغانستان نیز لازم پنداشته می‌شود.

ادبیات پشتوی افغانستان

ادبیات امروز پشتو در قرن شانزدهم آغاز شده است. نخستین نمونه‌های ادبیات پشتو بیشتر به صورت منظوم و دارای محتوای دینی بوده‌اند. در کنار آن، ادبیات شفاهی پشتو نیز بسیار غنی است. از جمله آثار برجسته می‌توان به مخزن پشتون و مخزن الاسلام اثر آخوند درویزه، تاریخ مرصع تألیف افضل خان هوتک، آثار خوشحال خان، میرزاخان انصاری، عبدالرحمن، عبدالحمید، عبدالقادر هوتک و احمدشاه اشاره کرد. همچنان صحاف نوشته‌یی میان محمد و منظومه امیر حمزه از جمله آثار دینی قابل توجه‌اند.^۲

نخستین دوره پشتو که از سال ۱۳۵۵ میلادی آغاز می‌شود، بیشتر شامل اشعار حماسی است و اولین شاعر آن امیر کرور شناخته می‌شود که به عنوان پدر شعر پشتو یاد می‌گردد. پس از او ابو محمد هاشم جایگاه دوم را دارد. دومین دوره در سال ۱۵۲۴ میلادی با بایزید انصاری

۱. موسوی، سید عسکر. هزاره‌های افغانستان. ترجمه: اسدالله شفاپی. تهران: موسسه نقش سیمرغ، ۱۳۷۹. ص ۳۳

2. Dames, M. Longworth. «Afghanistan». İslam Ansiklopedisi. Eskişehir: MEB, 1997. S.133

آغازمی‌شود. این دوره از نگاه سیاسی همزمان با دوره اکبرشاه در هندوستان است که در آن زمان شمار زیادی آثار از عربی به پشتو ترجمه‌گردید.

سومین دوره ادبیات پشتو، مرحله رشد و شکوفایی شعر است و در این دوره شاعران مهمی پدید آمدند. در میان آن‌ها خوشحال خان هوتک برجسته‌ترین چهره است. احمدشاه بابا نیز در همین زمان به عنوان یکی دیگر از نام‌های برجسته مطرح شد. در همین دوره، گلستان سعدی با نام گلدسته به پشتو ترجمه‌گردید.

چهارمین دوره که از سال ۱۷۱۵ میلادی آغاز می‌شود، بیشتر شامل اشعار درباری است که ویژه‌گی آن سرودن شعرهای قهرمانی می‌باشد. در این دوره، شخصیت‌هایی چون امیر محمد انصاری و دوست محمد هوتک مطرح شدند. همچنان تذکره ملامحمد رودکی قندهاری و کتاب دستور زبان پشتو با نام *مسؤول العجایب* از آثار این دوره است.

پنجمین دوره، همزمان با استقلال افغانستان آغاز می‌گردد. در این مرحله، حضور و نقش شاعران زن بیش از پیش برجسته و قابل توجه است.^۱

امیر شیرعلی خان به زبان پشتو توجه خاص داشت و در زمان او ترجمه‌هایی از زبان انگلیسی به پشتو انجام گرفته است. گفته می‌شود که نخستین نمونه‌های منظوم ادب پشتو به قرن یازدهم میلادی برمی‌گردد. در اصل، رشد اصلی ادب پشتو به‌ویژه با انتشار جریده *سراج الاخبار* در سال ۱۹۱۱ میلادی آغاز شد. *سراج الاخبار* پشتو را زبان ملی شناخت و بر اجباری شدن آموزش آن تأکید نمود. در پی این درخواست، شورای عالی معارف افغانستان پذیرفت که مواد درسی پشتو تهیه نماید.

از دیگر نقاط عطف در تاریخ ادب پشتو، تأسیس انجمنی به نام پشتو مرکه در سال ۱۹۲۲ میلادی در دوران امان‌الله خان بود. این نهاد با تدوین و نشر کتاب‌های درسی پشتو، گام بزرگی در راه توسعه این زبان برداشت. در دوره محمد ظاهر شاه نیز با رسمیت یافتن پشتو به عنوان یگانه زبان رسمی افغانستان، پشتو وارد مرحله‌ی تازه از رشد گردید. در این زمان، کتاب‌های درسی فارسی به پشتو ترجمه و منتشر شدند.

یکی دیگر از پشتوانه‌های مهم ادب پشتو، پشتون‌های پاکستان بودند. ایجاد اکادمی پشتو در پاکستان، انجام پژوهش‌ها درباره تاریخ زبان پشتو، تنظیم الفبا و نشر آثار، تهیه فرهنگ‌های دوزبانه و آغاز جنبش ترجمه در این زبان، همه در شکوفایی ادب پشتو سهم گرفتند. افزون بر این، تحقیقات دانشمندان و زبان‌شناسان روسی، آلمانی، انگلیسی، فرانسوی و نروژی نیز در

۱. فاطمی، فاطمه. «ادبیات افغانستان ریشه در ادبیات کهن فارسی دارد». در: خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا)، ۱۸ اردیبهشت

۱۳۹۰. دسترسی در: [۱۰۴۰۵۴/https://www.ibna.ir/news] [۱۰۴۰۵۴/https://www.ibna.ir/news]

گسترش زبان پشتو مؤثر واقع شد.

در افغانستان نیز با تأسیس انجمنی به نام پشتو تولنه و تلاش‌های چهره‌هایی چون حبیبی، خادم، رشتین، بینوا، مجروح و الفت، پشتو به گونه چشم‌گیری تقویت گردید. این شاعران افزون بر فارسی، به پشتو نیز آثار ادبی آفریدند. در میان شاعران پشتو، نامدارترین و پرخواننده‌ترین چهره، خوشحال خان ختک است که در سال‌های ۱۶۱۳ تا ۱۶۸۹ میلادی می‌زیست.^۱

ادبیات ازبیکی افغانستان

بر بنیاد شواهد، ترک‌های افغانستان (ازبیک‌ها، ترکمن‌ها و قرغیزها) به صورت عموم از نیمه اول قرن بیستم به دلایل جنگ‌ها و عوامل مختلف به افغانستان مهاجرت کرده‌اند.^۲ ازبیک‌ها بیشتر در شمال و شمال غرب افغانستان سکونت دارند، اما به دنبال مهاجرت‌ها، در شهرهای دیگر کشور نیز دیده می‌شوند. به دلیل مهاجرت‌های اجباری ناشی از تجارت، کارمندی، آموزش و دیگر دلایل، آثار ادبی به زبان ازبیکی هم در شهرهای محل سکونت و هم در مکان‌های خارج از کشور تألیف و نشر شده است.

بر بنیاد قانون اساسی افغانستان در سال ۱۹۶۳ میلادی، رادیوی ملی افغانستان حق پخش هفتگی دوساعت برنامه به زبان ازبیکی را دریافت نمود. در سال ۱۹۷۸ میلادی اجازه انتشار مجله و روزنامه به زبان ازبیکی داده شد و در سال ۱۹۸۵ میلادی، رشته زبان و ادبیات ازبیکی در دانشگاه کابل تأسیس گردید. در سال‌های بعد، مکتب‌های ابتدایی که آموزش ازبیکی و ترکمنی ارائه می‌دادند، ایجاد شدند.

در سال ۱۹۹۲ میلادی، با حمایت ازبیکستان و ترکمنستان، در مناطق شمالی افغانستان که جمعیت ترک‌ها در آن‌ها غلبه داشت، فعالیت‌های فرهنگی و ادبی به زبان ترکی انجام شد و تعداد زیادی اثر منتشر گردید. به ویژه، در قانون اساسی جدید افغانستان که در سال ۲۰۰۳ میلادی تصویب شد، علاوه بر فارسی (فارسی دری) و پشتو، برخی حقوق جدید برای دیگر زبان‌ها نیز در نظر گرفته شد. بر بنیاد قانون اساسی جدید ۲۰۰۶ میلادی، فارسی و پشتو به عنوان زبان‌های رسمی کشور تعیین گردیدند و در مناطقی که شمار گویشوران پشه‌یی، نورستانی، بلوچی، ازبیکی و ترکمنی بیشتر است، این زبان‌ها به عنوان سومین زبان رسمی نیز شناخته شدند. از آن زمان، در

۱. روان‌فهادی، عبدالغفور. «پشتو، ادبیات». در: مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، مقاله شماره ۵۵۳۱، جلد ۱۳، تاریخ انتشار: ۲۲ خرداد ۱۳۹۹. دسترسی در: <https://www.cgie.org.ir/fa/arti-1/229434> / <https://www.cgie.org.ir/fa/article>

۲. کهرزاد، احمدعلی. تاریخ ادبیات افغانستان. کابل: مطبعه عمومی، ۱۳۳۰. ص ۴۱۵

2. Rubin, R. Barnett. The Fragmentation of Afghanistan. New Haven: Yale University Press, 1995. S.106

این زبان‌ها و ادبیات محلی، پیشرفت‌های قابل توجهی مشاهده شده است.^۱

ادبیات ترکمنی افغانستان

همانند ازبیک‌ها و قرغیزها، ترکمن‌های افغانستان نیز به صورت عموم از نیمه اول قرن بیستم به دلیل جنگ‌ها و عوامل مختلف به افغانستان مهاجرت کرده‌اند. ترکمن‌ها همراه با ازبیک‌ها بیشتر در شمال و شمال غرب کشور زنده‌گی می‌کنند، اما نسبت به ازبیک‌ها کمی به سمت شرق متمرکز هستند. با این حال، مهاجرت‌ها سبب شده که ترکمن‌ها در شهرهای مختلف افغانستان نیز حضور داشته باشند. به دلیل تجارت، مأموریت، آموزش و دیگر عوامل یا مهاجرت‌های اجباری، آثار ادبی به زبان ترکمنی هم در شهرهای محل سکونت ترکمن‌ها و هم در مکان‌های مختلف خارج از کشور تألیف و نشر شده است.

زبان ترکمنی در مقایسه با ازبیک‌گی از حقوق مشابه برخوردار نبوده و رشته زبان و ادبیات ترکمنی در دانشگاه وجود ندارد. در سال ۱۹۷۱ میلادی، برای برنامه‌ها و نشرات مشترک به زبان ترکمنی و ازبیک‌گی، هر روز بین ساعت ۱۸:۰۰ تا ۱۸:۴۵، چهل و پنج دقیقه زمان پخش در رادیو اختصاص یافت. اما از سال ۲۰۱۳ میلادی با بهبود قوانین، مکتب‌های آموزش ترکمنی تأسیس گردیدند. در سال ۱۹۹۲ میلادی، با حمایت ازبیکستان و ترکمنستان، در مناطق شمالی افغانستان که جمعیت ترک‌ها در آن‌ها اکثریت بود، فعالیت‌های فرهنگی و ادبی به زبان ترکی انجام شد و تعداد زیادی آثار منتشر گردید. به‌ویژه، قانون اساسی جدید افغانستان در سال ۲۰۰۳ میلادی علاوه بر فارسی (فارسی دری) و پشتو، برخی حقوق جدید برای دیگر زبان‌ها در نظر گرفت. بر اساس قانون اساسی جدید ۲۰۰۶ میلادی، ازبیک‌گی و ترکمنی نیز به عنوان زبان‌های رسمی کشور به رسمیت شناخته شدند. از آن زمان، رشد و توسعه این زبان‌ها و ادبیات‌های محلی به وضوح مشاهده شد.^۲ در سال ۱۹۷۸ میلادی، مجله‌یی به نام یولتوز به زبان‌های ترکمنی و ازبیک‌گی منتشر گردید. پس از

1. Fevzi, Firuz. «Afganiştan'da Türk Dili ve Eđitimi». Tehlikedeki Diller Dergisi, 2015, 39-S.522 - Fevzi, Firuz ve Hasan Cankurt. «Afganiştan'da Türkoloji ve Türkçe alıřmaları Hakkında Bir Arařtırma». CBÜ Sosyal Bilimler Dergisi, Cilt 11, Sayı 2, 493-503, 2013. Manisa: Celal Bayar Üniversitesi. S. 2 - Fevzi, Firuz. «Afganiştan'da Türk Kültürü ve Edebiyatı Üzerine Bir Arařtırma». Journal of Life Sciences, Cilt 1, Sayı 1, 549-553, 2012. Batman: Batman Üniversitesi. S. 495-500 - Tolkun, Selahittin. «Afganiştan'dan Bir Özbek Kadın Şair: Kübrâ Keyvân». IJETSAR, 1, 174-183, 2017.S. 175

2. Fevzi, Firuz. «Afganiştan'da Türk Dili ve Eđitimi». Tehlikedeki Diller Dergisi, 2015, 39- S. 522 - Fevzi, Firuz ve Hasan Cankurt. «Afganiştan'da Türkoloji ve Türkçe alıřmaları Hakkında Bir Arařtırma». CBÜ Sosyal Bilimler Dergisi, Cilt 11, Sayı 2, 493-503, 2013. Manisa: Celal Bayar Üniversitesi. S. 495-500 - Fevzi, Firuz. «Afganiştan'da Türk Kültürü ve Edebiyatı Üzerine Bir Arařtırma». Journal of Life Sciences, Cilt 1, Sayı 1, 549-553, 2012. Batman: Batman Üniversitesi. S.186

آغاز انتشار مجله گونش، مجله یولتوز به زبان ازبیکي و مجله گونش به زبان ترکمنی ادامه یافت. نخستین اثر چاپ شده به زبان ترکمنی فرض عین بود. نخستین آثار ادبی نیز شامل آثار اوراز محمد فر و دولت گلدی فدایی، مختوم قلی فراغی، عبدالمجید توران و خواجه نفس مساعد بودند که در مجله گونش منتشر شدند. سپس مجلاتی مانند گورش، ایل سسی و وطنداران ترکمن نشریاتی، نیز منتشر گردیدند.

در سال ۲۰۰۳ میلادی، با تأسیس انجمن فرهنگی مختوم قلی فراغی در کابل، گام مهمی در پیشرفت ادبیات ترکمنی افغانستان برداشته شد.

دوره پیش از مدرنیته (۱۷۴۷ - ۱۸۶۳)

۱. دوره تأسیس (۱۷۴۷ - ۱۸۰۱)

وضعیت سیاسی

در زمان احمدشاه ابدالی، پایتخت کشور- که بعدها به نام افغانستان مسمی شد، در کندهار تعیین گردید. احمدشاه درانی از سال ۱۷۴۷ تا ۱۷۷۲ میلادی سلطنت کرد و در سال ۱۷۷۳ میلادی در کندهار درگذشت.^۱

پس از وفات احمدشاه، سلطنت تیمورشاه در سال ۱۷۷۳ میلادی آغاز شد. تیمورشاه در سال ۱۷۷۵ میلادی پایتخت را از کندهار به کابل منتقل کرد. این اقدام گامی مهم در ایجاد دولت مرکزی به شمار می رود. تیمورشاه در سال ۱۷۹۳ میلادی در بالاحصار کابل درگذشت. پس از وفات او، بین فرزندان او درگیری بر سر تخت سلطنت رخ داد و در نهایت باتصمیمی که در جرگه گرفته شد، زمان شاه به تخت سلطنت نشست. زمان شاه که در سال ۱۷۹۳ میلادی به عنوان پادشاه تاج گذاری کرد، تا سال ۱۸۰۱ میلادی سلطنت نمود و سپس از تخت سلطنت خلع شد و به جای او، برادرش شاه محمود، والی هرات، به قدرت رسید. با وجود این تغییرات، درگیری بر سر تخت سلطنت پایان نیافت.^۲

1. Saray, "Afganiştan", DİA, C.I. İSAM, 1988, s. 401-408; İlhan Bilgü, "Afganiştan: Sovyet İşgali ve Sonrası", DİA C. I., İSAM. 1988, s. 408-411; Orhan Yazıcı, Modern Afganiştan'ın Kuruluşu, Malatya: Mengüceli, 2011, 66; Fazıl Ahmad Burget, Yakınçağda Afganiştan ve Osmanlı Devleti ile İlişkileri, Doktora Tezi, Ankara: Gazi Üniversitesi, 2017, s. 26-33.

2. Saray, "Afganiştan", s. 401-408; Bilgü, "Afganiştan: Sovyet İşgali ve Sonrası", s. 408-411; Yazıcı, Modern Afganiştan'ın Kuruluşu, s. 26-33; M. Humayoon Zahin, Afganiştan (İslamcılık-Cihat-Siyaset), Kayseri: Tezmer, 2020, s. 33.

وضعیت اجتماعی

یکی از تحولات مهمی که بر زنده‌گی اجتماعی در دوره پیش از مدرنیته شدن تأثیر گذاشت، انتقال پایتخت ابتدا به کندهار و سپس دوباره به کابل بود. اهمیت پایتخت برای زنده‌گی اجتماعی و اقتصادی یک دولت در حال تمرکز غیرقابل انکار است. در دوره تأسیس، از یک سو گام‌هایی برای تمرکز قدرت مرکزی دولت برداشته می‌شد و از سوی دیگر، درگیری‌ها و اختلافات سیاسی زنده‌گی اجتماعی را به شدت تحت تأثیر قرارداد و فضای امن زنده‌گی در کشور را از میان برد. با تهدید امنیت، وضعیت اقتصادی مردم نیز به تدریج دچار رکود شد. این دوره همزمان با جنگ‌های شدید و اجرای طرح شوم معروف به «بازی بزرگ» در تاریخ بود. دوره تأسیس، که به عنوان مرحله مشکلات شدید جامعه‌شناختی ارزیابی می‌شود، نشان می‌دهد که مبارزات برای استقلال تأثیر عمیقی بر زنده‌گی اجتماعی مردم داشته است.

وضعیت ادبی

سال ۱۷۴۷ میلادی، که زمان تأسیس افغانستان نوین است، همزمان به عنوان آغاز ادبیات یا شعر افغانستان نیز در نظر گرفته می‌شود. در این دوره، هنوز نمی‌توان از یک سبک مشترک و ملی سخن گفت. آثار شاعران دوره تأسیس، ویژگی‌ها و موضوعاتی مشابه آثار تألیف شده در جغرافیا و زبان‌های نزدیک را دارا هستند و محتوای آن‌ها به صورت عموم مشابه است. از آن‌جا که هنوز روند ملت‌سازی و تمایز هویتی تحقق نیافته بود، دیده می‌شود که ادبیات بر بنیاد مرزهای دولت ملت شکل نگرفته بودند.

برخی پژوهشگران تاریخ ادبیات دوره تأسیس افغانستان، با توجه به تأثیر ابوالمعانی بیدل، این دوره را به نام دوره بیدل یا دوره بیدلیم نام‌گذاری کرده‌اند. دلیل این نام‌گذاری آن است که شاعران این دوره، اشعار بیدل را الگو قرار داده و سبک او را در سرودن شعر دنبال کرده‌اند.^۱

۲. دوره جنگ‌ها و استقلال (۱۸۱۱ - ۱۸۶۳)

وضعیت سیاسی

در سال ۱۸۰۱ میلادی، شاه محمود به تخت سلطنت نشست. شاه محمود، برادرش زمان شاه،

۱. مولائی، محمد سرور. برگزیده شعر معاصر افغانستان. تهران: انتشارات رز، ۱۳۵۰. ص ۸.

پادشاه پیشین را، بازداشت و نابینا کرده و به قتل رساند، اما این اقدام نتوانست درگیری بر سر تخت را پایان دهد. پس از سیاست شاه محمود، برادر دیگرش، شاه شجاع، والی غزنی، او را از قدرت خلع کرده و خود به تخت نشست. شاه محمود از کابل فرار کرد، اما در نزدیکی غزنی گرفتار و کشته شد.

شاه شجاع که وارد کابل شد و خود را پادشاه افغانستان اعلام کرد، در سال ۱۸۰۹ میلادی در پیشاور با نمایندهٔ انگلیس پیمان دوستی امضا نمود و در سال ۱۸۱۰ میلادی افغانستان را ترک کرده و به پنجاب پناه برد. در سال ۱۸۲۳ میلادی، دوست محمد خان کابل را تصرف کرد و در سال ۱۸۳۹ میلادی خود را پادشاه افغانستان و امیرالمؤمنین اعلام نمود. پس از آن، شاه شجاع و انگلیس بین خود پیمان هفده ماده‌یی امضا کردند.

در جریان جنگ اول افغانستان و انگلیس (۱۸۳۸-۱۸۴۲)، امیر دوست محمد خان در سال ۱۸۳۹ میلادی، مجبور شد تخت سلطنت را به شاه شجاع، که از حمایت انگلیس برخوردار بود، واگذار کند و با نیروهای خود به سوی بامیان عقب‌نشینی نماید. شاه شجاع بار دیگر در کندهار به تخت نشست و در سال ۱۸۳۹ میلادی با نیروهای انگلیس همکاری کرد و با حمایت آنان وارد کابل شد. امیر دوست محمد خان به نیروهای انگلیس تسلیم شد و بین رهبران افغان و انگلیس پیمان هجده ماده‌یی امضا گردید و انگلیس کابل را ترک نمود.

پس از کشته شدن شاه شجاع در کابل در سال ۱۸۴۲ میلادی، امیر دوست محمد خان در سال ۱۸۴۳ میلادی به افغانستان بازگشت و دوباره به تخت نشست. در سال ۱۸۵۵ میلادی، پس از امضای پیمان دوستی سه ماده‌یی بین افغانستان و انگلیس، دورهٔ دوم حکومت امیر دوست محمد خان که حدود بیست سال طول کشید، ادامه یافت. در سال ۱۸۶۲ میلادی، او توانست هرات را به خاک افغانستان ضمیمه نماید. پس از وفات دوست محمد خان در سال ۱۸۶۳ میلادی در هرات، دورهٔ پنج ساله‌یی (۱۸۶۴-۱۸۶۹) درگیری‌های داخلی و جنگ‌هایی بر سر تخت سپری شد و پسر او، شیرعلی خان، به تخت نشست.^۱

وضعیت اجتماعی

در دورهٔ تأسیس، به دلیل اولویت یافتن مسائلی چون تمامیت ارضی کشور، توجه کافی به وضعیت اقتصادی و اجتماعی صورت نگرفت. یکی از ویژگی‌های مهم این دوره، انتقال قدرت خاندان حاکم از صدوزایی‌ها به محمدزایی‌ها بود. از نظر اجتماعی، یکی از وقایع مهم، وقوع جنگ‌های

1. Saray, "Afghanistan", s. 401-408; Bilgü, "Afghanistan: Sovyet İşgali ve Sonrası", s. 408-411; Yazıcı, Modern Afghanistan'ın Kuruluşu, s. 65-66.

انگلیس و افغانستان بود. به همین دلیل، دوره حکومت محمدزایی‌ها به عنوان یک دوره مبارزه و تلاش در تاریخ ثبت شده است. در این دوران، می‌توان گفت که امیر دوست محمد خان با ایجاد زیرساخت‌های لازم، مقدمات دوره نوگرایی را فراهم ساخت.^۱

امیر دوست محمد خان توجه ویژه‌ی به فناوری نظامی پیشرفته اروپایی داشت و از کارشناسان اروپایی در زمینه تکنولوژی کمک گرفت. او برای تأسیس یک ارتش مدرن، مربیان و متخصصان خارجی را استخدام کرد و سپس از انگلیس تفنگ‌های جدید وارد نمود و تجهیزات نظامی را تقویت کرد. در این دوره، تشکیل واحدهای توپخانه به سبک اروپایی و ایجاد اصطلاحات نظامی جدید بر اساس ترجمه و اقتباس از انگلیسی، از جمله اقدامات مهم نوگرایی به شمار می‌رود. اقداماتی برای ساماندهی نظام گمرکی انجام شد که باعث افزایش درآمد مالیاتی شد و با ایجاد سیستم جدید در جمع‌آوری مالیات، تلاش شد تا از فساد جلوگیری شود. همچنین اعمال مالیات بر تاجران و مراکز تجاری هندی، باعث شروع تغییرات اجتماعی و اقتصادی در زنده‌گی مردم گردید.

در کابل، تولید و مصرف الکل ممنوع شد، اجرای ممنوعیت رقص و نوشیدنی برای زنان اعمال شد، روستاها و قلعه‌های جدید به شکل مربع ساخته شدند، روش‌های جدید کشاورزی توسعه یافت و کشت کچالو در افغانستان گسترش یافت. این اقدامات از جمله تغییرات اجتماعی قابل ذکر در آن دوره محسوب می‌شوند.^۲

وضعیت ادبی

پس از این‌که در سال ۱۸۱۸ میلادی، وزیر فتح‌خان نابینا شد، دوره حکومت برادران محمدزایی در افغانستان آغاز گردید و تا سال ۱۸۳۸ میلادی ادامه یافت. در این دوره بیست و یک ساله، در افغانستان یازده جنگ رخ داده است. حکومت هرات نیز در فاصله سال‌های ۱۸۰۸ تا ۱۸۵۵ میلادی، طی چهل و دو سال، هفت بار با ایرانی‌ها وارد جنگ شده است. در این بیست و یک سال، محمدزایی‌ها که بسیار خسته شده و تعدادی از برادران بزرگ خود را از دست داده بودند، تصمیم گرفتند از میان خود یکی را به عنوان پادشاه انتخاب کنند و بدین ترتیب دوره محمدزایی‌ها آغاز شد.^۳

به دلیل مشکلات سیاسی و نظامی که کشور با آن مواجه بود، این دوره از نظر علمی و ادبی،

۱. ژوبل، محمد حیدر. تاریخ ادبیات افغانستان. پیشاور: بنگاه نشراتی میوند، ۲۰۱۰، ص ۲۵۳

2. Abdul Metin Çelikbilek, Afganistan'da Modernleşme Çabaları (1834-1919), Sosyal Bilimler Enstitüsü, Bilecik: Şeyh Edebalı Üniversitesi, 2016, s. 13-17.

۳. غبار، میرغلام محمد. تاریخ ادبیات افغانستان (دوره محمدزایی‌ها). کابل: مطبوعه دولتی، ۱۳۳۰؛ بازنشر: تهران، مرکز نشراتی

دوره‌ی دشوار و محدود به‌شمار می‌رود. تیمور شاه به دلیل درگیری با مسایل ناشی از هند، فرصتی برای پیشرفت ادبی و فرهنگی نداشت. شاه محمود و شاه شجاع نیز بیشتر درگیر جنگ‌های داخلی بودند و از توسعهٔ ادبی و علمی بازماندند.

پس از فروپاشی دولت تیموریان، در افغانستان دوره‌ی از سقوط علمی و ادبی آغاز شد که تحت تأثیر ورود ازبیک‌ها از ماوراءالنهر، صفویان فارس و بابریان هند بود؛ زیرا در نتیجهٔ جنگ‌های فارس‌ها، ازبیک‌ها و بابریان، شهرهای معروف افغانستان مانند هرات، بلخ و مرو جایگاه مرکزی خود را از دست دادند و به جای آن، شهرهایی همچون بخارا، سمرقند، دهلی، آگرا و اصفهان به مراکز علمی و فرهنگی مهم تبدیل شدند.^۱

در دوره‌ی که تیمور شاه مجبور بود با حملات خارجی، تجاوزها و جنگ‌های داخلی دست و پنجه نرم کند و تا دورهٔ نوگرایی ادامه‌یافت، آموزش‌های علمی و دینی در مدرسه‌ها قدیمی ارایه می‌شد. در این مدرسه‌ها، درس‌هایی مانند عربی، ادبیات، فقه، منطق، حکمت، پزشکی و ریاضیات تدریس می‌شد و آثار نوشته‌شده در این دوره نیز به صورت عموم محدود به همین موضوعات بودند. امکانات آموزش و تحصیل در این زمان بسیار محدود بود. دانش‌آموزان کوشا برای ادامهٔ تحصیل مجبور بودند به ماوراءالنهر، هند، ایران، عراق، مصر و دیگر کشورهای عربی سفر کنند. در مدرسه‌های محدود کشور، درس‌هایی همچون فقه حنفی، صرف و نحو، حدیث تدریس می‌شد.

به کودکان در مساجد، قرآن کریم، پنج‌کتاب، دیوان حافظ، گلستان و بوستان سعدی، انوار سهیلی، فواید الشرعیه، آثار رحمان بابا و فتح‌خان، سیف‌الملوک، خلاصه، کودوری و کتاب‌های مشابه به این‌ها، آموزش داده می‌شد. دانش‌آموزانی که می‌خواستند پزشکی بیاموزند، مجبور بودند کتاب‌های پزشکی نوشته‌شده به زبان عربی را نزد ملاحایی بخوانند که خود از دانش پزشکی برخوردار نبودند.

در شهرها، افراد باسواد و فرهیخته یا طبقهٔ فرهنگی بالا، از شاهنامهٔ فردوسی داستان می‌خواندند، همچنین یوسف و زلیخا، اسکندرنامهٔ نظامی، امیر حمزه، شهزاده ممتاز، چهاردرویش و کتاب‌های مشابه را مطالعه می‌کردند و برای شاهنامه‌خوانی، مجالس و مراسم ویژه ترتیب داده می‌شد.

افراد متعلق به طبقهٔ فرهنگی پایین یا مردم عادی، از قصه‌گویان بازار و چارسو، داستان‌هایی

۱. غبار، میرغلام محمد. تاریخ ادبیات افغانستان (دوره محمدزایی‌ها). کابل: مطبوعه دولتی، ۱۳۳۰؛ بازنشر: تهران، مرکز نشراتی

آرش، ۱۳۷۸. ص ۱

2. İsmail Söylemez, "İran Kültüründe Şâhnâmehânlık Geleneği", Current Research Social Sciens, 3(2), 64-70, 2017, s. 45.

مانند ابومسلم خراسانی و داستان‌های مشابه را^۱ می‌شنیدند و در روستاها نیز داستان‌هایی همچون چهار پری، ورقه و گلشاه، خوانده می‌شد.

صوفیان و اهل معرفت نیز کتاب‌هایی مانند مثنوی، دیوان حافظ، قصص الانبیاء، تذکره اولیا، معراج‌النبوه را مطالعه می‌کردند، در حالی که، ادیبان و کسانی که با ادبیات سروکار داشتند، آثار دیوان بیدل، یوسف و زلیخا، تاریخ فرشته، روضت‌الصفای را می‌خواندند.

شاهانی که کتاب‌خانه‌های خصوصی داشتند، قصه‌گویان و کتاب‌خوانان مخصوص خود را داشتند. کتاب‌هایی که به شاه خوانده می‌شد، به صورت عموم در دوره تیموریان نسخه برداری شده یا در هند و ماوراءالنهر چاپ شده بودند.

علوم قدیم به تدریج در حال فراموش شدن بود و علوم نوین که جهان را تغییر می‌داد، هنوز به افغانستان نرسیده بود. در آن زمان، در افغانستان مدرسه مدرن، موسسه آموزش عالی، کتاب‌خانه عمومی یا مرکز تحقیقاتی وجود نداشت. در سراسر افغانستان تعداد عالمان، شاعران و هنرمندان بسیار کم بود و وجود کسانی مانند سید جمال‌الدین افغانی به شکل کامل استثنایی به شمار می‌رفت. در این دوره، ادبیات، شعر، خط، تذهیب و هنرهای تجسمی در حال نابودی بود. اشعار غالباً تقلیدی و بسیار ضعیف بودند و نثر نیز از سطح متوسط فراتر نمی‌رفت.^۲

جنگ‌های صدساله انگلیس و افغانستان، چه در ادبیات فارسی و چه در ادبیات پشتو، باعث آغاز دوره‌ی جدید از ادبیات قهرمانی شد، مشابه دوره غزنویان. شدت احساسات ناشی از جنگ، به ویژه در ادبیات عامه و فرهنگ مردمی بازتاب جدی یافت. در این دوره، ترانه‌های قهرمانی در شهرها و روستاهای افغانستان به سرعت انتشار یافت.

آثار این دوره را می‌توان به دو گروه اصلی تقسیم کرد: کتاب‌ها و آثار مکتوبی که به شکل داستان‌های قهرمانی یا شعر حماسی نگاشته شده‌اند؛ کتاب‌های تاریخی که قهرمانی‌ها را به نثر نوشته‌اند.^۳

در منابع آمده است که در این دوره، شاعرانی آثار ادبی ارایه کرده‌اند: میرزا محمود سالک بالاحصار کابلی، از شاعران دوره امیر دوست محمد خان، دارای دیوانی است که شامل مدحیه، غزل، رباعی، مثنوی و ترجیع بند می‌باشد.

قاضی میر حسین با تخلص ابن قاضی، فرزند قاضی فتح‌الله خان است. این شاعر هم عصر امیر دوست محمد بوده و دیوان او که در ۱۹۱۵ میلادی در لاهور چاپ شده، شامل غزل، مخمس و مسدس است.^۴

1. Söylemez, "Iran Kültüründe Şâhnâmehânlık Geleneği", s. 50.

۲. کهزاد، احمدعلی. تاریخ ادبیات افغانستان. کابل: مطبعه عمومی، ۱۳۳۰. ص ۲۵۴-۲۵۵.

۳. ژوبل، محمد حیدر. تاریخ ادبیات افغانستان. پیشاور: بنگاه نشراتی میوند، ۲۰۱۰. ص ۲۵۹.

۴. کهزاد، احمدعلی. تاریخ ادبیات افغانستان. کابل: مطبعه عمومی، ۱۳۳۰. ص ۳۴۸ - غبار، میرغلام محمد. تاریخ ادبیات

ویژه‌گی‌های شعر این دوره

چه در قالب منظوم و چه در قالب منثور، ادبیات افغانستان در قرن نهم شکل جدیدی به خود گرفت. در این قرن، سبک هندی که جایگاه مهمی در ادبیات افغانستان داشت، به تدریج ضعیف شد و رو به نابودی نهاد. علت اصلی این امر، جنگ‌های پی‌درپی نزدیک به یک قرن بود که باعث شد مردم بیشتر بر مبارزه برای بقا تمرکز کنند نسبت به هنر و ادبیات. شاعران این دوره به دنبال بازگشت به سبک‌های کهن بودند. آثار شاعران این دوره که از شاعرانی مثل عنصری، فرخی، معزی، انوری، خاقانی، سعدی و حافظ تقلید کرده‌اند، بیشتر به سبک خراسانی شباهت دارد.

در این دوره که بازگشت به سبک‌های کهن رایج شد، برخی شاعران به سبک خراسانی و برخی دیگر به سبک عراقی شعر سرودند. به عنوان مثال، عندلیب فرزند غلام محمد طرزی، (۱۸۸۹-۱۹۰۷)، در دیوان خود که بیش از سه هزار بیت دارد، اشعارش را به سبک عراقی و هندی سروده است. شاعر همین دوره، مهر دل خان مشرقی، شاعر ذواللسانین، اشعار فارسی و پشتو می‌سرود. سید محمد محسن و واصل میرزا محمد نبی دبیر، از شاعران دوره عبدالرحمن خان و شیرعلی خان بودند که به سبک عراقی شعر می‌سرودند.

میر محمدعلی آزاد کابلی، از شاعران دوره امیر حبیب‌الله خان، نیز با سبک خود برجسته بود و در دیوان او، اشعار و سبک رایج آن زمان بازتاب یافته است. او همچنین اثر گلستان سعدی را به صورت منظوم بازسروده است.^۱

افغانستان (دوره محمدزایی‌ها). کابل: مطبعه دولتی، ۱۳۳۰؛ بازنشر: تهران، مرکز نشراتی آرش، ۱۳۷۸. ص ۲۴ و ۲۷
۱. کهزاد، احمدعلی. تاریخ ادبیات افغانستان. کابل: مطبعه عمومی، ۱۳۳۰. ص ۳۴۴ - ژوبل، محمد حیدر. تاریخ ادبیات افغانستان. پيشاور: بنگاه نشراتی میوند، ۲۰۱۰. ص ۲۷۵ - ۲۷۷

دوران مدرن سازی (۱۸۶۳ - ۱۹۷۳)

دوره‌یی که با امیر شیرعلی خان آغاز شده و در این پژوهش به نام دوره مدرنیزه سازی یاد گردیده، فاصله سال‌های ۱۸۶۳ تا ۱۹۷۳ میلادی را دربرمی‌گیرد. پیش از ۱۸۶۳ میلادی، ادبیات کلاسیک افغانستان و پس از ۱۹۷۳ میلادی، ادبیات معاصر افغانستان مورد بررسی قرار گرفته است. دوره پیش از ۱۸۶۳ میلادی که شامل ادبیات کلاسیک افغانستان می‌شود و دوره ۱۸۶۳ تا ۱۹۷۳ میلادی که شامل ادبیات معاصر افغانستان است، نیازمند مطالعه‌یی مستقل بوده و بنابراین در این مطالعه گنجانده نشده‌اند.

دوره‌یی که بعد از سال ۱۹۷۳ میلادی آغاز شده و به نام ادبیات معاصر افغانستان یاد می‌شود، در پهلوی جریان ادبیات کمونیستی، تأثیرات ادبیات مقاومت نیز به مشاهده می‌رسد. این دوره که آغازگر یک بینش تازه از ادبیات است و از نگاه موضوع و مضمون تا حد زیاد با دوره‌های گذشته تفاوت دارد، جدا از دوره مدرنیزه سازی بررسی می‌گردد. همچنان دیده می‌شود که سید جمال‌الدین افغانی، که به عنوان پیشگام حرکت‌های مدرنیزه سازی در دنیای اسلام شناخته می‌شود، در مدرنیزه سازی افغانستان، وطن اصلی‌اش، نیز نقش مهمی داشته است.

۱. امیر شیرعلی خان و دوره جمال‌الدین افغانی (۱۸۶۳ - ۱۸۷۹)

وضعیت سیاسی

در سال ۱۸۶۳ میلادی، امیر شیرعلی خان به تخت سلطنت افغانستان نشست و تا سال ۱۸۷۹ میلادی، طی هجده سال سلطنت، در بخش‌های مختلف افغانستان با گروه‌های مختلف دوازده بار جنگید. همچنین او پشت سر هم با سه برادرش جنگید و در کشمکش‌های

سلطنت شکست خورد و تخت را به افضل خان سپرد؛ اما امیر محمد افضل خان همان سال در کابل درگذشت.

سال‌های ۱۸۶۷-۱۸۶۸ میلادی دوره سلطنت محمد اعظم خان بود که در سال ۱۸۶۷ میلادی به تخت سلطنت افغانستان نشست. مهم‌ترین رویداد در این دوره، آمدن سید جمال‌الدین افغانی به کابل در سال ۱۸۶۸ میلادی و آغاز مشاوره او به محمد اعظم خان بود. اعظم خان بر اساس راهنمایی‌های سید جمال‌الدین افغانی و بهره‌گیری از دیدگاه‌های او در زمینه توسعه ملی و زنده‌سازی فرهنگی، قصد داشت تغییراتی در زنده‌گی اجتماعی و سیاسی افغانستان ایجاد کند. این تغییرات شامل افتتاح مکتب‌ها، انتشار روزنامه، ایجاد اداره پست و تأسیس حکومت مرکزی بود.

سید جمال‌الدین افغانی که تلاش داشت جهان اسلام را بیدار کند و در این مسیر موفق نیز بود، سبب ناراحتی قدرت‌های غربی شد. پس از شکایت انگلستان، او در سال ۱۸۶۸ میلادی به هند تبعید شد. سپس، از سال ۱۸۶۸ تا ۱۸۷۹ میلادی، دومین دوره سلطنت امیر شیرعلی خان آغاز شد.^۱

امیر شیرعلی خان پس از بازگشت به تخت سلطنت در سال ۱۸۶۸ میلادی، در جریان جنگ دوم افغان-انگلیس شکست خورد و بین سال‌های ۱۸۷۹-۱۸۸۰ میلادی دوباره در نقاط مختلف افغانستان با ارتش انگلستان جنگید. در نتیجه، انگلستان مجبور شد یک بار دیگر افغانستان را ترک کند و دوره جدیدی در تاریخ این کشور آغاز شد.^۲

در دوره دوم سلطنت شیرعلی خان (۱۸۶۸-۱۸۷۹)، اقدامات مهمی برای مدرن‌سازی افغانستان انجام شد. او ارتش منظم تأسیس کرد و در زمینه سیستم دولت مرکزی گام‌های مهمی برداشت. به منظور افزایش تعداد افراد باسواد، او دستور افتتاح مکتب‌های جدید را صادر کرد، یک مجلس مشورتی دوازده نفره انتخابی تشکیل داد، با تأثیرپذیری از هند، کابینه وزرا را تأسیس کرد و نخستین اداره پست افغانستان را راه‌اندازی نمود. همچنین واحد پول تعیین و چاپ کرد و چاپ‌خانه آورد و برای نخستین بار روزنامه منتشر نمود.

پس از آغاز جنگ دوم افغان-انگلیس در سال‌های ۱۸۷۸-۱۸۸۰ میلادی، دوباره دوره دشوار آغاز شد. امیر شیرعلی خان که نخستین گام‌های مدرن‌سازی را در تاریخ افغانستان برداشته بود، در سال ۱۸۷۹ میلادی در مزارشریف درگذشت و این دوره پایان یافت.

۱. حبیبی، عبدالحی؛ به اهتمام محمد هاشم بهرامی. جنبش مشروطیت در افغانستان. کابل: دولتی مطبع و نشر جمهوری دموکراتیک افغانستان، ۱۳۶۳. ص ۱۱۲

۲. غبار، میرغلام محمد. تاریخ ادبیات افغانستان (دوره محمدزایی‌ها). کابل: مطبعه دولتی، ۱۳۳۰؛ بازنشر: تهران، مرکز نشراتی آرش، ۱۳۷۸. ص ۴

در همان سال، محمود یعقوب خان پس از آزادی از زندان به تخت سلطنت نشست و قرارداد «گندمک» را با انگلستان امضا کرد؛ قراردادی که از نظر برخی ننگین و به نفع انگلستان بود و شامل امتیازات سنگین برای این کشور می‌شد. در پی آن، مردم کابل علیه انگلستان قیام کردند و سفیر انگلستان در کابل را کشتند. در نتیجه، یعقوب خان از سلطنت عزل شد و از طرف انگلیس به هند تبعید گردید. در این دوره، تخریب قصر بالاحصار، محل اقامت حکمرانان افغانستان و یادگار تاریخی کشور، نیز از رویدادهای مهم به‌شمار می‌رود.^۱

وضعیت اجتماعی

امیر شیر علی خان که از تغییرات درون و بیرون افغانستان آگاه بود، به‌ویژه تغییرات و تحولات اروپا و نوآوری‌ها را از نزدیک دنبال می‌کرد و تلاش داشت این نوآوری‌ها را به‌اندازه‌ی توان خود به افغانستان بیاورد.

امیر شیر علی خان نخستین کسی بود که چاپ‌خانه را به افغانستان آورد. با چاپ‌خانه‌یی که او از هند به افغانستان آورد، چاپ‌کتاب‌ها، اسناد رسمی و روزنامه‌ها آغاز شد. این چاپ‌خانه‌ها که با روش سنگی چاپ می‌کردند و در کابل تأسیس شده بودند، یکی «مصطفوی» و دیگری «شمس‌النهار» نام داشت. پس از تأسیس این چاپ‌خانه‌ها، نخستین آثار چاپی در افغانستان منتشر شد. نمونه‌هایی از فعالیت‌های مطبوعاتی افغانستان، شامل مجله کابل و روزنامه شمس‌النهار، نیز در همین چاپ‌خانه‌ها چاپ گردید.

در دوره شیر علی خان، پس از تأسیس ارتش منظم، نخستین مکتب نظامی نیز افتتاح شد، تا نیروهای تربیت شده برای ارتش منظم فراهم گردد. این مکتب که نخستین مدرسه مدرن در کشور بود، برنامه آموزشی آن شامل آموزش فنون نظامی، علوم و ادبیات می‌شد. همچنین، تمام عناوین و اصطلاحات نظامی به پشتو ترجمه شد تا منحصر به افغانستان گردد.

کاخ سلطنتی که در کابل و در بالاحصار قرار داشت، پس از افتتاح به‌عنوان مرکز حکومت مورد استفاده قرار گرفت و بیشتر نهادهای دولتی و چاپ‌خانه روزنامه شمس‌النهار نیز به آن منتقل شدند. امیر شیر علی خان در شمال کابل شهری مدرن ساخت و آن را به نام خود «شیرپور» نامگذاری کرد. همچنین در دوره او در کابل کارخانه‌هایی برای تولید توپ، تفنگ و باروت و دیگر تجهیزات نظامی تأسیس گردید.^۲

1. Saray, "Afganiştan", s. 401-408; Bilgü, "Afganiştan: Sovyet İşgali ve Sonrası", s. 408-411; Yazıcı, Modern Afganiştan'ın Kuruluşu, s. 26-33.

۲. ژوبل، محمد حیدر. تاریخ ادبیات افغانستان. پیشاور: بنگاه نشراتی میوند، ۲۰۱۰. ص ۲

وضعیت ادبی

در این دوره، با تأسیس نخستین مکتب‌های مدرن، پذیرش برنامه آموزشی نو، حرکت‌های ترجمه به پشتو و آغاز انتشار روزنامه شمس‌النهار و مجله کابل، تحرکی در فضای ادبی آغاز شد. در این روند، یکی از پیشگامان تحول ادبی، قاضی عبدالقادر پیشاوری بود. دیگر شخصیت مهم، میرزا عبدالعلی است. این دو نفر که از نویسندگان برجسته روزنامه شمس‌النهار بودند، با دانستن زبان‌های خارجی توانستند، ادبیات جهان را از نزدیک دنبال کرده و برای هم‌عصران خود الگو شوند.

عبدالقادر پیشاوری بر علاوه این‌که شاعر بود، با دانستن زبان‌های فارسی، پشتو، انگلیسی و اردو، امکان دنبال کردن تحولات دنیای بیرون را برای او فراهم می‌کرد. در این دوره، تأسیس دارالتألیف حبیبیه و چاپ کتاب‌ها در کابل نیز تأثیر مثبتی بر زنده‌گی ادبی این دوره گذاشت. از مهم‌ترین رخدادهای ادبی این دوره، انتشار روزنامه «سراج‌الانبار» به مدیریت محمود طرزی بود. طرزی و همکارانش با مخالفت با نگرش قدیمی ادبی، ایدئولوژی نوین ادبی را ترویج کردند و زمینه را برای تربیت نسلی فراهم نمودند که آثار به سبک جدید می‌نوشت.

در دوره امیر شیرعلی خان، اقداماتی همچون تأسیس مکتب حریبه و مکتب اداری، که بخشی از تلاش‌های مدرن‌سازی بودند، بر آثار ادبی نیز اثر گذاشت. این تلاش‌های مدرن‌سازی به‌عنوان موضوع در آثار ادبی پرداخته شد. برای نمونه، شاعرانی چون میرزا عبدالرشید، محمد نبی واصل، میرزا محمد خان و غلام محمد طرزی، قصایدی در ستایش امیر شیرعلی خان و اصلاحات او سرودند.^۱

روزنامه شمس‌النهار

روزنامه شمس‌النهار، به پیشنهاد جمال‌الدین افغانی تأسیس شده و نخستین روزنامه افغانستان به‌شمار می‌رود. این روزنامه در سال ۱۸۷۰ میلادی انتشار خود را آغاز کرد. بعدها دوبار انتشار آن متوقف شد و دوباره به کار خود ادامه داد. شمس‌النهار مقالاتی در زمینه سیاست داخلی و خارجی منتشر می‌کرد و به صورت شانزده صفحه چاپ می‌شد.

در میان نویسندگان این روزنامه، شخصیت‌های مهمی چون قاضی عبدالقادر پیشاوری و میرزا عبدالعلی حضور داشتند. پیشاوری که به زبان‌های فارسی، پشتو، اردو و انگلیسی مسلط بود، به‌عنوان مدیر روزنامه منصوب شد و این‌کار مأموریت محول شده به روزنامه را روشن می‌سازد.

۱. مولائی، محمد سرور. برگزیده شعر معاصر افغانستان. تهران: انتشارات رز، ۱۳۵۰. ص ۸ - حبیبی، عبدالحی؛ به اهتمام محمد هاشم بهرامی. جنبش مشروطیت در افغانستان. کابل: دولتی مطبع و نشر جمهوری دموکراتیک افغانستان، ۱۳۶۳. ص ۵، ۶

پیشاوری که خود شاعر نیز بود، پیشگام تغییرات نظامی و ادبی آن دوره شد و نوشته‌های او باعث ورود تعداد زیادی واژه انگلیسی به فارسی و پشتو گردید. مجله کابل نیز که با شمس‌النهار از یک مکان مدیریت می‌شد و در یک چاپ‌خانه چاپ می‌گردید، یکی از نشریات مهم آن دوره به‌شمار می‌رفت. در این مجله، اخبار مربوط به مؤسسات دولتی منتشر می‌شد و علاوه بر آن، اخبار نظامی نیز درج می‌گردید.^۱

بازشدن مکتب‌های جدید و فعالیت‌های نشراتی

روزنامه شمس‌النهار و اصلاحات دوره امیر شیرعلی خان عمر کوتاهی داشت. دوره فترت ادبی که با پایان حکومت تیموریان آغاز شد، تا سال ۱۹۰۱ میلادی ادامه یافت. در دوره هجده ساله سلطنت امیر حبیب‌الله، افغانستان پس از فشارهای جنگ‌های داخلی و خارجی کمی نفس کشید و فرصت مناسبی برای توسعه علمی و ادبی پیدا کرد.

در کابل، دو مکتب جدید با نام‌های حبیبیه و حربیه به‌عنوان مکتب‌های اداری و نظامی تأسیس شدند که در آن‌ها آموزش علوم مدرن توسط معلم‌های هندی ارائه می‌شد. در این مکتب‌ها، آموزش به شکل کامل مدرن آغاز شد و برای نخستین بار زبان پشتو در نظام آموزشی وارد شد. همچنین، به منظور تهیه کتاب‌های درسی لازم برای این مدرسه‌ها، دارالتألیف حبیبیه تأسیس گردید که یکی از اقدامات مهم آن دوره محسوب می‌شود.

در این دوره، بخشی از کتاب‌های درسی برای نخستین بار در کابل چاپ می‌شد، ولی بیشتر آن‌ها هنوز در هند منتشر می‌شدند. با تأثیر روزنامه‌ها، مکتب‌ها و چاپ‌خانه، در افغانستان جنبش آزادی‌خواهانه و استقلال‌طلبانه‌ی آغاز شد.^۲

ویژه‌گی‌های شعر این دوره

در این دوره، که شعرها به سبک کلاسیک سروده می‌شد، به‌ویژه تقلید از ابوالمعانی بیدل جلب توجه می‌کند. شاعران این دوره که به فارسی، پشتو و عربی شعر سروده‌اند، علاوه بر موضوعات و مضمون‌های جدید، گاه در آثار خود محتوای عرفانی نیز دارند. شاعران این دوره مشکلات زنده‌گی اجتماعی کشور را دیده، به اُفت اخلاقی اشاره کرده، مسایل حکومتی را مطرح و نقد کرده‌اند. این شاعران در دورانی زنده‌گی می‌کردند که آزادی بیان و قانون مطبوعات وجود نداشت،

۱. ژوبل، محمد حیدر. تاریخ ادبیات افغانستان. پیشاور: بنگاه نشراتی میوند، ۲۰۱۰. ص ۲۵۶ - حبیبی، عبدالحی؛ به اهتمام محمد هاشم بهرامی. جنبش مشروطیت در افغانستان. کابل: دولتی مطبع و نشر جمهوری دموکراتیک افغانستان، ۱۳۶۳. ص ۴

۲. ژوبل، محمد حیدر. تاریخ ادبیات افغانستان. پیشاور: بنگاه نشراتی میوند، ۲۰۱۰. ص ۲۸۲، ۲۸۳

انتقادات خود را از طریق هجو و طنز بیان کرده‌اند. برای نخستین بار در تاریخ ادبیات افغانستان، شعرهایی با نقد اجتماعی آشکار سروده شد.

در شعرهای این دوره موضوعات متعددی چون استثمار، ظلم، غارت، تظاهر دینی، عدم رعایت حجاب، فحشا، خرافات، بی قانونی و ناامنی مطرح و به شدت انتقاد شده است. استفاده استادانه از مضامین و فنون ادبی در این دوره نیز چشم‌گیر است.

به‌ویژه در آثاری که توسط طرزی نوشته شده، به نقش شعر و شاعر تأکید گردیده و محتوای شعرهای این دوره به نوعی به شکل یک منشور ارایه شده است. این نگرش شعری به عنوان اعتراضی به سبک کلاسیک شعر تلقی می‌شود. دوران «گل و بلبل» به پایان رسیده و تغییر شعر ضروری دانسته شد، تغییرات شعر معاصر افغانستان هم در شعر فارسی و هم در شعر پشتو منعکس گردیده است.

شاعران این دوره بر این باور بودند که شاعر باید دغدغه وطن داشته باشد، نیازهای جامعه را بشناسد و قادر به پاسخ‌گویی باشد؛ به این ترتیب، نقش هشداردهنده و رهبری برای شاعر قایل شده‌اند.

شاعران این دوره

در این دوره که بین سال‌های ۱۸۶۳ تا ۱۸۷۹ را دربر می‌گیرد، شاعرانی که زنده‌گی کرده و آثار ارایه کرده، سی و دو شاعر شناسایی شده‌اند. با این حال، در بخش «شعر این دوره و شاعران»، تنها زنده‌گی نامه و نمونه‌هایی از شعر پنج شاعری ارایه شده است که در زمان خود با اشعارشان برجسته شده و نماینده این دوره به شمار می‌روند.

در منابعی که در دسترس بوده، درباره بیست و هشت شاعر دیگر اطلاعات کافی در دسترس نبوده یا در زمان خود با آثارشان برجسته نشده‌اند؛ این شاعران تحت عنوان «شاعران دیگر این دوره» در پایان همین بخش برای مطالعه خواننده ارایه شده‌اند.

از میان سی و دو شاعر شناسایی شده، پنج شاعر انتخاب شده و هر یک ابتدا تولد، خانواده، تحصیلات، وظایف و شخصیت ادبی و آثارشان شرح داده شده است. سپس برای نشان دادن سبک شعری و محتوای شعر شاعر، نمونه‌ی کوتاه از شعر وی ارایه گردیده است.

غلام محمد خان طرزی (۱۸۳۰-۱۹۰۰)

غلام محمد خان طرزی یکی از شخصیت‌های مهم افغانستان مدرن است که در سال ۱۸۳۰

میلادی در قندهار به دنیا آمد. او از شاعران مشهور قرن نوزدهم افغانستان و از رجال برجسته دوران عبدالرحمن خان بود و رهبری قبیله محمدزی را در زمان خود برعهده داشت.

غلام محمد خان طرزی، پدر محمود طرزی، - از پیشگامان ادبیات معاصر افغانستان و رهبر جنبش نوگرایی این کشور- توسط عبدالرحمن خان به هند تبعید شد. وی از هند در سال ۱۸۸۴ میلادی از طریق کراچی به استانبول رفت و سپس به سوریه رفته و در شام سکونت گزید. طرزی در سال ۱۹۰۰ میلادی در شام و در تبعید درگذشت.

طرزی دارای دیوان چاپ شده‌یی است که شامل اشعار فارسی و عربی می‌باشد. قصیده‌یی که وی در ستایش سید جمال‌الدین افغانی، پیشگام مدرن سازی افغانستان، سروده است، از آثار مشهور او به شمار می‌رود.^۱ طرزی، فرد دین‌دار و روشن فکر بود و در اشعارش جنبه‌های تصوفی برجسته است. وی در دوران حضور خود در استانبول با سلطان عبدالحمید ملاقات کرد و اثر «اخلاق حمیدی» را به او تقدیم نمود.

طرزی در سبک کلاسیک شعر می‌سرود و به‌ویژه به تقلید از ابوالمعانی بیدل شهرت داشت.^۲ در شعر زیر، که برای ستایش سید جمال‌الدین افغانی سروده شده است^۳، شور و شوق و شعف شاعر به خوبی نمایان است:

عبیرآمیز و عنبربیز و روح‌انگیز و روح‌افزا	نسیم صبح در گلشن وزد از جانب صحرا
موافق همچو خوی گل به طبع مردم دانا	طراوت بخش روی گل، پریشان‌ساز بوی گل
دمادم گلستان‌پرور، سراسر بوستان پیرا	چو بوی لاله جان‌پرور، چو عطر گل روان‌پرور
خطیب منبر گلشن، حسیب دفتر صحرا	حبیب و یاور گلشن، رقیب و رهبر گلشن

محمد اسماعیل سیاه گوزوک (۱۸۵۷-۱۹۴۵)

محمد اسماعیل گوزوک، در سال ۱۸۵۷ میلادی در هرات زاده شد. او که به اسماعیل سیاه معروف است، از شاعران عصر حبیب‌الله خان محسوب می‌شود. گوزک به عنوان شاعر سیاسی و مبارز شناخته می‌شود.

محمد اسماعیل که مدتی والی غور بوده است، شاهد دوره‌یی پرحادثه در تاریخ افغانستان

۱. کهزاد، احمدعلی. تاریخ ادبیات افغانستان. کابل: مطبعه عمومی، ۱۳۳۰. ص ۳۴۲ - غبار، میرغلام محمد. تاریخ ادبیات

افغانستان (دوره محمدزایی‌ها). کابل: مطبعه دولتی، ۱۳۳۰؛ بازنشر: تهران، مرکز نشراتی آرش، ۱۳۷۸. ص ۱۶

۲. طرزی، سردار غلام محمد خان. کلیات دیوان طرزی. به کوشش و اهتمام ننگیالی طرزی. تهران: برگ زیتون، ۱۳۸۳. ص ۱۳

۳. حبیب، دکتور اسدالله؛ به اهتمام پوهنپار ضیاء‌الدین ضیا. ادبیات دری در نیمه اول سده بیستم: با نگر بر مسئله دوره‌بندی در ادبیات دری و مرور بر چگونگی ادبیات سده‌های هفدهم، هجدهم و نوزدهم. کابل: انتشارات پوهنتون کابل، ۱۳۶۶. ص ۳۴

بود و در طول عمرش سلطنت هشت‌خان را دید. او در واکنش به روش حکومت‌داری دوره عبدالرحمن خان از منصب حکومتی کناره‌گیری کرد. زندگی‌اش را در هرات گذراند و در سال ۱۹۴۵ میلادی در هرات درگذشت.

گوزوک نارضایتی‌ها و دردهای اجتماعی وطن خویش را می‌دید و به سستی‌های اخلاقی اشاره و وضعیت حکومت را نقد می‌کرد. او در عصری که آزادی بیان و قانون مطبوعات وجود نداشت، انتقادهایش را از طریق هجویه و طنز بیان می‌نمود.

دیوان مرتب او که شامل غزل، قصیده، رباعی و مثنوی‌ها بود در روزگار حیاتش چاپ نشد و پس از مرگش در سال ۱۹۲۹ میلادی در هرات چاپ گردید. دیوان پس از چاپ به زودی توسط حکومت آن زمان از بازار جمع‌آوری شد. گفته شده است دو اثر دیگر از او به نام‌های «سگ و شغال» و «دیوان شاعر» نیز موجود است. گوزوک در تاریخ ادب افغانستان به عنوان شاعری شناخته می‌شود که برای نخستین بار به طور آشکار سروده‌هایی با نقد اجتماعی سرود؛ در اشعارش استفاده استادانه از مضامین و فنون ادبی به چشم می‌خورد. او موضوعاتی چون استعمار، ستم، غارت، ریاکاری دینی، بی‌حجابی، فحشا، خرافات، بی‌قانونی و ناامنی را به صورت تند و بی‌پرده مورد نکوهش قرار داده است.^۱

در ادامه یک غزل نمونه از او آورده شده که سبک شعری او را خوب نشان می‌دهد:

غزل

کاش ارباب ریاست همچو من رسوا شود	پای همت سرشود یا سر به جای پا شود
تا ترازوی جزاناید به میدان قصاص	کی درین بازار جنس آرزو سودا شود؟
پرده این راز از نطق کسان نتوان کشود	گوزوکی باید تا این رازها پیداشود

محمود طرزی (۱۸۶۵-۱۹۳۴)

محمود طرزی، پیشگام ادبیات معاصر افغانستان، پسر غلام محمد خان طرزی است. او در سال ۱۸۶۵ میلادی در غزنی، هنگام زیارت فامیلش از قبر سنایی، به دنیا آمد. دوران کودکی او در کابل سپری شد و نخستین درس‌هایش را از پدر شاعر خود فراگرفت.

در سن هفده سالگی، همراه با پدرش به هند رفت و سه سال در آنجا ماند و با پدرش از شهرهای مختلف هند دیدن کرد. در دهه بیست زنده‌گی، او همراه خانواده از هند به عراق مهاجرت کرد و در

۱. کهزاد، احمد علی. تاریخ ادبیات افغانستان. کابل: مطبعه عمومی، ۱۳۳۰. ص ۳۷۳؛ خسته، خال محمد. معاصرین سخنور. چاپ دوم. پشاور: انجمن نشراتی دانش، ۱۳۸۶. ص ۵۵؛ غبار، میرغلام محمد. تاریخ ادبیات افغانستان (دوره محمدزایی‌ها). کابل: مطبعه دولتی، ۱۳۳۰؛ باز نشر: تهران، مرکز نشراتی آرش، ۱۳۷۸. ص ۹۷.

سال ۱۸۸۵ میلادی با خانواده در بغداد، تحت سلطه امپراتوری عثمانی، مستقر شد. طرزی در بغداد نخستین درس‌های زبان ترکی را فراگرفت و در مدت کوتاهی توانست ترکی را به سطحی برساند که بتواند ترجمه انجام دهد. او علاوه بر ترکی، به پشتو، فارسی، عربی، اردو و فرانسوی نیز مسلط بود.

محمود طرزی در عراق و سوریه علاوه بر علوم دینی، در زمینه ادبیات فارسی، دستور زبان عربی و منطق به دانش خود افزود. مدتی در ترکیه بود و در استانبول با سید جمال‌الدین افغانی آشنا شد. طرزی فعالیت‌های ادبی خود را در سوریه با نوشتن داستان، مقالات ادبی و شعر آغاز کرد و در استانبول به بلوغ ادبی رسانید. اقامت در استانبول و آشنایی با سید جمال‌الدین افغانی تاثیر زیادی بر محمود طرزی گذاشت. او خود سید جمال‌الدین افغانی را یک مکتب عرفان نامیده و گفته است که هفت ماه همراهی با او برابر با هفتاد سال عمر است.^۱

محمود طرزی، در تاریخ سیاسی و ادبی افغانستان، تحول بزرگی ایجاد کرد، نوآوری‌های سیاسی بسیاری را پیاده نمود و همچنین به عنوان پیشگام ادبیات معاصر افغانستان شناخته می‌شود. او در سال ۱۹۳۴ میلادی در استانبول درگذشت.

طرزی، از طریق زبان ترکی با غرب و ادبیات غرب آشنا شد. به گفته خودش، نخستین کتاب ترکی که در استانبول خوانده، کتاب «هجای اول» نوشته احمد میتات افندی بوده است. طرزی هنگامی که به افغانستان بازگشت، «دارالترجمه ترکی» را تأسیس کرد. این نهاد وظیفه داشت آثار مهم را از ترکی به فارسی ترجمه کند و در چارچوب فعالیت‌های این مرکز، نخستین اثر ترجمه شده طرزی، رمان «فلورا» اثر انور ذکی بود که از فرانسوی به ترکی و سپس از ترکی به فارسی برگردانده شد. طرزی بعداً آثاری چون «فاجعه‌های پاریس»، «هشتاد روز دور دنیا»، «سفر در زیر دریا»، «جزیره مخفی» و «سفر با بالن» را نیز از ترکی به فارسی ترجمه کرد.^۲ آثار او تأثیرات آشکار ادبیات ترکی را نشان می‌دهند و فعالیت‌های ترجمه‌اش در افغانستان سبب شد تا ادبیات معاصر و شعر افغانستان تحت تاثیر ادبیات ترکی قرارگیرد و حرکت ترجمه جدیدی در کشور آغاز شود.

پس از سال ۱۹۰۲ میلادی، محمود طرزی مسیر تازه‌یی در ادبیات افغانستان گشود و برای نخستین بار شعر کلاسیک را رها کرد و به سرودن شعرهای به سبک نو پرداخت. علاوه بر چندین اثر منثور، سه کتاب شعر او به نام‌های «پراگنده»، «ژولیده» و «پژمرده» از نخستین نمونه‌های شعر نو به‌شمار می‌آیند. هرچند از نظر ادبی آثارش از نظر کیفیت ضعیف‌اند، اما از نظر سبک و روش، پیشگام محسوب می‌شوند.^۳ به گفته حیدر ژوبل، اشعار طرزی از نظر زبان و ارزش ادبی

۱. خراسانی، شجاع‌الدین. شعر معاصر دری. چاپ دوم. کابل: امیری، ۱۳۹۱. ص ۸۷، ۸۸ - خسته، خال محمد. معاصرین

سخنور. چاپ دوم. پشاور: انجمن نشراتی دانش، ۱۳۸۶. ص ۸۶.

2. Farzan, "Afganištan'in Modernleşme Çabalarında Türkçenin Etkisi", s. 194-196.

3. Dames, M. Longworth. «Afganištan». İslam Ansiklopedisi. Eskişehir: MEB, 1997. S. 177

ضعیف بودند، اما از نظر موضوع و مضمون، آثار پیشگام دوران خود به شمار می‌روند.^۱ طرزی در دوران امیر حبیب‌الله خان، روزنامه‌های «سراج‌الاخبار» و «سراج‌الاطفال» را منتشر کرد. او بیش از پانزده کتاب تألیف و ترجمه و بیش از پنجمصد مقاله از خود گذاشته است.^۲ آثار محمود طرزی که آغازگر دوره نوگرایی در ادبیات افغانستان به شمار می‌آیند، آثارش در چاپ‌خانه «عنایت» در کابل به چاپ رسیده‌اند. آثار تألیف و ترجمه شده‌ی محمود طرزی که نقش مهمی در آغاز ادبیات معاصر افغانستان داشته و حتی به‌عنوان آغازگر آن شناخته می‌شوند، عبارت‌اند از: جغرافیای منظوم افغانستان، از هر دهن سخنی و از هر چمن سمنی، پراگنده، روضه حکم، سیاحت در سه قطعه روی زمین، علم و اسلامیت، آیا چه باید کرد، ادب در فن، سیاحت در جو هوا، جغرافیای عمومی، سیاحت دور زمین (ترجمه)، جزیره پنهان (ترجمه)، سیاحت در زیر بحر، جنگ روس و جاپان، مقالات سراج‌الاخبار (ترجمه، ۱-۵ جلد).^۳ نمونه شعری که از طرزی این‌جا آورده شده، از نظر نشان‌دادن رویکرد شاعر، سبک ادبی او و سبک آن زمان، اهمیت دارد. طرزی در این شعر به نقش شعر و شاعر در دوران نو توجه کرده و از نظر محتوای شعر، تقریباً یک منشور منتشر کرده است. این شعر طرزی، به‌عنوان اعتراضی به سبک کلاسیک شعر تلقی می‌شود.

وقتِ شعر و شاعری بگذشت و رفت	وقتِ سحر و ساحری گذشت و رفت
وقتِ اقدام است و سعی و جهد	غفلت و تن‌پروری گذشت و رفت
عصرِ موتر و ریل است و برق	گام‌های اشتیری گذشت و رفت
کیمیا از جمله اشیا زر کشد	وقتِ اکسیرآوری گذشت و رفت
تیلگراف آرد خبر از شرق و غرب	قاصد و نامه‌بری گذشت و رفت
کوه‌ها سوراخ و برها بحر شد	جان‌نشینی را کری گذشت و رفت
گفت محمود این سخن را و برفت	سعی کن، تنبل‌گری گذشت و رفت

۱. خراسانی، شجاع‌الدین. شعر معاصر دری. چاپ دوم. کابل: امیری، ۱۳۹۱. ص ۹۲.

۲. غبار، میرغلام محمد. تاریخ ادبیات افغانستان (دوره محمدزایی‌ها). کابل: مطبعه دولتی، ۱۳۳۰؛ بازنشر: تهران، مرکز نشراتی آرش، ۱۳۷۸. ص ۱۰۴.

۳. کهزاد، احمدعلی. تاریخ ادبیات افغانستان. کابل: مطبعه عمومی، ۱۳۳۰. ص ۲۸۷؛ خسته، خال محمد. معاصرین سخنور. چاپ دوم. پشاور: انجمن نشراتی دانش، ۱۳۸۶. ص ۱۶۷، ۱۶۹؛ غبار، میرغلام محمد. تاریخ ادبیات افغانستان (دوره محمدزایی‌ها). کابل: مطبعه دولتی، ۱۳۳۰؛ بازنشر: تهران، مرکز نشراتی آرش، ۱۳۷۸. ص ۱۴۵؛ ژوبیل، محمد حیدر. تاریخ ادبیات افغانستان. پشاور: بنگاه نشراتی میوند، ۲۰۱۰. ص ۲۸۴، ۲۸۵؛ مولائی، محمد سرور. برگزیده شعر معاصر افغانستان. تهران: انتشارات رز، ۱۳۵۰. ص ۹.

عبدالعلی خان مستغنی وردکی (۱۸۷۵ - ۱۹۳۳)

عبدالعلی مستغنی وردکی، در سال ۱۸۷۵ میلادی در کابل زاده شد. او از پدر خود در درس های فقه، فلسفه، کلام و منطق بهره برد و از لحاظ ادبی نیز آموزش دید.

در لیسه حبیبیه، مستغنی همراه با استادان هندی تدریس می کرد. او شاهد دوره های سلطنت امیر شیرعلی خان،

عبدالرحمن خان، حبیب الله خان، امان الله خان، نادر خان و ظاهر شاه بوده است و در سال ۱۹۳۳ میلادی در کابل وفات یافت.

مستغنی به زبان های فارسی، پشتو، عربی و اردو مسلط بود و از این زبان ها ترجمه می کرد. او اشعار اکبرالله آبادی را از اردو به فارسی ترجمه کرده است. با تأسیس روزنامه سراج الاخبار، مستغنی مسوول صفحه ادبی روزنامه گردید.

مستغنی، از شاعران برجسته شعر معاصر افغانستان که باورداشت، دوران گل و بلبل به سر آمده و شعر باید دگرگون شود، در عین حال، به عنوان بنیان گذار شعر معاصر پشتو نیز شناخته می شود. او از شاعران دوره امیر حبیب الله خان بود و اشعارش به فارسی و پشتو نوشته شده اند. آثار او در زمان حیاتش پراکنده در نشریات منتشر می شد و دیوان منظمی از آن ها تهیه نشده بود. دیوانی که توسط خود او ترتیب شده بود گم شد و اشعار پس از وفاتش از مجلات و روزنامه ها جمع آوری و منتشر گردید.^۱

مستغنی با قصیده های خود جلب توجه کرده و از سوی شاعران برجسته زمان خود مورد ستایش قرار گرفت. او بر ضرورت توجه شاعر به مسایل وطن و شناخت نیازهای جامعه و پاسخ به آن ها تأکید داشت و نقش هشداردهنده و رهبری را برای شاعر قایل می شد.

شعرهای مستغنی با به کارگیری مضمون های جدید جلب توجه می کرد و شعری که در این جا نمونه گرفته شده است، تصویری از سبک و محتوای آثار او ارائه می دهد.

اندرز به شعرای وطن

حیف است وصف آن لب همچون شکر کنون هیچ است حرف تنگ دهان و کمر کنون

۱. خسته، خال محمد. معاصرین سخنور. چاپ دوم. پشاور: انجمن نشراتی دانش، ۱۳۸۶. ص ۱۷۲-۱۷۴؛ ژوبل، محمد حیدر. تاریخ ادبیات افغانستان. پشاور: بنگاه نشراتی میوند، ۲۰۱۰. ص ۲۸۸؛ غبار، میرغلام محمد. تاریخ ادبیات افغانستان (دوره محمدزایی ها). کابل: مطبعه دولتی، ۱۳۳۰؛ بازنشر: تهران، مرکز نشراتی آرش، ۱۳۷۸. ص ۹۴؛ مولائی، محمد سرور. برگزیده شعر معاصر افغانستان. تهران: انتشارات رز، ۱۳۵۰. ص ۱۵۹.

تشبییه و استعاره چندین هزارسال
 بگذشت و رفت قصه ماضی، دگر مگو
 گر عاقلی، نسب منمای و حسب مگو
 هر عصر اقتضای دگر دارد ای لیب

بگذار و شعر گوی به طرز دگر کنون
 مستقبل است و حال، زمان معتبر کنون
 علم است و جهل، مایه عیب و هنر کنون
 توپ و تفنگ برد ز تیر و تبر اکنون

میر محمد علی آزاد (۱۸۷۹-۱۹۴۴)

میر محمد علی آزاد در سال ۱۸۷۹ میلادی در کابل زاده شد. پدرش میر محمد حسن بود. آزاد، از شاعران دوره عبدالرحمن خان بود و نزد میر ابوالقاسم آموزش دید و در زمینه ادب نیز آموزش دید. او با خانواده اهل فرهنگ و ادب پیوند داشت و به خوبی عربی آموخته بود. آزاد در دوره حبیب الله خان به خدمت آغاز کرد و در دوره امان الله خان در سال ۱۹۰۰ میلادی در سفارت افغانستان در تهران به سمت معاون سفیر منصوب شد. پس از هشت سال خدمت در تهران، به افغانستان بازگشت و در وزارت خارجه در بخش کشورهای اسلامی کار کرد و در دوره نادرشاه به عنوان نماینده در مجلس حضور داشت. آزاد در سال ۱۹۴۴ میلادی وفات یافت. آثار او عبارتند از: سراج الاخلاق، نخلستان، ذخیره آزاد، زمان زینت، ضرب الامثال^۱ قسمی که در شعر زیر نمایان می شود، آزاد به سبک کلاسیک شعری سرود. نمونه غزل زیر، سبک شعری و محتوای اشعار آزاد را نشان می دهد.

غزل

ما و بلبل در گلستان ناله سر خواهیم کرد
 من ز پای آب شار و بلبلان از شاخ سار
 از خم زلفت مطول قصه ها خواهیم گفت
 گر بهار آزاد ازین سان افگند بر ما نظر

از تو و گل قصه ها با یک دیگر خواهیم کرد
 باغ را زاشک و فغان زیر و بر خواهیم کرد
 از دهانت یک حدیث مختصر خواهیم کرد
 بعد ازین صرف نظر ز اهل نظر خواهیم کرد

شاعران دیگر این دوره (۱۸۶۳-۱۸۷۹)

در این بخش، بیست و هشت شاعری که در فاصله ۱۸۶۳ تا ۱۸۷۹ میلادی زنده گی کرده و آثاری از خود برجای گذاشته اند، اما اطلاعات کافی درباره آنان در دست نبوده یا در زمان خود چندان

۱. خسته، خال محمد. معاصرین سخنور. چاپ دوم. پشاور: انجمن نشراتی دانش، ۱۳۸۶. ص ۴.

برجسته نبوده‌اند، برای استفادهٔ پژوهشگران تحت عنوان «شاعران دیگر این دوره» ارایه شده‌اند. در مورد هریک، تنها اطلاعاتی که در منابع موجود یافت شده، این‌جا آورده شده است.

میر محمداسلم: در ۱۸۷۷ میلادی در کابل زاده شد. پس از آموزش ابتدایی به پاکستان رفت و مدتی در پیشاور تحصیل کرد. پس از فراغت به وطن بازگشت و وارد خدمات دولتی شد. به ایران و عربستان سفر کرد و عربی و فارسی را به خوبی می‌دانست.

میر محمدعلی آزاد کابلی: فرزند میر محمد حسن، زادهٔ ۱۸۸۱ میلادی، شاعر و نویسندهٔ دورهٔ امیر حبیب‌الله خان بود. دارای دیوان شعر بود و در ۱۹۰۵ میلادی در کابل درگذشت.^۱

عبدالباقی مجددی: شاعر قرن نهم و از صوفیان مشهور کابل، در ۱۸۷۰ میلادی وفات یافت. اشعار پراکندهٔ او تا امروز باقی مانده است.

عبدالقهار ذوقی دروازی: زادهٔ بدخشان، تحصیل کردهٔ بخارا، در ۱۸۷۸ میلادی وفات یافت.

محبوب هروی (محبوبه): زادهٔ هرات، شاعر قرن نهم، دختر اسکندر خان و خواهر احمد علی خان نویسندهٔ میکده، در ۱۸۸۵ میلادی وفات یافت.

عبدالله بدخشی: شاعر و عارف، در ۱۸۸۵ میلادی وفات یافت.

خان ملاخان: بدخشانی، دارای کتاب شعر «اصول دل»، در ۱۸۹۱ میلادی وفات یافت.

محمد مراد غافل دروازی: فرزند محمد سعید دروازی، بدخشانی، در ۱۸۹۲ میلادی وفات یافت.

میر محمد شاه غمگین: از خان‌زاده‌گان بدخشان، فرزند میر محمود شاه عاجز، در ۱۹۰۲ میلادی در حالت تبعید در قندهار درگذشت. دارای اثری با نام «از دنیا گذاشتن» است.

سید مالک مسلک: بدخشانی، در ۱۹۰۳ میلادی وفات یافت.

ملا میر ناجی: بدخشانی، دارای دیوان غیر مرتب می‌باشد. وی در ۱۹۰۴ میلادی وفات یافت.

میر محمد سمیع: فرزند سید عزیزالله بدخشانی، در ۱۹۱۰ میلادی وفات یافت.

میرزا عزت شاه: فرزند مذهب شاه دروازی بدخشانی، دارای دیوان شعری است و در ۱۹۱۸ میلادی وفات یافت.

ملا سید احمد بن عبدالرحیم: بدخشانی، در ۱۹۱۸ میلادی وفات یافت.

حافظ نورمحمد مجدوب: در ۱۸۴۴ میلادی در کابل تولد شده است. شاعر صوفی، فرزند ملا جنداد آخوندزاده، در ۱۹۱۹ میلادی وفات یافت.

۱. خسته، خال محمد. معاصرین سخنور. چاپ دوم. پشاور: انجمن نشراتی دانش، ۱۳۸۶. ص ۲۳؛ غبار، میرغلام محمد. تاریخ ادبیات افغانستان (دورهٔ محمدزایی‌ها). کابل: مطبعهٔ دولتی، ۱۳۳۰؛ بازنشر: تهران، مرکز نشراتی آرش، ۱۳۷۸. ص ۸۴؛ کهزاد، احمد علی. تاریخ ادبیات افغانستان. کابل: مطبعهٔ عمومی، ۱۳۳۰. ص ۳۷۸.

میرزا احمد علی طیب: شاعر دورهٔ امیر حبیب الله خان، در ۱۹۲۰ میلادی وفات یافت.^۱
 کاظم علی: شاعر قرن نهم افغانستان است. اثری تحت نام «محاربهٔ کابل» در ۱۸۴۴ میلادی گردآوری کرده است و در ۱۸۵۵ میلادی منتشر شد.
 میر یوسف علی بدخشانی: از امرای بدخشان و شاعر قرن نهم میلادی است. دیوانش از بین رفته و تنها نمونه‌هایی از اشعار پراکنده‌اش باقی است.
 سردار مهردل خان مشرقی: شاعر قرن نهم و از چهره‌های مشهور قندهار است. از وی دیوان دست‌نویسی با غزل، مثنوی و قطعه، موجود است. به فارسی و پشتو شعر گفته است.
 سردار شهناز خان امیر: شاعر قرن نهم و فرزند سرکار سلطان احمد خان است.
 علی شرر کابلی: فرزند میرزا جعفر قندهاری و وزیر فتح خان بود. از وی دیوان غزل، دست‌نویس موجود است.
 ملک محمد حسن حیاتی کابلی: این شاعر کاتب محمد ایوب خان فرزند امیر شیرعلی خان بود. از وی اشعار پراکنده باقی مانده است.
 سردار محمد حسن سیاه امضا: شاعر قرن نهم است و از وی اشعار پراکنده باقی مانده است.
 حیدر خان شغنانی بدخشانی مسلم.
 عبدالرسول خان رسول: دیوانش باقی نمانده است.
 مخفی بدخشانی: دختر میر محمد شاه است و شاعر تحصیل کرده است. در کابل و قندهار تبعید شده و سپس به بدخشان بازگشت.
 سردار محمد عزیز خان: شاعر قرن نهم است و از وی اشعار پراکنده موجود است.^۲

۱. حجازی، بنفشه. تذکرهٔ اندرونی: شرح احوال و شعر شاعران زن در عصر قاجار تا پهلوی. چاپ دوم. تهران: انتشارات قاصیده‌سرا، ۱۴۰۰. ص ۲۹۱؛ خسته، خال محمد. معاصرین سخنور. چاپ دوم. پشاور: انجمن نشراتی دانش، ۱۳۸۶. ص ۱۶۶؛ غبار، میرغلام محمد. تاریخ ادبیات افغانستان (دورهٔ محمدزایی‌ها). کابل: مطبعهٔ دولتی، ۱۳۳۰؛ بازنشر: تهران، مرکز نشراتی آرش، ۱۳۷۸. ص ۳، ۶۵، ۶۶، ۶۹، ۷۹، ۶۴، ۶۲، ۶۰، ۶۳، ۵۹، ۶، ۸۱، ۸۳؛ کهزاد، احمد علی. تاریخ ادبیات افغانستان. کابل: مطبعهٔ عمومی، ۱۳۳۰. ص ۳۵، ۳۹۳، ۳۶۷، ۳۶۴، ۳۶۶، ۳۶۸، ۳۷۵، ۳۹۳.

۲. غبار، میرغلام محمد. تاریخ ادبیات افغانستان (دورهٔ محمدزایی‌ها). کابل: مطبعهٔ دولتی، ۱۳۳۰؛ بازنشر: تهران، مرکز نشراتی آرش، ۱۳۷۸. ص ۳، ۴۹، ۱۳، ۲۰، ۳۳، ۳۹، ۱۰۳، ۱۲۳، ۳۸ - کهزاد، احمد علی. تاریخ ادبیات افغانستان. کابل: مطبعهٔ عمومی، ۱۳۳۰. ص ۳۵۹، ۳۴۵، ۳۵۴، ۳۶۵، ۳۹۷ -

۲. دورهٔ امیر عبدالرحمن خان (۱۸۸۰-۱۹۰۱)

وضعیت سیاسی

در سال ۱۸۸۰ میلادی، امیر عبدالرحمن خان به تخت نشست و سلطنت او بین سال‌های ۱۸۸۰ تا ۱۹۰۱ میلادی، شاهد سیزده جنگ در سراسر افغانستان بود. در این دوره، به دلیل اختلافات مرزی میان هند تحت سلطهٔ انگلیس و افغانستان، صدها قیام علیه انگلیس صورت گرفت. از نظر سیاسی، این دوران بسیار پرتنش بود و کشور از نظر علمی، ادبی، اقتصادی یا سیاسی نتوانست پیشرفت قابل توجهی داشته باشد.

امیر عبدالرحمن خان که هنگام به تخت نشستن امیر شیرعلی خان به سمرقند پناه برده بود، با مشاهدهٔ خلالی قدرت، دوباره به افغانستان بازگشت و سلطنت خود را در شهر چاریکار اعلام کرد و در کابل مراسم تاج‌گذاری برگزار نمود. به سلطنت رسیدن او در سال ۱۸۸۰ میلادی، توانست افغانستان را که در پی تجاوزات انگلیس‌ها و دوره‌های بینابینی شدیداً تقسیم شده بود، دوباره متحد کند. همچنین، از وقایع مهم این دوره، به صورت عموم تعیین مرزهای کنونی افغانستان می‌باشد. این دست‌آوردها توسط پژوهشگران به عنوان آغاز دولت مدرن افغانستان محسوب می‌شود.

توانایی امیر عبدالرحمن خان در ایجاد اقتدار مرکزی، سبب شد تا به او لقب «ضیاء‌الملک والدین» داده شود و حتی ادعاهایی مطرح شد که خلافت اسلامی از استانبول به کابل منتقل شده است. به دلیل این موفقیت‌ها، او در افغانستان با عنوان «امیر کبیر» و در انگلیس با لقب «مشت آهنین» شناخته می‌شد. امیر عبدالرحمن خان در سال ۱۹۰۱ میلادی در کابل درگذشت.^۱

وضعیت اجتماعی

امیر عبدالرحمن خان که در مسیر مرکزی سازی قدرت اقدامات مهمی انجام داده بود، بحث تخصیص حقوق براساس شریعت و آموزش دینی را آغاز کرد و هیأتی از علمای دینی را در کابل تشکیل داد تا علما و روحانیون مشمول حقوق دولتی تحت کنترل دولت مرکزی قرار گیرند.

او دستور داد تا سیدها و علمای دینی مورد امتحان قرار گیرند تا صحت و اعتبار آن‌ها مشخص شود و به هیأت منصوب خود امر کرد تا رساله‌هایی برای آموزش صحیح دین به مردم تدوین کنند. کتاب‌هایی که نوشته می‌شد، تک تک توسط عبدالرحمن خان کنترل می‌شد و در صورت نیاز آیات و نکات لازم به آن‌ها اضافه می‌گردید؛ هر کتابی که مورد تأیید او نبود، اجازهٔ

۱. غبار، میرغلام محمد. تاریخ ادبیات افغانستان (دورهٔ محمدزایی‌ها). کابل: مطبعهٔ دولتی، ۱۳۳۰؛ بازنشر: تهران، مرکز نشراتی آرش، ۱۳۷۸. ص ۵.

چاپ نداشت.

وی همچنین فرمانی صادر کرد مبنی بر این که جز خلیفه و امیر، هیچ کس حق اعلان جهاد ندارد تا از قیام‌ها و ناآرامی‌های داخلی جلوگیری کند. پس از درگذشت عبدالرحمن خان، تخت افغانستان به پسرش حبیب‌الله خان که به عنوان ولیعهد تعیین شده بود، منتقل گردید.^۱

وضعیت ادبی

دوره نود ساله‌ی که در افغانستان سپری شد، به عنوان دوره فترت علمی و ادبی شناخته می‌شود. در این دوره، میراث علمی قدیم به شدت آسیب دید و علوم مدرن هنوز امکان ورود به کشور را نیافته بودند. کتابخانه‌هایی که آثار کلاسیک را در خود جای داده بودند، تخریب شدند، مؤسسات آموزشی از ارایه آموزش محروم شدند و مکتب‌های جدید نیز تأسیس نشدند. در این دوره، اقداماتی که توسط امیر شیرعلی خان (۱۸۶۲-۱۸۷۹) آغاز شده بود- از جمله تأسیس مکتب‌های نظامی و اداری، انتشار روزنامه شمس‌النهار و ترجمه و انتشار برخی کتاب‌های آموزشی نظامی- توسط تهاجمات انگلیسی‌ها متوقف شد؛ مکتب‌ها بسته شدند، انتشار روزنامه متوقف شد و چاپخانه تعطیل گردید. در نتیجه، زنده‌گی اجتماعی و علمی کشور دوباره در تاریکی فرورفت.

پس از پایان این دوره در سال ۱۹۰۱ میلادی، دوره امیر حبیب‌الله خان آغاز شد که به نسبت دوره قبلی، آرام و کم‌نزاع بود. در این دوره، زمینه‌ی نسبی برای فعالیت‌های علمی و ادبی فراهم شد؛ مکتب‌های حبیبیه و حربیه در کابل تأسیس گردیدند، چاپخانه‌ها فعال شدند و روزنامه سراج‌الخبار به مدیریت محمود طرزی منتشر شد.^۲

ساختار آموزشی مکتب حبیبیه شامل سه سطح بود: ابتداییه (ابتدایی)، رشدیه (متوسطه) و اعدادیه (لیسه). طول دوره‌ها به این صورت بود: ابتدایی چهارسال، متوسطه سه سال و لیسه سه سال.

در ابتداییه، دروس شامل فارسی، ریاضیات، جغرافیا و خوش‌نویسی بود. در رشدیه، دروس دینی، جغرافیا، تاریخ، نقاشی، بهداشت، ادبیات، ریاضیات، فارسی، پشتو، انگلیسی، اردو و ترکی آموزش داده می‌شد. در اعدادیه، دروس شامل دین، تاریخ، جغرافیا، ریاضیات، هندسه،

1. Saray, "Afganiṣṭān", s. 401-408; Bilgü, "Afganiṣṭān: Sovyet İşgali ve Sonrası", s. 408-411; Yazıcı, Modern Afganiṣṭān'ın Kuruluşu, s. 26-33.

۲. غبار، میرغلام محمد. تاریخ ادبیات افغانستان (دوره محمدزایی‌ها). کابل: مطبعه دولتی، ۱۳۳۰؛ بازنشر: تهران، مرکز نشراتی آرش، ۱۳۷۸. ص: ۸-۹.

حکمت، کیمیا، انگلیسی و فارسی بود.

در مکتب حربیه، علاوه بر آموزش نظامی، دروس ریاضیات، فیزیک و زبان نیز ارائه می‌شد. معلم‌های این مکتب از ترکیه و هند بودند و زبان خارجی آموزشی ترکی بود. کتاب صرف ترکی که در حبیبیه و حربیه تدریس می‌شد، توسط محمدنظیف، معلم ترکی مدرسه حربیه، نوشته شده بود و نقش مهمی در آموزش زبان ترکی در افغانستان ایفا کرد^۱.

در این دوره، آثار تاریخی مهمی همچون تاج‌التواریخ، سراج‌التواریخ، گلشن امارت، پادشاهان متأخرین افغانستان و تاریخ سلطانی نگارش یافتند و حرکت نگارش تاریخ که در دوره شیرعلی خان آغاز شده بود، در زمان امیر عبدالرحمن خان نیز ادامه یافت^۲.

از نظر ادبی، دوره به عنوان دوره بازگشت به سبک کهن نیز ارزیابی می‌شود، ولی با این وجود فعالیت ادبی قابل توجهی رخ داد و شاعران و نویسندگان متعددی پرورش یافتند و آثار مهمی خلق گردیدند.

ویژه‌گی‌های شعر این دوره

این دوره، از شعر را می‌توان دوران گذار دانست؛ ساختار آن هنوز تحت تأثیر شعر کلاسیک است، اما از نظر محتوا، موضوعات پرداخته شده و اصطلاحات ادبی تغییراتی دیده می‌شود.

در قرن نوزدهم، که شاهد رشد نسلی از ادیبان بودیم که بر دوره‌های بعدی نیز تأثیر گذاشتند، یکی از چهره‌های برجسته افغانستان غلام محمد طرزی بود که در ادبیات افغانستان پیش‌گام شد و سبک او را می‌توان بازگشت به سبک قدیم دانست. در این دوره، قصیده معروف او به نام «نسیم صبح» که برای ستایش سید جمال‌الدین افغانی سروده شده، بسیار مشهور گردید. همچنین شاعرانی چون سلجوقی، داوی، بسمل، بیتاب، گوزوک، مستغنی، شایق، احراری و حیدر نیز با همین سبک شعرگفته و آثار مهمی ارائه کرده‌اند^۳.

در این دوره، اشعار به سبک کلاسیک سروده شده و انواع اشعار شامل قصیده، غزل، مثنوی، قطعه، رباعی، مستزاد، مخمس، مربع، مرثیه، ترکیب‌بند، ترجیح‌بند و مسدس منتشر شده است. شاعران این دوره، سنت شعر کلاسیک و شاعران دربار را نقد کرده و تأکید داشتند که نباید مانند آن‌ها اشعار مدح سروده شود.

1. Farzan, "Afganistan'ın Modernleşme Çabalarında Türkçenin Etkisi", s. 189, 198-200

۲. ژوبل، محمد حیدر. تاریخ ادبیات افغانستان. پیشاور: بنگاه نشراتی میوند، ۲۰۱۰. ص: ۲۶۹-۲۷۱.

۳. کهزاد، احمد علی. تاریخ ادبیات افغانستان. کابل: مطبعه عمومی، ۱۳۳۰. ص: ۳۴۶؛ ژوبل، محمد حیدر. تاریخ ادبیات افغانستان. پیشاور: بنگاه نشراتی میوند، ۲۰۱۰. ص: ۲۷۲-۲۷۳.

شعرهای این دوره با فارسی ساده و قابل فهم برای مردم نوشته شده‌اند و گاهی از واژه‌هایی استفاده شده که تنها در کابل رایج بوده‌است تا اثر به بیشترین میزان ممکن به مردم برسد. استفاده از ترکیب‌های مختلف، بازی‌های زبانی و مضمون‌های جدید در اشعار، از ویژگی‌های برجسته آن است. شاعران بامهارت از فنون لفظی و معنوی بهره‌برده و سعی کرده‌اند، فارسی ساده و قابل فهم به کار ببرند. در اشعار این دوره، مشکلات و گرفتاری‌های جامعه بیان شده و شاعران انتقاد از حکمرانان را دریغ نکرده‌اند. همچنین برخی شاعران به محتوای تصوفی توجه داشته‌اند. در اشعار این دوره، تأثیر سبک ابوالمعانی بیدل به وضوح دیده می‌شود و با توجه به موقعیت جغرافیایی افغانستان که بین هند و خراسان قرار دارد، شاعران اغلب بین دوسبک قرار گرفته‌اند.

شاعران این دوره

در این دوره که ۱۸۶۳ تا ۱۹۰۱ میلادی را دربر می‌گیرد، هفتاد شاعر شناسایی شده‌اند. با این حال، در بخش شعر و شاعران این دوره، به زنده‌گی نامه و نمونه‌یی از شعر شانزده شاعری پرداخته شده که در زمان خود با شعرهایشان برجسته بوده‌اند و نماینده این دوره محسوب می‌شوند. از منابع در دسترس، برای پنجاه و چهار شاعر دیگر اطلاعات کافی به دست نیامده یا در زمان خودشان چندان برجسته نبوده‌اند؛ این شاعران در پایان این بخش تحت عنوان «سایر شاعران این دوره» برای توجه پژوهشگران ارائه شده‌اند.

از میان هفتاد شاعر شناسایی شده، شانزده شاعر انتخاب شده‌اند و در ابتدا تولد، خانواده، تحصیلات، وظایف و شخصیت ادبی آن‌ها همراه با آثارشان شرح داده شده‌است. سپس برای نشان دادن سبک شعری و محتوای شعر هر شاعر، بخشی کوتاه از یکی از اشعار برجسته او ارائه شده‌است.

محمد کاظم بلبل (۱۸۸۳-۱۹۴۴)

محمد کاظم بلبل، از خانواده‌یی مخالف حکومتی بود و خود نیز به خاطر مواضع انتقادی‌اش شناخته می‌شد. وی در سال ۱۸۸۳ میلادی در کابل متولد شد. پدر و کاکاهای بلبل که مخالفان دوره عبدالرحمن خان بودند، به دستور انگلیسی‌ها به قتل رسیدند و بلبل توسط یکی از دوستان پدرش مخفیانه به ایران فرستاده شد.

بلبل در مشهد تحصیل کرد و در این مدت عربی و ادبیات آموخت و تسلطش بر زبان عربی افزایش یافت. سپس به عراق رفت و پنج سال در نجف آموزش دید. پس از بازگشت به ایران، مدتی در مشهد و قم زنده‌گی کرد و سرانجام در دوره امیر امان‌الله خان در سال ۱۹۲۰ میلادی به افغانستان

بازگشت و در سال ۱۹۴۴ میلادی در کابل درگذشت.^۱

اشعار بلبل در نشریات و روزنامه‌های آن دوره منتشر شده است. دیوان او که شامل قصیده، مثنوی، رباعی، مستزاد، مخمس و مسدس می‌شود، با نام «دیوان بلبل» در سال ۱۹۸۶ میلادی در تهران منتشر شد. بلبل خانه‌اش را به یک خانقاه تبدیل کرده بود و برنامه‌های خوانش مناقب را در عصرهای جمعه برگزار می‌کرد.

اشعار بلبل به صورت عموم به سبک خراسانی و عراقی سروده شده و محتوای آن‌ها بیشتر مذهبی و تصوفی است. او شاعران دربار را نقد کرده و گفته است: «عالمی طوطی شدند اما کسی بلبل نشد!» یعنی همه مثل طوطی تکرار می‌کنند؛ اما کسی بلبل شده نمی‌تواند و او مانند آن‌ها مدح نخواهد گفت. بلبل در اشعارش از فارسی ساده و قابل فهم برای مردم استفاده کرده و گاه از واژه‌گان خاص کابل بهره برده تا بیشترین ارتباط را با مخاطبان عادی برقرار کند. نمونه‌یی از حساسیت او نسبت به درک و دریافت مخاطب در این بیت آشکار است:

«در گلستان بلبل و در انجمن پروانه باش هر کجا دام تماشایی که بینی دانه باش»

از این بیت برمی‌آید که بلبل به سبک کلاسیک وفادار بوده و دیوان او نیز بر همان اساس تنظیم شده است.

ای نام تو تاج سر و دیباج دیوان،	وی حمد تو شیرازۀ مجموعۀ امکان
بی‌نام تو عنوان مضامین همه مهمل،	بی‌حمد تو از کان دواوین همه ویران
از نام تو بر چرخ چمد عیسی مریم،	وز حمد تو بر رود موسی عمران
مشغول ثنای تو دل خلق دو عالم،	مشمول عطای تو، چه دانا و چه نادان

عبدالعزیز حیرت (۱۸۸۶-۱۹۵۸)

عبدالعزیز حیرت، که در شعرهایش از لقب‌های «بسمل» و «حیرت» استفاده می‌کرد، در سال ۱۸۸۶ میلادی در سفیدکوه متولد شد. پدرش محمد سلیمان بود و حیرت آموزش ابتدایی را در خانواده آغاز کرد و سپس با معلم‌های خصوصی ادامه داد. پس از پایان تحصیلات، در دورهٔ امیر حبیب‌الله خان در نهادهای دولتی مشغول به کار شد و بعداً در وزارت خارجه افغانستان فعالیت کرد و به عنوان سرکنسول افغانستان در مشهد منصوب شد. حیرت در سال ۱۹۵۸ میلادی درگذشت.^۲

۱. خسته، خال محمد. معاصرین سخنور. چاپ دوم. پشاور: انجمن نشراتی دانش، ۱۳۸۶. ص ۶۴؛ صابری هروی، سید جلیل. شعرای عصر حاضر افغانستان، جلد اول. کابل: نشر نوند، ۱۳۸۹. ص ۳۴۵.

۲. خسته، خال محمد. معاصرین سخنور. چاپ دوم. پشاور: انجمن نشراتی دانش، ۱۳۸۶. ص ۱۳۵؛ صابری هروی، سید جلیل.

در دورهٔ فعالیتش در مشهد، حیرت با شاعر مشهور ایرانی ایرج میرزا آشنا شد. ایرج میرزا در یکی از اشعارش حیرت را با این سخنان ستایش کرد:

عزیز قنسل افغان شریف مرد جهان بلند مرتبه سردار نامدار عزیز
حیرت نخستین اشعار خود را در سراج‌ال‌اخبار با لقب «بسمل» منتشر کرد، اما بعدها به دلیل تشابه نام با دیگران، لقب خود را به «حیرت» تغییر داد و این تغییر را در شعری چنین توضیح داد:

چشم قربانی عزیزان محو حیرانی بود بسمل از نام دگر خواهد همانا حیرت است
نمونهٔ شعری وی با عنوان «حیرت» در این جا برای بررسی سبک و محتوای شعر وی ارائه شده است.

حیرت

جان من، این جا طلسمات جهان حیرت است،
صد هزاران رمز دارد در تماشاگاه صنع،
هر معما که نداند حل آن عقل بشر،
سید ما، سرور کونین، ختم‌المرسلین،
هر چه می‌بینی، زمین و آسمان حیرت است
گر بهاران است در فصل خزان، حیرت است
خود کلیدش بی‌گمان اندر بنان حیرت است
آن‌که پای آستانش ندبان حیرت است ...

هاشم شایق (۱۸۸۷-۱۹۴۴)

محمد هاشم شایق، ادیب و شاعر معاصر افغانستان، در سال ۱۸۸۷ میلادی به دنیا آمد. او آموزش‌های ابتدایی و متوسطهٔ خود را در زادگاهش به پایان رساند و برای ادامهٔ تحصیل به ترکیه رفت. شایق از بخش تعلیم و تربیت انستیتوت تربیتی غازی فارغ شد.

پس از بازگشت به افغانستان، شایق مدتی در نهادهای مختلف دولتی مشغول به کار شد و سپس در زمینهٔ آموزش و پرورش فعالیت کرد. او مدتی در انستیتوت تعلیم و تربیت خدمت کرد، بعداً ریاست هیأت تعلیم و تربیهٔ وزارت معارف را برعهده گرفت. شایق همچنین مدتی مشاور وزارت معارف بود و در نهایت باقی عمر خود را در دانشکدهٔ ادبیات به تدریس اختصاص داد و تعداد زیادی دانش‌جو پرورش داد. او در سال ۱۹۵۴ میلادی در کابل درگذشت.

شایق در دوران تدریس خود به تحقیق و نگارش پرداخت و مجلهٔ آئینه عرفان را که ارگان رسمی وزارت معارف بود، تأسیس و مدت زیادی مدیریت کرد و در آن نوشته‌های خود را منتشر می‌نمود. او به عنوان اولین کسی که در افغانستان آموزش علوم تربیتی و روان‌شناسی را به روش‌های مدرن

ارائه کرد و نیز یکی از نخستین نویسندگان داستان کوتاه به سبک مدرن شناخته می‌شود. شایق، که به عنوان آموزگار، نویسنده، شاعر و پژوهشگر شناخته می‌شود، شعرها و نوشته‌هایش را در مجله «آیینۀ عرفان» و «وطن» منتشر کرده است.

شایق که «تاریخ ادبیات افغانستان» را نیز با شیوه‌های نوین به نگارش درآورده است، به سبب دلبستگی به ابوالمعانی بیدل، در سبک، در شباهت با او شناخته می‌شود. او در اشعارش از زبان روان و ساده بهره می‌گرفت و زبان شعری‌اش از سوی هم‌عصرانش ستوده می‌شد. شایق در خانه خویش محافل شعرخوانی برگزار می‌کرد و در این مجالس اشعار بیدل خوانده می‌شد. ترکیب‌هایی که در شعر به کار می‌برد و واژه‌گانی که برمی‌گزید، قابل توجه است.^۱ شعری که در این جا به عنوان نمونه آورده می‌شود، درباره سبک و محتوای سروده‌های او تصویر روشنی به دست می‌دهد.

دوش به بزم صراحی که پهلوی تو بود	جام را گوش به لب‌های سخن‌گوی تو بود
فتنه چرخ که از خواب گران شد بیدار	این هم انگیخته نرگس جادوی تو بود
گر به پیراهن گل خار نمی‌ریخت بهار	شبهه می‌رفت شبیه رخ نیکوی تو بود

عبدالحق بیتاب (۱۸۸۸-۱۹۶۹)

عبدالحق بیتاب، یکی از چهره‌های برجسته ادبیات و شعر معاصر افغانستان، در سال ۱۸۸۸ میلادی در کابل به دنیا آمد. او آموزش‌های ابتدایی خود در زمینه علوم ادبی، بلاغت، عربی و علوم اسلامی را در خانواده دریافت کرد و سپس در کابل نزد معلم‌های مختلف ادامه تحصیل داد و به این شکل تحصیلاتش را کامل کرد. پدر و کاکاهای بیتاب از عالمان و ادیبان کابل بودند و خود او نیز از دوران امیر حبیب‌الله خان به یک چهره شناخته شده، تبدیل شده بود.

بیتاب مدتی در مکتب‌های مختلف کابل به تدریس فارسی پرداخت و سپس سال‌های طولانی در دانش‌کده ادبیات به آموزش فنون ادبی، بیان، عروض، معانی، دستور زبان و تصوف اشتغال داشت. او در سال ۱۹۶۹ میلادی در کابل درگذشت.

بیتاب با تدریس در دانش‌گاه و در خانه خود، دانش‌جویان زیادی پرورش داد که بسیاری از آنان بعدها از شاعران و ادیبان مهم همان دوره شدند. وی که آثار زیادی را نشر کرده، دیوان اشعارش نیز در کابل چاپ شده است و به صورت عموم شامل غزل‌هاست. وی با سرودن غزل‌هایش توجه

۱. خسته، خال محمد. معاصرین سخنور. چاپ دوم. پشاور: انجمن نشراتی دانش، ۱۳۸۶. ص ۲۹۱؛ ژوبل، محمد حیدر. تاریخ ادبیات افغانستان. پشاور: بنگاه نشراتی میوند، ۲۰۱۰. ص ۲۹۶-۲۹۷.

خاصی جلب کرد و به پیش نهاد وزارت معارف افغانستان، به لقب ملک الشعراء نایل آمد.^۱ بیتاب از پیروان سلسله نقشبندی بود و اشعارش بیشتر جنبه دینی - تصوفی دارند و به سبک خراسانی و هندی سروده شده اند. او خود بیان کرده که به دلیل موقعیت جغرافیایی افغانستان بین هند و خراسان، در سبک شعری خود میان دوشیوه قرار گرفته است. بیتاب در اشعارش از صنایع لفظی و معنوی به طور استادانه استفاده کرده و زبان شعرش ساده و قابل فهم است. همچنین به کار بردن مفاهیم و معانی تازه در اشعارش جلب توجه می کند.^۲ آثار بیتاب عبارت اند از: علم بدیع، کابل، ۱۹۱۲ میلادی؛ مفتاح الغموز فی علم القافیه و العروض، کابل، ۱۹۱۲ میلادی؛ علم معانی، کابل، ۱۹۱۴ میلادی؛ گفتار روان در علم بیان، کابل، ۱۹۱۴ میلادی؛ دیوان بیتاب، کابل، ۱۹۱۲ میلادی؛ درباره دستور زبان، کابل. علاوه بر تألیفات، بیتاب دارای آثار ترجمه‌یی نیز می باشد. از آن جمله اند: علم منطق از طه حسین، کابل، ۱۹۱۷ میلادی و ایساغوجی، کابل، ۱۹۱۷ میلادی.^۳ در نمونه شعری که در این جا آورده شده، می توان سبک شعری و محتوای سروده های او را مشاهده کرد.

به زور

این متاع کس مخر را بر که بفروشم به زور؟	جامه هستی فلک افگند بر دوشم به زور
گرچه می سازد فنا آخر کفن پوشم به زور	جامه ها بافد برآیم رشته طول امل
سور خیزاند مگر زین خواب خرگوشم به زور	عمر رفت و من همان غافل ز پشت کار خود
ساغر سرشار چشمی می برد هوشم به زور	زان تنگ طرفان نیم کر جرعه بی خود شوم

محمد انور بسمل (۱۸۸۸-۱۹۶۱)

محمد انور بسمل، در سال ۱۸۸۸ میلادی در کابل به دنیا آمد. پدرش ناظر محمد صفر خان امین بود و بسمل از شاعران دوره امیر حبیب الله خان است. آموزش های ابتدایی خود را در خانواده گذراند و پس از تأسیس لیسه حبیبیه، از صنف سوم لیسه به ادامه تحصیل در این مکتب پرداخت. پس از پایان مکتب، با امکانات خودش زبان عربی را فراگرفت و در درس های صرف، نحو، معانی و منطق مهارت یافت.

۱. ژوبل، محمد حیدر. تاریخ ادبیات افغانستان. پشاور: بنگاه نشراتی میوند، ۲۰۱۰. ص ۲۹۲؛ غبار، میرغلام محمد. تاریخ ادبیات افغانستان (دوره محمدزایی ها). کابل: مطبعه دولتی، ۱۳۳۰؛ بازنشر: تهران، مرکز نشراتی آرش، ۱۳۷۸. ص ۹۲.
 ۲. کهزاد، احمد علی. تاریخ ادبیات افغانستان. کابل: مطبعه عمومی، ۱۳۳۰. ص ۲۹۲.
 ۳. خسته، خال محمد. معاصرین سخنور. چاپ دوم. پشاور: انجمن نشراتی دانش، ۱۳۸۶. ص ۷۱.

پس از آموزش، وارد خدمات دولتی شد و در مزارشریف، بدخشان و قطغن، سمت‌های قضایی داشت. در دوره نادرشاه، ریاست انجمن ادبی کابل را برعهده گرفت و سپس ریاست بخش تعلیم و تربیه وزارت معارف را داشت. مدتی نیز در وزارت مالیه کارکرد و پس از تصدی معاونت وزارت، به عنوان نماینده مردم وارد مجلس شد. محمد انور بسمل در سال ۱۹۶۱ میلادی درگذشت. بسمل به سبک کلاسیک شعر می‌سرود و به ویژه در غزل‌ها شناخته شده است، اما در قالب‌هایی مانند قصیده، مثنوی، قطعه، رباعی، مخمس، مسدس، مربع، ترکیب‌بند و ترجیع‌بند نیز شعر دارد. دیوانی نیز از آثار او موجود است.^۱ نمونه‌یی از غزل بسمل که سبک و محتوای شعری او را نشان می‌دهد، در این بخش، آمده است.

غزل

منم آن رند که گر شش درم آید به کفم همچو نرگس به چمن صرف می و جام کنم
آهم از دل چو صبا عطر فشان می‌خیزد تا هوای قد آن سرو گل اندام کنم

میرزا محمد شریف خسته دل (۱۸۸۹-۱۹۳۰)

میرزا محمد شریف خسته دل، از سیمای متفاوت شعر معاصر افغانستان، در سال ۱۸۸۹ میلادی در کابل متولد شد. پدر او محمد کریم نام داشت. خسته دل به عنوان شاعر و موسیقی‌دان شناخته می‌شد. ترانه‌های او در میان مردم منتشر و محبوب گردیده بود. وی به عنوان خواننده و موسیقی‌دان، شش سال در دربار حبیب‌الله خان حضور داشت. شریف هم آواز می‌خواند و هم آلات موسیقی چون رباب، تمبور، پیانو و طبله می‌نواخت. حبیب‌الله خان هنگامی که دانست شریف همچنین شاعر است و توانایی نوشتن دارد، دستور داد که آوازخوانی را ترک کرده و در دستگاه‌های دولتی مشغول خدمت شود. شریف در خدمات دولتی آغاز به کار کرد و تا مقام سرکاتب پیش رفت. او در سال ۱۹۳۰ میلادی در کابل درگذشت.^۲

اشعار شریف به زبان روان و قابل فهم نگارش یافته‌اند. از میان آثار باقی‌مانده او، اشعاری در قالب‌های غزل، مخمس، مرثیه، ترکیب‌بند و ترجیع‌بند یافت می‌شود.

۱. غبار، میرغلام محمد. تاریخ ادبیات افغانستان (دوره محمدزایی‌ها). کابل: مطبوعه دولتی، ۱۳۳۰؛ بازنشر: تهران، مرکز نشراتی آرش، ۱۳۷۸. ص ۸۷ - خسته، خال محمد. معاصرین سخنور. چاپ دوم. پشاور: انجمن نشراتی دانش، ۱۳۸۶. ص ۵۶ - ۵۷
۲. صابری هروی، سید جلیل. شعرای عصر حاضر افغانستان، جلد اول. کابل: نشر نوند، ۱۳۸۹. ص ۸۱۸، ۸۱۹ - خسته، خال محمد. معاصرین سخنور. چاپ دوم. پشاور: انجمن نشراتی دانش، ۱۳۸۶. ص ۳۲۸

زلف چلیپا

قیامت بگذرد تا بر کشد حرفی ز بالایت
ورق بر گشت دیدم مصرع زلف چلیپایت
درین عالم سری فارغ نمی بینم ز سودایت
بدام پیچ و تاب چین گیسوی سمن سایت
که همچون خسته دل دارد به دل داغ سودایت

مصور چون کشد تصویر حسن عالم آرایت
شی سیر معانی داشتم اندر بیاض حسن
چه پرسی از گرفتاران حسن خود سرت کردم
سراغ دل می‌رس از من که از عمری گرفتارم
ز حال لاله خونین جگر غافل مباش ای دل

عبدالله احرار (۱۸۹۱-۱۹۸۳)

عبدالله احرار، شاعر و سیاست‌مدار شناخته‌شده، در سال ۱۸۹۱ میلادی در هرات متولد شد. پدر او محمدصادق خطیب نام داشت. احرار از شاعران و نویسندگان برجسته زمان خود بود و به طریقت نقشبندی تعلق داشت. آموزش ابتدایی را نزد پدر آغاز کرد و سپس در مدرسه به فراگیری درس‌های عربی و ادبیات پرداخت.

پس از اتمام آموزش، احرار در مؤسسات دولتی و بخش خصوصی به فعالیت پرداخت. در سال ۱۹۵۷ میلادی به عنوان عضو شورای شهر هرات انتخاب شد و مدتی نیز مسئولیت موزیم هرات را برعهده داشت. او در سال ۱۹۸۳ میلادی درگذشت.

احرار عضو انجمن ادبی هرات بود و مجله ماهانه شهرداری هرات را منتشر کرده و مقالاتی در آن نگاشته است.^۱ اشعار احرار کلاسیک است اما با مضامین و مفاهیم نو. از جمله آثار او، شعر «صلح» در دوران جنگ جهانی دوم است که بخش‌هایی از آن در این جا آمده است.

صلح

نیست راحت گر نباشد در میان توقیر صلح
طلعتی بنما جهان روشن کن ای تنویر صلح
گول شیطان خوردی و رو تافتی از پیر صلح
پاره کردن یکدگر را نیست در تعبیر صلح

رفته آرامش ز عالم یادی ای شبگیر صلح
نوع انسان خسته شد از ظلمت عفریت جنگ
فکری آخر ای بشر هر چه افتادی به شر
حیف انسان گر شود مانند حیوان مفترس

۱. خسته، خال محمد. معاصرین سخنور. چاپ دوم. پشاور: انجمن نشراتی دانش، ۱۳۸۶. ص ۳۶۱؛ صابری هروی، سید جلیل. شعرای عصر حاضر افغانستان، جلد اول. کابل: نشر نوند، ۱۳۸۹. ص ۱۳۱.

میر غلام حیدر خادم پیر هرات (۱۸۹۲-۱۹۵۰)

میر غلام حیدر، که با لقب «خادم پیر هرات» شناخته می‌شود، در سال ۱۸۹۲ میلادی در هرات متولد شد. پدرش محمد عثمان نام داشت. حیدر، درس‌های اولیه ادبیات و علوم دینی را نزد معلم‌های محل خود فراگرفت. میر غلام، از علمای برجسته هرات بود و به دلیل مسؤلیت آرام‌گاه خواجه عبدالله انصاری، خود را همیشه خادم پیر هرات می‌دانست و این لقب را به عنوان تخلص خود انتخاب کرده بود.

حیدر اشعار خود را به صورت ساده و قابل فهم سروده است. آثار او در مجلاتی همچون «اتفاق اسلام هرات» و «هرات» منتشر شده و همچنین در مجموعه‌هایی مانند «آثار هرات»، «شعرای معاصر هرات» و «معاصرین سخنور» درج شده است. او در سال ۱۹۵۰ میلادی در هرات درگذشت!

نمونه‌یی از شعر او با عنوان «صلح و صلاح» که در این جا ارایه شده، نمایانگر سبک شعری و مفکوره آن دوره است.

صلح و صلاح

آسمان مردمی را صلح نیکو اختر است
تا بدانی هرچه غیر از خیر باشد، شر است
کاین عمل یک رکن از ارکان شرع انور است
مشت خصمان از سوار و از پیاده بی پر است

آدمی را صلح در راه سعادت رهبر است
آن که خیر و شریبه دست اوست گفت: «اصلاح خیر»
تا توانی در ره اصلاح «ذات البین» کوش
لاعب شطرنج را بنگر، که بعد از کارزار

عبدالکریم احراری (۱۸۹۳-۱۹۸۴)

عبدالکریم احراری، از چهره‌های برجسته هرات، در سال ۱۸۹۳ میلادی در هرات متولد شد. پدرش محمدصادق خطیب نام داشت. احراری به عنوان روزنامه‌نگار، شاعر و نویسنده شناخته می‌شود. او درس‌های صرف، نحو، فلسفه، منطق، معانی و بیان را از پدرش فراگرفت و سپس در هرات به آموزش‌های دینی در مدرسه ادامه داد. پس از اتمام تحصیل، در مشاغل مختلف دولتی خدمت کرد، اما در پایان دوره امیر امان‌الله خان از کار دولتی کناره‌گرفت و به فعالیت‌های ادبی پرداخت. احراری در سال ۱۹۳۵ میلادی به کابل دعوت شد و تحت نظارت

۱. صابری هروی، سید جلیل. شعرای عصر حاضر افغانستان، جلد اول. کابل: نشر نوند، ۱۳۸۹. ص ۷۸۹ - خسته، خال محمد. معاصرین سخنور. چاپ دوم. پشاور: انجمن نشراتی دانش، ۱۳۸۶. ص ۲۲۴

حکومت قرار گرفت و در این دوره، برای مدتی مدیریت کارخانه قند بغلان را برعهده داشت. پس از نه سال تبعید، در سال ۱۹۴۶ میلادی به هرات بازگشت و مدتی مدیر بانک زراعت هرات شد. او در سال ۱۹۶۴ میلادی در کمیسیون نگارش قانون اساسی حضور داشت و در نهایت در سال ۱۹۸۴ میلادی در هرات درگذشت.

احراری از خطاطان شناخته شده دوره خود بود و در سال ۱۹۳۰ میلادی همراه با گروهی از دوستان، انجمن ادبی هرات را تأسیس کرد و مجله ادبی «هرات» را منتشر نمود. او مدتی نیز سردبیری مجله «اتحاد اسلامی» را برعهده داشت. آثار و اشعار احراری در بسیاری از مجلات و روزنامه‌های افغانستان منتشر شده است. برخی از آثار او عبارت‌اند از: «مولانا عبدالرحمن جامی و تصوف»، «ثروت تحت الارضی هرات»، «واعظ سلاطین»، «اهمیت باستانی و تاریخی هرات»، «سوگند خورده‌گان دربار انگلیس»^۱.

احراری در اشعار خود به مشکلات دوران خود اشاره کرده و از انتقاد نسبت به حاکمان ابایی نداشته است. نمونه‌یی از شعر او با عنوان «سران ما» که در این جا ارائه شده، سبک شعری او را نشان می‌دهد.

سران ما

بشر امروز در اصلاح خویش‌اند	سران ما همه در فکر ریش‌اند
چرا ای عدل از مایی گریزان	تو ای شفقت به ما هم شو نمایان
جهان یک‌سر لباس صنع پوشند	به کار دولت و ملت بکوشند
به جز ماییم کز عالم خبر نه	به فکر خویشتن وز خیر و شر نه

غلام نبی عشق‌ری (۱۸۹۴-۱۹۷۹)

صوفی غلام‌نبی عشق‌ری، در سال ۱۸۹۴ میلادی در کابل متولد شد. آموزش‌های ابتدایی خود را در محل زنده‌گی خود به پایان رساند و در جریان تأسیس مکتب‌های زیر نظر وزارت معارف، در روستاهای اطراف کابل به تدریس پرداخت. بعدها از خدمت دولتی کناره‌گرفت و به تجارت روی آورد. عشق‌ری همچنین به صحافت پرداخت و محل کارش مکانی برای ملاقات ادیبان و شاعران تبدیل شد. او در سال ۱۹۷۹ میلادی درگذشت.

عشق‌ری در اشعار خود از زبانی روان و ساده بهره‌برده و نسبت به شاعران هم‌دوره خود از

۱. صابری هروی، سید جلیل. شعرای عصر حاضر افغانستان، جلد اول. کابل: نشر نوند، ۱۳۸۹. ص ۱۳۴.

مضامین تازه استفاده کرده است. آثار او به صورت پراکنده در مجلات و روزنامه های مختلف افغانستان منتشر شده اند.^۱

غزل

موی سیاهت، ای صنم، وه! چه عجب فتاده است
پهلوی غیر، کم نشین، ای بت من، که از حسد
حلقه به حلقه، خم به خم، تابه کمر، به پیچ و تاب
می چکد از دو چشم من خون جگر، به پیچ و تاب
درد برآمد از دم، وقت سحر، به پیچ و تاب
شمع صفت تمام شب، سوز و گداز داشتم

صلاح الدین سلجوقی (۱۸۹۵-۱۹۷۰)

صلاح الدین سلجوقی در سال ۱۸۹۵ میلادی در هرات متولد شد. پدرش، سراج الدین مفتی هروی بود. آموزش های اولیه فارسی و عربی را از پدر آموخت. پس از آن از استادان برجسته هرات نیز درس گرفت. او پس از آغاز خدمت دولتی، به مطالعه و تحقیق ادامه داد و دانش خود را ارتقا بخشید. سلجوقی که آثار کلاسیک یونان را مطالعه کرده بود، فلسفه و تصوف را ترکیب کرده و کتاب هایی تألیف نمود.

پس از پایان تحصیل، سلجوقی در سال ۱۹۱۵ میلادی در لیسه حبیبیه کابل به عنوان معلم فارسی و عربی آغاز به کار کرد. در سال ۱۹۲۱ میلادی، سمت ریاست معارف هرات را برعهده گرفت. سپس دوباره به تدریس بازگشت و در لیسه استقلال کابل معلم فارسی شد. بعد از آن، در وزارت امور خارجه به عنوان سکرتر وزیر فعالیت کرد و مدتی نیز به عنوان کنسول افغانستان در بمبئی خدمت نمود. سلجوقی سپس به عنوان سرکنسول افغانستان در دهلی نو و بعد سفیر افغانستان در پاکستان منصوب شد. او در سال ۱۹۴۹ میلادی به عنوان نماینده هرات به مجلس انتخاب شد و سپس دوباره به ریاست کل مطبوعات بازگشت و در سال ۱۹۵۴ میلادی سفیر افغانستان در مصر شد. وی در سال ۱۹۷۰ میلادی درگذشت.

اشعار و نوشته های سلجوقی در روزنامه ها و مجلات مختلف منتشر شده است. آثار و ترجمه های او شامل: فنون، معانی، بیان، بدیع، اخلاق، افکار شاعر، اخلاق ارسطو، تهذیب می باشند.^۲ نمونه شعر زیر سبک شعری، محتوای او و استفاده از مضمون های نو در اشعارش را نشان می دهد.

۱. خسته، خال محمد. معاصرین سخنور. چاپ دوم. پشاور: انجمن نشراتی دانش، ۱۳۸۶. ص ۲۵-۲۷.

۲. خسته، خال محمد. معاصرین سخنور. چاپ دوم. پشاور: انجمن نشراتی دانش، ۱۳۸۶. ص ۲۱۴-۲۱۵.

حریف بر شده با زیپلین و بر بالون
 مهار کرده هوا را به رشته سیمون
 کشید حلقه گیتی به سیم خود تلفون
 شد از خفاء تو اعداء هریکی یدسون
 عقول را به خداوند کرده راه نمون
 فان طائف الحکم هم العالون

تویی سوار خر جهل در ره حرمان
 تو بر شتر زده بار برید و خصم ظریف
 کنی تو تعبیه سیماب وحشت اندر گوش
 تو خفته در چه یلدای جهل چون خفاش
 ز حکمت است که توحید گشته مستحکم
 همین نوشته عطارد به صفحه من و بس

عبدالهادی پریشان داوی (۱۸۹۵-۱۹۸۲)

عبدالهادی داوی، که با تخلص پریشان مشهور است، در سال ۱۸۹۵ میلادی در کابل به دنیا آمد. نخستین دروسش را در محیط خانواده فراگرفت و سپس در لیسه حبیبیه ادامه تحصیل داد. پس از پایان تحصیل، داوی در پست های مختلف دولتی مشغول شد و در سال ۱۹۲۰ میلادی به درخواست محمود طرزی، در وزارت امور خارجه مشغول به کار شد و ریاست بخش هند و اروپا را برعهده گرفت. در سال ۱۹۲۱ میلادی به عنوان معاون دوم وزارت امور خارجه منصوب شد و در سال ۱۹۳۲ میلادی سفیر افغانستان در لندن گردید. سپس به ترتیب در سال ۱۹۵۳ میلادی سفیر افغانستان در مصر، ۱۹۵۵ میلادی سفیر افغانستان در اندونیزیا و در سال ۱۹۶۴ میلادی وزیر تجارت شد و در سال ۱۹۷۳ میلادی ریاست مجلس شورای ملی را برعهده گرفت. داوی به زبان های انگلیسی، ترکی، عربی و اردو تسلط داشت و در سال ۱۹۸۲ میلادی در کابل درگذشت. داوی آثار خود را به پشتو و فارسی نوشته است و از شاعران و نویسندگان دوزبانه افغانستان به شمار می آید. او از سال ۱۹۱۴ میلادی در سراج الاخبار فعالیت خود را آغاز کرد و دستیار محمود طرزی بود. در سال ۱۹۱۹ میلادی به دلیل انتشار یک شعر در سراج الاخبار دستگیر شد و پس از هفت ماه زندانی بودن، آزاد شد و به مدیریت روزنامه ایمان افغان منصوب گردید.

در سال ۱۹۷۲ میلادی به عنوان عضو افتخاری به انجمن ادبی کابل پیوست. داوی، پس از طرزی، از پیشگامان شکل گیری ادبیات معاصر افغانستان به شمار می رود. او نخستین مدیرکل روزنامه ایمان افغان بود که پس از سراج الاخبار تأثیر بسزایی در شکل گیری ادبیات مدرن افغانستان داشت.

عبدالهادی داوی با تخلص پریشان، از شاعران و نویسندگان نوآور دوران خود است. آثار منثور و منظوم او در مجلات و روزنامه های معتبر آن دوره مانند سراج الاخبار، ایمان افغان و کابل، منتشر شده اند. برخی تاریخ نگاران ادبی او را از شاعران پیش و پس از استقلال یاد می کنند. آثار او عبارتند از: عبرت نامه، تجارت شمالی ما، پریشان، کلیات اشعار، سفرالاسفار در اندونیزیا،

سفرنامه‌ها، آثار اردوی اقبال، مقالات، نوت‌ها.
نمونه اشعار زیر، «تابه کی» و «معارف»، نشان‌دهنده سبک شعری، و افکار پریشان است.

تابه کی

تابه کی، اولاد افغان، تابه کی؟ سبزه خوابیده، سر از خاک برکشید می‌رسد آواز سبیل از راه دور بایدت بر حال خویشت خون گریست شوق تعمیر سرای و خانه چند؟ روز، کار است و روزگار، عبرت است هست مکتب جان ملت، جان من کودکان را مکتب است و مدرسه ای قلم! آخر زبانت می‌برند	تابه کی، هان! تابه کی، هان! تابه کی؟ برئی داری تو مزگان، تابه کی؟ توبه خواب، ای خانه‌ویران! تابه کی؟ سیرانهار و گلستان، تابه کی؟ خاک بازی همچو طفلان، تابه کی؟ خواب راحت در شبستان، تابه کی؟ تابه کی باشیم بی‌جان، تابه کی؟ خاک بازی در بیابان، تابه کی؟ این قدر حرف پریشان، تابه کی؟
---	---

معارف

شی با خرد گفتم: «ای پیر عارف! چه سازیم تا جان بریم از مخایف؟» معارف، معارف، معارف، معارف! به مغرب نگر، حالت آل عمان. چه بود آن‌که کردش به مطلب مصادف؟	ز مستقبل ملتم بیش خایف برآورد سر، گفت پیر مکایف: به مشرق ببین حال اقوام جاپان، چه بود آن‌که دادش ترقی نمایان؟ معارف، معارف، معارف، معارف!
---	---

غلام جیلانی جلالی (۱۸۹۵ - ۱۹۷۸)

غلام جیلانی جلالی در سال ۱۸۹۵ میلادی در شهر غزنی چشم به جهان گشود. پدرش، عبدالستار، از عالمان برجسته و شناخته‌شده منطقه به شمار می‌رفت. جلالی علوم فقه، صرف و نحو زبان

۱. خسته، خال محمد. معاصرین سخنور. چاپ دوم. پشاور: انجمن نشراتی دانش، ۱۳۸۶. ص ۸۴؛ صابری هروی، سید جلیل. شعرای عصر حاضر افغانستان، جلد اول. کابل: نشر نوند، ۱۳۸۹. ص ۴۵۴ - ۴۶۳؛ ژوبل، محمد حیدر. تاریخ ادبیات افغانستان. پشاور: بنگاه نشراتی میوند، ۲۰۱۰. ص ۲۹۵؛ غبار، میرغلام محمد. تاریخ ادبیات افغانستان (دوره محمدزایی‌ها). کابل: مطبعه دولتی، ۱۳۳۰؛ بازنشر: تهران، مرکز نشراتی آرش، ۱۳۷۸. ص ۱۱۰؛ کهزاد، احمد علی. تاریخ ادبیات افغانستان. کابل: مطبعه عمومی، ۱۳۳۰. ص ۳۹۰؛ مولائی، محمد سرور. برگزیده شعر معاصر افغانستان. تهران: انتشارات رز، ۱۳۵۰. ص ۱۴۵.

عربی و ادبیات را نزد پدرش فراگرفت و سپس جهت ادامه آموزش رسمی به کابل آمد و از صنف ششم به بعد به آموزش خود ادامه داد.

پس از ختم تحصیلات، جلالی شامل خدمات ملکی گردیده و در چارچوب وزارت معارف در سمت‌های مختلف ایفای وظیفه نمود. در سال ۱۹۴۱ میلادی، به حیث مدیر عمومی معارف ولایت قندهار تعیین گردید. وی همچنان برای مدتی در دانش‌کده ادبیات دانشگاه کابل، مضامین تاریخ و ادبیات را تدریس می‌نمود. همچنان مدتی مسؤول بخش دایرت‌المعارف و اکادمی پشتو بود. غلام جیلانی جلالی در سال ۱۹۷۸ میلادی در شهر کابل درگذشت.

جلالی همچنان به عنوان معاون انجمن ادبی کابل نیز فعالیت داشت و در رشد و انکشاف ادبیات کشور سهم شایان و برجسته‌یی ایفا نموده است. او به زبان مادری اش پشتو، و نیز به فارسی، عربی و انگلیسی تسلط کامل داشت و از زبان‌های عربی و انگلیسی به فارسی و پشتو ترجمه می‌نمود.

اشعارش را به هردو زبان فارسی و پشتو می‌سرود. از جمله آثار معروف او: غزنی و غزنویان (۱۹۷۲، کابل)، نامه احمدشاه به سلطان مصطفی ثالث عثمانی (۱۹۶۷، کابل)، عشق‌نامه، عقل‌نامه، کارنامه بلخ (۱۹۵۳، غزنی)، علم اقتصاد (ترجمه، ۱۹۳۳، کابل)!

شعر او با عنوان «بلخ» که به عنوان نمونه این جا ذکر شده، بازتاب‌دهنده روح شاعر و بیانگر عشق به وطن و احساسات ملی او می‌باشد.

بلخ

عبرت‌کده زمانه‌یی، بلخ!	ای توده‌ی نیکبختان!
از مرز تو کاروان‌ها	تا هند و به روس، روم و یونان
خورشید سعادت تو آخر	بر عالم مغرب گشت تابان
صاحب‌نظران به حالت اکنون	چون آینه مانده اند حیران
آثار تو شد ز روی گیتی	در خاک بسان گنج پنهان

محمد ابراهیم خلیل (۱۸۹۶ - ۱۹۸۴)

محمد ابراهیم خلیل فرزند میرزا فضل احمد خان، در سال ۱۸۹۶ میلادی در شهر کابل به دنیا آمد.

۱. خسته، خال محمد. معاصرین سخنور. چاپ دوم. پشاور: انجمن نشراتی دانش، ۱۳۸۶. ص ۱۰۴ - صابری هروی، سید جلیل. شعرای عصر حاضر افغانستان، جلد اول. کابل: نشر نوند، ۱۳۸۹. ص ۶۱۳ - ۶۱۴

خلیل از شخصیت‌های شناخته شده زمان خود در بخش تاریخ و ادبیات بود. ابراهیم خلیل از مادرش سواد ابتدایی آموخت و سپس نزد پدر خود، خوش‌نویسی (خطاطی) و ادبیات را فراگرفت. پس از آن، در مدرسه سراجیه کابل به تعلیمات دینی و علمی پرداخت و هم‌زمان، از استادان برجسته آن زمان دروس خصوصی دریافت نمود.

پس از ختم تحصیلات، دوره‌هایی در مدیریت دفاتر و حساب‌داری گذراند و در سال ۱۹۱۷ میلادی شامل خدمات ملکی گردید. او در نمایندگی‌های سیاسی افغانستان در هند، لندن و پاریس به عنوان دیپلمات خدمت کرد. در جریان سفر معروف شاه امان‌الله خان به اروپا، ابراهیم خلیل وظیفه کتابت ملکه ثریا و آموزگاری فرزندشان، سردار رحمت‌الله را به عهده داشت.

پس از سقوط سلطنت شاه امان‌الله و تغییر نظام سیاسی، ابراهیم خلیل بازداشت گردید و به مدت ده سال در زندان به سربرد. پس از رهایی، برای مدتی در انستیتوت معارف کابل به حیث آموزگار ایفای وظیفه نمود. در سال‌های بعد، به کشورهای مختلف چون ایران، پاکستان، عراق، آلمان، انگلستان، بلجیم، سوئیس و فرانسه سفرهای علمی و فرهنگی داشت. در اواخر عمر، بینایی‌اش را از دست داد و سرانجام در سال ۱۹۸۴ میلادی در کابل درگذشت.

او تا سال ۱۹۶۰ میلادی عضو انجمن تاریخ بود و مجله «آریانا» را نیز اداره می‌نمود. ابراهیم خلیل تاریخ‌نگار، پژوهش‌گر ادبیات، خوش‌نویس و شخصیت آزادی‌خواه بود که با دیدگاه‌های روشن‌فکرانه‌اش شناخته می‌شود. از جمله آثار مهم وی می‌توان از این‌ها یاد کرد: عروج و نزول اسلام (۱۹۵۳، کابل)، گلچین از آثار و شرح حال محمد ابراهیم (۱۹۵۵، تهران)، یک مرد بزرگ (۱۹۵۷، کابل)، رباعیات (۱۹۵۷، کابل)، راهنمای خط (۱۹۵۸، کابل)، استخراج تاریخ در نظم (۱۹۵۹، کابل)، مزارات شهر کابل (۱۹۶۰، کابل)، شرح حال و آثار امیر خسرو (۱۹۶۱، کابل)، حالات حضرت سلطان ابراهیم ادهم (۱۹۶۱، کابل)، مزارات بلخ (۱۹۶۸، کابل) و کلیات محمد ابراهیم خلیل (۱۹۶۸، کابل).^۱ ابراهیم خلیل شخص دین‌دار بود و اشعارش دارای عمق عرفانی و معنوی می‌باشد. شعر او با عنوان «شاعر» که در این جا به عنوان نمونه ذکر شده است، بیان‌گر دیدگاه، سبک و فضای فکری او بوده و ارزش ادبی و عرفانی خاصی دارد.

شاعر

شاعر آن است که آزاد بود افکارش هم نماینده افکار بود گفتارش
شاعر آن است که با جمله‌گی باشد به تماس هر زمان با بد و نیک، همه باشد کارش

۱. صابری هروی، سید جلیل. شعرای عصر حاضر افغانستان، جلد اول. کابل: نشر نوند، ۱۳۸۹. ص ۸۲۵-۸۲۶ - خسته، خال محمد. معاصرین سخنور. چاپ دوم. پشاور: انجمن نشراتی دانش، ۱۳۸۶. ص ۳۲۹

شاعر آن است که زیر اثر کس نرود، بل که هر جا اثر انگیز بود آثارش
شاعر آن است که گوید سخن از خیر و صلاح، لیک پیوسته چو گفتار بود کردارش

غلام جیلانی اعظمی (۱۸۹۸ - ۱۹۵۵)

غلام جیلانی اعظمی در سال ۱۸۹۸ میلادی در شهر کابل چشم به جهان گشود. او نخستین آموزش‌های خود را از پدر و بزرگان خانواده‌اش فراگرفت و سپس نزد برخی از استادان محل به صورت خصوصی تحصیل کرد.

اعظمی از سن شانزده ساله‌گی وارد خدمات دولتی شد. در سال ۱۹۲۹ میلادی، به عضویت مجلس شورای عالی انتخاب گردید. با تأسیس انجمن ادبی کابل، او بلافاصله عضویت این نهاد را پذیرفت و پس از مدتی به عنوان معاون مدیر آن انجمن ادبی منصوب شد. اعظمی این سمت را برای مدت هشت سال حفظ کرد. در سال ۱۹۴۱ میلادی، به عنوان رئیس عمومی مطبوعه‌ها مقرر گردید. وی در سال ۱۹۵۵ میلادی وفات یافت.^۱

شعرها و نوشته‌های اعظمی در نشریه‌ها و مجلات مختلف به چاپ رسیده‌است. با آن که دیوان مرتب شده یا مجموعه رسمی آثارش در دست نیست، اما نمونه شعری که از او برجای مانده، بازتاب دهنده سبک و محتوای شعری اوست.

زمستان

ای رنگ فسرده زمستان	همزنگ دل حزین مایی
با این دل دردمند تا کی	این وضع فسرده می نمای
پوشید کفن طبیعت از تو	چون دید همه اذیت از تو

محمد داوود حسینی (۱۸۹۹ - ۱۹۷۹)

محمد داوود حسینی در سال ۱۸۹۹ میلادی در شهر کابل به دنیا آمد. پدرش اسماعیل نام داشت. او به عنوان شاعر، نویسنده، پژوهش‌گر و خوش‌نویس شناخته می‌شود. آموزش ابتدایی و متوسطه‌اش را در کابل به پایان رساند و پس از آن، از لیسه حبیبیه و انستیتوت معارف کابل فارغ‌گردید. هم‌زمان در کنار آموزش رسمی، نزد استادان مختلف به گونه خصوصی زبان عربی، صرف و نحو، عقاید و علوم دینی را نیز فراگرفت. خوش‌نویسی را از پدر بزرگش آموخت و در این فن،

۱. خسته، خال محمد. معاصرین سخنور. چاپ دوم. پشاور: انجمن نشراتی دانش، ۱۳۸۶. ص ۲۹-۳۲.

مهارت یافت. در زمان سلطنت شاه امان‌الله خان، در یک مسابقه خوش‌نویسی که به مناسبت جشن‌های روز استقلال برگزار شده بود، مقام نخست را به دست آورد. پس از ختم تحصیلات، وارد خدمات ملکی شد و برای مدتی طولانی در مقام آموزگار و مدیر در نهادهای مختلف ایفای وظیفه نمود. سپس در وزارت معارف نیز مدتی را خدمت کرد و در سال ۱۹۷۹ میلادی درگذشت.

نوشته‌های حسینی در مجلات و روزنامه‌های آن زمان به چاپ رسیده است. وی درباره ابوالمعانی بیدل مقالاتی نگاشته است. قالب‌های شعری مورد علاقه اش بیشتر قصیده و غزل بوده‌اند. او به شهر لاهور و دیگر مناطق هند سفر کرده بود و با شاعران و نویسندگان عصر خود ارتباطات گسترده داشت. از جمله، شاعران نامداری چون مستغنی و قاری عبدالله، در اشعارشان از حسینی ستایش کرده‌اند.^۱

چنان‌که از نمونه شعری او که در این جا آورده شده، برمی‌آید، سبک شعری حسینی جنبه تعلیمی دارد و حاوی پند و اندرز است.

دوش، یک رند خراباتی ابریق به دوش	مست گردیده، زخود رفته، دماغش پرجوش
گفت: حرفی به تو گویم، شنو و پند بگیر،	راه حق گیر و گهی دین تو به دنیا مفروش
در خرابیات بین کاهل خرد بی هوش‌اند،	همه از باده حق، مست و خمار و مدهوش
سخن پیر مغان چون دُر و گوهر باشد،	پند گیر و سخنش را بکن آویزه به گوش

شاعران دیگر این دوره (۱۸۸۰-۱۹۰۱)

پنجاه و چهار تن از شاعرانی که در فاصله سال‌های ۱۸۸۰ تا ۱۹۰۱ میلادی می‌زیسته و آثاری از آنان به ثبت رسیده، اما درباره زندگی و فعالیت‌شان اطلاعات کافی در دست نیست یا در زمان خود چندان شناخته شده نبوده‌اند. پس به منظور استفاده پژوهش‌گران، زیر عنوان «شاعران دیگر این دوره» معرفی گردیده‌اند. اطلاعات ارائه شده درباره این شاعران، مبتنی بر منابعی است که در جریان تحقیق به دست آمده، و به همان مقدار اکتفا شده است.

از جمله شاعرانی که در زمان امیر عبدالرحمن خان می‌زیسته‌اند، اما منابع تاریخی اطلاعات کافی در موردشان ارائه نکرده‌اند، می‌توان به این افراد اشاره کرد:

۱. خسته، خال محمد. معاصرین سخنور. چاپ دوم. پشاور: انجمن نشراتی دانش، ۱۳۸۶. ص ۱۲۹ - صابری هروی، سید جلیل. شعرای عصر حاضر افغانستان، جلد اول. کابل: نشر نوند، ۱۳۸۹. ص ۷۲۷

عبدالستار مهجور، در سال ۱۸۸۷ میلادی در کابل متولد شد. در کار تجارت مشغول بود و به کشورهای روسیه، هند، ایران و فرغانه سفر نمود. او به زبان‌های ترکی، عربی، اردو، نورستانی و گجراتی تسلط داشت. در سال ۱۹۳۷ میلادی درگذشت.

عبدالجلیل جلی، در سال ۱۸۹۱ میلادی در سمنگان به دنیا آمد. وی فرزند عصمت‌الله عاصی بود و به عنوان شاعر، خوش‌نویس و نقاش شناخته می‌شد. وی در سال ۱۹۱۸ میلادی وفات کرد. از او دیوانی با عنوان «دیوان جلی» به جا مانده است.

بی‌بی آمنه فدوی، در سال ۱۸۹۷ میلادی در کابل متولد شد. دختر نورمحمد خان و همسر عبدالحبیب خان بود. در سن ۶۵ سالگی وفات نمود.

آمنه فندی، در سال ۱۸۹۷ میلادی در کابل زاده شد. وی دختر سردار نورمحمد خان بود و در کودکی نزد پدر خود به آموختن ادبیات فارسی، قرآن کریم، تفسیر و حدیث پرداخت. در سال ۱۹۲۵ میلادی درگذشت.

حفیظ‌الله ابویضا، در سال ۱۸۹۸ میلادی در کابل تولد یافت. از لیسه حبیبیه فارغ شد و مدتی در وزارت خارجه افغانستان به عنوان مأمور خدمت کرد. عضویت انجمن ادبی کابل را در سال ۱۹۳۱ میلادی گرفت و اشعارش در مجلات کابل به نشر رسیده است.^۱

صنوبر عاجز، دختر سید عبدالله کرخی هراتی و از شاعران هرات بود. تخلص «عاجزه» را اختیار کرده بود. او خواهر مریم کنیزک بوده و در سال ۱۹۲۹ میلادی وفات یافت.

عایشه، از شاعران زاده کابل و دختر یعقوب علی خان بارکزیایی بود. دیوانی متشکل بیش از شش هزار بیت شعر از او باقی مانده که در سال ۱۹۲۷ میلادی در کابل به صورت چاپ سنگی منتشر شده است.

گوهر، در نیمه دوم قرن نهم در کابل به دنیا آمد و همراه خانواده اش به هند مهاجرت کرد. به زبان‌های فارسی، پشتو و اردو شعر می‌سرود.

محمدسعید دروازی بدخشانی، در سال ۱۸۹۲ میلادی درگذشت. او در بدخشان و فرغانه تحصیل کرد. دیوان مرتب شده اش از میان رفته، اما برخی اشعار پراکنده اش باقی مانده است.

شاه عبدالغیاث اسپر، زاده بدخشان و فرزند شاه یوسف علی بود. در سال ۱۸۹۲ میلادی وفات یافت.

۱. غبار، میرغلام محمد. تاریخ ادبیات افغانستان (دوره محمدزایی‌ها). کابل: مطبعه دولتی، ۱۳۳۰؛ بازنشر: تهران، مرکز نشراتی آرش، ۱۳۷۸. ص ۱۱۶؛ کهزاد، احمدعلی. تاریخ ادبیات افغانستان. کابل: مطبعه عمومی، ۱۳۳۰. ص ۱۸۲، ۳۷۵، ۱۷۸، ۳۵۲، ۳۷۵، ۳۹۲؛ حجازی، بنفشه. تذکره اندرونی: شرح احوال و شعر شاعران زن در عصر قاجار تا پهلوی. چاپ دوم. تهران: انتشارات قصیده سرا، ۱۴۰۰. ص ۲۷۵؛ خسته، خالد محمد. معاصرین سخنور. چاپ دوم. پشاور: انجمن نشراتی دانش، ۱۳۸۶. ص ۱۸۲، ۱۴؛ صابری هروی، سید جلیل. شعرای عصر حاضر افغانستان، جلد اول. کابل: نشر نوند، ۱۳۸۹. ص ۶۲، ۱۱۶.

یاری، از شاعران قرن نهم بدخشان بود که به ماوراءالنهر سفر کرده و مدتی در دربار امیر مظفر بخارایی حضور داشت. به فارسی و زبان محلی شعر می سرود. عشرت، از شاعران اواخر قرن نهم کابل بود و در سال ۱۹۱۶ میلادی از دنیا رفت. میرزا محسن مستوفی، از شاعران برجسته قرن نهم بود. مرثیه اش برای محمد خان معروف است. دیوان مرتب او تاکنون به دست نیامده است^۱.

شاعرانی که تنها نامشان در منابع آمده است: حاج محمد یوسف امین، معصوم پویا، شجاع خراسانی، فیض الله زرکوب، احمد شاه علم، محمدرحیم شیدا، غلام حیدر قاسمی، نعمت الله نعیم، ناصر فرهاد، خلیل نهیک فلاح، رحیم الهام، بختانی خدمت کار، سید علی شاه روستیاری، شبتاب، بارق شفیع، غلام محمد شورش دهانی، ابوالفاروق فقیر احمد (عاجز)، پژوهان گردانی نوروز، گوهری، نوروز علی، رندی، کوهندیل، مستان شاه، محمد رفیق، مشتری، غلام، فقیر احمد، میرعلی خطیب، موسی خروتی، میرزا عبدالرحیم، میرزا محمد، اکبر، میرزا غلام حسین، ناطق علی، محمود، احمد، سید، یوسف، شیر احمد، بزم، احمدی، محسن، تاجر^۲.

۳. دوره حبیب الله خان و امان الله خان و پس از آن (۱۹۰۱-۱۹۷۳)

وضعیت سیاسی

حبیب الله، فرزند بزرگ عبدالرحمن خان، در سال ۱۹۰۱ میلادی به تخت نشست. حبیب الله خان که در دوران تبعید پدرش در سمرقند به دنیا آمده بود، پس از بازگشت پدرش به قدرت، به کابل نقل مکان کرد، آموزش خوبی دید و در امور دولتی به کمک پدرش مشغول به کسب تجربه گردید. او که در زمان دشواری به سلطنت رسید، فرصت سازمان دهی امور اداری کشور را نیافت و خودش را در میان جنگ ها یافت. در این دوره، افغانستان سیاست بی طرفی را در پیش گرفت تا هدف مستقیم قدرت های بزرگ قرار نگیرد. به همین دلیل، هیئت هایی از دولت عثمانی و آلمان به هرات و سپس کابل آمدند تا افغانستان را به شرکت در جنگ ترغیب کنند، ولی موفق نشدند.

۱. حجازی، بنفشه. تذکره اندرونی: شرح احوال و شعر شاعران زن در عصر قاجار تا پهلوی. چاپ دوم. تهران: انتشارات قصیده سرا، ۱۴۰۰. صص: ۲۸۸-۲۹۰، ۲۸۴؛ کهزاد، احمد علی. تاریخ ادبیات افغانستان. کابل: مطبعه عمومی، ۱۳۳۰. صص: ۳۹۴، ۳۴۱؛ غبار، میرغلام محمد. تاریخ ادبیات افغانستان (دوره محمدزایی ها). کابل: مطبعه دولتی، ۱۳۳۰؛ بازنشر: تهران، مرکز نشراتی آرش، ۱۳۷۸. صص: ۱۱۹، ۶۱، ۶۹، ۱۴، ۶۸، ۲۲.

۲. خسته، خال محمد. معاصرین سخنور. چاپ دوم. پشاور: انجمن نشراتی دانش، ۱۳۸۶. صص: ۳۱۰؛ کهزاد، احمد علی. تاریخ ادبیات افغانستان. کابل: مطبعه عمومی، ۱۳۳۰. صص: ۳۷۵-۳۷۰؛ غبار، میرغلام محمد. تاریخ ادبیات افغانستان (دوره محمدزایی ها). کابل: مطبعه دولتی، ۱۳۳۰؛ بازنشر: تهران، مرکز نشراتی آرش، ۱۳۷۸. صص: ۷۱-۷۷؛ پهلوان، چنگیز (به کوشش). نمونه های شعر امروز افغانستان. تهران: بنیاد نیشابور، ۱۳۷۱. صص: ۱۲۳، ۱۰۱، ۱۴۹، ۱۵۳، ۱۷۲، ۲۵۱، ۳۰۷.

افغانستان در سال ۱۹۱۸ میلادی در کنفرانس صلح شرکت کرد. در سال ۱۹۱۹ میلادی، پس از آنکه حبیب‌الله خان در لغمان توسط فردی ناشناس به قتل رسید، ولیعهدش امان‌الله خان به جای او نشست.^۱ امان‌الله خان، پسر حبیب‌الله خان، در سال ۱۹۱۹ میلادی در کابل تاج‌گذاری کرد. کاکایش نصرالله خان که در جلال‌آباد حکومتش را اعلام کرده بود، از ادعای خود صرف‌نظر نمود و با امان‌الله بیعت کرد. در همان سال، امان‌الله خان حکومت مشروطه را اعلام کرد و نخستین کابینه دولت افغانستان را تشکیل داد. محمود طرزی به وزارت خارجه گمارده شد.

جنگ سوم میان افغانستان و انگلیس آغازگردید و استقلال کامل افغانستان اعلام شد. مهاجران افغانستان از هند به کشور بازگشتند. امان‌الله خان در سال ۱۹۲۰ میلادی اولین بار تلگراف استفاده نمود. اولین تلگراف را با استفاده از دستگاه تلگرافی که از شوروی دریافت کرده بود، به لنین فرستاد. سپس پیمان دوستی میان افغانستان و شوروی به امضا رسید.

در سال ۱۹۲۳ میلادی، اولین قانون اساسی افغانستان در لویه جرگه‌یی که در جلال‌آباد تشکیل شد، تصویب گردید. در این جرگه، پرچم سه‌رنگ نیز پذیرفته شد. اصلاحات و نوسازی‌ها در افغانستان از زمان حکومت امان‌الله سرعت گرفت.

امان‌الله خان با حمایت خسر خود، محمود طرزی، تغییرات اساسی در نظام دولتی ایجاد کرد و برای نخستین بار سیستم وزارت خانه‌ها را تأسیس نمود و محمود طرزی را وزیر خارجه تعیین کرد.^۲ در سال ۱۹۲۹ میلادی، امان‌الله خان از سلطنت کناره‌گیری کرد و جای او را عنایت‌الله شاه گرفت. حکومت عنایت‌الله تنها سه‌روز دوام آورد و سپس استعفاداد.

پس از آن، حبیب‌الله کلکانی معروف به «بچه سقاو» در سال ۱۹۲۹ میلادی پادشاه افغانستان شد. چندروز بعد علی‌احمد خان در جلال‌آباد حکومت خود را اعلام کرد و به سوی پیشاور حرکت کرد. محمد نادر شاه که در هند بریتانوی اقامت داشت، به افغانستان بازگشت.

امان‌الله خان که در قندهار بود، با پانزده هزار سرباز به سمت کابل حرکت کرد، اما در غزنی با نیروهای کلکانی درگیر شد و شکست خورد و افغانستان را ترک نمود. علی‌احمد خان در قندهار اعلام پادشاهی کرد.

در سال ۱۹۲۹ میلادی، نیروهای وفادار به حبیب‌الله کلکانی قندهار را تصرف کردند و اولین اقدام‌شان انتشار روزنامه «اصلاح» بود. نیروهای نادرشاه کابل را محاصره کردند و حبیب‌الله

1. Saray, "Afganiştan", s. 401-408; Bilgü, "Afganiştan: Sovyet İşgali ve Sonrası", s. 408-411; Yazıcı, Modern Afganiştan'ın Kuruluşu, s. 26-33; Burget, Yakınçağda Afganiştan ve Osmanlı Devleti ile İlişkileri, Doktora Tezi, Ankara: Gazi Üniversitesi, 2017, s. 277; Özmen, Mahmud Tarzi'nin Hayatı, İnkılâpçılığı ve Faaliyetleri, Doktora Tezi, İstanbul: Marmara Üniversitesi, 2008, s. 145.

2. Dames, "Efganiştan", s. 170.

کلکانی کابل را ترک نمود.^۱

محمد نادر خان در یک مراسم رسمی به حیث پادشاه افغانستان اعلام شد. حبیب‌الله کلکانی با یارانش به رغم سوگند خوردن نادرخان مبنی بر عفو و بخشش او و یارانش، پس از تسلیم شدن، اعدام شد. کابینه جدید حکومت افغانستان به صدارت محمد هاشم خان تشکیل شد. در کابل میان افغانستان و شوروی در سال ۱۹۳۱ میلادی معاهده عدم تعرض امضاء گردید. در همان سال انجمن ادبی کابل تأسیس شد و قانون اساسی افغانستان با صد و ده ماده تصویب گردید. در سال ۱۹۳۲ میلادی شورای ملی افغانستان افتتاح شد، قانون جدید تشکیلات اداری که افغانستان را به پنج واحد بزرگ و چهل واحد کوچک تقسیم می‌کرد، به تصویب رسید و دانش‌کده طب نیز گشایش یافت. نادرشاه در سال ۱۹۳۳ میلادی توسط شخصی به نام عبدالخالق کشته شد. محمد ظاهر شاه به حیث پادشاه افغانستان اعلام گردید. فرمان شاهی مبنی بر رسمیت زبان پشتو به عنوان زبان رسمی نشر شد. در سال ۱۹۳۷ میلادی معاهده صلح و امنیت سعدآباد میان ایران، ترکیه، عراق و افغانستان با ده ماده امضاء گردید. در سال ۱۹۶۰ میلادی افغانستان به عضویت سازمان ملل متحد درآمد. در همان سال امان‌الله خان وفات کرد. در سال ۱۹۶۷ میلادی ستاره محکمه تأسیس شد. در سال ۱۹۷۳ میلادی توسط محمد داوود خان کودتا صورت گرفت.^۲

وضعیت اجتماعی

حبیب‌الله خان در سال ۱۹۰۱ میلادی، به قدرت رسید. در جریان سلطنت هجده ساله او (۱۹۰۱ تا ۱۹۱۹) افغانستان از هرنگاه پیشرفت‌های بزرگی را تجربه کرد. آغاز مدرن سازی اجتماعی و ادبی در افغانستان به دوره امیر حبیب‌الله برمی‌گردد. نخستین نهادهای آموزشی مدرن در همین دوره ایجاد شدند: در سال ۱۹۰۴ میلادی لیسه حبیبیه و در سال ۱۹۰۷ میلادی مکتب حربیه گشوده شد. در دوره حبیب‌الله خان، اندیشه ملی‌گرایی افغانستان به گونه جدی رشد کرد. نخستین روزنامه سیاسی در همین زمان منتشر شد. در این عرصه، محمود طرزی که جوانی خود را در استانبول و شام گذرانده و در آنجا تحصیل کرده بود، به عنوان پیش‌گام بسیاری از نوآوری‌ها مطرح گردید.^۳ وقتی حبیب‌الله خان به سلطنت رسید، فرمان عفو عمومی صادر کرد و زمینه بازگشت تبعید شده‌گان را به کشور فراهم نمود. او برده‌داری را لغو کرد و خرید و فروش اسیران را ممنوع ساخت.

1. Saray, "Afganiştan", s. 401-408, Bilgü, "Afganiştan: Sovyet İşgali ve Sonrası", s. 408-411; Yazıcı, Modern Afganiştan'ın Kuruluşu, s. 26-33.

2. Saray, "Afganiştan", s. 401-408; Bilgü, "Afganiştan: Sovyet İşgali ve Sonrası", s. 408-411; Yazıcı, Modern Afganiştan'ın Kuruluşu, s. 26-33.

3. Dames, "Efganiştan", s. 168-169.

در عرصه معارف اصلاحات مهمی انجام داد و دستورات مکتب‌های مدرن گشوده شود. در شهرهای مختلف یازده مکتب تأسیس کرد و برای آن‌ها استادان گماشت. مجازات‌های قصاص مانند قطع دست، بریدن گوش و کورکردن را لغو کرد. چند همسری را ممنوع ساخت و سه‌زنی را که در نکاح خود داشت، طلاق داد تا تک‌همسری را تشویق کند. در زمان او خط آهن و شبکه‌های تلگراف ساخته شد. در سال ۱۹۰۵ میلادی در کابل، میان افغانستان و بریتانیا معاهده‌یی امضاء گردید. او خط تلفن میان جلال‌آباد و کابل را تأسیس کرد.

بزرگ‌ترین یاور حبیب‌الله خان در راه اصلاحات، محمود طرزی بود که با فرمان عفو به وطن بازگشته بود. طرزی به دستور امیر یک دارالترجمه ایجاد کرد و از ترکی آثار زیادی را به فارسی ترجمه نمود. در سال ۱۹۰۶ میلادی روزنامه سراج‌الخبار افغانیه را انتشار داد. پس از جنگ سوم افغان-انگلیس و استقلال افغانستان، مکتب‌های بیشتری گشوده شد، روزنامه‌ها نشر گردید و ارتباط کشور با جهان بیرون فراهم آمد. از راه ترجمه، تبادلات فرهنگی افزایش یافت و با اعزام شاگردان با بورسیه، پیوندهای سیاسی با بیرون نیز برقرار شد.

دوره‌یی که در ۱۹۰۱ میلادی آغاز شده بود، پس از ده سال به دلیل آشفته‌گی‌های سیاسی به پایان رسید. پس از توقف سراج‌الخبار، روزنامه امان افغان ادامه کار را به دست گرفت. امان افغان با حفظ دست‌آوردهای گذشته، سیاست نشراتی محتاطانه‌تری را پیش برد. در این زمان، در افغانستان به ابتکار گروهی از روشن‌فکران (که بیشتر شاگردان مکتب حریبه و لیسه حبیبه بودند) جمعیت‌هایی چون «جمعیت ملی»، «جان‌نثاران ملت» و «اخوان افغان» تأسیس گردیدند که نظام مشروطه را تبلیغ می‌کردند. نخستین بار تقاضاهای مشروطه‌خواهانه مطرح شد، اما پس از آن که این حرکت‌ها خطرناک پنداشته شد، شماری از مشروطه‌خواهان بازداشت و اعدام شدند. میان کابل و جلال‌آباد خط تلفن کشیده شد و روزنامه سراج‌الخبار بار دیگر به ابتکار محمود طرزی منتشر گردید!

پس از سال ۱۹۲۰ میلادی، امان‌الله خان اقداماتی انجام داد تا افغانستان را به فرهنگ غرب نزدیک سازد و کشور را معاصر و نوگراتر کند. امان‌الله خان که به مسئله آموزش اهمیت می‌داد، در سراسر کشور مکتب‌ها ایجاد کرد و برای کوچی‌ها مکتب‌های سیار تأسیس نمود. علاوه بر دیگر لیسه‌هایی که در کابل گشوده شده بود، دولیسه به نام‌های امانیه و امانی با آموزش فرانسه و آلمانی تأسیس شد. برای نخستین بار لیسه دخترانه افتتاح گردید و شماری از دانش‌آموزان برای

1. Burget, Yakınçağda Afganistan ve Osmanlı Devleti ile İlişkileri, s. 277; Özmen, Mahmud Tarzi'nin Hayatı, İnkılapçılığı ve Faaliyetleri, s. 145; Saray, "Afganistan", s. 401-408; Bilgü, "Afganistan: Sovyet İşgali ve Sonrası", s. 408-411; Yazıcı, Modern Afganistan'ın Kuruluşu, s. 26-33.

تحصیلات عالی به اروپا و ترکیه اعزام شدند^۱. این اقدامات، محیط اجتماعی و فرهنگی کشور را عمیقاً تحت تأثیر قرارداد و سال‌های بعد آثار آن در عرصه ادبیات نیز دیده شد.

در سال ۱۹۲۶ میلادی، واحد پول افغانستان به افغانی تغییر یافت و سیستم متر به کار گرفته شد. در سال ۱۹۲۷ میلادی نخستین شماره روزنامه انیس در کابل منتشر گردید و امان‌الله خان به یک سفر یک‌ساله خارجی رفت.^۲

در دوره امان‌الله خان، برای نخستین بار و مطابق روح زمان و جریان مشروطه‌خواهی در کشورهای همسایه، در سال ۱۹۲۸ میلادی پارلمان تشکیل شد. با تصمیم‌های تصویب شده در پارلمان، تدابیر متعددی مانند اعمال قدرت اجرایی، تعلیم اجباری و سربازی اجباری آغاز گردید. چند همسری برای کارمندان دولت ممنوع شد، پوشش اروپایی و کلاه الزامی گردید و پرچم افغانستان تغییر یافت؛ پرچم جدید با سه رنگ سیاه، سرخ و سبز جای‌گزین پرچم قدیمی با تصویر محراب و منبر شد. امان‌الله خان تصمیم به تأسیس یک دانشگاه داشت، اما اجرای آن به دوره نادرخان واگذار شد. نادرخان نخست یک دانش‌کده طب گشود و سپس مؤسسات آموزشی، صنعتی و حربی تأسیس کرد.

یکی از مهم‌ترین تحولات دوره نادرخان، تأسیس انجمن ادبی کابل بود. این موسسه که روشن‌فکران و اهل مطالعه کشور را گرد هم آورده بود، مجله‌ی ماهانه‌ی به نام کابل منتشر ساخت. تا سال ۱۹۴۰ میلادی، این مجله به زبان فارسی منتشر می‌شد و از آن پس بخش‌هایی به زبان پشتو نیز افزوده شد. سپس برخی نویسندگان این انجمن، مجله آریانا را منتشر کردند.^۳

جنبش‌های ادبی، مدنی و فرهنگی که در دوره نوگرایی شکل گرفت، پس از استقلال، به دلیل آشفته‌گی‌های سیاسی کشور به مدت ده سال متوقف شد؛ اما در دوره محمد نادر شاه دوباره آغاز گردید. دوره نوین ادبیات افغانستان که از سال ۱۹۰۱ میلادی آغاز شده بود، با پشت سر گذاشتن بحران‌های متعدد تا به امروز ادامه یافته است.^۴

وضعیت ادبی

در این دوره، گروه پیش‌گامی که پیرامون روزنامه‌های سراج‌الخبار و امان افغان گرد آمده بودند، در همه عرصه‌های ادبی نوآوری‌های مهمی ایجاد کردند. این گروه بر این باور بود که باید ادبیاتی به

1. Dames, "Efganiŝtan", s. 172-173.

2. Saray, "Afganiŝtan", s. 401-408; Bilgü, "Afganiŝtan: Sovyet İşgali ve Sonrası", s. 408-411; Burget, Yakinçağ-da Afganiŝtan ve Osmanlı Devleti ile İlişkileri, s. 365; Yazıcı, Modern Afganiŝtan'ın Kuruluşu, s. 26-33.

3. Tarzi, "Efganiŝtan", s. 173-176.

۴ ژوبل، محمد حیدر. تاریخ ادبیات افغانستان. پیشاور: بنگاه نشراتی میوند، ۲۰۱۰. ص ۲۸۶

سبک اروپایی شکل بگیرد و بر اساس این باور، آثار ادبی نگارش نمودند. نخستین ژانرهای ادبی به معنای مدرن در همین دوره، منتشرشد. شاعران و نویسندگان این دوره، اگرچه قالب و شکل آثار سنتی را حفظ کردند، اما در محتوا تغییرات جدی ایجاد کردند. نویسندگان این دوره بیشتر بر معنا و پیام سیاسی تأکید داشتند تا بر دغدغه‌های صرفاً زیبایی‌شناسانه.

در دوره امان‌الله خان، به ویژه آثار ادبی فرانسه و سایر کشورهای غربی به فارسی ترجمه شد. نخستین داستان کوتاه به معنای مدرن در سال ۱۹۲۱ میلادی منتشرگردید. در این زمینه، مجله امان افغان که توسط محمود طرزی انتشارمی‌یافت، نقش مهمی ایفاکرد.

درسال‌های ۱۸۹۰ و ۱۸۹۱ میلادی، دو انجمن ادبی تأسیس شد؛ اولی در هرات و دیگری در کابل. به ویژه انجمن ادبی کابل تأثیر قابل توجهی بر ادبیات افغانستان گذاشت. مجله کابل که توسط این انجمن منتشرمی‌شد، اشعار شاعران افغانستان و همچنین شاعران کشورهای همسایه مانند محمد اقبال، پروین اعتصامی، بهار، رشید یاسمی و نصرالله فلسفی را چاپ می‌کرد. در این مجله، همچنین اشعار شاعرانی چون ملک‌الشعرا قاری عبدالله، عبدالله خان، مستغنی، محمدعلی آزاد، شایق کابلی، شایق افندی، سرور سبا، سرور جویا، و خلیل‌الله خلیلی منتشرگردید.^۱

ابتدا این مجله بیشتر به شعرهای کلاسیک می‌پرداخت و در برابر شعر آزاد مقاومت می‌کرد، اما بعداً به تدریج اشعار نو را نیز جای داد.

موضوع غالب شعر این دوره، معمولاً مبارزه برای آزادی در برابر ممنوعیت‌ها بود. مجازات‌هایی که مشروطه‌خواهان متحمل شده بودند، مورد نقد قرارمی‌گرفت. جریان ادبی‌یی که محمود طرزی آغاز کرده بود، در شعر جایگاه خود را تثبیت نمود. طرزی براین باور بود که در شعر باید از زبان روزمره استفاده شود. غلام محمد لعل‌زاد، تغییر فرم‌های سنتی و نزدیک شدن شعر به زبان مردم را انقلاب در شعر معاصر افغانستان دانسته و آن را با تلاش‌های محمود طرزی و سراج‌الاکهار ممکن می‌دانست.^۲

شعر این دوره مفاهیمی مانند وطن‌پرستی، آزادی‌خواهی و دفاع از عدالت را ترویج می‌کرد.

درعین حال، موضوعات تکراری دوره کلاسیک نیز هنوز در این شعرها دیده می‌شد.

پس از وقایع و کشمکش‌های کشور، فعالیت‌های روشن‌گری برای مردم دوباره ازسر گرفته شد. مهم‌ترین اقدام در این دوره، تأسیس انجمن‌های ادبی در دوره محمد نادر شاه بود؛ نهادهایی که می‌توانست دانش‌مندان، شاعران، نویسندگان و هنرمندان را گرد هم آورد. هدف این انجمن‌ها، ایجاد وحدت در نگارش، شکل دادن به سبک مشترک، فراهم کردن محیط ادبی و انجام پژوهش درباره تاریخ افغانستان بود. این انجمن‌ها دارای بخش‌های مختلفی در زمینه فرهنگ لغت،

۱. یاحقی، محمدجعفر. چون سبوی تشنه: تاریخ ادبیات معاصر فارسی. تهران: نشر جامی، ۱۳۷۵. ص ۳۰۲.

۲. خراسانی، شجاع‌الدین. شعر معاصر دری. چاپ دوم. کابل: امیری، ۱۳۹۱. ص ۸۹.

ادبیات، فولکلور و ادبیات محلی بودند.

انجمن ادبی کابل در زمینه شعر و نثر تعداد زیادی کتاب منتشر کرد و تنها سال نامه رسمی افغانستان به نام سال نامه کابل را چاپ نمود. مجله کابل تقریباً به مدت ده سال منتشر شد و در آن زمان تنها مجله فارسی زبان با چنین محتوایی در جهان بود.^۱

سال های ۱۹۴۹- ۱۹۵۰ میلادی برای شعر افغانستان اهمیت ویژه‌ی دارند؛ در این دوران، نخستین آثار شعر آزاد ظاهر شدند. در این زمان، شاعرانی چون فتح محمد منتظر، محمد شفیع رهگذر و محمد آصف سهیل^۲ که از نظر فکری تحت تأثیر ادبیات سوسیالیستی شوروی بودند، شعر معاصر خود را ارائه دادند و توجه را جلب کردند.

دردومین دوره جریان جدید شعر در افغانستان، شاعران به تدریج از تأثیر نخستین نمونه‌ها رها شده و شعرهایی با سبک شخصی خود خلق کردند. در این دوره، شاعران برجسته‌ی چون واصف باختری، لطیف ناظمی، رزاق رویین، علی حیدر لهیب، سلیمان لایق و محمود فارانی ظاهر شدند. اساس اشعار این افراد بیشتر بر رباعی شکل گرفته بود.

پس از سال ۱۹۷۱ میلادی و با تأثیر ترجمه‌های آثار ادبی غرب، شعر معاصر افغانستان تقویت شد و مسیر خود را ادامه داد. در این دوره، اسدالله حبیب، عارف پژمان، حلیم شایق، سلام شایق، لطیف ناظمی و رزاق رویین به سبک برجسته‌ی از شعر پرداختند و آثارشان مورد توجه قرار گرفت.^۳

در این دوره، شعر معاصر افغانستان از نظر موضوع و مضمون از دوره‌های پیشین متمایز شده و راه نوینی در پیش گرفت. در این دوران، شاعرانی چون پرتو نادری، شبگیر پولادیان، صبوراالله سیاه‌سنگ، لطیف پدram، قهار عاصی، افسر رهبین، عبدالله نایبی، محب بارش، سمیع حامد، علیشاه رستیار، پژوهان گردانی، عزیز آسوده، مسعود اطرافی، میرویس موج، غلام حیدر یگانه، شجاع خراسانی، غنی برزین مهر، یونس طغیان، صالح محمد خلیق، حضرت وهریز، قربان علی همزی، اسدالله ولواجی و عباس خروشان برجسته شدند.

همچنین در میان شاعران نسل سوم، شاعران زن نیز مورد توجه قرار دارند. از جمله زنانی که در این دوره شعر می‌سرودند و آثار خود را منتشر می‌کردند می‌توان به لیلا کاویان، کریمه ویدا، شفیه یارقین، لیلا صراحت، حمیرا نکهت، ثریا واحدی، مریم محمود، خالد فروغ، فرحناز حافظی، نجلا آگاه، خالد تحسین، ساجده میلاد و نفیسه خوش نصیب اشاره کرد.

۱. ژوبل، محمد حیدر. تاریخ ادبیات افغانستان. پيشاور: بنگاه نشراتی میوند، ۲۰۱۰. ص ۳۰۲

۲. یاحقی، محمد جعفر. چون سبوی تشنه: تاریخ ادبیات معاصر فارسی. تهران: نشر جامی، ۱۳۷۵. ص ۳۰۳

۳. خراسانی، شجاع‌الدین. شعر معاصر دری. چاپ دوم. کابل: امیری، ۱۳۹۱. ص ۱۰۱

در این دوره، شاعرانی که در حوزه ایران فعالیت داشتند، تحت تأثیر شعر ایران و به ویژه مکتب نیما قرار داشتند. از جمله شاعران افغانستان مقیم ایران می‌توان به محمد کاظم کاظمی، فضل‌الله قدسی، سید ابوطالب مظفری، قنبرعلی تابش، جواد خاوری، رفیع جنید، همزه واعظی، شجاعی، پیام، سعیدی، فائق جواد و محمد احمدی اشاره نمود.^۱

با این حال، تأثیر ادبیات ترکیه بر تولد و شکل‌گیری شعر معاصر افغانستان به شکل کامل آشکار است. شعر مدرنی که به رهبری محمود طرزی و با بازگشت او از استانبول به کابل آغاز شد را، نمی‌توان به طور واقعی تحت تأثیر ایران دانست. هرچند ممکن است شاعرانی که مدت طولانی در ایران زنده‌گی کرده و تحت نفوذ فرهنگ آن کشور قرار گرفته‌اند، آثار خود را با تأثیر شعر ایران نیما نگاشته باشند.

سراج‌الخبار

گروهی از روشن‌فکران گرد هم آمدند و به حبیب‌الله خان پیش‌نهاد کردند که انجمنی به نام سراج‌الخبار تأسیس شود و با همین نام یک روزنامه نیز منتشر گردد. در پرونده‌یی که توسط عبدالرووف قندهاری به حبیب‌الله خان ارائه شد، نام خود عبدالرووف قندهاری به عنوان سردبیر روزنامه ذکر گردیده بود و به عنوان معاونان، نجف‌علی خان و محمد سرور خان معرفی شده بودند. برای مترجم ترکی، غلام نقشبند خان و برای مترجم اردو، حیدرعلی خان پیش‌نهاد شده بود. همچنین عبدالرحمن بیگ، عبدالرحیم بیگ، میرزا غلام قادر خان، محمد اسحاق خان و قاری نیک محمد به عنوان نویسندگان، مصحح و معاون معرفی گردیده بودند.

هشت ماه پس از ارائه این پیش‌نهاد توسط عبدالرووف به امان‌الله خان، روزنامه سراج‌الخبار در سال ۱۹۰۵ میلادی توسط اعتمادالدوله سردار عبدالقدوس خان و تحت مدیریت مولوی عبدالرووف قندهاری منتشر شد. از این روزنامه در دوره حبیب‌الله خان تنها یک شماره توانست منتشر شود.^۲

پس از انتشار همین یک شماره، برخی از مدیران و نویسندگان روزنامه کشته شدند و برخی دیگر بازداشت شده و به زندان افکنده شدند. پس از تعطیلی سراج‌الخبار، شاعران و نویسندگان که اطراف این روزنامه جمع شده بودند، گروهی به نام اخوان افغان تشکیل دادند و در سال ۱۹۰۹ میلادی اعلامیه‌یی با عنوان «مسلح باید بود» منتشر کردند. پس از اطلاع شاه از این موضوع،

۱. خراسانی، شجاع‌الدین. شعر معاصر دری. چاپ دوم. کابل: امیری، ۱۳۹۱. ص ۱۰۳.

۲. حبیبی، عبدالحی؛ به اهتمام محمد هاشم بهرامی. جنبش مشروطیت در افغانستان. کابل: دولتی مطبع و نشر جمهوری دموکراتیک افغانستان، ۱۳۶۳. ص ۷-۸؛ خراسانی، شجاع‌الدین. شعر معاصر دری. چاپ دوم. کابل: امیری، ۱۳۹۱. ص ۸۵.

بسیاری از آزادی خواهان و مشروطه طلبان آن دوره به شدت مجازات شدند. گروه اخوان افغان که با تدابیر سخت گیرانه تلاش می شد غیر فعال و پراکنده گردد، دوره های دشواری را تجربه کرد اما توانست به گروهی تبدیل شود که ادبیات معاصر افغانستان را شکل داد.

روزنامه سراج الاخبار در سال ۱۹۱۱ میلادی بار دیگر به صورت هرپانزده روزه، منتشر شد. این بار روزنامه تحت مدیریت و سردبیری محمود طرزی قرار گرفت و به صورت مصور و شانزده صفحه‌یی به مدت هشت سال منتشر شد. این روزنامه از نظر دوره نوسازی بسیار اهمیت داشت، زیرا علاوه بر ادبیات و خبر، مقالات علمی و سیاسی نیز در آن درج می شد.

ابتدا روزنامه به دستور امیر و تحت تأثیر او منتشر می شد، اما پس از آغاز همکاری عبدالهادی پریشان و عبدالرحمن افغان در نوشتن، به تدریج دیدگاه های آزادی خواهانه و مشروطه طلبانه را ترویج کرد. سراج الاخبار پس از آغاز دوباره، به مدت هشت سال بدون وقفه منتشر گردید. در اواخر دوره، انتشار ضمیمه‌یی به نام سراج الاطفال نیز چاپ شد که همان گونه که از نامش برمی آید، روزنامه‌یی چهار صفحه‌یی برای کودکان بود.

این دو روزنامه که به طور همزمان منتشر می شدند، در سال ۱۹۱۹ میلادی پایان یافتند. پس از آن، در همان سال، روزنامه های امان افغان و ارشاد النساء (نخستین روزنامه زنان افغانستان) آغاز به انتشار کردند.^۳

روزنامه سراج الاخبار که با خرافات مبارزه می کرد، به صدای آزادی خواهان و طرف داران اندیشه های نو تبدیل شد. این روزنامه جنبشی اصلاح طلب و نوآورانه ایجاد کرد و از طریق ترجمه، اندیشه های نوین جهانی را به کشور منتقل نمود. سراج الاخبار با بحث های ساده، یادگیری و آموزش علوم جدید را ترویج می کرد و در نشر و نظم از املائی ساده و نو دفاع می کرد. به ویژه در حوزه تاریخ ادبیات، مقالات پژوهشی منتشر می نمود و در آثار ادبی به موضوعات سیاسی، علمی و اجتماعی می پرداخت. این روزنامه تلاش داشت اندیشه های آزادی خواهانه در میان مردم تثبیت شود.^۴

افکار سید جمال الدین افغانی هم از طریق محمود طرزی و دیگر نویسندگان در مطالب

۱. مولائی، محمد سرور. برگزیده شعر معاصر افغانستان. تهران: انتشارات رز، ۱۳۵۰. ص ۸۳؛ حبیبی، عبدالحی؛ به اهتمام محمد هاشم بهرامی. جنبش مشروطیت در افغانستان. کابل: دولتی مطبعه و نشر جمهوری دموکراتیک افغانستان، ۱۳۶۳. ص ۱۰-۱۱. 2. Hakbin, Afgan Modernleşmesinde Terzi'nin Rolü ve Türkiye ile İlişkisi, Yüksek Lisans Tezi, Selçuk Üniversitesi Sosyal Bilimler Enstitüsü, Konya. 2009, s. 50.

۳. غبار، میرغلام محمد. تاریخ ادبیات افغانستان (دوره محمدزایی ها). کابل: مطبعه دولتی، ۱۳۳۰؛ بازنشر: تهران، مرکز نشراتی آرش، ۱۳۷۸. ص ۱۴۴-۱۴۵؛ ژوبل، محمد حیدر. تاریخ ادبیات افغانستان. پیشاور: بنگاه نشراتی میوند، ۲۰۱۰. ص ۲۸۳.

۴. خراسانی، شجاع الدین. شعر معاصر دری. چاپ دوم. کابل: امیری، ۱۳۹۱. ص ۸۷؛ کهزاد، احمد علی. تاریخ ادبیات افغانستان. کابل: مطبعه عمومی، ۱۳۳۰. ص ۴۰۷.

روزنامه بازتاب یافته بود. سراج الاخبار با شدت از اسلام‌گرایی و اتحاد کشورهای مسلمان دفاع می‌کرد و نویسندگان آن معتقد بودند که نجات کشور در اسلام‌گرایی نهفته است و تنها از این طریق مسلمانان می‌توانند، رهایی یابند.

در زمان انتشار، سراج الاخبار که حامی سرسخت اسلام‌گرایی بود، در کشورهای همسایه نیز با علاقه دنبال و مطالعه می‌شد. انگلستان که از تأثیر این روزنامه آگاه شده بود، تلاش کرد ورود آن به هند را مسدود سازد. با این حال، با وجود تمامی موانع، سراج الاخبار در طول دوره انتشار خود تأثیر عمیقی بر افغانستان و کشورهای همسایه گذاشت.^۱

محمود طرزی نیز در مقالات خود در سراج الاخبار تأکید کرده است که این روزنامه اسلام‌گرا است و نه توسط انگلیسی‌ها، روس‌ها، فرانسوی‌ها، آلمانی‌ها، چینی‌ها و جاپانی‌ها تأسیس شده و نه تحت نفوذ آنان است؛ بلکه بازتاب‌دهنده مسلمان بودن افغانستان و دیدگاه‌های مسلمانان این کشور است و پیام‌ها و احساسات مردم افغانستان را منتقل کرده و فریادهای شرافت و حیثیت آنان را بیان می‌نماید.^۲

امان افغان

پس از دوره استقلال، روزنامه سراج الاخبار تحت نام امان افغان به نشر ادامه داد. امان افغان در این دوره، دو تا سه بار در هفته منتشر می‌شد. این روزنامه، خدمات مهمی در عرصه ادبیات و تاریخ ارائه نمود. جوانانی که با امان افغان به دنیای نویسندگی وارد شدند، بعدها به مریان و اساتید نسل بعد تبدیل شدند. میر سید قاسم، عبدالهادی داوی، صلاح‌الدین سلجوقی و کشکی از جمله نام‌های برجسته این دوره هستند.^۳

مهم‌ترین نویسندگان روزنامه امان افغان عبارت بودند از: عبدالعلی مستغنی، استاد قاری عبدالله، استاد محمد انور بسمل، استاد عبدالحق بیتاب، میر غلام حضرت شایق، استاد هاشم شایق، سرور سبا، میرزا محمد شریف خسته دل، صلاح‌الدین سلجوقی، نظام‌الدین انصاری، محمد فرحت، میر سید قاسم و کشکی.

اشعار منتشر شده در امان افغان، موضوعاتی مانند وطن پرستی، داستان‌ها و ستایش قهرمانان جنگ آزادی و مبارزات آزادی بخش را در بر می‌گرفت.^۴

۱. مولائی، محمد سرور. برگزیده شعر معاصر افغانستان. تهران: انتشارات رز، ۱۳۵۰. ص ۱۰۴.

2. Hakbin, Afgan Modernleşmesinde Terzi'nin Rolü ve Türkiye ile İlişkisi, s. 31.

۳. ژوبل، محمد حیدر. تاریخ ادبیات افغانستان. پیشاور: بنگاه نشراتی میوند، ۲۰۱۰. ص ۲۸۷.

۴. کهزاد، احمد علی. تاریخ ادبیات افغانستان. کابل: مطبعه عمومی، ۱۳۳۰. ص ۳۷۸؛ خراسانی، شجاع‌الدین. شعر معاصر دری. چاپ دوم. کابل: امیری، ۱۳۹۱. ص ۹۴.

در سال‌های ۱۹۱۹-۱۹۲۰ میلادی، تأثیر اخوان افغان به وضوح مشهود شد و با این نفوذ، روزنامه صدای مبارزه با استعمار و ستم را بلندتر کرد. این روزنامه همچنین ترجمه‌هایی به زبان‌های انگلیسی، عربی و اردو منتشر می‌کرد و مخاطبان آن در هند، ایران، آسیای میانه، ترکیه، مصر و حتی انگلستان حضور داشتند.^۱

مجله انیس

در این دوره، مجله‌ی هفتگی با نام انیس آغاز به نشر کرد. سردبیری این مجله را غلام محی‌الدین انیس برعهده داشت. پس از پانزده سال انتشار هفتگی، انیس به صورت روزنامه درآمد و بیش از سی سال به فعالیت خود ادامه داد. پس از انیس، روزنامه‌ها و مجلات دیگری چون اتحاد مشرقی، طلوع افغان، مجله اردو، مجله صحیحه و ارشاد النساء نیز منتشر شدند.^۲

تأثیر روزنامه‌ها و مجلات

با اثرگذاری این روزنامه‌ها و مجلات، موضوعات نو در ادبیات افغانستان مطرح شد و اندیشه‌های آزادی‌خواهانه در جامعه رواج یافت. مسایلی چون برابری، حقوق سیاسی، آزادی اندیشه و وطن‌پرستی در متون ادبی آن زمان بازتاب یافت. در مقابل سبک اغراق‌آمیز و کلاسیک ادبی موضع گرفته شد.

پیشگام این نوآوری‌ها محمود طرزی بود و پس از او، کسانی چون محی‌الدین انیس و عبدالهادی داوی این مسیر را ادامه دادند. عامل دیگری که در این دوره، تأثیر عمیقی بر ادبیات افغانستان گذاشت، حضور زبان‌های خارجی بود؛ به ویژه انگلیسی و اردو و همچنین فرانسوی، روسی و آلمانی. در این دوره، تعداد زیادی واژه خارجی وارد زبان فارسی افغانستان شد.^۳

۱. خراسانی، شجاع‌الدین. شعر معاصر دری. چاپ دوم. کابل: امیری، ۱۳۹۱. ص ۸۵.

۲. ژوبل، محمد حیدر. تاریخ ادبیات افغانستان. پیشاور: بنگاه نشراتی میوند، ۲۰۱۰. ص ۲۸۷.

۳. ژوبل، محمد حیدر. تاریخ ادبیات افغانستان. پیشاور: بنگاه نشراتی میوند، ۲۰۱۰. ص ۲۸۷؛ خراسانی، شجاع‌الدین. شعر

معاصر دری. چاپ دوم. کابل: امیری، ۱۳۹۱. ص ۸۸.

انجمن‌های ادبی این دوره

انجمن ادبی کابل

انجمن ادبی کابل که در سال ۱۹۳۱ میلادی تأسیس شد، نقش مهمی در شکل‌گیری ادبیات معاصر افغانستان ایفا کرد. ترجمه‌هایی که اعضای این انجمن از ترکی و دیگر زبان‌های غربی انجام دادند، نمونه‌یی قابل توجه برای ادبیات نوپای مدرن افغانستان محسوب می‌شد. تأثیر انجمن در حوزه ادبیات تا سال ۱۹۵۱ میلادی ادامه داشت. مجله کابل که توسط انجمن ادبی کابل منتشر می‌شد، از اثرگذارترین نشریات آن دوره بود.

اعضای شاخص این انجمن عبارت بودند از: استاد قاری عبدالله، عبدالعلی مستغنی، استاد محمد انور بسمل، مخفی بدخشی، محجوبه هروی، میر غلام حضرت شایق، صوفی غلام نبی عشق‌ری، استاد عبدالحق بیتاب، محمد ابراهیم خلیل، عبدالهادی داوی، استاد خلیل‌الله خلیلی، استاد هاشم شایق، سرور سبا، غلام جیلانی، عظیمی، غلام احمد نوید، میر عبدالعلی شایق هروی، محمد حسن هراتی شیرین سخن، عبدالرؤف فکری سلجوقی، عارف چاه‌آبی، مولانا خال محمد خسته، مولانا محمد امین غربت، محمد عظیم عظیمی، عبدالرحمن پژواک، محمد امین عامل، ضیا قاریزاده، محمد یوسف آینه، احمد صادق حیا، محمد شفیع رهگذر، محمد حیدر نیسان^۱.

با بررسی نام‌های گردآمده در اطراف انجمن ادبی کابل، مشخص می‌شود که این افراد در شکل‌دهی ادبیات در زمان خود و نسل‌های بعدی تأثیر مهمی داشته‌اند. این گروه نقش پیشگام و اساسی در شکل‌گیری ادبیات معاصر در افغانستان ایفا کرده‌اند.

انجمن ادبی هرات

انجمن ادبی هرات در سال ۱۹۳۰ میلادی در شهر هرات تأسیس شد و یک مرکز فرهنگی مهم به‌شمار می‌رود. این انجمن تحت ریاست قاضی ملا محمد صادق به عنوان رییس انجمن ادبی - و منشی عبدالکریم احراری، محمد سرور جويا و چند تن دیگر تأسیس گردید. افزون بر این‌ها آقایان شایق، رجایی، بهره، شیرین سخن، رسا، فیضی، احرار، قانون، عسکر، سپاهی،

۱. خراسانی، شجاع‌الدین. شعر معاصر دری. چاپ دوم. کابل: امیری، ۱۳۹۱. ص ۱۰۰ - کهزاد، احمدعلی. تاریخ ادبیات افغانستان. کابل: مطبعه عمومی، ۱۳۳۰. ص ۳۷۹ - مولائی، محمد سرور. برگزیده شعر معاصر افغانستان. تهران: انتشارات رز، ۱۳۵۰. ص ۱۷۴

منشی و شمار دیگری از نویسندگان به حمایت و عضویت انجمن ادبی پیوستند.^۱ براسا آنچه آقای محمد علم قواص ابراز داشته است، متصدیان انجمن ادبی هرات در دوره اول این‌ها بوده اند: میرعبدالعلی شایق هروی، قاضی ملامحمد صدیق، محمدابراهیم رجایی، عبدالرؤوف ضعیف، عبدالرزاق فراهی، گل احمد نور و محمدهاشم پردیس.^۲ در سال ۱۹۴۸ انجمن ادبی هرات با نامی دیگر به نام «کلوپ ادبی هرات» و مجله ادبی هرات به نام مجله هرات به ریاست محمد ابراهیم رجایی تجدید قوا نمود.^۳ در سال ۱۹۶۲ به مناسبت نهمصدمین سال وفات پیر هرات، کلوپ ادبی هرات، به کلوپ انصاری تغییر نام داد. سپس به همان نام انجمن ادبی به فعالیت خویش ادامه داد. تا سال‌های اخیر یعنی ۱۹۹۹ که انجمن ادبی تحت ریاست احمد ضیاء رفعت، با تشکیل منظم‌تر و انسجامی بیشتر در بخش‌های شعر، داستان، نقد و پژوهش ترجمه و ادبیات کودک به صورت مستقلانه و دور از فعالیت‌های سیاسی از سر گرفته شد که تا کنون به همان صورت به فعالیت خویش ادامه می‌دهد. مسؤولان انجمن ادبی و نشریه آن که این بار به نام اورنگ هشتم نام‌گذاری شده بود تا الحال به ترتیب احمدضیاء رفعت، احمد سعید حقیقی، محمد ابراهیم رجایی، ولیشاه بهره، محمد داود منیر و صلاح‌الدین جامی بوده اند.^۴

مهم‌ترین فعالیت انجمن ادبی هرات، انتشار مجله هرات به عنوان ارگان رسمی انجمن بود. شماره نخست این مجله در سال ۱۹۳۱ میلادی منتشر شد. از روز نخست تأسیس، انجمن ادبی هرات در رقابت با انجمن ادبی کابل قرارداداشت و بسته به شرایط سیاسی افغانستان گاهی مجبور به تعطیلی می‌شد، اما تا امروز موفق شده‌است فعالیت‌های خود را ادامه دهد.^۵ نشریه انجمن ادبی هرات در دوره‌های مختلف به نام‌ها مجله ادبی هرات، مجله هرات و از سال ۱۹۹۹ به نام اورنگ هشتم تغییر نام داد. گفتنی است که از ۱۹۹۹ در انجمن ادبی هرات افزون بر اورنگ هشتم، نشریه کودک و اورنگ جوانان نیز به چاپ می‌رسید. انجمن ادبی در سال‌های اخیر به چاپ و نشر مجموعه‌های شعری و داستانی اعضای انجمن مبادرت ورزیده است.

۱. فقیهی هروی، فضل‌الرحمن (۱۴۰۰). تاریخ ادبیات هرات (از اوایل قرن دوازدهم تا امروز)، جلد دوم، تهران: نشر احسان، ص: ۱۲۱.
۲. فقیهی هروی، فضل‌الرحمن (۱۴۰۰). تاریخ ادبیات هرات (از اوایل قرن دوازدهم تا امروز)، جلد دوم، تهران: نشر احسان، ص: ۱۲۸.
۳. فقیهی هروی، فضل‌الرحمن (۱۴۰۰). تاریخ ادبیات هرات (از اوایل قرن دوازدهم تا امروز)، جلد دوم، تهران: نشر احسان، ص: ۱۳۰.
۴. نارون، رجایی. (۱۴۰۴). شناخت‌نامه انجمن ادبی هرات، هرات: انجمن ادبی هرات، صص: ۳۳-۴.
۵. خبرگزاری جمهور. «تجلیل از نودمین سالروز تأسیس انجمن ادبی هرات». یک‌شنبه ۱۰ حوت ۱۳۹۹. دسترسی در: <https://www.jomhornews.com/fa/news/13686>

خصوصیات شعر این دوره (۱۹۰۱ - ۱۹۷۳)

در شعر سال‌های ۱۹۰۱ تا ۱۹۷۳ میلادی، از یک سو تأثیر شعر کلاسیک هنوز محسوس بود، اما شکل‌های مدرن و بی‌وزن، به ویژه سبک شعر آزاد، به تدریج مورد توجه قرار گرفت و محبوبیت بیشتری یافت. شاعران این دوره گاهی هردو سبک را همزمان به کار می‌بردند، اما از نظر محتوا و موضوعات، شعر این دوره تغییرات بنیادینی را نشان می‌دهد.

همچنین تأثیر سبک هندی که از گذشته اهمیت زیادی در افغانستان داشت، کاهش یافته و به تدریج جای خود را به جست‌وجوهای نوین داده‌است. با این حال، این سبک هرگز به طور کامل از بین نرفته و تا مدت‌ها همچنان اثر خود را حفظ کرده و در برخی موارد اخیر نیز قابل مشاهده بوده‌است.

در این دوره، موضوعات جدید، اصطلاحات تازه و مضمون‌های نو در شعر به کار گرفته شد. شعر نو در تا سراج‌ال‌اخبار باعث شد که این سبک به سرعت طرف‌دار پیدا کند و گسترش یابد. مکتب شعری نوظهور در این دوره به «شعر تکنیکی» و «شعر ملی» نامیده شد. محمود طرزی هرچند که خود را شاعر نمی‌دانست؛ اما پیش‌گام این مکتب بود. شعرهای او دربارهٔ برق، تلویزیون، رادیو، راه‌آهن و زغال‌سنگ، هم در زمان انتشار در روزنامه و هم به صورت کتاب ادب در فن، جامعهٔ ادبی را به شدت تحت تأثیر قرارداد و موجب بحث‌های جدی شد.

سراج‌ال‌اخبار در شمارهٔ بیست خود که در سال ششم انتشار یافت، بخشی با عنوان «ادبیات ملی» اختصاص داد و اصول نشر سراج‌ال‌اخبار را چنین بیان کرد:

شعرهای فارسی و پشتو دربارهٔ وطن و سروده فرزندان وطن، در موضوعات مختلف؛

۲. مقالات ادبی، علمی، اجتماعی و دیگر موضوعات به فارسی و پشتو؛

۳. ضرب‌المثل‌های فارسی و پشتو در موضوع‌های مختلف؛

۴. حکایات عبرت‌آموز و پندآمیز به فارسی و پشتو؛

۵. انتشار به زبان هر قوم و لهجه هر منطقه در افغانستان؛ شامل لهجه‌های هزاره‌گی،

پنجشیری، کابل، قندهار، هرات، ازبکی و حمایت از توسعهٔ زبان‌ها و گویش‌ها،

۶. انتشار مطالب مفید دربارهٔ تاریخ افغانستان.

هدف سراج‌ال‌اخبار از این اعلامیه، رساندن سریع‌تر پیام خود به مردم بود. محمود طرزی در مقالهٔ «ادبیات ملی» خود نوشت که پیام شاعر در زبان و لهجه مادری‌اش سریع‌تر و آسان‌تر به مردم می‌رسد.^۱

محمود طرزی با لقب افغانی و به لهجهٔ کابل شعر و ترانه سرود و آن‌ها را در روزنامه منتشر کرد.

۱. مولائی، محمد سرور. برگزیده شعر معاصر افغانستان. تهران: انتشارات رز، ۱۳۵۰. ص ۱۱۰-۱۱۲

شعر این دوره به صورت عموم در افغانستان و بیرون از آن، در روزنامه‌ها و مجله‌هایی چون اتفاق اسلام، بدخشان، ترجمان، اتحاد اسلام، هرات، کابل، ژوندون، فاریاب، اتحاد ننگرهار، طلوع افغان، اخبار زری، اصلاح، هویدا (وطن)، اتحاد مشرقی، طلوع افغان، آزاد افغانستان، پوهنی ننداری، ستوره فاریاب، میرمن، آریانا، پشتو ژغ، وحدت، فروغ انقلاب، نگین، سخن، رودکی، فردوسی، اطلاعات، رنگین، طنین انقلاب، شین و آمو رودی منتشر شده و تکامل یافته است.

شاعران این دوره معمولاً هم از لحاظ ساختار و هم از لحاظ محتوا در سبک کلاسیک شعری سرودند و در آن غزل، قصیده، ترجیع‌بند، مستزاد، مسدس، مثنوی، رباعی، معما، مخمس و دیگر قالب‌های شعری و نیز مفاهیم گوناگون به کار رفته، قابل توجه است. بخشی از غزل‌های این دوره توسط موسیقی دانان افغانستان آهنگ ساخته شده و به عنوان نمونه‌های برجسته موسیقی کلاسیک افغانستان تا امروز در میان مردم محبوبیت دارد.

در شعر این دوره، تحولات محتوا ابتدا آغاز شد و به تدریج تا پایان دوره، تغییرات شکلی نیز ظاهر شد. در ابتدا، برخی شاعرانی که شعر کلاسیک می‌سرودند، توجه و تمجیدشان از شعر مدرن قابل توجه است.

برخی شاعران این دوره به سبک هندی شعر سروده‌اند و در اشعارشان از زبان ساده و روان استفاده کرده‌اند. در شعرهای فارسی، سبک هندی و سبک رودکی مشهود است و در شعرهای ازبکی تأثیر و سبک علی شیر نوایی قابل توجه است.

در این دوره، شاعران علاوه بر فارسی، به پشتو، ازبکی، ترکمنی و عربی نیز شعر سروده‌اند که قابل توجه است.

موضوعات پرکاربرد در آثار این دوره شامل عشق، محبت، تصوف، آموزش، علوم مدرن، فن و تکنیک می‌باشد. همچنین، در شعر این دوره، موضوعات سیاسی، اخلاقی، علمی، ملی و اجتماعی به شکل گسترده‌یی پرداخته شده است. شاعران این دوره جنبه‌های تصوفی، آموزشی، نصیحت‌آمیز، مدیریتی و هدایت‌کننده دارند.

شاعران این دوره به دردهای مردم توجه داشته، از مشکلات کشور آگاه بوده و در شعرهای شان پیش‌نهادهایی برای رفع مشکلات ارائه کرده‌اند.

ویژه‌گی قابل توجه شعر این دوره، علاوه بر پرداختن به فلسفه زنده‌گی و مرگ، پردازش عشق به وطن، نصیحت و مسایل اجتماعی است. در شعر این دوره، اشعاری که به انتقاد دینی و اجتماعی می‌پردازند و زنده‌گی اجتماعی دوره را منعکس می‌کنند، نیز دیده می‌شود.

در چارچوب واکنش به مدرنیته، تحسین جوانان از غرب به شدت مورد نقد قرار گرفته است. شاعران این دوره در شعرهای شان به زبان، فرهنگ، سنت‌ها و آداب و رسوم پرداخته و بخش‌هایی

از زنده‌گی مردم افغانستان را به تصویر کشیده‌اند. از نظر زبانی، این دوره شامل شعر در زبان‌های مختلف محلی بوده و کلمات محلی به‌طور گسترده در شعر به‌کار رفته‌است. شاعران سعی کرده‌اند شعر خود را با زبان ساده و روان سروده و با این‌کار به مردم نزدیک‌تر شوند.

در این دوره، برای اولین بار در شعر افغانستان، برخی شاعران به سرودن شعرهای طبیعت‌گرایی و واقع‌گرایی پرداخته و تلاش کرده‌اند سبک متفاوتی در شعر مدرن افغانستان ایجاد کنند. همچنین، نمونه‌های اولیه شعر مهاجرت و شعر سیاسی نیز در این دوره دیده می‌شود. شاعران این دوره بر این باور بودند که شاعر باید با تغییرات و تحولات زمان همراه شود و شعرش بازتاب روح زمان باشد و شاعر آینه دوره خود باشد.

در این دوره، حرکت گسترده‌یی در ترجمه مشاهده شده‌است: از یک سو ترجمه از ترکی، انگلیسی، اردو و عربی به فارسی و پشتو انجام شده و از سوی دیگر، شعرهای فارسی به زبان‌های غربی مانند انگلیسی، روسی، چکی و آلمانی ترجمه شده‌است.

شعرهای شاعران این دوره در کشورهای مختلفی مانند افغانستان، پاکستان، تاجیکستان، ایران، آلمان، استرالیا، هالند، کانادا، آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی به چاپ رسیده و به هر دو خط فارسی و سیریلیک منتشر شده‌اند.

شاعران با زبان مادری پشتو و ازبکی آثار خود را هم به زبان مادری پشتو و ازبکی و هم به فارسی و عربی سروده‌اند و نوشته‌اند.

می‌توان گفت که شاعران برجسته شعر این دوره اطراف روزنامه‌های سراج‌الخبار و امان افغان، گروه اخوان افغان، انجمن ادبی کابل و مجله کابل، انجمن ادبی هرات و مجله هرات و پشتو تولنه/ انجمن ادبی پشتو گرد هم آمده و با این شیوه، برداشت و نگرش مشترکی نسبت به شعر این دوره ایجاد کرده‌اند.

شاعران این دوره

در این دوره که از ۱۹۰۱ تا ۱۹۷۳ میلادی را دربر می‌گیرد، دوصد و شصت و شش شاعر شناسایی شده‌اند؛ اما در بخش شاعران این دوره، زندگی و آثار هفتاد و شش شاعری ارائه شده که در زمان خود با شعرشان برجسته بوده و نماینده این دوره به‌شمار می‌روند.

صد و نود و دو شاعر دیگر که منابع کافی درباره‌شان در دسترس نبوده یا در زمان فعالیت‌شان برجسته نبوده‌اند، در پایان بخش تحت عنوان دیگر شاعران این دوره برای مطالعه خواننده ارائه شده‌اند.

برای هفتاد و شش شاعری که انتخاب شده‌اند، ابتدا تولد، خانواده، تحصیل، مشاغل و شخصیت ادبی و آثارشان معرفی شده و سپس برای ارائه تصویری از سبک شعری و محتوای آثارشان، بخشی کوتاه از یکی از شعرهای برجسته شاعر آورده شده است.

محمد عثمان پریشان (۱۹۰۱-۱۹۳۸)

محمد عثمان پریشان، در سال ۱۹۰۱ میلادی در هرات به دنیا آمد. وی که در شعر از پریشان و در خطاطی از حسینی به عنوان تخلص استفاده می‌کرد و علاوه بر شاعر، روزنامه‌نگار نیز بود. پدر او، میر عطا محمد حسینی، از علمای هرات بود. محمد عثمان در کودکی از استادان محلی و همچنین از محمد حسین سلجوقی دروس خط آموخت و به یکی از خطاطان برجسته دوره خود تبدیل شد.

پریشان مدتی ریاست اداره مطبوعات هرات را برعهده داشت و همچنین برای مدتی مدیر روزنامه اتفاق اسلام هرات بود و در همان روزنامه نوشته‌هایی منتشر می‌کرد. محمد عثمان پریشان در سال ۱۹۳۸ میلادی درگذشت.^۱

محمد عثمان، علاوه بر خطاطی، غزل‌هایش نیز مورد توجه قرار گرفته است. نمونه‌یی از غزل او که در ادامه آمده، سبک شعری پریشان را نشان می‌دهد.

به امیدى که بوى زلفت آید،	نشسته بر ره باد صبا دل
به کویت کی تواند آید از ضعف؟	مگر گیرد ز مژگانان عصا دل
به زیر پا چو دیدم، گشتم آگه؛	ندارد قدر در کوی شما دل
به قربان‌گاه نازت می‌شتابد،	نمی‌باشد پریشان تو را دل

غلام احمد نوید (۱۹۰۱-۱۹۸۴)

غلام احمد نوید، فرزند نوری، در سال ۱۹۰۱ میلادی در کابل به دنیا آمد. نخستین آموزش‌های ادبی را از پدرش فراگرفت و سپس از مولانا یعقوب فراهی درس‌های ادبیات کلاسیک آموخت.

نوید پس از پایان تحصیلاتش وارد خدمت دولتی شد. او نخست در وزارت معادن و سپس در وزارت زراعت کارکرد. بعدها به عنوان منشی دوم سفارت افغانستان در آلمان، سپس منشی اول سفارت افغانستان در مسکو، بعد رئیس دفتر در وزارت امور خارجه و رئیس مطبوعات، و

۱. مولائی، محمد سرور. برگزیده شعر معاصر افغانستان. تهران: انتشارات رز، ۱۳۵۰. ص ۱۳۵؛ صابری هروی، سید جلیل. شعرای عصر حاضر افغانستان، جلد اول. کابل: نشر نوند، ۱۳۸۹. ص ۴۶۶.

نیز به عنوان کنسول افغانستان در بمبئی و سرکنسول افغانستان در مشهد ایفای وظیفه نمود. غلام احمد نوید در سال ۱۹۸۴ میلادی در کابل درگذشت.

از لحاظ ادبی، نوید از عبدالهادی داوی و هاشم شایق تأثیر پذیرفته بود. شعرهای او که در نشریات مختلف دوره خودش پراکنده چاپ می‌شد، توسط متین اندخویی گردآوری و در سال ۱۹۶۵ میلادی با نام گزیده‌های غزل‌های نوید منتشر شد.^۱

نوید در قالب سبک کلاسیک شعر می‌سرود و با مضامین متفاوت در غزل‌هایش جلب توجه می‌کرد. او در شعرهای سبک هندی‌اش از زبان ساده و روان بهره‌می‌گرفت و موضوعات عشق، محبت و تصوف از مضامین شعرهایش بود. برخی از غزل‌های نوید توسط موسیقی دانان افغانستان آهنگ ساخته شده و به عنوان نمونه‌های مهم موسیقی کلاسیک افغانستان شناخته می‌شود. نمونه شعری که در ادامه آمده، نشان‌دهنده سبک و محتوای شعری نوید است.

شدی خموش و مرا شعله در دهن باقی‌ست	بسوز شمع ز حسرت که سوز من باقی‌ست
شنیده‌ام ز لبش گرچه بارها دشنام	امید بوسه هنوزم از آن دهن باقی‌ست
ز مرگ، پیش چه لازم چو شمع گریه‌کنم	هنوز فرصت کافی به سوختن باقی‌ست

سید شمس‌الدین حیران تولکی (۱۹۰۱-۱۹۷۱)

سید شمس‌الدین حیران تولکی، از خاندان سید، در سال ۱۹۰۱ میلادی در غور به دنیا آمد. پدر او سید کمال‌الدین بود. حیران از هفت سالگی در محیط خانواده آموزش‌های اولیه را آغاز کرد و سپس با گرفتن درس‌های خصوصی از معلم‌های مختلف، توانست دانش خود را پرورش دهد. بعداً در سبزواری و هرات در مدارس مختلف به تحصیل ادامه داد.

پس از بیست و چهار سال تحصیل، به مدرسه‌داری و تدریس پرداخت. در سال ۱۹۲۷ میلادی به ایران سفر کرد و از آنجا به کشورهای عربی رفت. پس از پنج سال اقامت در عربستان سعودی، به کشور بازگشت و دوباره وارد خدمات دولتی شد. او مدتی به عنوان قاضی در هرات و غور خدمت کرد و سپس به کابل رفت. پس از مدتی خدمت کوتاه در کابل، به غور بازگشت و در سال ۱۹۷۱ میلادی در همانجا درگذشت.

حیران از سنین جوانی شعرگفتن را آغاز کرد و آثار خود را به فارسی و عربی سرود. دیوان او توسط سید محمد رفیق منتشر شده است. سایر آثار او عبارتند از: «شیخ چه کسی باشد؟» و

۱. خسته، خال محمد. معاصرین سخنور. چاپ دوم. پشاور: انجمن نشراتی دانش، ۱۳۸۶. ص ۲۵۳ - پهلوان، چنگیز (به کوشش). نمونه‌های شعر امروز افغانستان. تهران: بنیاد نیشابور، ۱۳۷۱. ص ۲۹۹ - مولائی، محمد سرور. برگزیده شعر معاصر افغانستان. تهران: انتشارات رز، ۱۳۵۰. ص ۱۶۳

«نصیحت نامه»^۱. در این جا نمونه شعری از حیران که نشان دهنده سبک و محتوای اوست، آورده شده است.

کائنات آسمان را نام تو ورد زبان	ای مریضان گنه را درگهت دارالشفا
زاهدان بی ریا از بیم قهرت در سجود	پادشاهان زمانه بر درت در التجا
تکیه کردن بر عمل هم از کمال جاهلی ست	جز به فضل عام تو کان هست نعم المتکا
مور در سوراخ بی در روزی خود می خورد	ماهی اندر قعر دریا مرغ فی جوالسما

عبدالصمد جاهد (۱۹۰۲-۱۹۸۰)

عبدالصمد جاهد، فرزند میرزا نظام الدین، در سال ۱۹۰۲ میلادی در مزار شریف به دنیا آمد. او در کودکی درس های ادبیات و خط را از پدرش که از علمای برجسته، شاعر و خطاط مزار شریف بود، فراگرفت. سپس در شهر خود به ادامه تحصیل پرداخت و از معلم های محلی دروس فقه و اصول دریافت کرد تا دانش خود را گسترش دهد.

پس از پایان تحصیلات، جاهد وارد خدمت دولتی شد و در مؤسسات مختلف مسؤلیت های گوناگون داشت. او در سال ۱۹۲۵ میلادی به عنوان مصحح در مجله بیدار که در مزار شریف منتشر می شد، مشغول گردید و پس از دو سال، در سال ۱۹۲۷ میلادی به عنوان معاون مدیر همان مجله، منصوب گردید.

جاهد مدتی معلم ادبیات بود و در سال ۱۹۴۷ میلادی به سمت رییس اطلاعات و فرهنگ مزار شریف منصوب شد. در سال ۱۹۵۰ میلادی، همزمان مسؤلیت تصحیح چاپ خانه اطلاعات و فرهنگ مزار شریف را نیز به عهده گرفت. پس از بازنشستگی در سال ۱۹۵۴ میلادی، همان سال به نماینده گی مزار شریف در مجلس انتخاب شد و دو سال در مجلس حضور داشت. سپس در سال ۱۹۵۶ میلادی به تدریس ادبیات بازگشت و بالاخره در سال ۱۹۸۰ میلادی درگذشت.

او از سال ۱۹۵۱ میلادی در دایرة المعارف آریانا فعالیت داشت و در انتشار اثر مهم قاموس عالم جغرافیای افغانستان نقش برجسته ای ایفا کرد^۲.

نمونه ای از غزل او در این جا که سبک و محتوای شعری اش را نشان می دهد، آورده شده است.

نقاب از رخ بیفگن، مشک ساکن طره مو را،
دماغ آشفته کن دل داده گان طاق ابرو را

۱. صابری هروی، سید جلیل. شعرای عصر حاضر افغانستان، جلد اول. کابل: نشر نوند، ۱۳۸۹. ص ۷۷۷-۷۷۸.

۲. خسته، خال محمد. معاصرین سخنور. چاپ دوم. پشاور: انجمن نشراتی دانش، ۱۳۸۶. ص ۱۰۰ - صابری هروی، سید

جلیل. شعرای عصر حاضر افغانستان، جلد اول. کابل: نشر نوند، ۱۳۸۹. ص ۵۸۸-۵۸۹.

تو آن شوخی که از طرز تبسم‌های شیرینت،
مصور گر کند رسم نزاکت‌های اندامت،
نمک‌پاشی کنی دل‌های عشاق ستم‌خو را
کجا ناز و ادا در قید آید، خامه‌ مو را؟

عبدالواحد بهره‌ هروی (۱۹۰۲-۱۹۸۵)

عبدالواحد بهره هروی، در سال ۱۹۰۲ میلادی در هرات به دنیا آمد. پدر او رحیم‌داد بود و عبدالواحد آموزش‌های اولیه را در محیط خانواده آغاز کرد. سپس با گرفتن درس‌های خصوصی از معلم‌های محلی و درس‌های عربی تحصیل خود را ادامه داد و بعد در انستیتوت تعلیم و تربیه هرات به تحصیل پرداخت.

پس از اتمام تحصیلات، در سال ۱۹۲۱ میلادی وارد اداره آموزش هرات شد و به خدمت دولتی پرداخت. در سال ۱۹۳۱ میلادی به عنوان معاون مدیر انجمن ادبی هرات منصوب شد. او در سال ۱۹۳۵ میلادی معلم شد و همان سال مدیر مکتب تعیین شد. در سال ۱۹۴۸ میلادی به سمت مدیریت تیاتر هرات منصوب گردید و مدتی نیز به عنوان نماینده هرات در مجلس خدمت کرد. عبد الواحد بهره هروی در سال ۱۹۸۵ میلادی درگذشت.

آثار شعری و ادبی او در روزنامه اتفاق اسلام هرات و سایر مجلات ادبی افغانستان منتشر شده است. او علاوه بر فارسی، به پشتو و عربی نیز، شعر گفته است. برخی از آثار او عبارتند از: عرض التجا به حضرت کبریا؛ رهبر حجاز؛ گنجینه عرفان؛ دختر فروشی؛ خواب حقیقت؛ ترک مروت؛ دیوان اشعار.

نمونه شعری از او با عنوان پی علم، هم وضعیت آن دوره را نشان می‌دهد و هم سبک شعری او را.

پی علم

ز کوشش ترقی بده کار خود را	منور کن از علم افکار خود را
کساد حیات است وضع جهالت	بده رونق از علم بازار خود را
ز خواب گران دیده خویش واکن	نظر کن ترقی اغیار خود را
پی علم شو تا به انگشت دانش	گشایی همه عقده کار خود را
بود سینه‌ات حفظ گنج معانی	به هر کس مکن فاش اسرار خود را
به نام نکو از ره حسن خدمت	گذاری پس از مرگ آثار خود را
کمر از سر صدق بر بند بهره	بکن خدمت خاک کهسار خود را

۱. خسته، خال محمد. معاصرین سخنور. چاپ دوم. پشاور: انجمن نشراتی دانش، ۱۳۸۶. ص ۶۶-۶۷ - صابری هروی، سید جلیل. شعرای عصر حاضر افغانستان، جلد اول. کابل: نشر نوند، ۱۳۸۹. ص ۳۹۶-۳۹۸.

سرور جویا (۱۹۰۲-۱۹۵۱)

سرور جویا در سال ۱۹۰۲ میلادی در کابل به دنیا آمد. پدر او منشی غلام حسین بود. جویا به عنوان شاعر، نویسنده و روزنامه‌نگار شناخته می‌شد و از کودکی در محیط خانواده درس‌های عربی و ادبیات را فراگرفت. بین سال‌های ۱۹۲۴ تا ۱۹۲۷ میلادی برای تحصیل در زمینه روزنامه‌نگاری به ایران و روسیه سفرکرد و در این مدت زبان روسی را آموخت.

پس از بازگشت به کشور، مدتی در هرات به فعالیت روزنامه‌نگاری پرداخت و سپس به عنوان مدیر روزنامه اتفاق اسلام مشغول شد. در سال ۱۹۳۰ میلادی پس از یک‌ترور ناموفق کشورش را ترک کرد و به هند مهاجرت نمود. پس از بازگشت در سال ۱۹۳۲ میلادی بازداشت شد و پس از آزادی، فعالیت‌های سیاسی خود را آغازکرد و از بنیان‌گذاران حزب وطن افغانستان بود. جویا در سال ۱۹۵۱ میلادی دوباره به دلایل سیاسی بازداشت شد و در زندان درگذشت.

سرور جویا دوست نزدیک عبدالکریم احراری، صلاح‌الدین سلجوقی و عبدالله قانع بود. آثار شعری و ادبی او به صورت عموم در روزنامه اتفاق اسلام و مجلات هرات منتشر شده‌است. نوشته‌های او معمولاً سیاسی، اخلاقی، علمی و اجتماعی بودند.^۱ نمونه شعری او با عنوان سربازی که بیانگر سبک و محتوای شعر جویاست.

سربازی

دیوار و سنگ و پنجره آهنین ما
غم جا نیافت بردل و چین بر چین ما
سربازی است عزت و آیین و دین ما
تاریخ دیده خاطره بس حزین ما

کرد آشکار بر همه عزم متین ما
آمد ز دهر بر سر ما سختی هر قدر
هستیم ما چو عاشق آزادی وطن
غم نیست گرز خاطر یاران شدیم محو

عبدالمجید احراری آسان (۱۹۰۳-۱۹۸۶)

عبدالمجید احراری آسان، در سال ۱۹۰۳ میلادی در هرات به دنیا آمد. پدر او محمد صادق خطیب بود و او برادر عبدالله احراری و عبدالکریم احراری است. آموزش‌های ابتدایی را از پدر و پدر بزرگ خود که هر دو عالم بودند فراگرفت و سپس در مدرسه به تحصیل عربی و ادبیات پرداخت. پس از پایان تحصیلات، وارد خدمت دولتی شد و در مؤسسات مختلف مسوولیت‌های

۱. صابری هروی، سید جلیل. شعرای عصر حاضر افغانستان، جلد اول. کابل: نشر نوند، ۱۳۸۹. ص ۶۴۲.

متعددی داشت. عبدالمجید احراری در سال ۱۹۸۶ میلادی درگذشت.^۱ آثار شعری او به صورت عموم در مجله هرات و دیگر روزنامه‌ها و مجلات افغانستان منتشر شده است. احراری علاقه خاصی به تصوف داشت و شعرهای او ویژه‌گی‌های تصوفی و اخلاقی دارند. نمونه شعری او با عنوان کردار خوب، که سبک و محتوای شعری او را نشان می‌دهد، این‌جا ذکر شده است.

کردار خوب

زنده‌گانی نعمت است و شکر آن کردار خوب	کار خوب آخر ترا سازد یکی سردار خوب
گر تو از ایشار اعظم آگهی خواهی بیا	تا بگویم از برایت نکته‌ی بسیار خوب
داد پیغمبر هدایت از برای خاص و عام	گوش ده از حضرت او یک چنین گفتار خوب
گر به دست تو نهالی باشد از خرمای تر	وز نفس باقی نداری تا کنی یک کار خوب
زود باید آن نهالت را نشانی بر زمین	چون نمائی او بماند از تو یک آثار خوب

بوبو جان حلیمه (۱۹۰۳-۱۹۶۶)

بوبو جان حلیمه در سال ۱۹۰۳ میلادی در کابل به دنیا آمد. پدر او میر عتیق‌الله بود و آموزش‌های ابتدایی را در محیط خانواده فراگرفت و به مطالعه ادبیات و علوم مختلف پرداخت. در سال ۱۹۴۰ میلادی، وقتی هنوز حدود پانزده یا شانزده ساله بود، با امیر عبدالرحمن خان، پادشاه افغانستان ازدواج کرد. بوبو جان گاهی در امور حکومتی به جای شاه، وکیل و نماینده بود. او در سال ۱۹۶۶ میلادی در کابل درگذشت.^۲ آثار شعری او نشان‌دهنده رویکرد اجتماعی، مدیریتی و اخلاقی اوست و شعرش نمونه‌یی از بُعد اجتماعی شعر زنان افغانستان محسوب می‌شود.

از برای خدا بلندکنید	بر سر خود لوی استقلال
باد شیرین دهان ملت ما	یارب از میوه‌های استقلال
می‌کشم بعد از آن به دیده خود	سرمه از خاک پای استقلال

۱. صابری هروی، سید جلیل. شعرای عصر حاضر افغانستان، جلد اول. کابل: نشر نوند، ۱۳۸۹. ص ۱۳۶.
 ۲. حجازی، بنفشه. تذکره اندرونی: شرح احوال و شعر شاعران زن در عصر قاجار تا پهلوی. چاپ دوم. تهران: انتشارات قصیده‌سرا، ۱۴۰۰. ص ۲۷۷.

نیک احمد بلبل (۱۹۰۳-؟)

نیک احمد بلبل در سال ۱۹۰۳ میلادی در ننگرهار به دنیا آمد. پدر او ملا احمد بود. پس از تکمیل آموزش ابتدایی در زادگاهش، به پشاور رفت و از استادان مختلف درس گرفت و عربی را به خوبی فراگرفت.

پس از بازگشت به وطن، معلمی را آغاز کرد و سپس در سال ۱۹۵۸ میلادی در دادگستری ننگرهار مشغول به کار شد. نیک احمد بلبل به دلیل سرودن غزل‌ها در دوره خود شناخته شد.^۱ نمونه غزل او در این جا، سبک و محتوای شعری او را نشان می‌دهد.

ای حضرت مسیح زمان از ره کرم حاصل نگشته کام دلم از تو گرچه من از مستی شمیم دوگیسوی مشکبوت حیرت فراگرفته ز اوضاع دل‌برم	رنجور رنج عشقم و بنما ره خلاص بگداختم به کوره عشق تو چون رصاص آهو به دشت چین و ختن می شود رصاص نی قدر عام داند و نی رتبه خواص
--	--

غلام سرور دهقان (۱۹۰۳ - ۱۹۷۵)

غلام سرور دهقان، شاعر و خوش‌نویس، در سال ۱۹۰۳ میلادی در کابل به دنیا آمد. پدرش میرزا محمدا عظم از کارمندان دربار امیر حبیب‌الله خان بود. غلام سرور در شش ساله‌گی با آموزش در خانه، قرآن کریم را ختم کرد و پس از آن «دیوان حافظ» و «گلستان» سعدی را خواند. او در فاصله پانزده تا بیست‌ساله‌گی نزد استادان مختلف به آموختن خوش‌نویسی، علوم دینی و ادبیات پرداخت.

پس از پایان تحصیل، وارد کار دولتی شد و مدتی به عنوان ولسوال و آموزگار ایفای وظیفه کرد. اما به سبب دل‌بسته‌گی به تصوف، از وظایف رسمی کناره‌گرفت و به تجارت روی آورد. مدتی به کار فرش‌فروشی مشغول شد و سفرهایی به بلخ، غزنی و هرات داشت. در سال ۱۹۴۳ میلادی فریضه حج را ادا کرد و مسدس مشهورش را در بازگشت از حج سرود.

غلام سرور دهقان در سال ۱۹۷۵ میلادی در کابل درگذشت. اثر او با نام «مزرعه دهقان» در سال ۱۹۳۷ در کابل به چاپ رسیده است.^۲ گرایش‌های صوفیانه او در اشعارش نمایان است و در کنار

۱. صابری هروی، سید جلیل. شعرای عصر حاضر افغانستان، جلد اول. کابل: نشر نوند، ۱۳۸۹. ص ۳۵۵؛ خسته، خال محمد. معاصرین سخنور. چاپ دوم. پشاور: انجمن نشراتی دانش، ۱۳۸۶. ص ۶۴.

۲. خسته، خال محمد. معاصرین سخنور. چاپ دوم. پشاور: انجمن نشراتی دانش، ۱۳۸۶. ص ۱۰۸. صابری هروی، سید جلیل. شعرای عصر حاضر افغانستان، جلد اول. کابل: نشر نوند، ۱۳۸۹. ص ۸۷۳.

آن، به موضوعات اجتماعی نیز بسیار پرداخته است. از جمله، شعر مشهور او «بت شکن» نمونه روشنی از این رویکرد است.

بت شکن

چون تو فرزندی اگر در کعبه مادر یافته،
پیش از آن که از کوثر و طوبی نشانی هم نبود،
از دم صبح ازل تا آخر شام ابد،
یا علی! یک کعبه تنها شاهد وصف تو نیست،
کعبه هم بت شکنی مانند تو کمتر یافته
مستی عشق از لب لعل تو کوثر یافته
عقل، اعجاز ترا در بحر و در بر یافته
مصطفی در شهر علم خویش ترا دریافته

زمان الدین جیحون (۱۹۰۴-۱۹۹۹)

زمان الدین جیحون، با تخلص «ادیم شغنانی»، در سال ۱۹۰۴ میلادی در بدخشان چشم به جهان گشود. پدرش شاه حسین نام داشت و آموزش های ابتدایی و متوسطه را در زادگاهش به پایان رساند. علوم دینی چون صرف، نحو، فقه و منطق را همراه با درس های ادبیات عربی و فارسی نزد پدر و برادر خود آموخت. او در خانواده ی پرورش یافت که اهل علم و ادب بودند و از همین رو در دوازده ساله گی به سرودن شعر آغاز کرد.

جیحون، مانند خانواده اش، پیرو مذهب اسماعیلی بود. به همین دلیل چندین بار دستگیر و زندانی شد و مدتی را نیز در تبعید به سربرد. او سرانجام پس از یک زنده گی پرمشقت و طولانی در سال ۱۹۹۹ میلادی در بدخشان چشم از جهان فرو بست.

پیشه اصلی اش زراعت بود، اما در اوقات فراغت به شعر می پرداخت. افزون بر فارسی، به زبان محلی شغنانی نیز شعر سروده است. سروده هایش در مجلات بدخشان چاپ می شد و دیوان او که شامل بیش از پنجاه هزار بیت است، در سال ۱۹۹۷ میلادی در کانادا انتشار یافت. در دیوانش بیشترین بخش را غزل ها تشکیل می دهند، اما قصیده ها نیز جایگاه مهمی دارند. علاوه بر آن، در دیوان او انواعی چون ترجیع بند، مستزاد، مسدس، مثنوی، رباعی، معما و مخمس نیز دیده می شود.

از آثار دیگر او می توان به «عشق حسرت» و «در دل غبار بدخشان» اشاره کرد. جیحون در اشعارش به موضوعات اخلاقی، عرفانی و اجتماعی پرداخته و در میان جماعت اسماعیلی احترام و اعتبار فراوان داشت، چنان که او را پیشوای دینی خود می دانستند.^۱

۱. صابری هروی، سید جلیل. شعرای عصر حاضر افغانستان، جلد اول. کابل: نشر نوند، ۱۳۸۹. ص ۶۴۶-۶۴۷.

از جیحون به عنوان یکی از چهره‌های اثرگذار در روند نوسازی شعر افغانستان یاد می‌شود. نمونه روشن آن، شعر معروفش با عنوان «وطن دوستی» است که در آن سبک و زبان شاعر، عشق به میهن، اندرز، و طرح مسایل اجتماعی برجسته است و بازتاب دهنده طرز فکر شعری روزگار اوست. از ویژه‌گی‌های دیگر آثارش، به کارگیری واژه‌های محلی است.

حب الوطن

خوشا آن دل که او شاد است و دلدار وطن باشد،
هماره شادمان بادا دل صاف وطن پرور،
به روز حشر خواهیم دید در جمع سیه بختان،
به قول مصطفی، حب الوطن سرمایه ایمان است،
خوشا چشمی که او روشن به دیدار وطن باشد
غم عالم میاد آن را که غم خوار وطن باشد
سیه رویی آن یاری که اغیار وطن باشد
نه ایمان است آن کس را که غدار وطن باشد

محمدکریم جلوه نزیه‌ی (۱۹۰۴ - ۱۹۸۴)

محمدکریم نزیه‌ی که در شعرهایش تخلص «جلوه» را به کار می‌برد، در سال ۱۹۰۴ میلادی در مزارشریف به دنیا آمد. پدرش قاضی مراد جان نام داشت. او به عنوان سیاست‌مدار، نویسنده، پژوهشگر و شاعر شناخته می‌شود. پدرش از آزادی خواهان روزگار امیر حبیب‌الله خان بود که در زمان امیر عبدالرحمن خان از میمنه به کابل فراخوانده شد.

جلوه آموزش ابتدایی و متوسطه را در مزارشریف و کابل گذراند و از لیسه حبیبیه فارغ شد. علوم دینی، ادبیات عربی و فارسی را نزد پدرش فراگرفت. او افزون بر فارسی، به عربی، ازبکی، ترکی و انگلیسی نیز آشنایی داشت.

در سال‌های ۱۹۴۱ تا ۱۹۶۱ میلادی به دستور حکومت، به «ممنوع‌القلمی» و «حبس خانگی» محکوم شد. در این دوران بیشتر به کارهای تجارتي پرداخت و مدتی هم به عنوان ائشه تجارتي افغانستان در مشهد ایفای وظیفه کرد. او در سال‌های ۱۹۴۹ و ۱۹۵۳ میلادی به حیث وکیل مردم اندخوی در پارلمان حضور یافت. در ۱۹۸۲ میلادی افغانستان را ترک کرد و به هندوستان مهاجرت نمود و در ۱۹۸۴ میلادی در دهلی درگذشت.

محمدکریم جلوه در سال ۱۹۳۱ میلادی عضو انجمن ادبی کابل شد و نوشته‌ها و اشعارش در مجلات کابل و ژوندون چاپ می‌شد. او به فارسی و ازبکی شعر سروده است. از آثارش می‌توان به «تاریخچه ادبیات افغانستان» اشاره کرد. اشعار او بعدتر به همت پژوهش‌گران گردآوری شد و با نام «جلوه‌ها از شعر جلوه» به کوشش واصف باختری در سال ۱۹۹۹ میلادی در پشاور انتشار یافت.

جلوه، در شعرهای فارسی بیشتر پیرو سبک هندی است، در حالی که در سروده‌های ازبیکی خود از شیوه‌ی علی شیر نوایی پیروی کرده است.^۱ یکی از نمونه‌های روشن شعر او، قطعۀ معروف «درد دل» است که هم سبک شعری اش را نشان می‌دهد و هم بیانگر همدردی او با رنج‌های مردم است.

درد دل

به جز دردش کسی حال دل ما را نمی‌داند،
 به غیر از دل، که می‌داند گداز جور و بیدادش؟
 به چشمش تا زخم خود را، به دام زلف افتادم،
 فلک از هر دری گرانده‌ات، کاهش مکن جلوه،
 کس حالِ خانه را بهتر از صاحب‌خانه می‌داند؟
 که زور آتش سوزان جز آتش‌خانه می‌داند؟
 که مرغ نابلد کی فرق دام و دانه می‌داند؟
 تو در خود عالمی داری، کز آن بیگانه می‌داند

قیام‌الدین خادم (۱۹۰۶ - ۱۹۷۹)

قیام‌الدین خادم، از چهره‌های برجسته ادبیات پشتو، در سال ۱۹۰۶ میلادی در ننگرهار به دنیا آمد. پدرش حسام‌الدین نام داشت. او به عنوان شاعر، نویسنده و مترجم شناخته می‌شود. نخستین درس‌های فارسی، پشتو و عربی و همچنین علوم دینی را در خانواده فراگرفت و سپس آموزش رسمی اش را ادامه داد. بعدتر به پاکستان رفت و پانزده سال در پیشاور تحصیل کرد. پس از فراغت، به افغانستان بازگشت و به تدریس پرداخت. مدتی در جلال‌آباد و کامه آموزگار بود. در سال ۱۹۵۰ میلادی، به حیث رئیس مطبوعات قندهار تعیین شد. همچنین در مقاطعی در دانشگاه‌های مختلف افغانستان به عنوان استاد ایفای وظیفه نمود. او مدتی هم به عنوان سناتور در مجلس حضور داشت. قیام‌الدین خادم در سال ۱۹۷۹ میلادی در ننگرهار درگذشت.

وی در سال ۱۹۳۶ میلادی عضو «پشتو تولنه» یا انجمن ادبیات پشتو گردید و پس از مدتی به عنوان معاون و سپس رئیس این انجمن انتخاب شد. در سال ۱۹۴۱ میلادی مدیریت مجله «اتحاد ننگرهار» را برعهده گرفت و از سال ۱۹۵۰ میلادی به بعد، مسوولیت مجله «طلوع افغان» در قندهار را نیز عهده دار شد. افزون بر این، در نشریات «اخبار زیری»، «کابل»، «اصلاح»، «هویدا (وطن)» و «اتحاد مشرقی» هم مسوولیت‌هایی به دوش داشت.

خادم به فارسی، پشتو، عربی و اردو تسلط داشت و به دوزبان فارسی و پشتو شعری سرود. او همچنین ترجمه‌های متعددی به زبان پشتو انجام داد. از آثار او می‌توان نام برد: «معلم پشتون»،

۱. صابری هروی، سید جلیل. شعرای عصر حاضر افغانستان، جلد اول. کابل: نشر نوند، ۱۳۸۹. ص ۶۱۶-۶۱۷

«پشتون کولی»، «دکوچینانو اخلاقی پالنه»، «پشتوانه شاعرانه»، «لرغونی پشتانه»^۱.
خادم در اشعارش بیشتر به موضوعات ملی و اجتماعی پرداخته است. نمونه شعری که از او آورده شده، سبک و محتوای سروده هایش را به خوبی نشان می دهد.

ز سوز عشق داغی همچو لاله خوشترم آید،	ز تاب و درد آن افغان و ناله خوشترم آید
ز صد خیل جوان که آنان به شمع دیگران میرند،	یکی خوددار پیر شصت ساله خوشترم آید
ز صوفی عافیت در کنج مسجد گرچه بشنیدم،	ولی بر کوه جستن چون غزاله خوشترم آید
پریشان دامن خود را چو گل، تر از نمی کردن،	ز خادم، همچون بلبل آه و ناله خوشترم آید

میرزا عبدالملک پهلوان غوری (۱۹۰۶ - ۱۹۵۲)

میرزا عبدالملک، که به نام پهلوان غوری شهرت دارد، در سال ۱۹۰۶ میلادی در غور به دنیا آمد. پدرش ارباب علم خان در جنگ علیه انگلیس ها سمت فرماندهی داشت. آموزش های ابتدایی و متوسطه را در زادگاهش گذراند و نزد استادان نامدار آن زمان خوش نویسی آموخت. پس از پایان تعلیمات، مدتی در ادارات دولتی مشغول خدمت شد و در غور، پرچمن، تولک، چغچران و هرات وظیفه اجرا کرد. در سال ۱۹۴۱ میلادی به حیث وکیل مردم غور در پارلمان حضور یافت. او در سال ۱۹۵۲ میلادی در هرات درگذشت.^۲

پهلوان غوری شاعر و نویسنده بود، اما اشعارش در زمان حیاتش به چاپ نرسید و به گونه پراکنده منتشر شد. از نمونه شعری او در این جا برمی آید که به سبک و محتوای کلاسیک شعر می سروده است.

سوز هجران

مرا غربت چنان افسرده دارد،	دل و جان مرا پژمرده دارد
که هرچند عزم می سازم به رفتن،	ولی زنجیرم آب و دانه دارد
نویسد یک به یک حال دلم را،	چرا که استخوانم ناله دارد
مزن لافی که می سوزم ز هجران،	که سوز شمع را پروانه دارد

۱. خسته، خال محمد. معاصرین سخنور. چاپ دوم. پشاور: انجمن نشراتی دانش، ۱۳۸۶. ص ۳۲۶. صابری هروی، سید جلیل. شعرای عصر حاضر افغانستان، جلد اول. کابل: نشر نوند، ۱۳۸۹. ص ۷۸۵.

۲. صابری هروی، سید جلیل. شعرای عصر حاضر افغانستان، جلد اول. کابل: نشر نوند، ۱۳۸۹. ص ۵۰۴.

سیداحمد بینا (۱۹۰۷ - ؟)

سیداحمد بینا در سال ۱۹۰۷ میلادی در میمنه به دنیا آمد. پدرش بوری خان بود که همانند او شاعر و نویسنده شناخته می‌شد. بعد از اتمام آموزش‌های ابتدایی و متوسطه در زادگاهش، آموزش‌های حرفه‌یی در رشته حسابداری دریافت کرد. از سال ۱۹۲۸ میلادی، سیداحمد بینا تدریس را در میمنه آغاز کرد و در مکتب‌های مختلف به کار پرداخت. مدتی نیز در فاریاب در سمت‌های دولتی مختلف فعالیت داشت. در سال‌های پایانی عمر، علاوه بر کار صحافت، به طبابت یونانی نیز علاقه‌مند شد. از آثار او می‌توان نام برد: «مجموعه اشعار بینا»، «رساله نباتات»، «پیداوار اقتصادی و صنعتی میمنه» و «بیرونی»^۱. اشعار او بیشتر جنبه اخلاقی دارند. همچنین قصیده معروف او با عنوان «میمنه» که در این‌جا نمونه‌یی از آن آورده شده، نشان‌دهنده سبک شعری و نگاه او به زادگاهش است.

میمنه

<p>خوشا این میمنه وصف مبارک طرح عنوانش، هوایش روح‌پرور، روضه جاوید را ماند، تعالی‌الله، چه موزون است ایام بهار او، به وصف لاله‌زار او کلامم رنگ می‌گیرد، نباتاتش همه یک‌سر شفای دردمندان است،</p>	<p>فلک را همسری دارد کمال عزت و شأنش به شاخه سرو کوکو می‌زند مرغ خوش‌الحنش گل و بلبل فراغت نغمه‌خوان سنبلستانش بصارت می‌فزاید دیده را سیر گلستانش دماغم را معطر کرد بوی برگ ریحانش</p>
---	--

خلیل‌الله خلیلی (۱۹۰۷ - ۱۹۸۷)

خلیل‌الله خلیلی، یکی از چهره‌های برجسته شعر معاصر افغانستان و همچنین ادبیات مهاجرت افغانستان، در سال ۱۹۰۷ میلادی در کابل به دنیا آمد. پدرش میرزا محمد حسین بود و خلیلی خود شاعر، نویسنده، پژوهش‌گر، استاد دانش‌گاه، کارمند دولت و سیاست‌مدار بود. خلیلی در هفت‌ساله‌گی مادرش و در یازده‌ساله‌گی پدرش را از دست داد. به دلیل فقدان والدین، نتوانست تحصیلات رسمی‌اش را ادامه دهد، اما با کمک امکانات خود و درس‌گرفتن از استادان محلی به تعلیم ادامه داد و دانش خود را گسترش داد. وی ابتدا در دوره امان‌الله خان و سپس در دوره حبیب‌الله کلکانی در کابل و بعد در مزارشریف

۱. صابری هروی، سید جلیل. شعرای عصر حاضر افغانستان، جلد اول. کابل: نشر نوند، ۱۳۸۹. ص ۴۲۷-۴۲۸.

در سمت‌های مهم دولتی فعالیت کرد. در سال ۱۹۲۹ میلادی به دستور نادرشاه به تبعید در تاشکند فرستاده شد و پس از مدتی به هرات رفت. در سال ۱۹۴۵ میلادی به کابل بازگشت و به عنوان منشی اول در صدارت مشغول شد. خلیلی مدتی معاون دانش‌گاه کابل، رئیس مجلس در سال ۱۹۴۹ میلادی، رئیس اداره مطبوعات افغانستان در ۱۹۵۱ میلادی و مشاور مطبوعاتی شاه افغانستان در ۱۹۵۳ میلادی بود.

در سال ۱۹۶۱ میلادی به دعوت ایران به تهران، اصفهان، شیراز و مشهد سفر کرد و پس از بازگشت در ۱۹۶۴ میلادی حزب وحدت ملی را تأسیس نمود. وی مدتی سفیر افغانستان در عربستان سعودی و عراق بود. پس از کودتای کمونیستی ۱۹۷۸ میلادی، از سمت سفارت کناره‌گرفت و به اروپا مهاجرت کرد. در پی دگرگونی‌های سیاسی، خلیلی که هم در مقام‌های بلندپایه دولتی خدمت کرده و هم سال‌های درازی را در زندان سپری کرده بود، ناچار شد زنده‌گی در تبعید را برگزیده و دوران دشواری از تنگ‌دستی و رنج را پشت سر گذارد. او مدتی در اروپا زیست و سپس به آمریکا مهاجرت کرد، اما در آن‌جا چندان نیایید و راهی پاکستان شد. خلیلی در سال ۱۹۸۷ میلادی در اسلام‌آباد درگذشت و در نزدیکی پیشاور به خاک سپرده شد.

کمیسیون فرهنگی جمعیت اسلامی افغانستان در رادیوی پاکستان اطلاعیه‌یی برای مراسم تسلیت در پیشاور منتشر کرد و ده‌ها هزار نفر در این مراسم شرکت کردند. یک روز پس از آن، آتش فرهنگ‌گی ایران در اسلام‌آباد، در پیشاور مجلس یادبودی برگزار کرد که در آن شاعران، نویسندگان و ادیبان افغانستان، ایران و پاکستان اشتراک کردند.

خلیلی که از شاعران برجسته شعر مقاومت به حساب می‌آید، عضو آکادمی تاریخ افغانستان و عضو افتخاری اتحادیه بین‌المللی نویسندگان آسیا و آفریقا بود. او به عربی، پشتو، اردو، انگلیسی و فارسی تسلط داشت و آثارش در افغانستان، ایران، پاکستان، ترکیه و بسیاری کشورهای عربی منتشر شده است. آثار خلیلی شامل مجموعه‌یی گسترده و متنوع است که برخی از مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از: «آثار هرات» (۱۹۳۰)، «هرات»، «احوال و آثار حکیم سنایی» (۱۹۳۶، کابل)، «سلطنت غزنویان» (کابل)، «تفسیر قرآن کریم» (ترجمه از اردو)، «پنج‌شیر و قهرمان مسعود» (پاریس)، «بهشتی که در آتش سوخت» (پاکستان)، «آرام‌گاه بابر» (کابل)، «ابن بطوطه فی افغانستان» (عربی، بغداد و مراکش)، «بلخ در ادب عرب» و «ابوزید بلخی»، «پادشاه و دوراهی»، «از بلخ تا قونیه» (کابل و ترکیه)، «از سجاده تاشمشیر» (۱۹۸۴، اسلام‌آباد، پاکستان)، «از مدرسه تا سنگر»، «الفکاه المعانیون» (عربی، بغداد و مراکش)، «ایاز از نگاه صاحب‌دلان» (۱۹۸۳، پاکستان)، «بهار به خون تشنه‌گان» (۱۹۸۳، کابل)، «غزل‌های خلیل‌الله خلیلی» (۱۹۹۰، کابل)، «به بارگاه سعدی» (با حمایت مشاورت فرهنگی ایران در اسلام‌آباد)، «پیام سلطان محمود» (با حمایت جمعیت اسلامی افغانستان

در پاکستان)، «پیوند دل‌ها» (۱۹۶۱، تهران)، «رباعیات» همراه با ترجمه انگلیسی و عربی (۱۹۷۵، بغداد و لندن)، «رباعیات» (کابل)، «سالگرد امام ربانی»، «جشن آزادی ملت پاکستان»، «حاجی سبزیپوش»، «رویت‌ها و روایت‌ها»، «داستانی از داستان‌ها»، «قهرمان کوهستان» (پاکستان)، «درویشان چرخان» (کابل)، «زرین‌کربت» (پشتو، ۱۹۷۴، کابل)، «عقاب زرین» (فارسی، کابل، وزارت فرهنگ)، «زمرد خونین» (۱۹۷۶، کابل)، «زمزمه عشق» (۱۹۸۲، پیشاور)، «سرود شهیدان» (۱۹۸۵، پیشاور)، «سرور راستین» (پیشاور)، «جبهه ملی نجات افغانستان»، «زنده‌گی در روستا»، «سفرنامه افغانستان» (از محمود تا محمود)، «سفرنامه ایران»، «سوزن زر و جامه سپید»، «سروش»، «شرح دیوان سنایی» (کابل)، «عیاری از خراسان» (۱۹۹۰، پیشاور)، «غوث الأعظم» (۱۹۸۲، اسلام‌آباد)، «فریاد» (۱۹۸۵)، «فیض قدس» (۱۹۵۵)، «انجمن تاریخی افغانستان» (کابل)، «قرائت فارسی برای صنوف یازده و دوازده» (کابل)، «کاروان عشق» (افغانستان و پاکستان)، «گزیده آثار ناگوار از گیتان‌چیلی و داستان کابلی» (نیوجرسی، ۱۹۸۲)، «مادر از خون فرزند می‌گذرد» (۱۹۸۶)، «مادر گلگون کفنان» (نیوجرسی، ۱۹۸۲، پاکستان)، «مراسات» و «سرود هنر» (۱۹۸۹، تهران)، «یمگان»، «مسجد جامع هرات»، «ناهید و دختران قهرمان» (کابل)، «ماتم‌سرا» (۱۹۹۰، پیشاور)، «نورخان» (کابل)، «نماز عشق» و «نی‌نامه» (۱۹۷۳)، انجمن ادبی و فرهنگی تاریخ افغانستان، «نیاز و نیایش» (۱۹۸۲، جمعیت اسلامی افغانستان، پاکستان، هرات، بغداد (عربی))، «یار آشنا» همراه با اردو (پاکستان) و «دیوان اشعار استاد خلیلی» (۱۹۸۲، تهران) است.^۱

خلیل‌الله خلیلی، شاعری چندوجهی بود و این تنوع در اشعارش نیز آشکار است. نمونه‌یی از آثار او با عنوان «خطاب مادر وطن به فرزندان شیفته فرنگ» نشان‌دهنده جایگاه فکری و حساسیت او نسبت به وطن است. عنوان همین شعر به تنهایی نگرش شاعر و حساسیت او نسبت به مشکلات کشور را آشکار می‌سازد. خلیلی که از مشکلات و سختی‌های کشور آگاه بود، راه‌حلهایی برای رفع این مشکلات ارائه می‌کرد و در این راستا فعالیت‌های متعددی انجام داده بود، به شدت به شور و اشتیاق جوانان نسبت به غرب انتقاد می‌کرد.

خطاب مادر وطن به فرزندان شیفته فرنگ

ای سپرده دل به لذات فرنگ بازگرد! این سرزمین، مأوای توست

۱. خسته، خال محمد. معاصرین سخنور. چاپ دوم. پیشاور: انجمن نشراتی دانش، ۱۳۸۶. ص ۲۳۱. ژوبل، محمد حیدر. تاریخ ادبیات افغانستان. پیشاور: بنگاه نشراتی میوند، ۲۰۱۰. ص ۲۹۹؛ صابری هروی، سید جلیل. شعرای عصر حاضر افغانستان، جلد اول. کابل: نشر نوند، ۱۳۸۹. ص ۸۳۱-۸۴۴؛ مولائی، محمد سرور. برگزیده شعر معاصر افغانستان. تهران: انتشارات رز، ۱۳۵۰. ص ۷۴.

شیر دادم، شیرۀ جان دادمت،
تاهنوز این شیره دررگ های توست
جای گرم بوسه های من هنوز،
گر نکوبینی، به سر تا پای توست
گر ببینی چشم پر آب مرا
چشمه خونبار حسرت زای توست

مرگ آرزوها

مرده باد این آرزوهای سیاه،
مرده باد این آرزوهای سیاه،
مرده باد این دشمنان جان من،
مرده باد این درمان ناپذیر،
مرده باد این رنج بی پایان من

عبدالغفور برشنا (۱۹۰۸ - ۱۹۸۲)

عبدالغفور برشنا، که به نام برشنا شهرت دارد، در سال ۱۹۰۸ میلادی در کابل به دنیا آمد. برشنا شاعر، نویسنده، نقاش و موسیقی دان بود، اما بیشتر به عنوان نقاش شناخته می شد. او فارغ از لیسه حبیبیه بود و در سال ۱۹۲۳ میلادی برای ادامه تحصیل به آلمان رفت و در آکادمی هنرهای زیبای برلین و سپس در سدن و مونیخ آموزش دید.

در سال ۱۹۲۹ میلادی به افغانستان بازگشت و به تدریس در لیسه هنرهای زیبا پرداخت. مدتی در سفارت افغانستان در تهران به عنوان مشاور مطبوعاتی و فرهنگی فعالیت کرد. در سال ۱۹۴۶ میلادی به مدیریت لیسه امانی منصوب شد و در سال ۱۹۵۰ میلادی مدیر عمومی رادیو افغانستان گردید. در سال ۱۹۵۴ میلادی دوباره به مدیریت لیسه هنرهای زیبا منصوب شد و همزمان مشاور وزارت معارف نیز بود. برشنا در سال ۱۹۸۲ میلادی در کابل درگذشت.

برشنا به عنوان پیشگام جریان ناتورالیسم در افغانستان شناخته می شود. او به همراه پروفیسور دکتر گل محمد میمنه گی، هنر نقاشی اروپایی را با هنر مینیاتور شرق تلفیق کردند و این سبک را «ناتورالیسم ساده» نامیدند. آثار او معمولاً برشی از زنده گی مردم افغانستان را به نمایش می گذارند و در نمایش گاه های متعدد بین المللی به نمایش درآمده اند.

برشنا همچنین یکی از چهره های مهم موسیقی و تئاتر افغانستان بود و شاگردان زیادی تربیت کرد. او در ادبیات افغانستان نیز پیش گام سبک واقع گرا به شمار می رود و داستان ها و شعرهایش به موضوع های زبانی، فرهنگی، سنتی، تاریخی، سیاسی و اجتماعی پرداخته اند. آثار او در نشریات مختلف افغانستان منتشر شد و در طول زنده گی هنری خود جوایز متعددی از ایران، روسیه، بلغارستان، ترکیه و افغانستان دریافت کرد.

از آثار او می توان نام برد: «جاذبه افیون» (۱۹۹۰ کابل)، «قصه ها و افسانه ها» (۱۹۷۳ کابل)،

«نمایشنامه مریض عشق»^۱. شعر «غربت» که در این جا آورده شده، سبک و محتوای شعری برشنا را نشان می‌دهد.

غربت

در حضورت همچو شمع، سرتا به‌پا می‌سوختم،
 دور از اغیار و آن‌هم در دل شب‌های تار،
 کمتر از بلبل نبودم، نغمه نسج اندر چمن،
 در صف صاحب‌دلان بودم، عزیز و ارجمند،
 در خفا، چون لاله، قلب داغداری داشتم
 ...[؟] با زلف‌های پریشان تو، تاری داشتم
 شمع‌سان، هرجا زبان شعله‌بازی داشتم
 در جمع ذوق‌مندان، اشتهاری داشتم

عبدالستار تنها کابلی (۱۹۰۸ - ۱۹۹۳)

عبدالستار تنها کابلی، شاعر و دولت‌مرد شناخته شده، در سال ۱۹۰۸ میلادی در کابل به دنیا آمد. پدرش عبدالغفار نام داشت. تنها کابلی، تعلیمات دینی را نزد خانواده فراگرفت و در هفت ساله‌گی قرآن کریم را ختم کرد. سپس با آموزش‌های خانواده، پنج‌کتاب، دیوان حافظ و دیگر متون ادبی را خواند.

آموزش‌های ابتدایی و متوسطه را در کابل به پایان رساند و در سال ۱۹۲۸ میلادی از انستیتوت تعلیم و تربیه فارغ شد. از سال ۱۹۳۰ میلادی به تدریس در لیسه‌های هنرهای زیبا و حبیبیه در کابل پرداخت. در سال ۱۹۵۳ میلادی در وزارت خارجه در بخش مطبوعات و تشریفات فعالیت داشت و مدتی نیز در آفچه به عنوان قاضی خدمت کرد. در سال ۱۹۵۸ میلادی بازنشسته شد و در سال ۱۹۹۳ میلادی در کابل درگذشت.

تنها کابلی، شعر و ادبیات خود را از استادانش، ملک‌الشعرا عبدالحق بیتاب و ملک‌الشعرا قاری عبدالله فراگرفت. آثار و نوشته‌های او در نشریات و روزنامه‌های مختلف افغانستان منتشر شده است.

آثار منتشر شده او شامل: اعجاز عشق (۱۹۹۹)، غلام صادق بلال، (پیشاور) می‌باشد.^۲ شعرهای تنها کابلی بیشتر به موضوعات اجتماعی، دینی و نقدهای اجتماعی می‌پردازد و بازتاب‌دهنده زنده‌گی اجتماعی زمان اوست. شعر «نعت» که در این جا آمده است، سبک و محتوای شعری تنها کابلی را به خوبی نشان می‌دهد.

۱. صابری هروی، سید جلیل. شعرای عصر حاضر افغانستان، جلد اول. کابل: نشر نوند، ۱۳۸۹. ص ۳۲۰.
 ۲. خسته، خال محمد. معاصرین سخنور. چاپ دوم. پیشاور: انجمن نشراتی دانش، ۱۳۸۶. ص ۲۲۱؛ صابری هروی، سید جلیل. شعرای عصر حاضر افغانستان، جلد اول. کابل: نشر نوند، ۱۳۸۹. ص ۵۵۸.

نعت

به هر گلشن روم، یا مصطفی، بوی تو می آید،
فراموشم نخواهد شد مدینه و آن شب مهتاب
خالیق در قیامت غرق اعمال خودند اما
به تنها کابلی عطف نظرکن یا رسول الله
ز برگ سنبل و گل، عطر گیسوی تو می آید
هلال عید بینم یاد ابروی تو می آید
ملایک از برای دیدن روی تو می آید
گرفت از جای مردم پای و در کوی تو می آید

قاری عبدالله (۱۸۶۸ - ۱۹۴۳)

قاری عبدالله، که با تخلص «قاری» شناخته می شود، در سال ۱۹۰۹ میلادی در کابل به دنیا آمد. پدرش حافظ قطب الدین نام داشت. قاری عبدالله از شاعران برجسته دوران امیر حبیب الله خان بود. آموزش های ابتدایی خود را در محیط خانواده آغاز کرد و با آموزش های والدین قرآن کریم را ختم نمود. سپس نزد استادان معتبر آن زمان، درس های صرف و نحو، ادبیات عرب و علوم دینی را فراگرفت.

قاری عبدالله در دربار به عنوان مشاور علمی فعالیت داشت و با افتتاح لیسه حبیبیه به عنوان معلم مشغول به کار شد. وی کتاب های درسی مورد نیاز برای تدریس در لیسه ها را نیز تألیف می کرد. قاری عبدالله در سال ۱۹۴۳ میلادی، در کابل وفات نمود.

قاری عبدالله به عنوان یکی از پژوهش گران و استادان برجسته ادبیات افغانستان شناخته می شود و زنده گی خود را وقف علم کرده بود. او به خوبی عربی می دانست و به ادبیات عرب و فارسی تسلط داشت. نخستین اثر خود را در هجده ساله گی نگاشت و موفق به دریافت «جایزه انجمن ادبی کابل» و «جایزه مقام دوم وزارت معارف افغانستان» شد.

دیوان شعر قاری عبدالله در لاهور منتشر شده است. آثار او غالباً دارای محتوای عرفانی هستند. وی در سال ۱۹۳۵ میلادی به عنوان ملک الشعرا معرفی شد و مجموعه آثارش توسط وزارت معارف منتشر گردید.

آثار قاری عبدالله عبارت اند از: کلیات، صرف و نحو فارسی، تذکره الشعرا، معانی، فقهای افغانستان، منطق امام غزالی، فصوص الحکم (ترجمه)، محاکمه، تاریخ و جغرافیای عربستان، منتخب ادبیات، مصاحبه اخلاقی، کلید صرف عربی، املا و اصول، انشاء، مفتاح نحو عربی، تاریخ ادبیات عرب، اشهر مشاهیر ادباء شرق (ترجمه)، المنبع الجدید، تاریخ ادبیات، قواعد ادبی^۱.

۱. کهزاد، احمد علی. تاریخ ادبیات افغانستان. کابل: مطبعه عمومی، ۱۳۳۰. ص ۲۸۳. خسته، خال محمد. معاصرین سخنور. چاپ دوم. پشاور: انجمن نشراتی دانش، ۱۳۸۶. ص ۲۶۱.

غزل

پنجه شور جنون پاره گریبانم کرد
دیده را شام غمت رخصت اشکی دادم
سخن روی تو با او به میان آوردم
ماجرای غم پنهان تو گفتم به سرشک
نیست در سر هوس جلوه رنگین بهار
بی وفايي گل یاد من آمد قاری
باز سودای کسی بی سرو سامانم کرد
آن قدر ریخت که تن راه طوفانم کرد
رفت چندان زخود آینه که حیرانم کرد
گشت غماز و از این گفته پشیمانم کرد
شعله خویش و گلش داغ گلستانم کرد
مضطرب ناله ای بلبل به گلستانم کرد

گل پاچا الفت (۱۹۰۹-۱۹۷۷)

گل پاچا الفت، در سال ۱۹۰۹ میلادی در لغمان به دنیا آمد. نام پدرش میر سید پاچا بود. الفت به عنوان روزنامه نگار، نویسنده و شاعر شناخته می شود. وی آموزش ابتدایی خود را در زادگاهش گذراند و آموزش عالی در زبان عربی دریافت کرد.

الفت به عنوان مدیر عمومی امور مردم شرق فعالیت می کرد و در سال ۱۹۴۹ میلادی به عنوان نماینده مجلس شورای ملی انتخاب شد و در انتخابات ریاست مجلس، معاون رئیس شد. در سال ۱۹۵۶ میلادی به ریاست آکادمی علوم افغانستان منصوب گردید و از ۱۹۵۸ تا ۱۹۶۳ میلادی ریاست گروه دوستی افغانستان و اتحاد جماهیر شوروی را برعهده داشت. پس از آن بازنشسته شد و در سال ۱۹۷۷ میلادی درگذشت.

الفت در عرصه مطبوعات نیز مسؤولیت های مهمی برعهده داشت؛ در سال ۱۹۳۵ میلادی نماینده روزنامه «انیس» شد و در سال ۱۹۳۶ میلادی به عضویت بخش ترجمه و تألیف انجمن پشتو درآمد. از سال ۱۹۳۷ میلادی مسؤولیت مجله «زیری» را برعهده گرفت و مدتی آثار خود را در این مجله منتشر کرد. در سال ۱۹۳۹ میلادی سرپرستی بخش روزنامه نگاری انجمن پشتو و در سال ۱۹۴۰ میلادی مسؤولیت بخش لغت و دستور زبان این انجمن را برعهده گرفت. در سال ۱۹۴۱ میلادی مشاور پشتو روزنامه «اصلاح» بود و در سال ۱۹۴۶ میلادی مسؤول بخش خبر و نوشته های انجمن پشتو شد. در سال ۱۹۴۸ میلادی به مدیریت روزنامه «اتحاد ننگرها» منصوب گردید.

الفت شعرهایی به زبان های فارسی و پشتو سرود و آثار شعری، ترجمه ها و تحقیقاتش بارها مورد تقدیر و دریافت جوایز مطبوعاتی قرار گرفت. از آثار او می توان به «اشعار منتخب» (۱۹۵۵ کابل) و «صدای قلب» (۱۹۶۲ کابل) اشاره کرد. همچنین دواثر ترجمه یی پشتو از او موجود است. به ویژه شعرهای پشتوی او بسیار مورد توجه قرار گرفت و در زمان خود از شاعران

قدرتمند به شمار می‌رفت.^۱

شعرهای الفت به سبک کلاسیک سروده شده و او سبک شعری خود را با الهام از روده‌کی شکل داد. او اشعارش را به زبان ساده و روان نگاشت و د اشعارش فلسفه زنده‌گی و مرگ را مورد بحث قرارداد. شعری که این‌جا به عنوان نمونه ذکر شده است، با عنوان «آزادی»، هم سبک و محتوای شعری شاعر را و هم وضعیت شعری آن دوره را به خوبی نشان می‌دهد.

آزادی

گر از کمان اسارت شود خلاص کسی ز شوق پرکشید و در هوا رود چون تیر
خیال اگر چه شب و روز می‌کند پرواز چو هست در قفس تن بود چو مرغ اسیر
دمی که آب سرازیر گردد از لب جام به قهقهه کند از حسن حیرت تعبیر

عبدالحی حبیبی (۱۹۱۰-۱۹۸۲)

عبدالحی حبیبی در سال ۱۹۱۰ میلادی در قندهار به دنیا آمد. نام پدرش عبدالحق آخوندزاده بود و خود حبیبی به عنوان شاعر، پژوهشگر ادبیات و مورخ شناخته می‌شود. وی آموزش‌های ابتدایی را از سال ۱۹۲۰ میلادی آغاز و در سال ۱۹۲۵ میلادی در زادگاه خود به پایان رساند و سپس از کاکایش در درس‌های صرف، نحو، عربی، ریاضی، فقه و نویسندگی بهره‌برد. حبیبی با آموزش خصوصی و تلاش شخصی، زبان‌های پشتو، فارسی، عربی، اردو و انگلیسی را به خوبی فراگرفت. پس از پایان تحصیلات، حبیبی در مشاغل مختلف دولتی فعالیت کرد و در سال ۱۹۲۵ میلادی آموزش خود را به عنوان معلم در قندهار آغاز نمود. در سال ۱۹۴۰ میلادی به سمت معاونت اداره مطبوعات کابل منصوب شد و در ۱۹۴۱ میلادی مشاور وزارت معارف تعیین گردید. در سال ۱۹۴۶ میلادی مدیر معارف قندهار شد و پس از انجام ماموریت‌های دیپلماتیک در پاکستان (چمن و بلوچستان) در سال ۱۹۴۷ میلادی به عنوان اتشه تجاری افغانستان، در سال ۱۹۴۸ میلادی به نمایندگی قندهار در مجلس منصوب شد. پس از تغییرات رژیم، حبیبی در سال ۱۹۵۱ میلادی کشور را ترک و به پاکستان پناه برد. او در سال ۱۹۶۲ میلادی به افغانستان بازگشت و در سال ۱۹۶۶ میلادی به ریاست انجمن تاریخ افغانستان انتخاب شد و در سال ۱۹۷۲ میلادی به عنوان مشاور فرهنگی نخست‌وزیر فعالیت نمود. در سال ۱۹۷۸ میلادی دوباره به ریاست انجمن تاریخ

۱. خسته، خال محمد. معاصرین سخنور. چاپ دوم. پشاور: انجمن نشراتی دانش، ۱۳۸۶. ص ۳۶ - صابری هروی، سید جلیل.

شعراى عصر حاضر افغانستان، جلد اول. کابل: نشر نوند، ۱۳۸۹. ص ۲۳۹-۲۴۰

افغانستان رسید و در سال‌های پایانی عمرش به‌عنوان مشاور وزارت فرهنگ و عضو کمیسیون فرهنگی جمهوری دموکراتیک افغانستان خدمت کرد.

حبیبی در سال ۱۹۲۷ میلادی به‌سمت معاون سردبیر هفته‌نامه «طلوع افغان» منصوب شد و پس از چهارسال به سردبیری عمومی این نشریه رسید. در سال ۱۹۴۰ میلادی ریاست انجمن ادبی پشتو (پشتو تولنه) کابل را برعهده گرفت. او در دوران حضور خود در پاکستان برنامه‌هایی در رادیو اجرا کرده و حکومت افغانستان را مورد انتقاد شدید قرار داد. حبیبی همچنین مجله سیاسی «افغانستان آزاد» را در پاکستان منتشر نمود و پس از بازگشت به افغانستان در سال ۱۹۶۶ میلادی، فعالیت‌های فرهنگی خود را از سر گرفت.

حبیبی بیش از هشتاد اثر منتشر کرده و در سال ۱۹۸۲ میلادی در کابل درگذشت.^۱ از شعر نمونه او «عدالت بود کار فرزندان وطن» می‌توان به شدت لحن و محتوای آثار شعری او پی برد.

عدالت بود کار فرزندان وطن

که تلخی در آن، اصل آزاده‌گی ست	کجا می‌توان خوش به آن ملک زیست،
نبیند کسی، نور حق در کجاست؟	به چشم کسان فروتر خطاست
چو داور بود دزد یغما گری	بر احوال خود، جان من! خون‌گری
ندارد بقا هیچ کشور جز این	عدالت بود کار مرد میهن

شاه عبدالله بدخشی یمگی (۱۹۱۲-۱۹۴۸)

شاه عبد الله بدخشی، در شعر با تخلص یمگی، در سال ۱۹۱۲ میلادی در بدخشان متولد شد. آموزش‌های ابتدایی و متوسطه خود را در زادگاهش به‌پایان رساند و پس از فراگیری آموزش‌های عربی و دینی در زادگاهش، برای ادامه تحصیل لیسه به کابل رفت؛ اما با بسته شدن مکتب‌ها، دوباره به بدخشان بازگشت. سپس دوباره به کابل رفت و لیسه خود را تکمیل کرد و در دانش‌گاه کابل در دانش‌کده حقوق و علوم سیاسی ثبت نام و فارغ شد.

در سال ۱۹۲۹ میلادی، بدخشی در بدخشان به‌عنوان کارمند دولت مشغول به کار شد و در سال ۱۹۳۳ میلادی به‌سمت رئیس امور اداری بدخشان منصوب گردید. پس از مدتی، در سال ۱۹۳۷ میلادی به کابل دعوت شد و تا سال ۱۹۴۷ میلادی در کابل به خدمات دولتی ادامه داد. وی در سال ۱۹۴۸ میلادی وفات یافت.

۱. صابری هروی، سید جلیل. شعرای عصر حاضر افغانستان، جلد اول. کابل: نشر نوند، ۱۳۸۹. ص ۶۷۲.

عبد الله بدخشی با روشن فکران عصر خود ارتباط نزدیکی داشت و آثار او شامل: ارمغان بدخشان، علما و فقها در افغانستان، تاریخ یفتلی‌ها، قاموس زبان‌های آریایی افغانستان، حقوق در اسلام. گفته می‌شود که این آثار به صورت عمدی از بین رفته و به دست ما تا امروز نرسیده‌اند.^۱ نمونه غزلی که اینجا آورده شده است، سبک شعری و محتوای اشعار شاعر را به خوبی نشان می‌دهد.

غزل

غیر من هیچ کس کشته دیدار تو نیست	عاشق موی میان و گل رخسار تو نیست
نگه مست تو تاراج دل و دینم کرد	فتنه‌ها نیست که در دیده بیمار تو نیست
ماه من شهرت رویت به جهان شور افگند	چه حوادث که درین صفحه اخبار تو نیست
سهل نبود که شود لعل به عالم مشهور	اگرش نسبتی از لعل گهر بار تو نیست

صفرعلی امینی (۱۹۱۲-۱۹۷۰)

صفرعلی امینی که به عنوان شاعر، نویسنده، مورخ و حقوق دان شناخته می‌شود، در سال ۱۹۱۲ میلادی در هرات به دنیا آمد. نام پدرش علی جمعه بود. امینی آموزش‌های خود را در محیط خانواده آغاز کرد و با گرفتن درس‌های خصوصی از معلم‌های مختلف، دانش خود را پرورش داد و سپس در مکتب محلی آموزش دید. پس از اتمام دوره متوسطه، برای ادامه تحصیل به کابل رفت و لیسه خود را در آنجا تکمیل کرد و از انستیتوت تعلیم و تربیه کابل فارغ شد.

پس از فارغ التحصیلی، در هرات به تدریس پرداخت و یک سال نیز به عنوان مدیر مکتب فعالیت کرد. تا پایان سال ۱۹۳۹ میلادی مدیریت مجله هرات را برعهده داشت و مدتی به دلیل اتهامات سیاسی در زندان کابل بسربرد. پس از آزادی، مدتی در شهرداری هرات و سپس در شهرداری کابل به انجام وظایف مختلف پرداخت. بعداً در سال ۱۹۶۰ میلادی به عنوان مدیر حسابداری جنگلک و بین سال‌های ۱۹۶۱ تا ۱۹۶۵ میلادی به عنوان مفتش فعالیت کرد. او در سال ۱۹۷۰ میلادی درگذشت.

صفرعلی امینی علاوه بر شعر، به فلسفه و تاریخ نیز علاقه و مطالعات گسترده‌ی داشت. آثار شعری و نوشته‌های او در مجله هرات منتشر شده‌اند.^۲ شعری که در این جا به عنوان نمونه آورده

۱. خسته، خال محمد. معاصرین سخنور. چاپ دوم. پشاور: انجمن نشراتی دانش، ۱۳۸۶. ص ۱۵۰؛ صابری هروی، سید جلیل. شعرای عصر حاضر افغانستان، جلد اول. کابل: نشر نوند، ۱۳۸۹. ص ۳۱۷.

۲. خسته، خال محمد. معاصرین سخنور. چاپ دوم. پشاور: انجمن نشراتی دانش، ۱۳۸۶. ص ۴۰؛ صابری هروی، سید جلیل.

شده است، با عنوان «ای مزرع امید وطن»، نمایانگر سبک شعری و محتوای آثار شاعر است.

ای مزرع امید وطن

بگذشت سربه سر چو خزان نو بهار ما، بر این نمط بشد سپری روزگار ما
بس غنچه مراد فروماند سربه مهر، نشگفت نوگلی ز بر شاخسار ما
ای مزرع امید وطن، سبزه زار شو، وی خار جهل، رفته شو از رهگذار ما

میر نجم الدین انصاری (۱۹۱۲-۱۹۷۱)

میر نجم الدین انصاری، شاعر و نویسنده، در سال ۱۹۱۲ میلادی در کابل به دنیا آمد. پدرش میر عین الدین بود. انصاری نخستین دروس خود را در محیط خانواده فراگرفت. او از خانواده‌یی اهل ادب و فرهنگ برخاسته بود و برادرش، امین الدین، نیز مانند خودش شاعر بود. انصاری از لیسه حبیبیه کابل فارغ شد و برای ادامه تحصیل به امریکا رفت و در دانشگاه‌های نیویورک و بوینتون رشته دندان پزشکی را آموخت.

پس از فراغت از تحصیل به افغانستان بازگشت و بین سال‌های ۱۹۴۰ تا ۱۹۴۳ میلادی در وزارت صحت عامه خدمت کرد. مدتی در انستیتوت تعلیم و تربیه کابل فعالیت داشت و سپس به ترتیب ریاست دانش‌کده ادبیات دانشگاه کابل، ریاست دارالتألیف، و مشاورت وزارت معارف را برعهده گرفت. انصاری در سال ۱۹۷۱ میلادی در کابل درگذشت.

شعر و نوشته‌های او در مطبوعات و مجلات مختلف افغانستان منتشر شده است.^۱ سبک شعر او کلاسیک است و غزل نمونه‌یی که این جا آورده شده است، نمایانگر روش و محتوای شعری او می‌باشد.

غزل

با پیکر خمیده و باریک چون هلال عاشق بود بلاکش ابروی او هنوز
از بهر تازه کردن داغ جنون ما می‌آورد نسیم صبا بوی او هنوز
بنشانند گرچه خلق خدا را به خاک یأس از دل چو من بسی است دعاگوی او هنوز

شعراى عصر حاضر افغانستان، جلد اول. کابل: نشر نوند، ۱۳۸۹. ص ۲۵۴.

۱. خسته، خال محمد. معاصرین سخنور. چاپ دوم. پشاور: انجمن نشراتی دانش، ۱۳۸۶. ص ۴۷؛ صابری هروی، سید جلیل.

شعراى عصر حاضر افغانستان، جلد اول. کابل: نشر نوند، ۱۳۸۹. ص ۲۸۰.

غلام علی امید (۱۹۱۲-۱۹۸۵)

غلام علی امید، که به عنوان نقاش، شاعر و هنرمند تیاتر شناخته می شود، در سال ۱۹۱۲ میلادی در کابل به دنیا آمد. نام پدر او عثمان قل میمنه گی بود و مادرش مریم میمنه گی در دوران امان الله خان در مکتب دخترانه کابل تدریس کرده است. غلام علی پس از آموزش های ابتدایی در لیسه هنرهای زیبا تحصیل کرد و در سال ۱۹۳۴ میلادی از بخش نقاشی فارغ شد.

پس از فراغت، به تدریس پرداخت و مدتی به این شغل ادامه داد، سپس در رادیوی افغانستان فعالیت کرد و یک دوره، ریاست بخش هنر رادیوی کابل را برعهده داشت. غلام علی امید در سال ۱۹۸۵ میلادی در کابل درگذشت.

وی مدتی به عنوان معاون مدیر مجله پوهنی ننداری فعالیت داشت و اشعارش در مجله ستوری فاریاب منتشر شده است. علاوه بر شاعری، غلام علی امید نقاش ماهری نیز بود و آثار زیادی از وی باقی مانده است و سفرهای فرهنگی به ایران، ترکیه و روسیه انجام داده است. سبک شعرهای او کلاسیک است و غزل نمونه بی که در این جا آمده است، سبک شعری و محتوای اشعار او را نشان می دهد.

غزل

نک پاشی به زخم کرده لعل نیم رنگ او
دل صدپاره من افتد روزی به چنگ او
ز گردش های چشم نیم باز باد رنگ او
که آخر آمد از نام من غم دیده ننگ او

به دل دارم هزاران داغ ناسور از خدنگ او
حنایی می شود دست نگارینش ز خون من
شدم سرشار و مست، بی خود و مدهوش و دیوانه
دگر دست امید از دامن وصلش کشیدم من

حفیظ الله الیم (۱۹۱۳-۱۹۹۵)

حفیظ الله الیم، در سال ۱۹۱۳ میلادی در هرات متولد شد. نام پدر او عبدالوهاب غوریانی بود و آموزش های ابتدایی خود را در محیط خانواده آغاز کرد. الیم از پدر خود دروس خط آموزی دریافت کرد و در شش ساله گی همراه خانواده اش به هرات مهاجرت نمود و در سال ۱۹۲۰ میلادی وارد مکتب شد. پس از پایان تحصیلات تا دوره متوسطه، در سال ۱۹۲۹ میلادی به عنوان حساب دار در مستوفیت آغاز به کار کرد و مدتی بعد به سمت مستوفی منصوب شد. الیم به مدت ده سال در این نهاد

۱. خسته، خال محمد. معاصرین سخنور. چاپ دوم. پشاور: انجمن نشراتی دانش، ۱۳۸۶. ص ۴۴؛ صابری هروی، سید جلیل. شعرای عصر حاضر افغانستان، جلد اول. کابل: نشر نوند، ۱۳۸۹. ص ۲۵۸.

خدمت نمود و از سال ۱۹۳۹ میلادی به بعد در شهرداری هرات به مشاغل مختلف پرداخت. او سال‌ها در هرات، بادغیس، هلمند، ارغنداب، غوروات، شبرغان، میمنه، غزنی، قندوز و بغلان به عنوان کارمند دولتی فعالیت کرد و پس از مدتی از کار دولتی کناره‌گرفت و به کار شخصی پرداخت. الیم در سال ۱۹۹۵ میلادی در هرات درگذشت.

آثار حفیظ‌الله الیم در روزنامه و مجلات مختلف از جمله «اتفاق اسلام» و «مجله هرات» منتشر شده‌اند. یکی از آثار او با عنوان «سیر عشق» شناسایی شده است. اشعار الیم به سبک کلاسیک، شامل غزل، مخمس و دارای محتوای نقد اجتماعی است.^۱ شعری که در ادامه به نام «چشم» آورده شده، نمونه‌یی از سبک شعری و محتوای آثار اوست.

چشم

چشم او تا خویش را مخمور کرد	چشم ما را از غم خود کور کرد
آن شکاری چشم از تیر نگاه	سینه‌ام چون خانه زنبور کرد
گردش چشمش به دور مردمک	مردمان را با نگه مسحور کرد
دل به عشق او نمی‌دادم ولی	گردش چشمش مرا مجبور کرد

باقی قایل‌زاده (۱۹۱۳ - ۱۹۶۱)

عبدالباقی قایل‌زاده که تخلص باقی را استفاده می‌کرد، در سال ۱۹۱۳ میلادی در چنداول کابل به دنیا آمد. نام پدرش عبدالله خان بود. قایل‌زاده آموزش ابتدایی خود را نزد میرزا سلطان محمد خان دریافت کرد و سپس در لیسه هنرهای زیبا در کابل در بخش قالین‌بافی تحصیل کرد. پس از فراغت، باقی در لیسه هنرهای زیبا در کابل به تدریس قالی‌بافی و ادبیات پرداخت. سپس مدتی در کارخانه شکر مشغول به کار شد و در سال ۱۹۶۱ میلادی در کابل درگذشت. باقی در سی سالگی خود بینایی‌اش را ازدست داد. او علاوه بر شعر، به نقاشی و موسیقی نیز علاقه مند بود و آثارش شامل هزاران بیت در سبک کلاسیک است. اشعار اجتماعی او برجسته‌اند و بی‌تی از او که به شکایت از چشم‌هایش و دردهایش اشاره دارد، چنین است:

«درد باقی بی‌دوا باشد چشم باقی بی‌شفا باشد»^۲

۱. خسته، خال محمد، معاصرین سخنور. چاپ دوم، پشاور: انجمن نشراتی دانش، ۱۳۸۶. ص ۹۹؛ صابری هروی، سید جلیل. شعرای عصر حاضر افغانستان، جلد اول. کابل: نشر نوند، ۱۳۸۹. ص ۲۵.

۲. پهلوان، چنگیز (به کوشش). نمونه‌های شعر امروز افغانستان. تهران: بنیاد نیشابور، ۱۳۷۱. ص ۲۳۹ - خسته، خال محمد.

بخشی از اشعار باقی در مجله «ژوندون» منتشر شده است و از آثار او می توان به کتاب «آشیان عقاب» اشاره کرد. نمونه یی شعری که در این جا ارائه شده، سبک شعری و محتوای آثار باقی را نشان می دهد.

چها می بینم

گر به گل می نگرم، روی تو را می بینم ور به سنبل گذرم، موی تو را می بینم
باغ و بوستان و چمن زار و قصور عالم به غبار قدمت کوی تو را می بینم

عبدالحسین توفیق (۱۹۱۳-۱۹۹۱)

عبدالحسین توفیق، در سال ۱۹۱۳ میلادی در قندهار به دنیا آمد. نام پدرش میرزا غلام حسین بود. توفیق در سال ۱۹۲۱ میلادی همراه خانواده اش به هرات مهاجرت کرد و در آن جا آموزش دید. او از پانزده ساله گی شعر سرودن را آغاز کرد و به عنوان شاعر و نویسنده شناخته می شود. توفیق مدتی در ادارات مختلف به عنوان حساب دار کار کرد و یک دوره در کابل داروخانه داشت. در سال ۱۹۶۴ میلادی در رادیوی کابل مشغول به کار شد و سپس به عنوان مسؤول بخش ادبیات ریاست مطبوعات موسسه ملی عالی آرشیف فعالیت کرد. او همچنین در کمیسیون ارزش گذاری کتاب های خطی عضویت داشت. عبدالحسین توفیق در سال ۱۹۹۱ میلادی درگذشت. شعرهای توفیق به صورت عموم در مجلات و روزنامه های مختلف کشور، به ویژه اتفاق اسلام و مجله هرات، منتشر شده اند. گفته می شود که بیش از چهل و پنج هزار بیت شعر از او باقی مانده است. آثار او عبارت انداز: «قطرات عشق»، «سایه روشن»، «هرات»، «جام»، «هرات»، «جویبار»، کابل، ۱۹۷۲؛ «جوانی توفیق»، «ادبیات توفیق»، «مقصود توفیق»، «سرود توفیق»، «فراغت های توفیق»، «عشق توفیق»، «رفیق توفیق»، «چرخه ها از نظم و نثر»، کابل، ۱۹۶۶؛ «طنین های دل انگیز»، «گل های توفیق»، «آهنگ صحراء»، «خطی در دشت»، ۱۹۸۸، کابل.^۱ شعر نمونه یی که در این جا با عنوان «آهوی شکاری» آورده شده است، نمایان گر سبک شعری و محتوای آثار عبدالحسین توفیق می باشد.

آهوی شکاری

صبح در خانه من سرزده یار آمده بود روح بخشنده تر از باد بهار آمده بود

معاصرین سخنور. چاپ دوم. پشاور: انجمن نشراتی دانش، ۱۳۸۶. ص ۵۴
۱. خسته، خال محمد. معاصرین سخنور. چاپ دوم. پشاور: انجمن نشراتی دانش، ۱۳۸۶. ص ۳۱۶؛ صابری هروی، سید جلیل. شعرای عصر حاضر افغانستان، جلد اول. کابل: نشر نوند، ۱۳۸۹. ص ۵۶۳-۵۶۴؛ مولائی، محمد سرور. برگزیده شعر معاصر افغانستان. تهران: انتشارات رز، ۱۳۵۰. ص ۵۸.

که چنین بی‌خبر آرام و قرار آمده‌بود
که مه چارده من به‌کنار آمده‌بود
شام گفتند که در خانه نگار آمده‌بود

مگر امنیت ملک دل عاشق می‌جست
از کدامین طرف این‌ماه مگر بیرون شد
بخت بد، روز جنون گرد بیابانم ساخت

یادگار او

بگرفتمش به شوق

پروردمش بناز

جادادمش به مهر

بر روی میز کار

او آرامیده‌بود.

تا صبح شگفت، تا شام می‌رسید.

میر امین‌الدین انصاری (۱۹۱۳ - ؟)

میر امین‌الدین انصاری، شاعر و نویسنده، در سال ۱۹۱۳ میلادی در کابل زاده شد. نام پدرش میر عین‌الدین بود و وی برادر کوچک میر نجم‌الدین انصاری، شاعر، بود. آموزش خود را در محیط خانواده‌گی آغاز کرد و بخش عمده کودکی خود را در مدرسه روستای ده یحیا گذراند. پس از پایان تحصیلات، در سال ۱۹۳۰ میلادی به عنوان منشی مجلس منصوب شد و در سال ۱۹۳۲ میلادی در روزنامه اصلاح به‌کار پرداخت. از سال ۱۹۳۹ میلادی به‌عنوان معاون مدیر مسؤول برنامه‌ها در رادیوی افغانستان فعالیت داشت و در سال ۱۹۴۲ میلادی معاونت مدیریت خبرگزاری باخترا برعهده گرفت. پس از مدتی، ریاست مستقل مطبوعات را برعهده گرفت و سپس در روزنامه بدخشان مشغول شد. وی مدیر مسؤول روزنامه‌های بغلان و سپس انتشارات اتفاق اسلام هرات بود. از سال ۱۹۵۹ میلادی، مدیریت نشرات پوهنی‌نداری را برعهده داشت. اثر وی با عنوان دستان کیمیا در سال ۱۹۳۸ میلادی در کابل منتشر شده است. اشعار او به سبک کلاسیک سروده شده و غزل نمونه‌یی که در این‌جا آمده، نشان‌دهنده سبک شعری و محتوای آثار اوست.

۱. خسته، خال محمد. معاصرین سخنور. چاپ دوم. پشاور: انجمن نشراتی دانش، ۱۳۸۶. ص ۹۸ - صابری هروی، سید جلیل. شعرای عصر حاضر افغانستان، جلد اول. کابل: نشر نوند، ۱۳۸۹. ص ۲۸۱

غزل

گرم است بزم اهل سخن از بیان ما
بگذشته دوره غفلت و جهل و سبک‌سری
درماندگاه وادی حرمان و حسرت
ممنون دست و بازوی خود باش و کارکن
چون شمع آتش است سراسر زبان ما
هشدار دیگر است جهان و زمان ما
یارب به منزلی برسان کاروان ما
شرم است لقمه کس بنهد در دهان ما

علی اصغر بشیر هروی (۱۹۱۵-۱۹۸۱)

علی اصغر بشیر هروی، در سال ۱۹۱۵ میلادی در کابل به دنیا آمد. او شاعر و نویسنده بود و در کودکی با خانواده اش به هرات مهاجرت کرد. در هرات درس‌های ادبیات فارسی را فراگرفت و به خوبی عربی و انگلیسی آموخت.

در جوانی در فعالیت‌های سیاسی شرکت داشت و به سازمان مجتمع اسلامی پیوست و مسؤولیت‌های فعال برعهده گرفت. بشیر هروی در سال ۱۹۴۱ میلادی وارد کار دولتی شد و پس از مدتی در آرشیف ملی کار کرد. از سال ۱۹۶۸ تا ۱۹۷۳ میلادی مسؤولیت بخش امور تحریریهٔ مجلهٔ «ترجمان» در کابل را برعهده داشت و پس از آن از سال ۱۹۷۳ میلادی مسؤولیت روزنامهٔ «جمهوریت» به او سپرده شد. در سال ۱۹۸۰ میلادی به ایران مهاجرت کرد و در قم سکونت‌گزید و در سال ۱۹۸۱ میلادی در همان جا وفات یافت.

بشیر هروی، آثار و شعرهایش در روزنامه‌ها و مجله‌های مختلفی مانند هرات، اتفاق اسلام و ترجمان منتشر شده است. آثار علی اصغر شامل: «حالت پیر هرات»، ۱۹۵۱، هرات؛ «اسلام یا عالی‌ترین مکتب اخلاق»؛ «هزار و یک حکایت ادبی و تاریخی»، ۱۹۶۷، کابل؛ «حماقت‌های خودم»؛ «شاه‌راه تورغندی (قره‌تپه)»؛ «موجود عجیب»، ۱۹۷۴، کابل؛ «سیری در ملک سنایی»، ۱۹۷۷، کابل؛ «کلیات سنایی» می‌باشد.^۱

غزل نمونه‌یی از او با عنوان «ای عشق» نمایانگر سبک شعر و محتوای آثار بشیر هروی است.

ای عشق

چه چیزی وز کدامین جایی ای عشق
که هر جا مایهٔ غوغایی ای عشق
کتاب افتخارات بشر را
بین سرلوحهٔ زیبایی ای عشق

۱. صابری هروی، سید جلیل. شعرای عصر حاضر افغانستان، جلد اول. کابل: نشر نوند، ۱۳۸۹. ص ۳۴۰

امیرمحمد اسیر (۱۹۱۵-۱۹۸۹)

دکتر امیرمحمد اسیر در سال ۱۹۱۵ میلادی در غزنی به دنیا آمد. نام پدرش میرعلی غزنوی بود و در کودکی خانواده اش به کابل نقل مکان کرد. در سال ۱۹۲۵ میلادی در مکتب حبیبیه ثبت نام کرد. کمی بعد با خانم رابعه ازدواج کرد و همراه همسرش به هند سفر نمود. در سال ۱۹۳۰ میلادی به کابل بازگشت و به تحصیلات خود ادامه داد و در سال ۱۹۴۰ میلادی از دانش کده طب کابل فارغ شد.

پس از فراغت، از سال ۱۹۴۰ میلادی به خدمات دولتی در بخش صحت، دوام داد و سال ها در شهرهای مختلف افغانستان فعالیت کرد. در سال ۱۹۵۵ میلادی در ننگرهار به سمت ریاست شفاخانه مرکزی و ریاست صحت ولایت منصوب شد. در سال ۱۹۷۳ میلادی بازنشسته گردید. آثار امیرمحمد اسیر عبارت اند از: تفسیر سوره مبارکه اخلاص؛ عرفان در عقاید؛ اندیشه های بشر دوستانه بیدل؛ جهان بینی بیدل؛ ماده و قوه. او که علاقه مند به بیدل بود، شعرهایش را به سبک کلاسیک سروده است.^۱ نمونه یی شعر که این جا ذکر شده است، بیانگر سبک شعری و محتوای آثار اوست.

این خیالم برده از جا روز و شب	زاده زردشتی ز موسی ای عجب
کافری چون زاده از آن پاک زاد	کفر را ایمان چرا این مژده داد
آتش ما شعله سینه به دست	خواهد ایمان شد ازان آتش پرست
از جنون هنگامه ز شد هوش من	باز گویا شد لب خاموش من

محمد عبدالحمید اسیر «قندی آغا» (۱۹۱۵ - ۱۹۹۴)

محمد عبدالحمید، مشهور به قندی آغا و با تخلص اسیر، در سال ۱۹۱۵ میلادی در کابل به دنیا آمد. پس از فراگیری قرآن در محیط خانواده، بوستان و گلستان سعدی و دیوان حافظ را خواند و سپس به تحصیل در مدرسه ها دینی پرداخت. هنگامی که هنوز دانش آموز ابتدایی بود، به دلیل مسایل سیاسی از مکتب اخراج شد و همراه خانواده به تبعید فرستاده شد. پس از سیزده سال تبعید، به کابل بازگشت و در سال ۱۹۹۴ میلادی در کابل درگذشت.

اسیر به زبان های عربی و آلمانی مسلط بود و عمر خود را صرف مطالعه و پژوهش کرد. آثار او عبارت اند از: کلید عرفان، پیوند دل (شرح رباعیات بیدل)، جنون شوکتان، مرد حق، فیروز

۱. خسته، خال محمد. معاصرین سخنور. چاپ دوم. پشاور: انجمن نشراتی دانش، ۱۳۸۶. ص ۱۷؛ صابری هروی، سید جلیل.

شعرای عصر حاضر افغانستان، جلد اول. کابل: نشر نوند، ۱۳۸۹. ص ۱۱۸.

ملنگ، تصوف و طریق چهارگانه، احادیث نبوی، ترجمه رسایل جلال الدین سیوتی.^۱
شاعر به سبک کلاسیک و به شیوه بیدل شعر سروده است و شعری که در این جا آمده، نمونه‌یی
از سبک و محتوای اشعار او را نشان می‌دهد.

شعور خلق هرگز عزت و ذلت را نمی‌داند تمیز نیک و بد را مایه عبرت نمی‌داند
گرفتار اهل آگاهی و غفلت را نمی‌داند حریص صید مطلب، راحت از زحمت نمی‌داند

سید اسماعیل بلخی (۱۹۱۶-۱۹۶۸)

سید اسماعیل بلخی، در سال ۱۹۱۶ میلادی در بلخ آب متولد شد. پدرش محمد آقا نام داشت.
بلخی در کودکی همراه خانواده اش به ایران مهاجرت کرده و در مشهد سکونت گزید. او در مشهد
تحصیل کرد و از استادانی چون ادیب نیشاپوری علوم ادبی، فقه و تاریخ فراگرفت.
پس از شرکت در اعتراضی به ممنوعیت حجاب در زمان رضاشاه، به افغانستان فرار کرد و در
هرات سکونت گزید. اسماعیل بلخی فعالیت‌های سیاسی را در افغانستان آغاز کرد و چندین بار
بازداشت شد. او یک مدرسه دینی در هرات تأسیس کرد و پس از یک زنده‌گی پرتحرک در ۱۹۶۸
میلادی در کابل درگذشت.

اکثر شعرهای او که حدود هفتاد و پنج هزار بیت تخمین می‌شود، در شرایط زندان سروده
شده‌اند. پس از آزادی، سفرهایی به شهرهای مختلف و کشورهای همسایه انجام داد. آثار بلخی
عبارت انداز: مشعل توحید (تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات انقلاب اسلامی افغانستان، ۱۹۸۴)
و دیوان بلخی (تهران، ۱۹۸۹).^۲

اشعار بلخی به شدت به مشکلات و دغدغه‌های زمانه می‌پردازند. نمونه شعری که در این جا
آمده، با عنوان، «این فلاکت‌ها که می‌بینی»، نمایانگر سبک شعری و محتوای آثار اوست.

این فلاکت‌ها که می‌بینی

ما گرفتاران لیلیم، مجنون میر ماست از خرد بیگانه بودن باعث تشهیر ماست
اختلاف شیخ و صوفی علت وامانده‌گی ست پای همت بسته می‌گویند کاین تقدیر ماست
جز قفای کور رفتن علت دیگر نداشت این فلاکت‌ها که می‌بینی گریبان‌گیر ماست
گر متاع خانه را بردن مقصر دزد بود خانه را بی‌پاسبان ماندن، دیگر تقصیر ماست

۱. صابری هروی، سید جلیل. شعرای عصر حاضر افغانستان، جلد اول. کابل: نشر نوند، ۱۳۸۹. ص ۱۹۲.

۲. صابری هروی، سید جلیل. شعرای عصر حاضر افغانستان، جلد اول. کابل: نشر نوند، ۱۳۸۹. ص ۳۵۶-۳۷۷.

عبدالرزاق امیدی هروی (۱۹۱۷-۱۹۷۸)

عبدالرزاق امیدی، شاعر و نویسنده‌یی که با تخلص هروی شناخته می‌شود، در سال ۱۹۱۷ میلادی در هرات متولد شد. پدرش محمد عمر خان هروی تاجر بود. امیدی آموزش‌های ابتدایی و متوسطه خود را در هرات به پایان رساند و پس از آن آموزش در زبان عربی دید. پس از مدتی، به تجارت پرداخت و به کشورهای هند، ایران، عراق، لبنان و سوریه سفرهای تجاری داشت. وی در شهرداری کابل و برخی نهادهای دولتی به کار پرداخت. در سال ۱۹۵۷ میلادی به سمت مدیر سینمای پارک کابل منصوب شد و بعداً به عنوان مفتش در شهرداری کابل مشغول به کار شد. امیدی در سال ۱۹۷۸ میلادی و در جریان حمله شوروی به افغانستان درگذشت. وی در سال ۱۹۵۲ میلادی به عضویت انجمن ادبی هرات درآمد. آثار او شامل: اوراق پریشانی، ارمغان رامسر، شب‌های زمستان، دوران کودکی، دوران جوانی و بوستان امید می‌باشد. غزل نمونه‌یی که با عنوان «نالۀ سوزان» در این جا آورده شده است، نمایان‌گر سبک شعری و محتوای آثار اوست.

نالۀ سوزان

ای نالۀ سوزنده، ز دل قصد سفر کن	باری به دل سنگ‌دلان سخت اثر کن
انصاف و مروت نبود در دل مردم	ای چرخ، فروریز و جهان زیر و زبر کن
ای کوکب اقبال فروزنده، کجایی؟	باز آ و شب تیره ما را تو سحر کن
ای چرخ فلک، از چه نگریدی به مرادم؟	رحمی به لب خشک من و دیده تر کن

محمد آصف سهیل (۱۹۱۷-؟)

دکتر محمد آصف سهیل در سال ۱۹۱۷ میلادی در کابل به دنیا آمد. پدرش حاجی محمد یوسف بود. سهیل پس از فراغت از لیسه حبیبیه در سال ۱۹۳۶ میلادی، در سال ۱۹۴۳ میلادی از دانش‌کده طب کابل فارغ شد.

پس از فراغت، وارد خدمات دولتی شد و ریاست اداره صحت استان فراه را برعهده گرفت و در بیمارستان نظامی فراه به عنوان سرطیب کار کرد. همچنین در بیمارستان‌های کابل و هرات، ریاست بخش داخله را برعهده داشت. سپس در ولایت‌های پکتیا و هرات به عنوان رئیس اداره صحت و سرطیب بیمارستان پکتیا فعالیت نمود. سهیل مدتی ریاست تیم مبارزه با بیماری

۱. صابری هروی، سید جلیل. شعرای عصر حاضر افغانستان، جلد اول. کابل: نشر نوند، ۱۳۸۹. ص ۲۶؛ خسته، خال محمد. معاصرین سخنور. چاپ دوم. پشاور: انجمن نشراتی دانش، ۱۳۸۶. ص ۹۵.

تیفئید را برعهده داشت و در رادیوی کابل برنامه‌های سلامت قلب را اجرا می‌کرد. او همچنین مشاور وزارت صحت بود و به منظور بررسی وضعیت بهداشتی، از بیمارستان‌های ترکیه، فرانسه، استرالیا، عراق، سوریه، لبنان، یونان، پاکستان، هند، فلیپین، چین، جاپان، اتحاد جماهیر شوروی و آلمان بازدید نمود.

سهیل در جوایز ادبی افغانستان موفق به کسب جایزه دوم شد. آثار او که به صورت عموم به موضوعات بهداشتی می‌پردازند شامل: حکایات، نامه‌ها، اندیشه‌ها است. او در شعر معاصر افغانستان تلاش به ایجاد سبک متفاوتی کرده و اشعار متفاوتی سروده است.^۱ شعری که در این جا آورده شده، نمونه‌یی از سبک و محتوای اشعار او را به خواننده ارائه می‌دهد.

گلگون قبا

مستانه می‌رفت

از سایه سرو،

نازک ادایی،

گلگون قبایی،

افسون‌گردل،

چشم سیاهش،

آشوب خیز است

کار نگاهش

رقیة ابوبکر (۱۹۱۸ - ۲۰۰۲)

رقیة ابوبکر، مترجم، شاعر و نویسنده شناخته شده، در سال ۱۹۱۸ میلادی در کابل به دنیا آمد. او از خانواده‌یی فرهنگ دوست و اهل ادب برخاسته و در محیط خانواده‌گی آموزش دیده است. رقیه در سنین جوانی ازدواج کرد، اما با فوت همسرش در هفده سالگی بیوه شد و پس از آن بیشتر به مطالعات علمی و تحقیقاتی پرداخت و در همین مدت فرانسوی آموخت. او در سال ۱۹۵۰ میلادی از دانش‌کده علوم اجتماعی دانشگاه کابل فارغ شد.

پس از فراغت، در سال ۱۹۴۰ میلادی به عنوان معلم لیسه مشغول شد و از ۱۹۴۱ تا ۱۹۴۹ میلادی در

۱. خسته، خال محمد. معاصرین سخنور. چاپ دوم. پشاور: انجمن نشراتی دانش، ۱۳۸۶. ص ۲۱۷-۲۱۸.

لیسه دخترانه کابل به عنوان مدیر فعالیت نمود. رقیه ابوبکر از سال ۱۹۵۸ تا ۱۹۶۱ ریاست امور زنان را برعهده داشت و در سال ۱۹۶۳ میلادی به عنوان مدیر عمومی در وزارت معارف منصوب شد. وی همچنین مدیریت عمومی جمعیت هلال احمر افغانستان در کابل را برعهده داشت. در سال ۱۹۶۴ میلادی به کمیسیون تدوین قانون اساسی انتخاب شد و نقش مهمی در کسب حق رأی برای زنان داشت. رقیه ابوبکر در انتخابات ۱۹۶۵ میلادی به عنوان یکی از چهار زن منتخب مجلس انتخاب شد.

پس از مدتی، دوباره به حوزه آموزش بازگشت و از ۱۹۷۲ تا ۱۹۷۳ رقیه ابوبکر ریاست سوادآموزی در مدیریت معارف کابل را برعهده داشت. او عضو انجمن تاریخ افغانستان بود و حدود پنج سال در رادیوی افغانستان مجری برنامه بود. پس از کودتای داوود خان در سال ۱۹۷۳ میلادی، از مشاغل دولتی کناره گیری و به نویسندگی پرداخت. رقیه ابوبکر پس از حمله شوروی به افغانستان در سال ۱۹۸۰ میلادی کشورش را ترک و به امریکا مهاجرت کرد و با دکتر ابوبکر، از چهره های مهم حزب وطن افغانستان، ازدواج نمود. وی در سال ۲۰۰۲ میلادی درگذشت.

رقیه ابوبکر، شاعر، مترجم و نویسنده، مدتی سردبیری مجله زنان (میرمن) را برعهده داشت و شش بار موفق به دریافت جوایز مطبوعاتی شد. آثار او عبارتند از: ولنتاین، جورج ساندر (ترجمه)، آنا کارنینا، تولستوی (ترجمه)، فرشته کوچه هنری، لیلیان والد، کلثوپاترا، میشل پریمور، ساحل و موج گوهر، روشنایی، گل های خودرو. شعر نمونه او با عنوان غروب بی بازگشت که در این جا آورده شده، نمایانگر سبک و محتوای اشعار رقیه ابوبکر است.

غروب بی برگشت

...

آفتاب چون زورقی از طلای سوخته

به سوی یک غروب ابدی

بادبان گشوده

تاریک روشنایی، همه آفاق را می مکد

من با تو آم

شراع آن کشتی که عامل روز است

و روشنایی

در موجی کوه‌پیکر، جهیده از اقیانوس ظلمت

از نظرگاه من

نا پدیدمی شود.

عبدالرحمن پژواک (۱۹۱۸ - ۱۹۹۵)

عبدالرحمن پژواک، روزنامه‌نگار و شاعر، در سال ۱۹۱۸ میلادی در غزنی به دنیا آمد. نام پدرش عبدالله بود و پژواک آموزش‌های اولیه‌اش را در محیط خانواده فراگرفت. پس از آن، همراه با پدرش به کابل مهاجرت کرد و دوران لیسه را در کابل به پایان رساند. او سپس وارد دانش‌کده طب دانشگاه کابل شد، اما پس از دو سال تحصیل، تحصیل را نیمه، رها کرده و به مشاغل دولتی پرداخت.

پژواک فعالیت حرفه‌یی خود را به عنوان مترجم در انجمن ادبی کابل آغاز کرد و سپس سمت‌های متعددی از جمله مدیر عمومی امور مطبوعات، مدیر مسئول روزنامه اصلاح، مدیر آژانس خبری باختر و ریاست انجمن ادبی پشتو را برعهده گرفت. در سال ۱۹۵۳ میلادی، او در سفارت افغانستان در لندن مشغول به کار شد و در این سمت، برای معرفی افغانستان، آثاری به زبان انگلیسی تألیف و منتشر نمود. سپس پژواک به عنوان نماینده دائمی افغانستان در سازمان ملل و در سال ۱۹۷۳ میلادی به عنوان سفیر افغانستان در هند منصوب شد.

پس از کودتای کمونیستی در افغانستان، او به طور غیرقانونی انجمن نظارت بر حقوق بشر افغانستان را در کابل تأسیس کرد. در سال ۱۹۸۲ میلادی افغانستان را ترک کرده و به پیشاور پاکستان مهاجرت کرد و یک سال بعد به عنوان پناهنده به واشنگتن آمریکا پناهنده شد. پس از مدتی، دوباره به پیشاور بازگشت و در سال ۱۹۹۵ میلادی در همان جا درگذشت.

پژواک به زبان‌های فارسی و پشتو شعر سروده است. آثار او عبارتند از: کار و کارگر؛ حق آریانا؛ گزیده اشعار، ۱۹۹۰؛ افغانستان؛ آریانا قدیم؛ پشتونستان و مسئله پشتونستان؛ عروج بازگزیایی‌ها (ترجمه)، ادوارد آلیانس، ۱۹۵۴، کابل؛ پیشوا (ترجمه)، جبران خلیل جبران، ۱۹۵۵، کابل؛ لمعات بنگال، ویلیام پیت، (آکادمی افغانستان در آمریکا)؛ افسانه‌های مردم، ۱۹۵۷، کابل.^۱ عبدالرحمن پژواک یکی از نماینده‌گان مهم شعر معاصر افغانستان محسوب می‌شود و شعرهای

۱. خسته، خال محمد. معاصرین سخنور. چاپ دوم. پشاور: انجمن نشراتی دانش، ۱۳۸۶. ص ۸۶؛ صابری هروی، سید جلیل. شعرای عصر حاضر افغانستان، جلد اول. کابل: نشر نوند، ۱۳۸۹. ص ۴۷۵-۴۷۶؛ پهلوان، چنگیز (به کوشش). نمونه‌های شعر امروز افغانستان. تهران: بنیاد نیشابور، ۱۳۷۱. ص ۵۵؛ مولائی، محمد سرور. برگزیده شعر معاصر افغانستان. تهران: انتشارات رز، ۱۳۵۰. ص ۴۶.

او هم از نظر شکل و هم محتوا در سبک مدرن سروده شده‌اند. نمونه اشعار او با عنوان‌های «پرپر گل سرخ» و «امید» که در این جا آورده شده‌اند، نمایانگر سبک و محتوای اشعار او هستند.

پرپر گل سرخ

در مسیر باد
همی کرد فریاد
که بی دلان را
مرگ در جوانی
خوش تر باشد
که پیرشدن
هم دل می خواهد

امید

زمین لخت است
و دست فروفتاده
از سردی
از کشت خبری نیست
و از سبزی
ولی تو به دستانت امید ده
تا به بیل‌ها بیندیشند
و به گرمی نان
بهار خواهد آمد... .

امان الله افضلی نطقی (۱۹۱۸-؟)

امان الله افضلی که با تخلص «نطقی» شناخته می‌شود، در سال ۱۹۱۸ میلادی در هرات به دنیا آمد. پدر

او محمد افضل بود. افضلی آموزش‌های ابتدایی و متوسطه خود را در زادگاهش به پایان رساند. در سال ۱۹۳۸ میلادی برای ادامه تحصیل به کابل رفت و یک سال در انستیتوت تعلیم و تربیه آموزش دید. بین سال‌های ۱۹۵۶ تا ۱۹۶۲ میلادی دوره‌های آموزشی خدمات ملکی را در کابل به پایان رساند. از سال ۱۹۳۹ تا ۱۹۷۳ میلادی، به مدت سی و چهار سال در شهرهای کابل، هرات و مزارشریف به عنوان معلم، سر معلم، مدیر و مفتش فعالیت کرد. در سال ۱۹۷۳ میلادی بازنشسته شد. پس از روی کار آمدن حکومت کمونیستی در سال ۱۹۸۲ میلادی، افضلی به ایران مهاجرت کرد و در استان خراسان به مدت ده سال به تدریس به کودکان مهاجر پرداخت. در سال ۱۹۹۲ میلادی به کشور بازگشت، اما چند سال بعد با سقوط هرات به دست طالبان دوباره به ایران رفت. افضلی از جمله شاعرانی است که در افغانستان شعرهای مهاجرت سروده است. اثر او به نام «تحفه درویش» در سال ۲۰۰۳ میلادی در کابل منتشر شد. شعر نمونه‌یی که از او در این جا آمده با عنوان «دشمن دین»، نمایانگر سبک و محتوای شعری این شاعر است.

دشمن دین

بر مردم ستمکش افغان محرم است	دردا که روز ششم دی روز ماتم است
سال ورود دشمن ما سربه سر غم است	در یک هزار و سه صد و پنجاه و هشت بود
چون است سال و ماه و چه رازی درین چم است	پرسیدم از منجم اخترشناس ملک
اوضاع ملک و ملت ما سخت برهم است	از گام نامبارک خیل سیاه روس

محمدیوسف آینه (۱۹۲۰-۲۰۰۱)

محمدیوسف آینه که اصالتاً از قندهار بود، در سال ۱۹۲۰ میلادی در کابل زاده شد. نام پدرش یعقوب بود. پس از ختم آموزش‌های تحصیلات متوسطه، به طور خودآموز زبان‌های انگلیسی و آلمانی را فراگرفت.

در سن هفده یا هجده ساله‌گی در یک شرکت به عنوان مترجم آغاز به کار کرد و بعدها مدتی در رادیوی افغانستان فعالیت نمود. سپس در روزنامه‌ها و مجلات مختلف از جمله انیس، آژانس، اقتصاد، سینما، صحنه کابل، شهرداری و برگ سبز همکاری کرد. محمدیوسف آینه در وزارت اقتصاد در بخش صادرات و واردات مشغول شد و در سال ۱۹۴۸ میلادی به عنوان مدیر عمومی در وزارت اطلاعات و فرهنگ منصوب گردید. وی همچنین مدتی مدیریت سینمای پامیر را برعهده داشت. پس از کودتای کمونیستی سال ۱۹۷۹ میلادی، افغانستان را ترک کرده و به پاکستان

مهاجرت کرد. پس از تشکیل حکومت اسلامی به افغانستان بازگشت، اما در دوره طالبان دوبار به پاکستان مهاجرت نمود. محمدیوسف آیینه در سال ۲۰۰۱ میلادی در پشاور درگذشت و جنازه اش به کابل منتقل و دفن شد.

آیینه آثار خود را علاوه بر روزنامه‌ها و مجلات مختلف افغانستان، در نشریات مجاهدین در پاکستان و ایران نیز منتشر کرده است. او شعر زیاد سروده و بسیاری از آن‌ها، آهنگ ساخته شده و در رادیو و کنسرت‌های مختلف اجرا گردیده‌اند. آثار منتشرشده او عبارتند از: بستان صفت و نوای عشرت^۱. شعرهای او به سبک مدرن بوده و نمونه‌یی از آن با عنوان «چراغ» دیدگاه روشنی از سبک و محتوای شعری آیینه را ارائه می‌دهد.

چراغ

در شهر غم آباد

در بابل عشرت‌کده مردم جبار

در ناپل زیبا

برخفته، گرسنه بی فراروی زمین

بر ریگ زده پهلو و سنگش بالین

بر آب و هوا

در ظلمت شب‌ها که سحر نیست پیشینش

در گرمی و سردی

در غربت و دوری

از خانه و کاشانه و میهن

دل‌های تهی

نومید ز روزگار و فردای بهی

...

ای وای خدایا

۱. خسته، خال محمد. معاصرین سخنور. چاپ دوم. پشاور: انجمن نشراتی دانش، ۱۳۸۶. ص ۸؛ صابری هروی، سید جلیل. شعرای عصر حاضر افغانستان، جلد اول. کابل: نشر نوند، ۱۳۸۹. ص ۲۱؛ مولائی، محمد سرور. برگزیده شعر معاصر افغانستان. تهران: انتشارات رز، ۱۳۵۰. ص ۱۷-۱۸.

بنگر به نیاز شهر تاریک زده محروم چراغ!!!

عبداللطیف آریان (۱۹۲۱-؟)

عبداللطیف آریان، شاعر، داستان نویس و موسیقی دان، در سال ۱۹۲۱ میلادی در کابل زاده شد. نام پدرش احمدجان بود. پس از اتمام آموزش های ابتدایی و متوسطه در کابل، در سال ۱۹۳۸ میلادی از انستیتوت تعلیم و تربیه پغمان فارغ شد. آریان در سال ۱۹۴۶ میلادی توسط یونسکو برای آموزش کتاب داری به هند فرستاده شد.

پس از فراغت از انستیتوت در سال ۱۹۳۸ میلادی، به تدریس مشغول شد و در سال ۱۹۴۵ میلادی مسؤولیت مدیریت امور تحریریه نشریه «تربیت معلم» را برعهده گرفت. پس از بازگشت از هند در سال ۱۹۴۶ میلادی، به مدیریت کتاب خانه وزارت معارف افغانستان منصوب شد. در سال ۱۹۶۷ میلادی دبیر نشریه «عرفان» شد و هم زمان به تدریس زبان انگلیسی پرداخت.

آریان از سال ۱۹۳۶ میلادی به نگارش مقاله، داستان و شعر پرداخت و از سال ۱۹۴۱ میلادی آثارش در نشریات منتشر شد. آثار او در مجلات آریانا، پشتون ژغ و کابل چاپ شده است. آثار عبداللطیف آریان عبارتند از: چکیده های قلم؛ مکتب ها؛ داستان های کوتاه؛ داستان های کوتاه واقعی از زنده گی اشخاص؛ نیم قرن چشم دیده های من؛ هازند و افغانستان.

آریان شعرهای خود را به سبک هندی سروده و بیشتر آثارش به شکل غزل و مخمس است. شعرهای معروف او شامل «ای وطن»، «ای نسیم بهار»، «استقلال»، «پنهانی گریستم»، «گل فروش» و «دختر خوش بخت» می باشد. نمونه یی از آثار او با عنوان «گل فروش» دیدگاه روشنی از سبک و محتوای شعری آریان ارائه می دهد.

گل فروش

شاخ گل مرا چو شکستی شکسته باش	یارب که زهر مرگ کنی نوش گل فروش
گل چین، چرا تو غنچه نورسته چیده یی؟	بگذاشتی چو من که کند جوش گل فروش
آزده می شود گل و بلبل ز خار و خس	روی سبد پر از پر او پوش گل فروش
این گل فروش را زر و سیم است آرزو	آریان دعای بد کندت روش گل فروش

۱. خسته، خال محمد. معاصرین سخنور. چاپ دوم. پشاور: انجمن نشراتی دانش، ۱۳۸۶. ص ۲۰ - صابری هروی، سید جلیل. شعرای عصر حاضر افغانستان، جلد اول. کابل: نشر نوند، ۱۳۸۹. ص ۷۳

خلیل الله (۱۹۲۴-۹)

خلیل الله، شاعر، نویسنده و مترجم، در سال ۱۹۲۴ میلادی در کابل زاده شد. نام پدرش میرزا نورالله بود. خلیل الله خواندن و نوشتن و نخستین معلومات دینی خود را در محیط خانواده و مسجد محله فراگرفت. درس های صرف، نحو و فقه را نیز در همان مسجد محله آموخت و در همین دوران درس های عروض را نیز گذرانده، دانش خود را توسعه داد.

خلیل الله دوره متوسطه را در مکتب هنرهای زیبا گذراند و پس از فراغت از لیسه استقلال کابل، به دانش گاه راه یافت و از دانشکده علوم، بخش هنرهای دیداری و شنیداری فارغ شد. پس از اتمام لیسانس، به فرانسه رفت و در موسسه تعلیم و تربیه پاریس تحصیل کرد و در سال ۱۹۷۶ میلادی از وزارت معارف فرانسه دیپلم آکادمی دریافت کرده و عنوان دانش گاهی کسب نمود. پس از فراغت از فرانسه به افغانستان بازگشت و تدریس را آغاز کرد. خلیل الله در لیسه های حریبه، استقلال، امانی و در موسسه تعلیم و تربیه به تدریس زبان های فرانسه و فارسی پرداخت و مدتی نیز در کورس های سوادآموزی فعالیت داشت.

آثار خلیل الله عبارت انداز: داستان منظوم بر مزار پدر، شفق و فیروزه؛ چکامه ها؛ امثال و حکم؛ برداشته های نصیح از آثار دیگران (نقد ادبی)؛ شعرى که از او در این جا آورده شده با عنوان «قانون جنگل» نشان دهنده سبک شعرى و محتوای آثار او است.

قانون جنگل

تا به کی در خون نشیند این دل پر خون ما؟	تا به کی آسان نگردد مشکل مجنون ما؟
ما ز دست ناتوانی خون در اعضا نیستیم،	تا به کی باشد توانگر سرخ رو از خون ما؟
کوه و دشت دیگران از کار ما آباد شد،	تا به کی ویرانه باشد همچنان هامون ما؟
کاوپی می خواهد و پتک گران، ای همرهان،	تا شکست افتد به کاخ دشمنان دون ما؟

محمد آصف آهنگ (۱۹۲۵ - ۲۰۱۵)

محمد آصف با تخلص آهنگ، در سال ۱۹۲۵ میلادی در کابل متولد شد. پدرش میرزا مهدی خان، کاتب امان الله خان بود و در سال ۱۹۳۳ میلادی در زندان کابل اعدام گردید. پس از مرگ پدر، آموزش آصف با وقفه مواجه شد و ادامه آموزش خود را در مکتب محل خود پی گرفت. در سال ۱۹۴۴ میلادی در کارخانه نساجی افغانستان به کار دولتی آغاز کرد و در ۱۹۵۵ میلادی

۱. صابری هروی، سید جلیل. شعرای عصر حاضر افغانستان، جلد اول. کابل: نشر نوند، ۱۳۸۹. ص ۸۲۹.

به سمت مدیر همان کارخانه منصوب شد. در سال ۱۹۵۰ میلادی به حزب وطن پیوست و در انتخابات سال ۱۹۶۵ میلادی به عنوان نماینده کابل انتخاب گردید. از سال ۱۹۷۰ میلادی نوشته های او در رادیوی افغانستان قرائت شد. در زمان حکومت مجاهدین، آصف آهنگ به پاکستان مهاجرت کرد و در سال ۱۹۹۵ میلادی به کانادا رفت و در سال ۲۰۱۵ میلادی در همان کشور وفات نمود.

آثار آصف آهنگ عبارت انداز: کابل قدیم؛ جهان بینی عارف؛ زندان؛ تاریخ در ایدیولوژی های مختلف؛ سطری چند از تاریخ و چشم دیدهای من؛ جلادان تاریخ زیادند؛ جنبش هزاره های اهل تشیع در افغانستان؛ پاسخی به اتهاماتی نبی عظیمی^۱.

شعری از او با عنوان «کابل» هم سبک و محتوای شعری شاعر را بازتاب می دهد و هم وضعیت ادبی آن دوران را.

کابل

کابل! آن شیران پیکارت چه شد؟	رستم و رتبیل، سالارت چه شد؟
قلعه مستحکم بالاحصار	آن دژ و دیوار کهسارت چه شد؟
رونق هندوگذر باقی نماند	دفتر دیوان و دربارت چه شد؟
مهدی، لودین و محی الدین انیس	وآن امانستان جسارت چه شد؟
هیچ همشهری نمی یابی به شهر	ای وطن داران، وطن دارت چه شد؟

مولوی محمد حنیف بلخی (۱۹۲۶-۲۰۱۰)

مولوی محمد حنیف بلخی، در سال ۱۹۲۶ میلادی در مزار شریف به دنیا آمد. پدر او محمد یوسف بود و آموزش های ابتدایی خود را از دوست نزدیک مامایش، شاعر و نویسنده مشهور، خال محمد خسته فراگرفت. در سال ۱۹۵۲ میلادی از لیسه اسدیه مزار شریف فارغ شد.

پس از فراغت، به تدریس در لیسه اسدیه آغاز کرد. سه سال پس از آن، در سمت های مختلف دولتی خدمت کرد؛ از جمله: منشی اتاق تجارت بلخ، ریاست مطبوعه دولتی، مفتش محکمه، ریاست عمومی مطبوعات، ریاست عمومی حج و اوقاف، ریاست حج و اوقاف ولایت بلخ، عضویت محکمه استیناف، عضویت دیوان محکمه کابل و دیگر مناصب. در سال ۱۹۸۱ میلادی بازنشسته شد و به پاکستان مهاجرت کرد و در پیشاور سکونت گزید.

حنیف بلخی علاوه بر مقام های دولتی، مسئولیت سردبیری مجله حج و اوقاف، نویسنده گی

۱. صابری هروی، سید جلیل. شعرای عصر حاضر افغانستان، جلد اول. کابل: نشر نوند، ۱۳۸۹. ص ۹۱

تذکره شعرا، پژوهش‌گری ادبی و شاعری را نیز برعهده داشت. نوشته‌ها و اشعار او بیشتر در نشریات مجاهدین ایران و پاکستان منتشر شده‌است.

آثار او عبارت‌انداز: پرطاووس (آنتولوژی شامل ۳۶۰ شاعر افغانستان)، ۱۹۸۵، پاکستان؛ ارمغان بلخ؛ فقهاء بلخ؛ شعر و شرح؛ دردها و دردها؛ نیزار؛ خروش؛ کلام راستین؛ چندقطره عشق؛ اصحاب صفه؛ قصص القرآن؛ سواد الاعظم؛ جهاد در اُمّ البلاد؛ دیوان اشعار، ۱۹۸۳، پاکستان؛ خیرالطابعین؛ شیر خدا و شمشیر خدا؛ نخستین بت شکن؛ علم؛ الاربعین؛ سنگرستان (۳۹۷ شعر، ۳۹۰۷ بیت، ۶۵ مثنوی، ۳۸ قصیده، ۶۲ غزل، ۱۰۷ قطعه، ۱۹ رباعی، ۱۰۴ دوبیتی، ۲ ترجیع‌بند، ۱ مسمط)، ۱۹۵۰، پیشاور، پاکستان.^۱

نمونه شعری که در این جا ارایه شده با عنوان «سوراخ تفنگ» هم وضعیت شعری آن دوره و هم سبک و محتوای شعری حنیف بلخی را نشان می‌دهد.

سوراخ تفنگ

تاخت بر انگلیس اما باشکوه	همچو سیل مُدهش و پیچان کوه
با کف خالی ولی با قلب پر	در صف اعدا به زد این قوم خُر
بیرق دشمن به زیر پانمود	حق آزادی خود احیانمود
باهمان ابزار کهنه سال خود	از شما بگرفت استقلال خود

محمد رحیم الهام (۱۹۲۹ - ۲۰۰۲)

محمد رحیم الهام، شاعر دوزبانه، در سال ۱۹۲۹ میلادی در کابل زاده شد. پدرش فضل‌الدین نام داشت و الهام به شعرهای فارسی و پشتو می‌پرداخت. آموزش خود را در محیط خانواده، آغاز کرد و درس‌های فقه، تفسیر، الهیات، صرف، نحو و ادبیات را از کاکایش محمد صدرالدین فراگرفت. آموزش‌های ابتدایی و متوسطه را در کابل به پایان رساند و در سال ۱۹۵۶ میلادی از دانش‌گاه کابل، دانش‌کده علوم انسانی و ادبیات فارغ شد. سپس به امریکا رفت و در دانش‌گاه میشیگان در رشته زبان‌شناسی دکتر گرفت و در انگلستان، دانش‌گاه ساوث ولز آموزش انگلیسی دید.

پس از فراغت، مدتی مسؤول تحریریه مجله و ژمه بود و پس از بازگشت از امریکا، به عنوان عضو هیئت علمی در دانش‌گاه کابل آغاز به کار کرد. چندسال برنامه ادبی «سرود هستی» را در رادیو

۱. صابری هروی، سید جلیل. شعرای عصر حاضر افغانستان، جلد اول. کابل: نشر نوند، ۱۳۸۹. ص ۷۷۵.

کابل اجرا کرد. بعد از روی کار آمدن حکومت مجاهدین، ابتدا به پاکستان و سپس به آمریکا مهاجرت کرد. الهام در سال ۲۰۰۲ میلادی در آمریکا درگذشت.

آثار محمد رحیم الهام عبارت اند از: دشت، احوال و آثار علی بن عثمان هجویری غزنوی، گرامر پشتو اثر هربرت پنزیل (ترجمه از انگلیسی)، گرامر تره پشتو (آواشناسی پشتو)، کتاب درس پشتو برای خارجیان، روش جدید در تحقیق دستور زبان دری، ۱۹۷۰، کابل، دی جب هیرنی مقدمه، بخش هایی بر علم زبان، بررسی سیر تصوف اسلامی، مقدمه‌یی بر دستور زبان، نظریه‌های ادبی و نقد ادبی^۱.

نمونه شعری از الهام، با عنوان «مرغ شعر»، نمایانگر سبک شعری و محتوای آثار اوست.

مرغ شعر

راز دل را با که گویم؟ کاشنای راز نیست	ناله می‌خواهم کرد سر، طاقتِ آواز نیست
چشم نامحرم - که بادا بسته - این جا باز نیست	چهره بگشا، عشوهِ سرده، سوی من بین، خنده‌کن
ورنه بهر کشتنش تقصیر تیرانداز نیست	زنده مرغ شعر من از درد عشق است، ای فلک
زخمی تیر جفا را طاقت پرواز نیست	مرغ بی‌بالم بگو صیاد بگشاید قفس

صالح محمد افضل افندی (۱۹۳۱ - ۲۰۰۴)

صالح محمد افضل افندی، در سال ۱۹۳۱ میلادی در هرات زاده شد. پدرش محمد افضل بود. افضل آموزش‌های ابتدایی و متوسطه خود را در زادگاهش به پایان رساند و سپس در سال ۱۹۴۹ میلادی از لیسه حریبه وابسته به وزارت دفاع کابل فارغ شد و همچنان در سال ۱۹۵۳ میلادی از دانش‌کده زبان و ادبیات فارسی دانش‌گاه کابل فارغ شد.

افضل به مدت سی و هفت سال در دانش‌کده حربی کابل تدریس کرد و در سال ۱۹۸۵ میلادی بازنشسته شد. و بالاخره در سال ۲۰۰۴ میلادی در هرات وفات نمود. نخستین شعر او در سال ۱۹۵۷ میلادی در مجله «انیس» منتشر گردید.

آثار صالح محمد افضل افندی عبارت اند از: گنجینه آرزو، ۲۰۰۲، هرات؛ دستور زبان دری (فارسی)؛ شعراء و نویسندگان افغانستان؛ گنج بی نظیر؛ در علم منطق؛ در مورد انشاء و نامه‌نگاری و قواعد و قوانین املاء؛ تاریخ چه مختصر حربی شوونچی؛ مونوگرافی در مورد صنایع

۱. خسته، خال محمد. معاصرین سخنور. چاپ دوم. پشاور: انجمن نشراتی دانش، ۱۳۸۶. ص ۴۲؛ صابری هروی، سید جلیل. شعرای عصر حاضر افغانستان، جلد اول. کابل: نشر نوند، ۱۳۸۹. ص ۲۱۶؛ مولائی، محمد سرور. برگزیده شعر معاصر افغانستان.

دستی افغانستان؛ اشعار نغز و اندیشه‌های پُرمغز؛ پراکنده‌ها رنگارنگ؛ شاهراه سعادت^۱. نمونه شعری که در این جا آمده، «ورود قشون شوروی به افغانستان»، بیانگر وضعیت ادبی آن زمان و سبک و محتوای اشعار اوست.

ورود قشون شوروی به افغانستان

بلی، روسان به کشور پا نهادند،	مصاف جنگ به روی ماگشادند
تجاوز و تخابن پیشه‌شان،	پلان پطر هم اندیشه‌شان
به‌کوه و دشت و صحرا لانه‌کردند،	هجوم شوم و بی‌شرمانه کردند
ندانستند که ما مردان کاریم،	به سرکوبی دشمن‌ها عیاریم

محمدبارق شفیعی (۱۹۳۱ - ۲۰۱۶)

محمدبارق شفیعی، در سال ۱۹۳۱ میلادی در کابل به دنیا آمد. پدرش میرزا محمدشریف بود. شفیعی به عنوان شاعر و سیاست‌مدار شناخته می‌شود. او آموزش‌های ابتدایی و متوسطه خود را در مکتب‌های خوب گذراند و سپس از دانش‌گاه کابل، رشته علوم سیاسی و حقوق فارغ‌شد. پس از فراغت، در سال ۱۹۵۴ میلادی وارد خدمات دولتی شد و مدتی مدیریت نهادهای تعلیمی را برعهده داشت. شفیعی عضو کمیته مرکزی حزب دموکراتیک افغانستان بود و مسؤولیت مدیریت نشریه «تابناک» را به عهده داشت. او مدتی وزیر اطلاعات و فرهنگ و برای مدت کوتاهی وزیر ترانسپورت بود و همچنین در سفارت افغانستان در اتحاد جماهیر شوروی سابق فعالیت داشت. محمدبارق شفیعی یکی از بنیان‌گذاران شعر مدرن افغانستان به شمار می‌رود. وی بعدها به اروپا مهاجرت کرد و در آلمان سکونت‌گزید و در سال ۲۰۱۶ میلادی در همان جا درگذشت.

با این‌که شفیعی در آغاز به سبک کلاسیک شعر می‌سرود، اما به عنوان مدافع شعر نو و پیش‌گام شعر سیاسی در افغانستان شناخته شد و آثار متعددی به سبک مدرن خلق کرد. او معتقد بود، شعر باید بازتاب زمان و تحولات دوران شاعر باشد و شعر آیینی جامعه باشد. آثار شفیعی در نشریات و مجلات مختلف افغانستان منتشر شده‌اند. از جمله آثار او می‌توان به «ستاک» (۱۹۲۳)، «شهر حماسه» (۱۹۳۹)، «دوران ساز» (۱۹۴۰) و «شیپور انقلاب» (۱۹۴۷) اشاره کرد. اثر «دوران ساز» وی در تاجیکستان به خط سیریلیک منتشر شده است.^۲

۱. صابری هروی، سید جلیل. شعرای عصر حاضر افغانستان، جلد اول. کابل: نشر نوند، ۱۳۸۹. ص ۲۱۶-۲۱۷.

۲. خسته، خال محمد. معاصرین سخنور. چاپ دوم. پشاور: انجمن نشراتی دانش، ۱۳۸۶. ص ۵۰-۵۳؛ صابری هروی، سید

در آغاز به سبک کلاسیک می سرود، ولی بعدها کاملاً به شعر مدرن روی آورد. شفيعی در بيتی که نمونه‌ی از سبک و نگاه اوست می گوید:

«شاعر آن است که گر فکر نوی یافته است جامه‌ی درخور اندام به آن بافته است»

این بیت نشان دهنده سبک شاعر و محتوای آثار اوست؛ شفيعی بر نوآوری فکری و بازتاب اندیشه نو در شعر تأکید داشت.

شبستان قبرها

ای دل خموش باش!!!

کمتر به سینه زن

آهسته تر بتپ که محیط تو کوچک است.

گیرم قفس شکست

پروازگاه کو؟؟

این جا فضا کثیف تر از سینه ها بود.

...

گر در سکوت شب

با بال آتشین

بی نردبان کاهکشان بی چراغ مه

از چرخ بگذری

وز بام عرشیان

پرشورتر فغان کنی پرسوزتر نوا

کوه ها شوند آب

و آن آب ها بخار

وین تیره خاک چشمه آتش چو آفتاب

این زنده‌مرده‌گان
چون شعله‌های سرد
از پاننشسته‌اند و نجبنند ز جای‌ها

عبدالجبّار توکل هروی (۱۹۳۴ - ...)

عبدالجبّار توکل هروی، فرزند غلام حسین، در سال ۱۹۳۴ میلادی در هرات متولد شد. او در کودکی قرآن کریم، دیوان حافظ و گلستان سعدی را خواند و از علما و استادان محل خود در زمینه ادبیات فارسی، عربی، تجوید و فقه بهره‌برد.

در دوران تحصیل، توکل هروی همزمان به کارهای مختلف مشغول بود و از سن پانزده ساله‌گی شعر می‌سرود. بین سال‌های ۱۹۵۳ تا ۱۹۵۹ میلادی در هرات در بخش مطبوعات فعالیت داشت. در سال ۱۹۶۰ میلادی همراه خانواده به کابل مهاجرت کرد و به تجارت پرداخت. در سال ۱۹۶۵ میلادی به آلمان رفت و حدود شش ماه در هامبورگ ماند و در این مدت زبان آلمانی را آموخت، سپس به افغانستان بازگشت. پس از روی کار آمدن حکومت کمونیستی در افغانستان در سال ۱۹۷۸ میلادی، هروی کشور را ترک کرد و دوباره در هامبورگ آلمان سکونت‌گزید.

توکل هروی به زبان‌های انگلیسی و آلمانی تسلط داشت و اولین اشعارش در روزنامه «اتفاق اسلام» منتشر شد. او بعدها آثار خود را در مجلات و روزنامه‌های مجاهدین در ایران، پاکستان و آلمان منتشر کرد.

آثار عبدالجبّار توکل هروی عبارت‌اند از: دیوان اشعار توکل هروی، ۱۹۹۶، ایران؛ عشقی بر ویرانه‌ها، ۱۹۹۷؛ از لحظه‌های غربت، آلمان؛ آوای غروب، ۲۰۰۹، هرات.
نمونه شعری از وی که این‌جا آورده شده با عنوان «بشر»، نمایانگر سبک و محتوای آثار شاعر است.

بشر

باز خورشید نتابید امروز	باز شب آمد و مهتابی نیست
باز غم خانه دل را پُر کرد	باز چشمان مرا خوابی نیست
آسمان رخت عزا کرده به تن	اختران خسته و بی‌رنگ و خموش
کهکشان تیره و تار از هرسو	مانده زاغِ فلک از جوش و خروش

عبدالله شفیقی (۱۹۳۴-۲۰۲۰)

عبدالله شفیقی که گفته می‌شود از نواده‌گان ابوسعید ابوالخیر است، در سال ۱۹۳۴ میلادی در هرات متولد شد. نام پدرش فیض محمد بود. شفیقی علاوه بر آموزش‌های رسمی در هرات، از استادان برجسته‌ی همچون سلجوقی و غوری نیز دروس خصوصی فراگرفته و دانش خود را پرورش داد.

پس از پایان تحصیل، شفیقی در هرات به معلمی پرداخت. پس از به‌قدرت رسیدن کمونیست‌ها در افغانستان و فشارهایی که بر او وارد شد، از معلمی کناره‌گیری کرد و مدتی در هرات به کتاب‌فروشی مشغول شد و سپس به ایران مهاجرت کرده و در شهر مرزی تایباد سکونت‌گزید. عبدالله شفیقی در سال ۲۰۲۰ میلادی درگذشت.

شفیقی که به زبان عربی مسلط بود، از عربی به فارسی ترجمه‌هایی نیز انجام داده‌است. آثار عبدالله شفیقی عبارت‌اند از: نغمه‌ نخست، یک صد ترانه؛ رساله‌ زکات؛ پدیده‌ها؛ همسران پاک دامن پیامبر و حکمت تعدادشان؛ راهنمای نماز؛ معلم نماز؛ تمهید در تجوید؛ حاشیه و تشهید عقایدنامه جامع؛ اشعار و آثار پراکنده دیگر^۱.

مثال شعر شفیقی که در این جا آورده شده‌است، با عنوان «شب یلدا»، نشان‌دهنده سبک شعر و محتوای آثار شاعر می‌باشد.

شب یلدا

هر شبی بر ما شب یلدا گذشت	شام یلدا آمد و شب‌ها گذشت
در چمن صد غارت و یغما گذشت	نرگس مستش به پاکرد انقلاب
بلبل از افغان و از غوغا گذشت	دفتر رنگین گل بر باد شد
اشک و خون از دامن صحرا گذشت	گشت میهن سال‌ها ماتم‌سرا

محمد نادر خرم (۱۹۳۵ - ۲۰۱۷)

محمد نادر خرم، در سال ۱۹۳۵ میلادی در بغلان به دنیا آمد. نام پدرش میر نوراحمد بود و خرم آموزش‌های ابتدایی و متوسطه‌اش را در زادگاهش به پایان رساند. تا پیش از به‌قدرت رسیدن حکومت کمونیست، خرم به کارهای شخصی خود مشغول بود. پس از حمله روس‌ها به افغانستان، به ریاست شورای فرهنگی جبهه ملی آزادی بخش افغانستان

۱. پهلوان، چنگیز (به کوشش). نمونه‌های شعر امروز افغانستان. تهران: بنیاد نیشابور، ۱۳۷۱. ص ۱۵۷

منصوب شد. او امور انتشاراتی گروه را مدیریت می‌کرد و در نشریات مجاهدین وظایف مختلفی داشت. خرم در حکومت مؤقت مجاهدین در پاکستان به وزارت صحت منصوب شد. با روی کار آمدن حکومت مجاهدین در سال ۱۹۹۲ میلادی، او در دولت مجددی و سپس در دولت ربانی به عنوان وزیر دولت و وزیر اقتصاد خدمت کرد. بعداً به اروپا مهاجرت کرده و در ناروی ساکن شد. محمنداندر خرم در سال ۲۰۱۷ میلادی درگذشت.

خرم شاعر و داستان‌نویس بود و اشعار و داستان‌های او در نشریات مختلف افغانستان و همچنین در نشریات مجاهدین در پاکستان منتشر شده است. آثار او عبارت‌اند از: «دختر زرگر» و «شاه مرجان» (شعر)، ۲۰۰۵، کابل؛ و «زنده‌گی آواره‌گان در پاکستان» (داستان)^۱. نمونه‌یی از سبک و محتوای شعر خرم، شعر «اسرار کرامت» است که در این جا آورده شده است.

اسرار کرامت

آن چشم سیاه امشب مهمان خرابات است	نوری ست درین محفل خورشید سماوات است
حسنی ست کزان خیزد شور و طرب و مستی	آیات خداوندی در عالم اثبات است
غافل مشو از حکمت هر جا که نظرداری	این پرتوروحانی اسرار کرامات است
گر راز برون‌افتد معذور بدار ای دوست	دام که بگفتی راست، پاداش مجازات است

عبدالرووف پاییز حنفی (۱۹۳۷-۱۹۷۹)

عبدالرووف پاییز، با تخلص «حنفی»، در سال ۱۹۳۷ میلادی در کابل به دنیا آمد. نام پدرش عبدالحکیم بود و آثارش را با نام پاییز حنفی منتشر می‌کرد. به دلیل شغل پدرش، نتوانست به مکتب برود و با آموزش خصوصی دانش خود را پرورش داد. بعداً در انستیتوت گوتته کابل آموزش زبان آلمانی دید و در همین زمان با شرکت در امتحانات آزاد، از لیسه فارغ شد.

از سال ۱۹۵۵ میلادی، عبدالرووف پاییز حنفی مسئولیت‌های مختلفی برعهده گرفت و در سال ۱۹۶۲ میلادی در افغانستان بانک در کابل مشغول به کار شد. او مدتی به دلایل سیاسی مجبور به ترک کار شد و در سال ۱۹۷۹ میلادی وفات یافت.

اولین شعرهای پاییز در سال ۱۹۶۵ میلادی در روزنامه اتحاد اسلام منتشر شد. آثار عبدالرووف عبارتند از: عجب و رجب، کابل؛ تبسم، کابل؛ نیلوفر، کابل؛ نهفته، ۱۹۲۶، کابل؛ سپیده‌بریش (شعرهای فارسی و پشتو)، ۱۹۶۷، کابل؛ گنجی از سخن، ۱۹۶۷، کابل؛ سروده‌های

۱. صابری هروی، سیدجلیل. شعرای عصر حاضر افغانستان، جلد اول. کابل: نشر نوند، ۱۳۸۹، ص ۸۰۶.

محلی، ۱۹۶۷، کابل؛ لبخند، ۱۹۶۸، کابل؛ ندا، ۱۹۶۹، کابل؛ برگ، ۱۹۷۰، کابل؛ نگین آلمان، ۱۹۷۲، کابل؛ ندای کودک، ۱۹۷۴، کابل؛ جبران شکست، ۱۹۷۵، کابل؛ فریب دوستانه، ۱۹۷۵، کابل؛ دشلمه، ۱۹۷۶، کابل؛ جرس، ۱۹۷۶، کابل؛ تحفه^۱.

به نظر می‌رسد پاییز حنفی شعرهایش را به سبک کلاسیک سروده است. شعری که به عنوان نمونه در این جا آورده شده است، نمایانگر سبک و محتوای اشعار شاعر می‌باشد.

لعل تو شکرپار و مرا موی چو شیراست	آمیزش شیر و شکر از دیر شهیراست
جز از پی تعظیم تو قامت نکم خم	قدی که به پیش تو کمان است چو تیراست
تا هست جهان نقش تجلای تو زیباست	تا جان بودم لوح دلم نقش پذیراست

شیراحمد نصری حق شناس (۱۹۳۸ - ۲۰۱۸)

شیراحمد نصری با تخلص «حق شناس»، در سال ۱۹۳۸ میلادی در پنجشیر زاده شد. پدرش نصرالله خان بود. آموزش ابتدایی را در پنجشیر و متوسطه را در کابل به پایان رساند. او از دانش‌کده ادبیات دانشگاه کابل در رشته روزنامه‌نگاری فارغ‌شد و در سال ۱۹۶۵ میلادی برای تحصیلات عالی به ایران رفت و در دانشگاه تهران ابتدا کارشناسی ارشد و سپس در سال ۱۹۷۰ میلادی دکترا را به پایان رساند و به کشورش بازگشت.

مدتی در مشاغل مختلف دولتی فعالیت کرد و در سال ۱۹۷۲ میلادی برای آموزش زبان انگلیسی به استرالیا رفت. پس از بازگشت به افغانستان، مدیر مجله لمر شد و سپس به عنوان مدیر عمومی امور مطبوعاتی وزارت اطلاعات و فرهنگ منصوب گردید. همچنین در سفارت افغانستان در ژنوی و جاکارتا فعالیت داشت. در سال ۱۹۸۰ میلادی افغانستان را ترک کرد و به پاکستان مهاجرت نمود. شیراحمد نصری در سال ۲۰۱۸ میلادی درگذشت.

حق شناس به عنوان شاعر، نویسنده و پژوهش‌گر شناخته می‌شود. آثار او عبارت‌اند از: صبغه ادبی؛ دوره غزنویان؛ دسایس و جنایت روس در افغانستان، ۱۹۸۴ تهران، ۱۹۸۹ پاکستان؛ هند پایگاه سیاسی و نظامی روس، ۱۹۸۹ آلمان؛ تصویر روس در آینه تاریخ، ۱۹۸۷ آلمان؛ تحولات سیاسی جهاد افغانستان، ۱۹۸۶ آلمان، ۱۹۹۸ هلند؛ انگیزه‌های اقتصادی روس در افغانستان.

شعرهای او بیشتر به موضوعات جنگ، جهاد و مقاومت می‌پردازند^۲. شعری که در این جا به عنوان نمونه ذکر شده است با عنوان «دختر آگاه افغان» مربوط به اعتراض دانش‌آموزان دختر

۱. صابری هروی، سید جلیل. شعرای عصر حاضر افغانستان، جلد اول. کابل: نشر نوند، ۱۳۸۹. ص ۴۳۵-۴۳۶.

۲. صابری هروی، سید جلیل. شعرای عصر حاضر افغانستان، جلد اول. کابل: نشر نوند، ۱۳۸۹. ص ۷۳۴-۷۳۵.

دانش‌گاہ کابل است و نمونه‌یی از سبک و روش شعری حق‌شناس به‌شمار می‌رود.

دختر آگاه افغان

<p>ساختی نیروی رزم ما دوچندان، آفرین نفرت‌کردی بیان با خشم و عصیان، آفرین نعره‌ات کاخ کرملن را لرزاند، آفرین در قبال اشک پاکت هست طوفان، آفرین درس مردی و شجاعت را به‌مردان، آفرین</p>	<p>آفرین ای دختر آگاه افغان آفرین در پی تسخیر کشور از سوی روس پلید از غریوت انفس و آفاق آمد در خروش شور و احساس تو باشد ساز و برگ انقلاب از قیام آتشین‌ات بی‌گمان آموختی</p>
--	--

محمدانور ترابی (۱۹۳۹ - ؟)

محمدانور ترابی، با تخلص ترابی، در سال ۱۹۳۹ میلادی در هرات متولد شد. او آموزش‌های ابتدایی خود را در مکتب محل خود به‌پایان رساند و در همان‌جا درس‌های قرآن کریم، دیوان حافظ، صرف و نحو، فقه و منطق را فراگرفت. پس از تکمیل آموزش‌های ابتدایی و متوسطه در هرات و کابل، در سال ۱۹۷۱ میلادی از دانش‌کده پزشکی دانش‌گاہ کابل فارغ شد.

برای ادامه تحصیلات تخصصی به روسیه رفت و در سال ۱۹۷۶ میلادی از آکادمی پزشکی نظامی سن پترزبورگ با درجه تخصص فارغ شد. بعد مدتی از برگشت، سپس برای دکترای پزشکی دوباره به روسیه رفت و در سال ۱۹۸۷ میلادی از همان آکادمی با مدرک دکتر فارغ شد.

پس از بازگشت به افغانستان، ترابی در بیمارستان‌های مختلف مشغول به کار شد. او مؤسس آکادمی پزشکی نظامی کابل بود و پس از تکمیل تحصیلات دکترای ریاست این آکادمی را برعهده گرفت. همچنین مدتی در دانش‌کده‌های پزشکی بلخ و هرات فعالیت کرد و بعدها به هالند مهاجرت نمود.

ترابی، شاعر و نویسنده‌ی چندزبانه بود و به انگلیسی، روسی و هالندی مسلط بود و مقالات متعددی به زبان‌های مختلف نوشت. آثار او عبارت‌اند از: اندیش‌مندان و دانش‌مندان علم طب، هرات؛ طب در گستره تاریخ، هرات؛ مجموعه اشعار.

نمونه‌یی از سبک و محتوای شعر او در این‌جا با عنوان «انجمن زنده دلان» ارائه شده است.

انجمن زنده دلان

از دفتر پُرفیض ادیبان اثری نیست
صدحیف که آواره شب را سحری نیست
پندار که این سوخته را بال و پری نیست
زان شاخه دریغا که دیگر بار و بری نیست

چندی ست که از محفل یاران خبری نیست
عمری ست شدم منتظر و یازنیامد
خواهم که به پرواز روم جانب میهن
چیدیم از آن باغ بسی حاصل شیرین

غلام حیدر حیدری و جودی (۱۹۳۹-۲۰۲۰)

غلام حیدر با تخلص های پنجشیری و حیدری و جودی، در سال ۱۹۳۹ میلادی در پنجشیر به دنیا آمد. نام پدر او شفیع الله پنجشیری بود. وجودی آموزش های ابتدایی خود را در زادگاهش به پایان رساند. او که در مدرسه ها دینی زادگاهش آموزش دید، به دلایل مختلف نتوانست آموزش رسمی خود را ادامه دهد و به همین دلیل تمرکز خود را بر مطالعه ادبی گذاشت و دانش خود را پرورش داد. در سال ۱۹۵۴ میلادی به کابل مهاجرت کرد و در وزارت معارف مشغول به کار شد. او در سال ۱۹۶۴ میلادی در کتابخانه عامه کابل مشغول به فعالیت شد. غلام حیدر در سال ۲۰۲۰ میلادی در کابل درگذشت.

اشعار او از سال ۱۹۵۹ میلادی در مجلات مختلف منتشر شد و او در سال ۱۹۶۴ میلادی به جمع شاعران پیوست. این شاعر و روزنامه نگار که دوبار در حوزه مطبوعات موفق به دریافت جایزه اول و دوم شد، آثار زیر را به جای گذاشت: عشق و جوانی، ۱۹۷۰، کابل؛ رهنمای پنجشیر، ۱۹۷۲، کابل؛ سالی در مدار نور، کابل؛ نقش امید؛ لحظه های سبز بهار، ۱۹۸۵، کابل؛ کابل مادر، ۱۹۷۱، کابل؛ ندای جمهوریت، ۱۹۷۴، کابل؛ آیینة تجلی، ۱۹۷۵، کابل^۱.

نمونه شعری از جودی با عنوان «بهار» که در این جا آورده شده، سبک و محتوای شعر او را نشان می دهد.

بهار

من سبزه زارم سبزه زار، از لطف باران بهار
شاد و شکوفان گشته ام، از ابر نیسان بهار
بر من تجلی کرده است مهر زر افشان بهار
روییده بی صاحب دلان، گل های خندان بهار

دشت وجودم تازه شد، جام به قربان بهار
از سر گرفتم زنده گی، بالنده گی پاینده گی
روشن شدم، گلشن شدم، چون وادی ایمن شدم
در سینه پرداغ من از فیض عشق جاودان

۱. صابری هروی، سید جلیل. شعرای عصر حاضر افغانستان، جلد اول. کابل: نشر نوند، ۱۳۸۹. ص ۷۷۲-۷۷۳.

مولانا خال محمد خسته (۱۹۰۲ - ۱۹۷۳)

مولانا خال محمد خسته، با تخلص خسته، در سال ۱۹۰۲ میلادی در تاجیکستان به دنیا آمد، جایی که پدرش - رستم پنجشیری - به دلیل تبعید در آنجا اقامت داشت. خسته به عنوان پژوهشگر، نویسنده و شاعر شناخته می‌شود. وقتی کودک بود، همراه خانواده‌اش به بخارا مهاجرت کرد و در بخارا، درس‌هایی همچون فارسی، صرف و نحو عربی، خطاطی و قرآن کریم را نزد پدرش فراگرفت. در سال ۱۹۲۳ میلادی برای ادامه تحصیل به هند رفت و در آنجا با محمد اقبال ملاقات کرد. در سال ۱۹۳۶ میلادی به کشورش بازگشت و در مزار شریف به تدریس پرداخت. خسته در سال ۱۹۴۸ میلادی به عنوان نماینده بلخ در مجلس حضور یافت. در سال ۱۹۵۳ میلادی در کتاب‌فروشی ابن سینا به عنوان فروشنده، مشغول به کار شد و در سال ۱۹۵۶ میلادی در کابل کتاب‌فروشی خود را افتتاح کرد. در سال ۱۹۶۵ میلادی همراه با خلیلی نشریه «وحدت» را منتشر کرد و در نهایت در سال ۱۹۷۳ میلادی در کابل درگذشت.

اشعار و نوشته‌های خسته در نشریه «وحدت» منتشر شده است. او با اثر خود «معاصرین سخنور» که به عنوان تاریخ ادبیات معاصر افغانستان نوشته شده، به یکی از چهره‌های برجسته تاریخ ادبیات افغانستان تبدیل شده است. آثار خسته عبارتند از: «خمستان» ۱۹۳۵ دهلی؛ «رمز حیات» ۱۹۳۶ دهلی؛ «معاصرین سخنور» ۱۹۶۰ کابل؛ «افکار خسته»؛ «فریاد خسته» (شعر)؛ «بوقلمون» (شعر)؛ «مرزیات» (شعر)؛ «دبستان فیض» (شعر)؛ «نفوذ دانش» (شعر) (۵۳ شاعر فارسی‌گوی در هند)؛ «شعر منثور»؛ «مقالات»؛ «کلمات»؛ «حکمت آیات»؛ و «سیر النبی» (ترجمه پشتو).^۱

شعر نمونه او با عنوان «آدم بی پول» نشان‌دهنده سبک و محتوای شعر خسته است.

آدم بی پول

می‌رسد یا دست کوتاهم به دامان امید	خسته یا که می‌شود پیراهنم بر تن کفن
ناامیدی کفر اندر ملت انسانی است	عاقبت از جاده بر جاه سلف خواهد رسید
مایه عمری اگر چه در تلف خواهد رسید	عاقبت دامان مطلب هم به کف خواهد رسید
زنده‌گی مرده‌دلان و حیوانات یکی ست	هستی بی‌خیر از خویش و جمادات یکی ست

۱. خسته، خال محمد. معاصرین سخنور. چاپ دوم. پشاور: انجمن نشراتی دانش، ۱۳۸۶. ص ۷؛ صابری هروی، سید جلیل.

شعرای عصر حاضر افغانستان، جلد اول. کابل: نشر نوند، ۱۳۸۹. ص ۸۱۳-۸۱۸.

واصف باختری (۱۹۴۱ - ...)

محمدشاه واصف باختری ادیب، نویسنده، شاعر، مترجم و اندیش‌مند، در سال ۱۹۴۱ میلادی در مزار شریف، مرکز استان بلخ، به دنیا آمد. او قرآن کریم و علوم اولیه را از پدرش فراگرفت و در سن هفت سالگی از صنف سوم وارد مکتب شد. در سال ۱۹۶۲ میلادی دیپلم خود را از لیسه حبیبیه کابل دریافت کرد و در سال ۱۹۶۶ میلادی از دانش‌کده زبان و ادبیات فارسی دانشگاه کابل فارغ‌شد. واصف باختری در سال ۱۹۷۴ میلادی برای ادامه تحصیل به امریکا رفت و در سال ۱۹۷۶ میلادی از دانش‌گاه کلمبیا در رشته علوم تربیتی مدرک فوق‌لیسانس دریافت کرد و به افغانستان بازگشت. او فعالیت دولتی خود را در سال ۱۹۶۶ میلادی در وزارت معارف، ریاست تألیف و ترجمه، بخش فارسی آغاز کرد و حدود پانزده سال مسئول تهیه کتاب‌های درسی بود. پس از بازگشت از آمریکا در سال ۱۹۷۶، تا سال ۱۹۷۸ میلادی که بازنشست شد، به کار خود ادامه داد. پس از یک سال زندان، در سال ۱۹۸۱ به سمت مسئول تحریریه نشریه «ژوندون» که ارگان انجمن نویسندگان افغانستان بود، منصوب شد و تا سال ۱۹۸۲ میلادی به عنوان سردبیر همان نشریه فعالیت کرد.

واصف باختری همچنین در نهادهای فرهنگی مختلف از جمله موسسه فرهنگ افغانستان، موسسه ناصر خسرو، انجمن فرهنگی خوشحال‌خان و هیئت مدیره اتحادیه خبرنگاران افغانستان عضویت داشته است. از سال ۱۹۸۲ تا ۱۹۹۵ میلادی، وی به عنوان دبیرکل بخش شعر و سردبیر نشریه «ژوندون» در انجمن نویسندگان افغانستان فعالیت کرد و در سال ۱۹۹۶ میلادی به پاکستان مهاجرت نمود. سپس از سال ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۱ میلادی در پاکستان زنده‌گی کرد و در سال ۲۰۰۱ میلادی به آمریکا مهاجرت کرده و در کالیفرنیا اقامت‌گزید و تاکنون در آمریکا سکونت دارد.

واصف باختری بیش از بیست اثر در حوزه شعر، ترجمه، پژوهش‌های ادبی و فلسفی و ترجمه شعر منتشر کرده است. وی به عربی و انگلیسی مسلط است و علاوه بر ترجمه مقالات و شعر از انگلیسی به فارسی، تعداد زیادی شعر و داستان را از فارسی به انگلیسی ترجمه کرده است. اشعار او به انگلیسی، روسی، چکی و آلمانی ترجمه شده‌اند.

آثار واصف باختری عبارتند از: میعاد تاهرگز؛ آفتاب نمی‌میرد؛ استوره بزرگ شهادت (ترجمه)؛ از این آیین بشکسته تاریخ؛ دیباچه‌یی در فرجام؛ دروازه‌های بسته تقویم؛ در استوای فصل شکستن؛ تا شهر پنج‌ضلعی آزادی؛ مویه‌هایی اسفندیار گمشده؛ بیان‌نامه وارثان زمین (طنز)؛ نردبان اشعار؛ سرود و سخن در ترازو؛ گزارش عقل سرخ؛ درنگ‌ها و پیرنگ‌ها؛ شعر و عناصر سازنده آن؛ فراز و فرود شعر معاصر دری؛ در غیاب تاریخ^۱.

۱. خراسانی، شجاع‌الدین. شعر معاصر دری. چاپ دوم. کابل: امیری، ۱۳۹۱. ص ۱۱۲؛ پهلوان، چنگیز (به کوشش). نمونه‌های

شعر امروز افغانستان. تهران: بنیاد نیشابور، ۱۳۷۱. ص ۲۶ - Erişim Tarihi: wasefbakhtari.com, ۱۳۲/۲۰۲۱

باتوجه به شکل و محتوا، واصف باختری به سبک مدرن شعر می‌سراید. نمونه‌هایی از آثار او، اشعار «با چراغ سرخ» و «فاجعه» هستند که سبک و محتوای شعری وی را به خوبی نشان می‌دهند.

با چراغ سرخ

درین عبور غریبانه کس نمی‌داند
 و یا نمی‌دانم
 درین عبور غریبانه کس نمی‌دانست
 که این خموش سخن‌گو هم‌اره و همه‌جا
 چه سال‌های دراز
 چه سال‌های شگرف
 چه زیر تابش مهر
 چه زیر پردهٔ برف
 سرود کوچ و نوای گذار بر لب داشت
 و یا ترانه‌پی است
 کسی نمی‌دانست؟
 که این غریب سخن‌گو هم‌اره و همه‌جا
 ز درد لحظه پدروود هیچ‌گه هم‌اره و همه‌جا

فاجعه

به سرنوشت غم‌آلود دانه‌های انار
 دلم، چو هیمه میان تنور، می‌سوزد
 که هرکه دست فرابرد
 پی رهندن شان از شکنج پرده و پوست
 نخست پیکرشان را میان مشت فشرد
 سپس یکایک را
 به شادمانی خورد

سید فضل احمد پیمان سوگوار (۱۹۴۱-۲۰۱۸)

سید فضل احمد پیمان که در شعرهایش از تخلص های «پیمان» و «سوگوار» استفاده کرده است، در سال ۱۹۴۱ میلادی در هرات به دنیا آمد. نام پدرش نورالدین بود و آموزش های ابتدایی و متوسطه اش را در هرات به پایان رسانید.

بعد از فراغت، در محکمه بادغیس به حیث مأمور شروع به کار کرد. با هجوم روس ها بر افغانستان، پیمان کشور را ترک کرده و در سال ۱۹۸۰ میلادی به ایران مهاجر شد. در دوران اقامتش در ایران، در صف جنگ علیه روس ها حضور داشت. پس از تغییر نظام در افغانستان، دوباره به وطن برگشته و در هرات ساکن گردید. پیمان در ۲۰۱۸ میلادی در هرات درگذشت.

پیمان از هجده ساله گی به سرایش شعر آغاز کرده بود. در جریان جنگ، در بادغیس مجله یی به نام «فروغ انقلاب» را به نشر رسانید. شعرهای او در مجلات مربوط به مجاهدین در ایران و پاکستان به چاپ رسیده است. پیمان یکی از چهره های برجسته شعر مقاومت افغانستان به شمار می رود. آثار پیمان قرار ذیل است: شمع شهیدان (۱۹۸۶، ایران) و نوای آزادی^۱. شعری که در این جا به عنوان نمونه آورده شده است، نمایان گر سبک و محتوای سروده های این شاعر است.

الهی شهر مسکو در بگیرد	تزار کهنه و نو در بگیرد
به هرجا هست آثار کمونیزم	به سان تیل مندو در بگیرد
قوای ببرک و روس حرامی	رسیده تا به قشلاق ندامی
هلا بشتاب در سنگر مجاهد	شهادت هست بهتر از غلامی

خدیده بلخی (۱۹۴۱-۲۰۱۵)

خدیده بلخی، شاعر و نویسنده، در سال ۱۹۴۱ میلادی در شهر هرات به دنیا آمد. نام پدرش سید اسماعیل بلخی بود. خدیده بلخی آموزش های ادبیات عربی و فارسی و همچنان درس های فقه را نزد پدر و برادرش فراگرفت.

پس از به قدرت رسیدن کمونیست ها و کشته شدن برادرش، خدیده بلخی افغانستان را ترک کرده و به ایران مهاجر شد. او در شهر مشهد به مجاهدین پیوست و به فعالیت های سیاسی پرداخت. در سال ۱۹۸۱ میلادی، در مشهد همراه با خواهرش «انجمن ارشاد اسلامی زنان افغانستان» را تأسیس کرد. خدیده بلخی در ایران به نمایندگی از زنان مهاجر افغانستان در نشست ها و گردهمایی های متعدد اشتراک نمود. وی در سال ۲۰۱۵ میلادی درگذشت.

۱. صابری هروی، سید جلیل. شعری عصر حاضر افغانستان، جلد اول. کابل: نشر نوند، ۱۳۸۹. ص ۵۱۰؛ پهلوان، چنگیز (به کوشش). نمونه های شعر امروز افغانستان. تهران: بنیاد نیشابور، ۱۳۷۱. ص ۷۵.

اشعار و نوشته‌های خدیجه بلخی در مجلات و روزنامه‌های مربوط به مهاجرین افغانستان در ایران به چاپ رسیده است.^۱ شعر او با عنوان «پیام مجاهد» که در این جا به عنوان نمونه آورده شده است، هم بازتاب دهنده فضای ادبی آن زمان است و هم نشان دهنده سبک و محتوای سروده‌های این شاعر می‌باشد.

پیام مجاهد

هله ای خواهر افغان به پا خیز	روا نبود ترا اتلاف ساعات
پی تحصیل و ترویج شریعت	تلاش و کوشش تو است طاعات
چو صرف عمر در خدمت نمایی	برآید در دو عالم از تو حاجات
ز نادانان و از جهال بگریز	که با شرع تو دارد بس منافات
بیا امروز دست هموطن گیر	کمک بر بی‌نوا باشد عبادات

محمدعارف پژمان (۱۹۴۶-...)

محمدعارف پژمان، شاعر و داستان‌نویس، در سال ۱۹۴۶ میلادی در شهر هرات زاده شد. آموزش ابتدایی، متوسطه و لیسه را در زادگاهش هرات به پایان رسانید. پس از فراغت از رشته ژورنالیسم در دانش‌کده ادبیات و علوم بشری دانشگاه کابل، در سال ۱۹۷۵ میلادی برای ادامه تحصیل به ایران رفت و در رشته زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه تهران ماستری خود را به پایان رسانید. پژمان بعد از بازگشت به افغانستان مدتی به کار مشغول بود، سپس برای ادامه تحصیلات دوباره به تهران رفت و در دانش‌گاه تهران در رشته زبان و ادبیات فارسی به درجه دکترا دست یافت. در سال ۱۹۷۸ میلادی به افغانستان برگشته و در دانش‌کده ادبیات دانشگاه کابل به حیث استاد در بخش زبان و ادبیات فارسی آغاز به کار نمود.

با شروع جنگ‌های داخلی در سال ۱۹۹۲ میلادی، پژمان به هرات بازگشت و از آن جا به مشهد مهاجرت کرد. او پس از اخذ دکترا به شهر بندرعباس رفته و در دانش‌گاه به حیث عضو هیأت علمی تدریس نمود. در سال ۲۰۰۲ میلادی به کانادا مهاجر شد و در شهر انتاریو اقامت گزید. پژمان به عنوان ادیب، شاعر، بی‌دل‌شناس، داستان‌نویس و پژوهشگر شناخته می‌شود. او علاوه بر سرایش شعر و نگارش داستان، مقالات تحقیقی ادبی نیز به رشته تحریر درآورده است. آثار پژمان از این قرار است: آزاده‌گان (۱۹۸۵)، کابل، انجمن نویسندگان افغانستان؛ شناخت

۱. صابری هروی، سید جلیل. شعرای عصر حاضر افغانستان، جلد اول. کابل: نشر نوند، ۱۳۸۹. ص ۲۸۵-۲۸۶.

هنر شاعری میرزا عبدالقادر بیدل (دانشگاه هرمزگان، ایران).^۱
پژمان هم در قالب کلاسیک و هم در سبک مدرن شعر سروده است. نمونه شعری با عنوان «دل تنگی» که در این جا آورده شده، بازتاب دهنده سبک و محتوای سروده های این شاعر می باشد.

دل تنگی

پدر را روزگاری پیش،
عیدی بود و نوروزی
تو می دیدی پدر، آن روزها
بسیار می خندید
پدر زود از خیابان خانه برمی گشت
به دستش مرغ و ماهی بود
گل و نقل و نبات مهربانی را
نثار مقدمت می کرد
پدر، نوروز، روی سفره گسترده در خانه
سرودی تازه سرمی کرد
پدر با سفره نوروز رازی داشت

لطیف ناظمی (۱۹۴۶- ...)

لطیف ناظمی، استاد دانشگاه و شاعر، در سال ۱۹۴۶ میلادی در شهر هرات به دنیا آمد. آموزش های ابتدایی خود را در محیط خانواده فراگرفت و در سال ۱۹۶۵ میلادی از لیسه هرات فارغ شد. سپس در سال ۱۹۶۹ میلادی از رشته زبان و ادبیات فارسی دانش گاه کابل سند فراغت به دست آورد.

او مدتی در ترکیه در شهر استانبول زنده گی کرد و پس از آن به آلمان مهاجر شد و در شهر برلین اقامت گزید. ناظمی در سال های ۱۹۸۲ تا ۱۹۸۴ میلادی در دانش گاه هومبولت آلمان به عنوان

۱. صابری هروی، سید جلیل. شعرای عصر حاضر افغانستان، جلد اول. کابل: نشر نوند، ۱۳۸۹. ص ۴۷؛ پهلوان، چنگیز (به کوشش). نمونه های شعر امروز افغانستان. تهران: بنیاد نیشابور، ۱۳۷۱. ص ۴۵.

استاد زبان و ادبیات فارسی تدریس نمود. پس از آن، به شهر فرانکفورت نقل مکان کرد و در رادیوی دویچه وله (DW) به کار آغاز کرد.

ناظمی از کودکی به سرایش شعر پرداخته است. کتاب او با نام «میلاذ سبز» در سال ۱۹۷۵ میلادی برنده جایزه شعر گردید. او درباره تحقیقات ادبی و نقد ادبی مقالات فراوان نوشته است. از آثار ناظمی می‌توان این‌ها را نام برد: میلاذ سبز، سایه و مرداب^۱. شعری از او با عنوان «پرنده‌های مهاجر» که در این جا به عنوان نمونه آورده شده است، بیانگر سبک شعری و محتوای سروده‌های او می‌باشد.

پرنده‌های مهاجر

شب تولد میخک بود
 به گوش پنجره باران سرود غم می‌خواند
 که خواب سبز شکفتن را،
 چرا به باغچه‌های بلوغ آشفتمند
 شب تولد میخک بود
 شنیدم این که سحر از نسیم می‌پرسید:
 در این دیار غبارین شب چه می‌جویی
 که پابرهنه شب و روز خویش در سفری؟

رفعت حسینی (۱۹۴۹-...)

رفعت حسینی، در سال ۱۹۴۹ میلادی در شهر کابل به دنیا آمد. نام پدرش محمد داوود بود. آموزش‌های ابتدایی و متوسطه‌اش را در کابل به پایان رسانید و از لیسه حبیبیه فارغ‌گردید. در سال ۱۹۷۱ میلادی از دانش‌کده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه کابل سند فراغت گرفت. سپس در سال‌های ۱۹۷۷ تا ۱۹۷۸ میلادی با اخذ بورس به استرالیا رفت و تحصیلات عالی خویش را ادامه داد.

حسینی پس از بازگشت از استرالیا در دانشگاه کابل به کار آغاز کرد. او علاوه بر تدریس، عضویت هیأت اجراییه مرکزی اتحادیه نویسندگان افغانستان و مسئولیت بخش شعر آن

۱. پهلوان، چنگیز (به کوشش). نمونه‌های شعر امروز افغانستان. تهران: بنیاد نیشابور، ۱۳۷۱. ص ۲۶۵.

اتحادیه را نیز برعهده داشت.

شعرهای حسینی در کشورهای مختلف از جمله افغانستان، ایران، آلمان، استرالیا و اتحاد شوروی سابق به چاپ رسیده است. از آثار او می‌توان این‌ها را نام برد: تصویر صدا (۱۹۸۳، کابل)، در بی تو بودن (۱۹۸۶، کابل)، اتحادیه نویسندگان افغانستان، و ذهن زخمی باد (۱۹۹۴، برلین، آلمان).^۱

شعری از او با عنوان «نور را باورکنیم» که در این جا به عنوان نمونه آورده شده، بازتاب دهنده سبک و محتوای سروده‌های این شاعر می‌باشد.

نور را باور کنیم

شب که می بارد و می بارد باران

می گوید

قصه‌های غم و تنهایی آدم‌ها را

در گوش زمین

شب که می بارد و می بارد باران

می توان نیز شنید:

زنده‌گی را نکشیم

نور و سبزی و طراوت را

باور بکنیم

اسحاق دل جو حسینی (۱۹۴۹- ...)

اسحاق دل جو با تخلص «حسینی» در سال ۱۹۴۹ میلادی در شهر هرات به دنیا آمد. نام پدرش سیدقاسم بود. دل جو به عنوان شاعر، نویسنده و سیاست مدار شناخته می‌شود. آموزش ابتدایی و متوسطه‌اش را در هرات به پایان رسانید و سپس برای ادامه تحصیل به کابل رفت. او در سال ۱۹۶۹ میلادی در کابل به سازمان جوانان مسلمان افغانستان پیوست. پس از مدتی زندانی شدن، در سال ۱۹۷۴ میلادی از دانش‌کده ادبیات و علوم اجتماعی دانش‌گاه کابل فارغ‌گردید.

۱. پهلوان، چنگیز (به کوشش). نمونه‌های شعر امروز افغانستان. تهران: بنیاد نیشابور، ۱۳۷۱. ص ۷۱۹-۷۲۰.

بعد از فراغت، به تدریس پرداخت. پس از به قدرت رسیدن کمونیست‌ها، کشور را ترک گفت و به ایران مهاجر شد. مدتی در ایران اقامت داشت و سپس به پاکستان رفت. پس از به قدرت رسیدن خمینی در ایران، دل جو همراه با گروهی از دوستانش از پاکستان دوباره به ایران بازگشت و به دستور برهان‌الدین ربانی با خمینی دیدار کرد. در این دیدار، اجازه فعالیت برای جمعیت اسلامی در خراسان، سیستان و دیگر شهرها گرفته شد. دل جو در همین چارچوب در مشهد مجله‌یی به نام انقلاب اسلامی افغانستان را به نشر رسانید.

پس از تجاوز شوروی بر افغانستان، دل جو از حزب ربانی جدا شد و با تأسیس حزبی به نام البدر اسلامی افغانستان فعالیت سیاسی تازه‌یی آغاز کرد. او بعدتر به حزب اسلامی پیوست و مسؤولیت فعالیت‌های فرهنگی این حزب را در تهران به عهده گرفت. در همین دوران مجله راه حق را نشر می‌کرد. سپس به پاکستان رفت و علاوه بر فعالیت‌های فرهنگی، در دانش‌گاه دعوت و جهاد که متعلق به مجاهدین در پشاور بود، به عنوان استاد ادبیات تدریس نمود.

در سال ۱۹۹۳ میلادی به دعوت رییس دولت اسلامی افغانستان به کشور برگشت و مسؤولیت وزارت فرهنگ را به دست گرفت و همزمان در دانش‌کده ادبیات دانش‌گاه کابل تدریس نمود. دانش‌گاه کابل به او لقب پروفسوری اعطا کرد. او در زمان وزارت، واژه «کلتر» را از نام وزارت حذف و به جای آن «فرهنگ» را جایگزین ساخت. همچنین برای نخستین بار «بنیاد فرهنگ افغانستان» را تأسیس کرد و ریاست آن را برعهده داشت. با روی کار آمدن طالبان، افغانستان را ترک کرده و ابتدا به ایران و سپس به ناروی مهاجر شد.

دل جو در دوران حضورش در پاکستان و ایران نقش مهمی در گسترش هنر تیاتر در میان مجاهدین داشت.

از آثار او می‌توان این‌ها را نام برد: زمزمه‌های انقلابی اسلامی؛ آفتاب مشرق (۱۹۹۰، پشاور)؛ سفر به خورشید (۱۹۹۶، مالیزیا)؛ اهداف نبرد در خلیج فارس؛ فروریختن دیوار مارکسیزم؛ بازیگران کودتای ثور!

شعری از او با عنوان «آزادی» که در این جا به عنوان نمونه آورده شده است، بیانگر سبک و محتوای سروده‌های این شاعر است.

آزادی

من از پهنای درد و رنجت ای انسان،

سخن با صبر می‌گویم.

که مظلومی!

من از عمق تکلم های روح انقلابیت،
و از پیکار خون بار تو، با دژخیم بی انصاف، می گویم.
تو را این اولین بارت نمی باشد، که با دشمن درآویزی.
و نیز این آخرین بارت نخواهد بود.
که اندر صحنه پیکار می آبی.

محمدعلی جاوید (۱۹۵۰- ...)

محمدعلی جاوید فرزند محمدیونس، در سال ۱۹۵۰ میلادی در بلخ به دنیا آمد. او به عنوان شاعر و نویسنده شناخته می شود. آموزش ابتدایی و متوسطه اش را در زادگاه خود به پایان رسانید و در سال ۱۹۷۱ میلادی برای ادامه تحصیل به عراق رفت. در حوزه علمیة نجف آموزش دید، اما باتصمیم رژیم بعث مبنی بر اخراج محصلان غیرعراقی از نجف، ناگزیر عراق را ترک کرده و به ایران رفت.

جاوید در سال ۱۹۷۸ میلادی به حزب حرکت اسلامی افغانستان پیوست و در شهر قم ایران به حیث رییس شورای اجراییه حرکت اسلامی افغانستان، به فعالیت های سیاسی و فرهنگی پرداخت. سپس به پاکستان مهاجر شد و به عنوان سخن گوی حزب حرکت اسلامی افغانستان به کار ادامه داد. پس از به قدرت رسیدن مجاهدین، جاوید به حیث وزیر بودجه و پلان افغانستان تعیین گردید.

اشعار و نوشته های جاوید در مجلات متعدد وابسته به مجاهدین به نشر رسیده است. از آثار او می توان این ها را نام برد: فواید زیبایی؛ انقلاب اسلامی و تجاوز روس ها (۱۹۸۵، ایران)؛ ماتم گل ها (۱۹۹۶، کابل)؛ پروان؛ نظری به وهابیت؛ و تقریرات.^۱ شعری از او با عنوان «پرواز» که در این جا به عنوان نمونه آورده شده، نمایان گر سبک و محتوای سروده های این شاعر است.

پرواز

در کلبه غم تا سحر تنها نشستم چون لاله بر داغ دل صحرا نشستم
آن شب که از کام زمستان مرگ می ریخت مایوس گشتم در دل سرما نشستم

۱. صابری هروی، سید جلیل. شعرای عصر حاضر افغانستان، جلد اول. کابل: نشر نوند، ۱۳۸۹. ص ۵۸۵-۵۸۶.

شاهین اوج آسمان انقلابم
برگوشه بام هوس بی جان نشستم
بس رود خون جوشید تا دریای خون شد
برموج خشم آلود این دریان نشستم

محمد عاقل بیرنگ کوهدامنی (۱۹۵۱-۲۰۰۷)

محمد عاقل بیرنگ، مشهور به تخلص «کوهدامنی»، در سال ۱۹۵۱ میلادی در کوهدامن به دنیا آمد. پس از پایان آموزش‌های ابتدایی در زادگاهش، به بلخ و کابل رفت و آموزش‌های خود را ادامه داد. در سال ۱۹۷۳ میلادی به تهران رفت و در سال ۱۹۷۷ میلادی از رشته زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران فارغ شد. او از محصلان و استادانی همچون خانلری، زرین کوب و کدکنی بهره‌مند گردید.

بیرنگ در سال ۱۹۸۱ میلادی به افغانستان بازگشت و در دانشگاه کابل در بخش زبان و ادبیات فارسی به عنوان عضو هیأت علمی آغاز به کار کرد. سپس به تاجیکستان رفت و در تأسیس مجله پیوند که توسط شورای نویسندگان تاجیکستان منتشر می‌شد، نقش داشت. با به قدرت رسیدن مجاهدین در افغانستان، بیرنگ کشور را ترک کرده و به انگلستان مهاجر شد و درخواست پناهنده‌گی داد. او در لندن سکونت‌گزید و در سال ۲۰۰۷ میلادی در همان جا درگذشت. شعرهای بیرنگ در مجلاتی مانند نگین، سخن، رودکی، فردوسی، اطلاعات و همچنین در روزنامه‌های تاجیکستان و مجموعه طنین انقلاب در کابل به چاپ رسیده است. از آثار او می‌توان این‌ها را نام برد: اسلام بر شقایق (۱۹۸۰، تهران)؛ طلوع سبز شکفتن (۱۹۹۱)؛ اشراق واژه‌ها (کابل)؛ سفرنامه ترکمنستان (مسکو)؛ سرود صبح‌گاهی (اشعار آمریکای لاتین، ۱۹۸۴، کابل)؛ و فرهنگ آدم‌های شاهنامه (تاجیکستان)^۱. شعری از او با عنوان «گریه» که در این جا به عنوان نمونه آورده شده، بیانگر سبک و محتوای سروده‌های این شاعر است.

گریه

ای آسمان، به جای تو من گریه می‌کنم
هرگز بسان شمع نگریم میان جمع
تا بر مزار من گل یاد تو بشکند
چون مرغ پرشکسته وامانده در قفس
بر سبزه‌های خشک چمن گریه می‌کنم
ابرم، به کوه و دشت و دمن گریه می‌کنم
در تار و پود سرد کفن گریه می‌کنم
بر یاد خارخار وطن گریه می‌کنم

۱. صابری هروی، سید جلیل. شعرای عصر حاضر افغانستان، جلد اول. کابل: نشر نوند، ۱۳۸۹. ص ۴۲۰-۴۲۱.

سعادت ملوک تابش (۱۹۵۱-۲۰۱۰)

سعادت ملوک تابش، در سال ۱۹۵۱ میلادی در هرات به دنیا آمد. نام پدرش محمد مهدی احمدیان بود. تابش به عنوان شاعر و نویسنده شناخته می شود. آموزش های ابتدایی خود را در زادگاهش به پایان رسانید و از سال ۱۹۶۲ تا ۱۹۶۹ میلادی در لیسه آموزش دید. سپس در سال ۱۹۷۴ میلادی از دانش کده علوم ادبیات و علوم اجتماعی دانش گاه کابل فارغ گردید. پس از فراغت، به تدریس پرداخت. او به دلایل سیاسی بازداشت شد و پس از آزادی به ایران رفت. در سال ۱۹۷۹ میلادی به حزب وحدت اسلامی افغانستان پیوست.

شعر و نوشته های تابش در مجلات متعدد به چاپ رسیده است. از آثار او می توان این ها را نام برد: سرودهای مهاجر (۱۹۸۰، ایران)؛ دو راهی (۱۹۸۱، تهران)؛ حماسه انتظار (۱۹۸۱، تهران)؛ لحظه های طلوع (۱۹۸۱، ایران)؛ طور خونین؛ استعمار شوروی (۱۹۸۰، ایران)؛ آیا نهضت افغانستان اسلامی است؟ (۱۹۸۰، ایران)؛ چرا شوروی بر افغانستان حمله کرد؟ (۱۹۸۱، ایران)؛ جامعه شناسی سیاسی افغانستان (۱۹۸۱، ایران)؛ نموده های وابسته گی (۱۹۸۱، ایران)؛ نگارش بر رویدادهای هفتم ثور (۱۹۸۴، ایران)؛ نگاهی به قیام هرات (۱۹۸۳، ایران)؛ نگاهی به افغانستان امروز (۱۹۸۳، ایران)؛ ششم جدی در پرتو انقلاب اسلامی (۱۹۸۵، ایران).^۱

شعری از او با عنوان «سه» که در این جا به عنوان نمونه آورده شده است، بیانگر سبک و محتوای سروده های این شاعر می باشد.

سه

آه!

ای تراکم همه توفان ها

تبلور هنر عشق

شب ها به یاد بود خروش محبت

در پهنه تخیل و ایثار

در التهاب پُر هیجان زبان شعر

با اشک و داغ جشن دل انگیزی

می شود به پای

۱. صابری هروی، سید جلیل. شعرای عصر حاضر افغانستان، جلد اول. کابل: نشر نوند، ۱۳۸۹. ص ۵۲۲ - ۵۲۳.

نصرالله پرتو نادری (۱۹۵۲- ...)

نصرالله پرتو نادری، در سال ۱۹۵۲ میلادی در بدخشان به دنیا آمد. نام پدرش عبدالقیوم پرتو بود. نادری آموزش ابتدایی خود را در زادگاهش به پایان رسانید و در کودکی به توصیه پدر با اشعار ابوالمعانی بیدل آشنا شد. در مسجد محل قرآن کریم، پنج‌کتاب، بوستان و گلستان و دیوان حافظ را خواند.

در سال ۱۹۷۰ میلادی از انستیتوت تعلیم و تربیه کابل فارغ شد و در سال ۱۹۷۱ میلادی وارد دانش‌کده ساینس دانشگاه کابل در رشته بیولوژی گردید و در سال ۱۹۷۵ میلادی فارغ شد. پس از فراغت، در سال ۱۹۷۶ میلادی به عنوان معلم در بدخشان آغاز به کار کرد. دوسال بعد به لیسه حبیبیه کابل منتقل شد و سپس به عنوان رییس معارف بدخشان منصوب گردید، اما مدتی بعد به جوزجان تبعید شد. از سال ۱۹۸۴ تا ۱۹۸۷ میلادی به دلیل دیدگاه‌های آزادی خواهانه و ضد روسی بازداشت بود. پس از آن به پاکستان مهاجر شد و در پیشاور، در بخش فارسی بی بی سی با نام مستعار علی سینا به کار پرداخت.

در سال ۱۹۹۹ میلادی به دعوت بی بی سی به لندن رفت و دوره‌های زبان انگلیسی و ژورنالیسم را گذراند. در سال ۲۰۰۵ میلادی با دریافت بورس از دانشگاه آیووا، در آمریکا دوره نویسنده‌گی را گذراند. نادری از سال ۱۹۷۴ میلادی به سرایش شعر پرداخت و اولین شعرش در روزنامه بدخشان منتشر شد. در سال ۱۹۹۰ میلادی به کمیته مرکزی اتحادیه نویسندگان افغانستان انتخاب شد و مدتی بعد مدیر مجله نشراتی این اتحادیه، ژوندون، گردید. او با شعرهای منشور و آزاد خود، یکی از شاعران مهم معاصر افغانستان محسوب می‌شود. آثار نادری در مجلات پشتون ٹچ و ژوندون و دیگر مجلات افغانستان و ایران منتشر شده است.

وی ده‌ها جایزه دریافت کرده و از شاعران مدرن افغانستان با شناخت بین‌المللی به شمار می‌رود. تاکنون یازده کتاب شعر و صد و شصت و شش اثر پژوهشی و انتقادی منتشر کرده است. برخی از آثار او عبارت‌اند از: قفلی بر درگاه خاکستر (۱۹۹۰، کابل)؛ سوگنامه‌یی برای تاک (کابل)؛ آن سوی موج بنفش (۱۹۹۷، پیشاور)؛ دهان خون‌آلود آزادی (۲۰۰۵، تهران)؛ تصویر بزرگ؛ آینه کوچک (پیشاور)؛ لحظه‌های سربی تیرباران (کابل).^۱

شعری از او با عنوان «غنیمت» که در این جا به عنوان نمونه آورده شده، بیان‌گر سبک و محتوای سروده‌های نادری است.

۱. صابری هروی، سید جلیل. شعرای عصر حاضر افغانستان، جلد اول. کابل: نشر نوند، ۱۳۸۹. ص ۴۴۲-۴۴۳؛ پهلوان، چنگیز (به کوشش). نمونه‌های شعر امروز افغانستان. تهران: بنیاد نیشابور، ۱۳۷۱. ص ۲۵۹؛ خراسانی، شجاع‌الدین. شعر معاصر دری. چاپ دوم. کابل: امیری، ۱۳۹۱. ص ۱۲۷. - Erişim Tarihi: www.partawnaderi.com، ۲۰۲۱، ۱۵/۰۲/۲۰۲۱

غنیمت

همسایه ما دیروز
پرواز سیمرخ را در افق دید
و کارت نان گرفت
کارتش را دیدم
رنگ سبز داشت
و بوی امپریالیزم می داد
همسایه دست افشان می گفت

محمد حلیم تنویر (۱۹۵۳ - ...)

محمد حلیم تنویر، شاعر و نویسنده، در سال ۱۹۵۳ میلادی در کابل به دنیا آمد. آموزش های ابتدایی و متوسطه خود را در کابل به پایان رسانید و از لیسه حبیبیه فارغ گردید. او از دانش کده و علوم اجتماعی دانش گاه کابل در رشته خبرنگاری فارغ شد و سپس برای آموزش در زمینه برنامه سازی تلویزیونی به بلغارستان رفت.

تنویر پس از بازگشت به افغانستان، در دوره ای که در پاکستان بود، از طریق آموزش از راه دور رشته زبان و ادبیات فارسی را ادامه داد. مدتی بعد به هالند مهاجر شد و ابتدا در دانش گاه لیدن در رشته روابط بین الملل ثبت نام کرد و سپس در رشته تاریخ تحصیل نمود و در زمینه تاریخ غرب، دکترای خود را دریافت کرد.

پس از فراغت، به کشورش بازگشت و در بخش تلویزیون مشغول به کار شد. پس از کودتای کمونیست ها، دوباره به پاکستان مهاجر شد و با مجاهدین وابسته به حزب اسلامی افغانستان تحت رهبری حکمتیار همکاری نمود. از سال ۱۹۹۴ میلادی، تنویر مسئولیت مجله البدر که در اروپا منتشر می شد و به عنوان ارگان رسمی حزب اسلامی افغانستان شناخته می شد را، برعهده گرفت.

اولین داستان او در مجله ژوندون منتشر شد. آثار شعری و نوشتاری تنویر، به صورت عموم در مجله البدر و رسانه های وابسته به گروه حکمتیار و نیز در هالند منتشر شده اند. زبان مادری او پشتو است و آثارش هم به پشتو و هم به فارسی سروده شده است.

از آثار او می توان این ها را نام برد: تاریخ افغانستان (پاکستان)؛ تاریخ روزنامه نگاری (پاکستان)؛

کاشکی موتر می‌بودم؛ داستان باران (۱۹۹۱، هلند)؛ از شور بازار تا کالیفورنیا (۱۹۹۱، هلند)؛ حماسه کابل؛ رمان آواره‌گان؛ سرور هجرت؛ هر بی‌فرهنگ (۱۹۹۴، پاکستان)؛ زنان سخنور و نامور افغانستان (۲۰۰۱، پیشاور، پاکستان)؛ و شیون افسانه‌یی.^۱
شعری از او با عنوان «گریستم» که در این جا به عنوان نمونه آورده شده، بیان‌گر سبک و محتوای سروده‌های تنویر است.

گریستم

با اشک و آه و ناله و حرمان گریستم	امشب به یاد میهن افغان گریستم
بر درد و فقر مردم افغان گریستم	کشور به دست مردم نااهل چو درفتاد
غارتگران و ظلم بر انسان، گریستم	صدها هزار روس تجاوز به خاک کرد
با صدهزار مجاهد زندان، گریستم	سرها بریدند و چه خون‌ها که ریختند

جلیل شبگیر پولادیان (۱۹۵۵-...)

جلیل شبگیر پولادیان، ناشر و شاعر، در سال ۱۹۵۵ میلادی در تخار به دنیا آمد. آموزش‌های ابتدایی و متوسطه خود را در زادگاهش به پایان رسانید و در سال ۱۹۷۷ میلادی از دانش‌کده ادبیات و علوم اجتماعی دانش‌گاه کابل، رشته خبرنگاری فارغ‌شد.

پس از فراغت، در آکادمی علوم افغانستان به حیث کارشناس آغاز به کار کرد و مسؤول مجله باستان‌شناسی افغانستان شد. او همچنین مجله خراسان، ارگان بخش زبان و ادبیات آکادمی را منتشر نمود. پولادیان در سال ۱۹۸۵ میلادی یکی از مؤسسان کانون دوست داران مولانا جلال‌الدین بلخی بود که به صورت مخفیانه در کابل تأسیس شد.

در سال ۱۹۸۹ میلادی افغانستان را ترک کرد و به ترکیه مهاجر شد، سپس از ترکیه به آلمان رفت و در شهر هامبورگ اقامت گزید.

پولادیان با اشعار حافظ و نظامی که مادرش برایش می‌خواند، آشنا شد. شعرهایش به صورت عموم در مجلات ادبی افغانستان از جمله هرات و ژوندون به چاپ رسیده‌اند. تا سال ۱۹۸۱ میلادی، مقالات او در مجلات ادبی کابل و هرات منتشر شد و برخی از اشعارش در مجلات مجاهدین مانند شین و امروز چاپ گردید. او در سال ۱۹۸۹ میلادی جایزه نخست ادبیات حکیم ناصر خسرو بلخی را دریافت کرد.

۱. صابری هروی، سید جلیل. شعرای عصر حاضر افغانستان، جلد اول. کابل: نشر نوند، ۱۳۸۹. ص ۵۵۵-۵۵۶.

در هامبورگ، جایی که به عنوان مهاجر زنده گی می کرد، مسؤولیت مجله چراغ را برعهده گرفت. آثار او عبارت انداز: پدرودی با آفتاب؛ در اشراق پیوستن؛ سرود خراسانی؛ از حماسه تا پندار؛ فراز برج خاکستر (۱۹۹۵، آلمان)؛ افق فاجعه (۱۹۹۵)؛ حماسه برای کوه؛ در لحظه های غربت.^۱ شعری از او با عنوان «روز آزادی ما» که در این جا به عنوان نمونه آورده شده است، بیان گر سبک و محتوای سروده های پولادیان و نیز روح زمانه او می باشد.

روز آزادی ما

روز آزادی ما،

خون دهد غنچه و گل شاخه زند، لاله دمد.

ساغر سرخ شهادت کده خون شهید،

هفت دریا تپش باده صدساله دمد.

عبدالاحد تارشی (۱۹۵۶- ...)

عبدالاحد تارشی، فرزند ملاحمزه، در سال ۱۹۵۶ میلادی در میمنه به دنیا آمد. آموزش های ابتدایی و متوسطه خود را در زادگاهش به پایان رسانید و سپس وارد دانش کده شرعیات دانش گاه کابل شد، اما پس از مدتی تحصیلاتش ناتمام ماند. در سال ۱۹۷۷ میلادی برای تکمیل تحصیل به مدینه رفت.

در سال ۱۹۷۸ میلادی به پاکستان مهاجر شد و سردبیری مجلات صوت الجهاد و النفیرو العم را برعهده گرفت. او همچنین مدیریت کمیسیون فرهنگی جمعیت اسلامی افغانستان را برعهده داشت.

اشعار عبدالاحد تارشی در روزنامه فاریاب منتشر شده است. از آثار او می توان این ها را نام برد: از شرار درد تا خشم ایمان؛ هم سنگران پیامبر اسلام؛ نگاهی به اظهار آخر نجیب؛ وجود خدا؛ رهبران غرب می گویند؛ اخوت اسلامی؛ نقش عقیده در ساختن نسل ها؛ توطئه جدایی دین از دولت؛ اسلام و نشنلیزم؛ اسلام و تمدن جدید؛ حلال و حرام (ترجمه)؛ جرم قتل مسلمان (ترجمه)؛ راه ایمان (ترجمه، ۱۹۸۹، پیشاور).^۲

شعری از او با عنوان «لاله زار روان» که در این جا به عنوان نمونه آورده شده است، بیان گر سبک و محتوای سروده های تارشی می باشد.

۱. صابری هروی، سید جلیل. شعرای عصر حاضر افغانستان، جلد اول. کابل: نشر نوند، ۱۳۸۹. ص ۴۹۰-۴۹۱.

۲. صابری هروی، سید جلیل. شعرای عصر حاضر افغانستان، جلد اول. کابل: نشر نوند، ۱۳۸۹. ص ۵۳۴.

لاله زار روان

چوپا نهاد به درب زمان، بهار دگر
 ز بار داغ ندارد دلم توان تپش
 خزان درد به دل رخنه کرد بار دگر
 در آتش ست وطن، ای بهار، از گل سرخ
 خدای من، کرمی قلب بی قرار دگر
 چه حاجت ست بهار را به سبزه زار دگر؟
 چه حاجت ست بهار را به سبزه زار دگر؟

قهار عاصی (۱۹۵۶-۱۹۹۴)

قهار عاصی، از چهره‌های متفاوت شعر معاصر افغانستان، در سال ۱۹۵۶ میلادی در پنجشیر به دنیا آمد. آموزش‌های ابتدایی خود را در پنجشیر به پایان رسانید و سپس همراه خانواده‌اش به کابل منتقل شد. عاصی پس از فراغت در لیسه بیرونی کابل، وارد دانش‌گاه شد و از دانش‌کده زراعت دانش‌گاه کابل فارغ‌گردید.

در دوران جنگ داخلی افغانستان، عاصی همراه خانواده‌اش در سال ۱۹۹۴ میلادی به ایران مهاجر شد و در مشهد اقامت‌گزید. اما با توجه به این‌که ایران اجازه اقامت به او نداد و خواستار ترک کشور شد، عاصی دوباره از طریق هرات به کابل بازگشت. در هنگام ترک ایران، در نامه‌یی که به یکی از دوستانش نوشت، این بیت توجه‌برانگیز است:

غم غریبی و غربت چو برنی تا بم
 به شهر خود روم و شهریار خود باشم

در دهه نود میلادی و دوران جنگ داخلی، عاصی در کابل مستقر شد و مدت کوتاهی پس از بازگشت، در حمله راکتی که به خانه‌اش اصابت کرد، درگذشت. قهار عاصی، از چهره‌های شناخته شده شعر معاصر افغانستان، با زبان شعری تند و اعتراضی، توجه را جلب می‌کند. او هم در سبک مدرن و هم در سبک کلاسیک شعر سروده است. اشعار کلاسیک او نیز به واسطه محتوای متفاوتش جلب توجه می‌نماید. آثار او عبارت‌اند از: مقامه گل سرخ؛ لالایی برای ملیمه؛ دیوان عاشقانه باغ؛ غزل من، غم من؛ تنها ولی همیشه؛ از جزیره خون؛ از آتش، از ابریشم.

قهار عاصی که به عنوان شاعری که با درد مردم همدل بود، شناخته می‌شود. در اشعارش به طور گسترده به مسایل اجتماعی پرداخته است. شعری از او که در این جا به عنوان نمونه آورده شده است، بیان‌گر سبک و محتوای شعری قهار عاصی می‌باشد.

۱. پهلوان، چنگیز (به کوشش). نمونه‌های شعر امروز افغانستان. تهران: بنیاد نیشابور، ۱۳۷۱. ص ۱۹۱؛

- Mohemmed Kazem Kazemi, Bozorgdašt-i Kahhar Asi, Şair-i Efgan, Der İran: https://www.bbc.com/persian/afghanistan/story/2006/09/060930_s-kazemi-qahar, 2006, (Erişim Tarihi: 2.2.2020).

ملت من

این ملت من است که دستان خویش را
برگرد آفتاب کمر بند کرده است
این مشت های اوست که می کوبد از یقین
دروازه های بسته تردید قرن را
ایمان بیاورید!
تنهاترین پیامبر
اینک
ملتم
با آیه های خشم خدا قد کشیده است
این ملت من است که تکرار می شود
با نام انسان
با واژه عشق
این اوست، اوست، اوست

غلام حیدر اسیر هروی (۱۹۵۷- ...)

غلام حیدر اسیر، با تخلص اسیر هروی، در سال ۱۹۵۷ میلادی در هرات به دنیا آمد. پدر او میرزا عباس علی خان بود. غلام حیدر در کودکی در کنار خانواده، قرآن کریم و دیوان حافظ را می خواند. پس از شروع مکتب ابتدایی، به سرعت از آن اخراج شد و به کارهای مختلف روی آورد. در سن شانزده ساله گی، به قصد کار به طور غیرقانونی به ایران رفت و در سال ۱۹۷۷ میلادی به هرات بازگشت. پس از کودتای کمونیستی، به شمال کشور تبعید شد، اما این بار توسط گروه های مختلف دستگیر گردید و پس از مدت ها فرار، به هرات رسید و در سال ۱۹۷۹ میلادی به ایران رفت و در مشهد اقامت گزید.

در مشهد به جمع ادبی پیوست و فعالیت های ادبی خود را آغاز کرد. از آثار غلام حیدر اسیر هروی می توان به موارد زیر اشاره کرد: فرهنگ اسیر؛ انبچه گپ هرات، پیشاور، ۱۹۸۹؛ نظر ملت به قلم ملت درباره آینده افغانستان، ۱۹۹۲، ایران؛ شاعر کتبی ها، ۱۹۹۲، ایران؛ گل واره های نستعلیق

انوری، ۱۹۹۲، ایران؛ بگذار تا از این شب دشوار بگذرم، ایران، ۱۹۹۴؛ کلب ساووندن یا کلنجر رفتن به فارسی هروی فکرت، ایران؛ چهل و هشت جلسه در یک انجمن و کودتای نافرجامین، ۲۰۰۲، ایران؛ معجم الغرایب مولانا بنایی هروی با تمامی معانی واژه‌گان هراتی، ۲۰۰۲، ایران؛ آوای غریب (شعر)، ۲۰۰۲، ایران؛ آیینۀ محیط (شعر)، ۲۰۰۲، ایران؛ انبجۀ شعر دری؛ توسعه انبجۀ گپ هرات؛ سفرنامه هرات تا پیشاور؛ سیر تحول مارکسیسم در هرات؛ زنده‌گی من و استاد نجیب مایل هروی؛ داستان‌های محلی هرات؛ پندارهای هراتی؛ ده تا افسانه منثور و منظوم هراتی^۱.
شعری از غلام‌حیدر اسیر هروی با عنوان «جفای یار» که در این جا به عنوان نمونه آورده شده است، بیان‌گر سبک و محتوای شعری او می‌باشد.

جفای یار

عمرم گذشت، هیچ ندیدم وفای یار	گرچه گذشتم از سر و جانم برای یار
موی سیاه را به سپیدی رسانده‌ام	از بس که رنج برده‌ام از مدعای یار
تاریک پیش دیده‌ام ایام زنده‌گی	گویا که روز شب گذرد در عزای یار
دردا و نادما که سیه‌گشت روزگار	افسوس از دورنگی و جور و جفای یار

عبدالغفور آرزو (۱۹۶۱- ...)

عبدالغفور آرزو، با تخلص آرزو، در سال ۱۹۶۱ میلادی در هرات به دنیا آمد. پدر او اخترمحمد بود و مانند سه برادر دیگرش، عبدالغفور نیز به عنوان شاعر و نویسنده شناخته می‌شود. آرزو آموزش‌های ابتدایی و متوسطه خود را در افغانستان آغاز کرد و آن را در ایران تکمیل نمود. آرزو به دلیل اتهامات مرتبط با مخالفت با روسیه و اسلام‌گرایی بازداشت شد و پس از آزادی، در سال ۱۹۷۸ میلادی به ایران مهاجرت کرد. او مدتی در بیرجند اقامت داشت و سپس به مشهد رفت. در دوره‌ی در مبارزه مسلحانه علیه روس‌ها شرکت داشت. پس از پایان جنگ، به افغانستان بازگشت و به عنوان سخن‌گوی والی هرات، اسماعیل خان فعالیت کرد. از آثار عبدالغفور آرزو می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: اشک خنده (شعر)؛ سرود مسلسل (شعر)؛ ستاک؛ سقوط (شعر)؛ از تهجر تا تجدد؛ از بلندی رسالت؛ بیدل در آیینۀ افغانستان؛ سیری در آثار سیاه سپیداندرون، مشهد، ۱۹۹۸؛ دماغ اگر نشود کهنه؛ جنبش مشروطیت و بازتاب ادبیات

۱. صابری هروی، سید جلیل. شعرای عصر حاضر افغانستان، جلد اول. کابل: نشر نوند، ۱۳۸۹. ص ۱۹۸-۲۰۳.

افغانستان؛ نقد خلیلی، ۱۹۹۶، مشهد؛ رباعیات بیدل دهلوی، ۱۹۹۶، مشهد.
شعری از عبدالغفور آرزو با عنوان «بهار طراوت» تازه‌گی که در این جا به عنوان نمونه آورده شده است، بیان‌گر سبک و محتوای شعری او می‌باشد.

بهار طراوت
در لحظه‌ای
که شورِ شکفتن
فسرده است،
ای شعر!
ای شعور!
سرمشق ناتمام شکفتن را
بار دگر
به تبسمی
مستی بخش،
پروازده
تا بهار طراوت،
آهنگِ سرنوشت....

ابوبکر یقین در سال ۱۹۴۳ میلادی در هرات متولد شد. نام پدرش ملا سکندر است. پس از علوم دینی و ادبی را در خانواده نزد مادرش خوانده پس از آن نزد علمای وقت تعلیم دیده و به شعر نوشتن طبع آزمایی کرد. یقین به انواع شعر توجه داشت، او به حافظ زیاد علاقه مند بود. اشعار او در اتفاق اسلام و دیگر نشریه‌ها منتشر شده‌اند. او دیوان حافظ تخمیس نموده و علاوه بر آن مثنوی لیلی و مجنونی نیز سروده است. نمونه شعری وی یک بند از مخمسی که بر غزلی از حافظ سروده در این جا می‌آوریم:

۱. پهلوان، چنگیز (به کوشش). نمونه‌های شعر امروز افغانستان. تهران: بنیاد نیشابور، ۱۳۷۱. ص ۵؛ صابری هروی، سید جلیل. شعرای عصر حاضر افغانستان، جلد اول. کابل: نشر نوند، ۱۳۸۹. ص ۵۵.

بیا ای ساقی سیمین بدن در جمع بیدل‌ها که بی روی تو نبود رونق در بزم مقبل‌ها
 بده جامم که طی سازم ز راه عشق منزل‌ها «الا یا ایها الساقی ادر کأئسا وناول‌ها
 که عشق آسان نمود اول ولی افتاد مشکل‌ها»^۱

غوث‌الدین مستمند غوری هروی فرزند حاج تاج‌الدین از شاعران معاصر هرات است. او در سال ۱۹۵۸ در فیروزکوه ولایت غور به دنیا آمد. علوم دینی را تا صنف چهاردهم به پایان رساند. در دوران جهان به صف مجاهدین پیوست و در پیروزی مجاهدین به عنوان رییس اطلاعات و فرهنگ غور توظیف شد. او بعداً وارد حوزه قضایی کشور گردید و به عضویت دادگاه عالی کشور درآمد. او همچنان عضو هیأت تحریر مجله قضاء بود. آثار مستمند غوری هم نثر و هم شعر در نشریه‌های کشور به نشر رسیده است. او چندین اثر قضایی را به فارسی در ترجمه نموده است. نمونه شعری وی بیانگر درونمایه کلامی و سبک وی را به نمایش می‌گذارد:

ای معلم برتو زبید افتخار رهبری هست بی شک پیشه تو پیشه پیغمبری
 از پدر والتری در پیشگاه عقل و دین زانکه بخشیده ترا ایزد، مقام برتری
 جسم ما پرورده دامن پاکِ مادر است روح ما را تو به سوی عرشِ اعلیٰ، می بری^۲

سید ضیاء الحق سخا از شاعران برجسته هرات است او در سال ۱۹۵۱م در هرات متولد شد. دوره ابتدایی تا لیسه خود را در مکتب سلطان غیاث‌الدین هرات سپری نموده و بعداً شامل رشته اقتصاد دانشگاه کابل گردید و آن رشته موفقانه به پایان رساند از سال ۱۹۷۵م به بعد به کار در ادارات دولتی مانند اداره مرکزی احصائیۀ کابل، مدیریت احصائیۀ مرکزی هرات و سپس مستوفی ولایت هرات مشغول شد. اکنون در یکی از شهرهای ایالات متحده امریکا زنده گی می‌کند. آثار شعری او عبارتند از: بی صدایی، صدای دریاهاست؛ سورنامه در سوگ؛ غزلی در باد؛ غزل تلخ؛ در لحظه‌های آتش و باورت؛ بر شاخه سبز غم عشق آی؛ کاکل به خاک برده- که سوگ پسر جوان از دست رفته خود سروده-؛ غزل سرخ غناری؛ غزلی برای گلبانو؛ و مجموعه‌های ۱ و ۲ پری‌جو- مجموعه دوبیتی‌های به زبان گویشی هرات. نمونه شعری وی که بیانگر فکر و سبک شاعری وی می‌تواند باشد:

۱. فقیه‌ی هروی، فضل‌الرحمن (۱۴۰۰). تاریخ ادبیات هرات (از اوایل قرن دوازدهم تا امروز)، جلد دوم، تهران: نشر احسان، صص: ۳۳۹-۳۴۰.

۲. فقیه‌ی هروی، فضل‌الرحمن (۱۴۰۰). تاریخ ادبیات هرات (از اوایل قرن دوازدهم تا امروز)، جلد دوم، تهران: نشر احسان، صص: ۳۴۳-۳۴۴.

وقتی طویله باز بود، خَر شود برون
گفتی: «بگو دلیل چو گفتی الاغ پر؟
از جنگلی که شیر ازان کوچ کرده است
تا قلعه دار شهر بود پهلوان دروغ
هر دم صدای انکر عرعر شود برون
شاهد الاغ ماست که با پر شود برون!
باطمطراق موکب عنتر شود برون
از قلعه هم سیاهی لشکر شود برون...^۱

برات علی فدایی، فرزند عبدالصمد، فرزند عبدالحمید از شاعران شهور هرات بود. در سال ۱۹۲۹م. در هرات متولد شد. آموزش های ابتدایی را در مسجد محل خود فراگرفت. او بنا به رسم روزگارش تا صنف هفتم درس خواند، پس از آن مشغول وظیفه دولتی گشت. او در شرکت ارزاق، فواید عامه بادغیس و ... کار کرده است. همزمان با کار به سرودن شعر نیز می پرداخت. فدای پس از ۱۵ مارچ ۱۹۷۹م. به ایران مهاجر شد. او یکی از شاعران خوب شعر مقاومت افغانستان است. شاگردان زیادی را در دیار مهاجرت پرورش داده است. او غزل و قصیده و رباعی را به نیکوترین وجه می سرود. ابیاتی که در زیر می آید از نمونه کلام وی است که سبک و سیاق و محتوای کلامش را به نمایش می گذارد:

شب است و در دل ظلمت شراره می نگرم
رونده گان سحر را پیاده می بینم
چمن ز باد خزان در شکست و گل افسرد
لباس درزی شب را که تار و پود خطاست
شراره در دل هر سنگ خاره می نگرم
سپاه ظلمت شب را سواره می نگرم
ز غصه پیرهن غنچه پاره می نگرم
به راهیان سحر بدقواره می نگرم...^۲

مولوی سید محمد عمر شهید، فرزند میرسید محمد اعلم از شاعران هرات در این دوره است. او در ۱۹۳۴م. در هرات به دنیا آمد. حصیلات خود در علوم دینی در مدرسه فخرالمدارس هرات به پایان رساند. او در زمان تسلط روس ها در افغانستان به ایران مهاجر شد. بعد از پیروزی مجاهدین به هرات آمد و به تدریس مشغول شد. مدتی به حیث رییس دانشگاه هرات ایفا وظیفه نمود. مجموعه اشعار جهادی او در دیار هجرت به نام «سپیده دم آزادگان» به چاپ رسید. آقای شهید در سال ۲۰۱۹م. در هرات وفات یافت. ابیاتی که در زیر می آید، به عنوان نمونه اشعار وی سبک و محتوای شعر او را به نمایش می گذارد:

۱. فقیه هروی، فضل الرحمن (۱۴۰۰). تاریخ ادبیات هرات (از اوایل قرن دوازدهم تا امروز)، جلد دوم، تهران: نشر احسان، صص: ۳۵۱-۳۵۲.

۲. فقیه هروی، فضل الرحمن (۱۴۰۰). تاریخ ادبیات هرات (از اوایل قرن دوازدهم تا امروز)، جلد دوم، تهران: نشر احسان، صص: ۳۵۱-۳۵۲.

شکر خدا که ظلمت شب‌های تار شد
 چیزی که آرزوی دل غم کشیده بود
 از پنجه سپهر برین ریخت لعل ناب
 نقاش با مهارت ایام روزگار

بگذشت موسم دی و فصل بهار شد
 بعد از هزار امید و هزار انتظار شد
 در گوش ارغوان چمن گوشوار شد
 اندر پی تجمل نقش و نگار شد...^۱

مولوی شیراحمد فائز فرزند ملا رحمت الله در سال ۱۹۴۴م. در هرات متولد شد. او آوازهای اولیه را در مسجد محل خود فراگرفت، پس از آن به شهرستان‌ها اوبه و چشت پیش علمای مشهور به ادامه تحصیل دینی پرداخت. پس از اتمام تحیل در برخی قریه‌های چشت شریف به تدریس مشغول شد. پس از کودتای سال ۱۹۷۹م. به غوریان رفت، پس از آن به ایران مهاجر شد. او پس از پیروزی مجاهدین در سال ۱۹۹۳م. واپس به هرات آمد. مولوی شیراحمد علاوه بر تدریس و ارشاد به شعر علاقه زیاد داشت. دیوان شعر حجیمی از او به چاپ رسیده است. موصوف در سال ۲۰۲۱م. در هرات وفات یافت. ابیاتی که در زیر می‌آید، به عنوان نمونه شعری وی سبک بیان و محتوای کلامش را به نمای می‌گذارد:

ای حمد تو زببندۀ عنوان بیان‌ها
 ای شاهد صنع تو سمک تا به سماوات
 ای بانی این گنبد گردننده گردون
 هرآن چه که پیداشده از انفس و آفاق

تجدید جلال‌ت هنرستان زبان‌ها
 هم ثابت و سیاره و هم کاهکشان‌ها
 ای خالق ایجاد زمین‌ها و زمان‌ها
 باشند به ذات تو علامات و نشان‌ها...^۲

محمدظاهر رستمی فرزند محمد اکبر رستمی عطار، از شاعران و نویسندگان این دوره است. او در سال ۱۹۵۲م. در هرات به دنیا آمد. دوره ابتدایی و قسمتی از دوره لیسه را در هرات خواند. موصوف در دوران حاکمیت کمونیستی در افغانستان ناگزیر به مهاجرت شد. مدتی در انجمن شاعران مهاجر در مشهد همکاری داشته، و در سال ۱۹۹۳م. به وطن بازگشته است. از محمد ظاهر رستمی تذکره‌یی چاپ شده به نام «کاج‌ها هنوز ایستاده اند». علاوه بر شعرهایش در نشریه‌های مختلف در مهاجرت و در انجمن ادبی هرات به چاپ است. ابیاتی که در زیر آورده

۱. فقیه‌ی هروی، فضل‌الرحمن (۱۴۰۰). تاریخ ادبیات هرات (از اوایل قرن دوازدهم تا امروز)، جلد دوم، تهران: نشر احسان، ص ۳۵۴-۳۵۳.

۲. فقیه‌ی هروی، فضل‌الرحمن (۱۴۰۰). تاریخ ادبیات هرات (از اوایل قرن دوازدهم تا امروز)، جلد دوم، تهران: نشر احسان، ص ۳۵۷-۳۵۶.

می‌شود، به عنوان نمونه کلام بیانگر شیوه سرایش و محتوای کلامی وی می‌باشد:

زبان غنچه بریدند از بیان بهار حضور سبز مرا در جوانه پژمردند سرود سرد سیاهی مخوان به مقطع عشق هزار دست پلشت است و دامن گل سرخ	گریستند غریبانه مرغکان بهار خدا امان ندهد بیش از این خزان بهار که بوده مطلع خورشید بر زبان بهار هزار چشم نگاه بد است و خون بهار... ^۱
---	--

نادیا انجمن فرزند منشی عبدالباقی در زمستان ۱۹۸۱م. در هرات دیده به جهان گشود. او آموزش رسمی را تا ختم لیسه در لیسه محجوبه هروی در هرات به پایان رساند، پس از آن وارد دانشکده ادبیات دانشگاه هرات شد. در زمان دانشجویی هم خوب می‌نوشت و هم زیبا می‌سرود. افزون بر چاپ شعرهایش در نشریان انجمن ادبی هرات، در سال ۲۰۰۵م. مجموعه شعری «گل دودی» از او به چاپ رسید. نادیا انجمن در اوج جوانی و شاعرانه‌گی در سال ۲۰۰۶م. به شکل نامعلوم وفات نمود، و در جوار پیر هرات - خواجه عبدالله انصاری به خاک سپرده شد. ابیاتی که در زیر آورده می‌شود، به عنوان نمونه کلام بیانگر شیوه سرایش و محتوای کلامی وی می‌باشد:

و عاقبت به حضور بهار پی بردیم زمین و هرچه در او هست در ستایش ماست بگو به سنگ نیارد دل از زمانه به تنگ ز بس که شسته باران چشم خویش شدیم	به عطر گمشده روزگار پی بردیم که ما به معنی فرجام کار پی بردیم که ما به ارزش آن انتظار پی بردیم به عمق روشنی چشمه سار پی بردیم... ^۲
---	--

عبدالغیاث قاضی زاده، از شاعران معاصر کشور است که بیشتر عمر خود را در هرات سپری نموده است. قاضی زاده زبان مادری اش پشتو است، اما شعر فارسی نیکو می‌سراید. او اشعاری زیادی دارد که در اکثر نشریه‌های هرات و کابل به چاپ رسیده است. او در قالب‌های غزل، قصیده، قطعه، رباعی، مثنوی و نیز ترجمه منظوم شعر فارسی به پشتو و بالعکس سروده است. ابیاتی که در زیر آورده می‌شود، به عنوان نمونه کلام بیانگر شیوه سرایش و محتوای کلامی وی می‌باشد:

۱. فقیه‌ی هروی، فضل الرحمن (۱۴۰۰). تاریخ ادبیات هرات (از اوایل قرن دوازدهم تا امروز)، جلد دوم، تهران: نشر احسان، ص ۳۵۹-۳۶۰.

۲. فقیه‌ی هروی، فضل الرحمن (۱۴۰۰). تاریخ ادبیات هرات (از اوایل قرن دوازدهم تا امروز)، جلد دوم، تهران: نشر احسان، ص ۳۶۳-۳۶۴.

ای که می آید ز دیدارت بهار آیینه را
 طلعت روی تو سازد لاله زار آیینه را
 گر ز چشم من ببینی صورت خود را درو
 بی محابا در کشی اندر کنار آیینه را
 ساده رویان را حسادت بیشتر باشد به هم
 گشت مژگان تو در دل خارخار آیینه را
 بشکند همچون من افسرده آن ظاهر نگر
 با دل سنگت اگر افتاد کار آیینه را...^۱

مولانا قاری فیض محمد دشتی فیضی، فرزند حاجی نورمحمد در سال ۱۹۱۰م. در هرات به دنیا آمد. او به انوا خط آشنایی داشت و به بیشتر علوم دسترسی. ریاضیات، فقه و صرف و نحو عربی را تدریس می کرد. او روضت الشهدای مولانا واعظ کاشفی را منظوم ساخته است. دیوان اشعار موصوف زیر نام «گل باغ اندیشه» با مقدمه دکتر فضل الرحمن فقیهی در سال ۲۰۱۵م. به چاپ رسیده است. سال وفاتش مشخص نیست. ابیاتی که در زیر آورده می شود، به عنوان نمونه کلام بیانگر شیوه سرایش و محتوای کلامی وی می باشد:

گر به خنده بگشاید آن دهان شکر را
 عطر بیزگرداند ملک هفت کشور را
 هرکسی که رخسارش، دیده دل برفت از وی
 آرزو کجا دارد سوی روی دیگر را
 گر شود خرامان او جانب چمن از ناز
 قامتش خجل سازد سرو و هم صنوبر را
 فتنه دو چشم او کرده بر دلم تأثیر
 بر وجود زارم زد از دو ابرو خنجر را...^۲

محمد سعید مشعل غوری هروی، فرزند محمود خان غازی در سال ۱۹۱۷م. در غور به دنیا آمد. او غوری هروی تخلص می نمود، چون بیشتر عمر خود را در هرات بسر برده است. او در دوسالگی به کابل رفت همان جا مکتب را تا صنف ششم خواند. پس از آن به غور بازگشت و علوم متداول را در مسجد جامع نزدیک خانه خود آموخت. پس از آن با خانواده اش به هرات آمد. و در هرات به وظایف مختلف دولتی مشغول بود. مشعل تذهیب و مینیاتور را نزد پدر خود آموخت و در مکتب هنری بهزاد، به کمال رسید. خطوط نستعلیق و شکسته را به نیکویی می نوشت و هم چنان در سرودن شعر دستی و قدرتی داشت. او سال های سال در احیای مکتب هنری بهزاد تلاش نمود و شاگردان توانایی تربیت کرد. سرانجام در سال ۱۹۹۸م. به عمر هشتاد و دو سالگی درگذشت. از او چند اثر به یادگار مانده که اخلافش جمع آوری و چاپ نمودند. ابیاتی که در زیر می آید، به

۱. فقیهی هروی، فضل الرحمن (۱۴۰۰). تاریخ ادبیات هرات (از اوایل قرن دوازدهم تا امروز)، جلد دوم، تهران: نشر احسان، ص ۲۱۴-۲۱۵.

۲. فقیهی هروی، فضل الرحمن (۱۴۰۰). تاریخ ادبیات هرات (از اوایل قرن دوازدهم تا امروز)، جلد دوم، تهران: نشر احسان، ص ۲۱۱-۲۱۲.

عنوان نمونه کلام بیانگر شیوه سرایش و محتوای کلامی وی می باشد:

وداع ای مکتب ناکام بهزاد	ز دنیا می روم با نام بهزاد
چهل سال است من فریاد کردم	که یاد از مکتب بهزاد کردم
ستودم مکتب تیموریان را	گرفتم نام نیک غوریان را... ^۱

محمد علم غواص فرزند مولوی محمد صدیق مدرس است، که در سال ۱۹۱۹م. در هرات به دنیا آمد. غواص تعلیمات اسلامی از پدرش فراگرفت، در سن ۱۲ساله گی حافظ قرآن کریم شد. در سال ۱۹۳۶م. عضو انجمن ادبی هرات گردید. در سال ۱۹۳۹م. به مطبوعات شروع به کار کرد. سال ۱۹۴۹م. معاون انجمن ادبی شد.

غواص در سال ۱۹۵۳م. به کابل رفت، ابتدا به عنوان سرمحرر و سپس به صفت معاون روزنامه اصلاح و سپس مدیر آن روزنامه گردید. از آثار او: تذکرت الشعراء معاصر هرات، جست و جوها، گل بانگ اتحاد، مجموعه مقالات می توان نام برد. افزون بر این ها چندین اثر دیگر به او نسبت می دهند که به یقین کار موصوف بوده است. موصوف در ۱۹۹۰م. دنیا را وداع گفت. ابیاتی که در زیر می آید، به عنوان نمونه کلام بیانگر شیوه سرایش و محتوای کلامی وی می باشد:

ای آرزوی وصل تو اصل مرام ما	در پاس حرمت سخت احتشام ما
هرچند در فراق تو خواریم و ناتوان	جز درگهت مباد دگر جا مقام ما
هجران تو عمارت دل را خراب کرد	آخر کشد به محنت و پستی زمام ما
داریم آرزوی وصال تو ای نگار	گردیده بی تو خواب شبانه حرام ما... ^۲

حافظ محمد افضل شهیر، فرزند حافظ نورالدین احراری در سال ۱۹۲۸ در هرات به دنیا آمد. او آموزش اولیه را در مکاتب رسمی و فخرالمدارس هرات به اتمام رساند. شهیر به زبان های عربی و انگلیسی نیز مسلط بود. محمد افضل شهیر در ولایات مختلف و ظایف رسمی دولتی انجام داده است. قواعد علم میراث را منظوم ساخته، و در قالب ها مختلف شعر می سروده است. دیوانش حدود سه هزار بیت دارد. شهیر در زمان حکومت کمونیستی، از مؤسسان شورای شهری جهاد در شهر هرات بود. همین امر باعث توسط نظام حاکم دستگیر شده و به زندان دهمزنگ کابل انتقال

۱. فقیهی هروی، فضل الرحمن (۱۴۰۰). تاریخ ادبیات هرات (از اوایل قرن دوازدهم تا امروز)، جلد دوم، تهران: نشر احسان، ص ۲۰۵-۲۰۶.

۲. فقیهی هروی، فضل الرحمن (۱۴۰۰). تاریخ ادبیات هرات (از اوایل قرن دوازدهم تا امروز)، جلد دوم، تهران: نشر احسان، ص ۱۹۳-۱۹۴.

داده شود. سرانجام در سال ۱۹م. ۸۵ با تزریق دارویی در زندان به شهادت رسید. ابیاتی که در زیر می‌آید، به عنوان نمونه کلام بیانگر شیوه سرایش و محتوای کلامی وی می‌باشد:

گر سر دهم از سینه فغان سحری را	تاوان که دهد مظلّمه بی اثری را
خواهم ز جفای تو به افلاک گریزم	دارم به جگر حسرت بی بال و پری را
ایدا مکن ای اشک عبث این همه ما را	ای طفل نگه دار حقوق پدری را
دانستن آسفتگی آزدگی آورد	عیم مکن ار قدر کنم بی خبری را ... ^۱

محمد ابراهیم رجایی در سال ۱۹۱۰م. در هرات به دنیا آمد. او تا صنف هشتم در هرات درس خواند، بعداً به صورت خصوصی به فراگیری دانش‌های بیشتر ادامه داد. موصوف در غزلسرایی و داستان‌نویسی، نمایش‌نامه‌نویسی و سفرنامه‌نویسی مهارت داشت. از کارهای برجسته وی احیای مجدد انجمن ادبی هرات به نام «کلوب ادبی» و مجله ادبی هرات به نام «مجله هرات» در دور دوم است. او در مجله ادبی هرات، نشریات هرات و مرکز مطلب می‌نوشت و شعر می‌فرستاد که به چاپ می‌رسید. موصوف در سال ۱۹۹۰م. به عمر هشتاد ساله‌گی درگذشت. کتاب «رهنمای هرات» از آثار ارزشمند اوست. علامه بر آن، «دل‌باخته فراری» اثری دیگر از اوست و اشعار و داستان‌ها و نمایش‌نامه‌ها سفرنامه هم از او در مطبوعات هرات و مرکز به چاپ رسیده است. عزیزاحمد طینت، از دانش‌آموخته‌گان دانشکده ادبیات دانشگاه هرات آثار محمد ابراهیم رجایی را زیر عنوان «افسانه شاعر» در دو جلد گردآورد که به چاپ رسیده است. محمد مسعود رجایی از فرزندان برجسته و فرهنگی مرحوم می‌باشد که سال‌ها سمت ریاست انجمن ادبی هرات را عهده دارد بود. او هم چنان استاد دانشکده ادبیات دانشگاه هرات نیز بود و مدتی مدیر مسؤول مجله «هرات باستان» در اکادمی علوم افغانستان شد. ابیاتی که در زیر می‌آید، به عنوان نمونه کلام بیانگر شیوه سرایش و محتوای کلامی وی می‌باشد:

کیست شاعر تن فرسوده دلی شیدایی	نغمه ناله و داغ اثر سودایی
مؤنس رنج و تعب، ه منفس اشک و غمی	رهرو جاده اندوه و محن پیمایی
بی دلی غمزده بی بی ثمری ناشادی	عاشق خون جگری درب هدری شیدایی
بلبلی نغمه طرازی به گل زیبایی	عندلیب چمنی روح تنی رعنائی ... ^۲

۱. فقیهی هروی، فضل‌الرحمن (۱۴۰۰). تاریخ ادبیات هرات (از اوایل قرن دوازدهم تا امروز)، جلد دوم، تهران: نشر احسان، ص ۱۹۰-۱۹۱.

۲. فقیهی هروی، فضل‌الرحمن (۱۴۰۰). تاریخ ادبیات هرات (از اوایل قرن دوازدهم تا امروز)، جلد دوم، تهران: نشر احسان،

فضل الله زرکوب فرزند حاجی حبیب الله بهشتی در سال ۱۹۵۵م در هرات به دنیا آمد. او از نوجوانی به شعر و شاعری روی آورد، و سروده‌هایش در اتفاق اسلام و مجله هفت قلم چاپ می‌شد. زرکوب تعلیمات ابتدایی را در مکتب جامی و سلطان غیاث‌الدین غوری به اتمام رساند. از دانشکده ادبیات دانشگاه کابل سند لیسانس گرفت و از دانشگاه فردوسی مشهد مدرک فوق لیسانس. «تحلیل اشعار مقاومت شاعران افغانستان» پایان‌نامه کارشناسی ارشد او بود. زرکوب شاعری توانا بود و از بنیان‌گذاران انجمن شاعران مهاجر افغانستان در ایران. او اواخر عمر خود را در دنکارک بسر می‌برد و در جدی ۲۰۲۳م. در همان جا چشم از جهان فرو بست. مجموعه شعری به نام «سنگ فلاخن» از او به سال ۲۰۱۱م. به چاپ رسید. ابیاتی که در زیر می‌آید، به عنوان نمونه کلام بیانگر شیوه سرایش و محتوای کلامی وی می‌باشد:

غمی به هیبت کوهی ز سنگهای سیاه	نهاده پا به گلویم به رنگهای سی
به نسل سوختگان هدیه‌ای زمانه نداشت	جز ابرهای سیاه و نهنگهای سیاه
بر آهوان ز پستان‌گرفته می‌لرزم	ز هول گردنه‌ها و پلنگهای سیاه
کتیبه‌های سلول کدام زندانیم؟	که روی هر ورق ماست انگهای سیاه... ^۱

سید نورالحق صبا، فرزند سید فضل‌الحق در سال ۱۹۵۶م. در هرات به دنیا آمد. دوره آموزشی ابتدایی و لیسه خود را در هرات سپری نمود او در سال ۱۹۷۳م. از لیسه سلطان هرات فارغ گردید و در سال ۱۹۷۷م. از رشته زبان و ادبیات فارسی دانشکده ادبیات دانشگاه کابل فارغ گردید. او در سال ۱۹۷۹م. با نیمه‌کار گذاشتن دوره ماستری خود به هرات برگشت و در لیسه جامی به تدریس مشغول گردید. ۱۹۸۱ تا ۱۹۸۲م. مهاجر ایران شد و در اخیر ۱۹۸۲م. دوباره به عنوان معلم در لیسه انقلاب شروع به تدریس نمود. سال ۱۹۸۹م. همزمان با گشایش دانشگاه هرات، استاد دانشکده ادبیات این دانشگاه گردید و در سال ۱۹۹۳م. به عنوان رییس دانشگاه هرات منصوب شد. سال ۱۹۹۶م. ناگزیر به مهاجرت مجدد به ایران شد و پس از مدتی از آن جا به جرمنی در شهر هامبورگ ادامه زنده‌گی داد. اشعار زیادی از او در نشریه‌های مختلف داخل و خارج کشور به چاپ رسیده است. سه مجموعه شعری به نام‌های «رکوع سبز شالیزار»، «زیر سایه نسترن» و «پیچک‌های عطش زده» تا به حال از وی منتظر شده است. شعری که در زیر می‌آید، به عنوان نمونه کلام بیانگر شیوه سرایش و محتوای کلامی وی می‌باشد:

من از نقش قدمه‌ایم گل مهتاب می روید
 به شعر آورده ام افسانه های جلگه های آفتابی را
 پرم را در زلال چشمهء پاک سحر شستم
 لبالب کوله بارم از گل میخک
 نفسهایم نفسهای گل زنبق
 سخن از بیشه های بکر دارم
 های!
 چرا در بسته اید اینسان بر این مهمان؟
 پس این لاد شوم کهنهء سنگین
 علاج تیرگی تانرا
 کسی باخود گل خورشید آورده ست
 چو جغدان گر نه معتادید با تریاک تاریکی
 چرا از نور می ترسید؟
 گل قاصد خبرتان می دهد از نم باران
 در این قلعه بگشایید!

فضل الرحمن فقیه، فرزند مولوی سراج الدین فقیه در سال ۱۹۶۵م. در هرات متولد شد. فقیه دوره‌های ابتدایی و لیسه را در شهر هرات گذرانده و علوم اسلامی بیشتر از نزد پدر بزرگوار خود فراگرفته است. او سند لیسانس خود را از دانشگاه هرات، سند ماستری و دکترای خود را از دانشکده ادبیات دانشگاه کابل به دست آورده است. علاوه بر این فضل الرحمن فقیه تحصیلات عالی خود را در حوزه علوم دینی در دانشگاه جامعه الازک الدولیه به پیش برده است. فقیه علاوه بر شاعری پژوهشگر توانایی است در حوزه ادبیات، معارف اسلامی و به خصوص به صورت بینارشته‌یی در میان علوم اسلامی و ادبی. موصوف از سال ۱۹۹۸م. به صفت استاد در دانشکده ادبیات دانشگاه هرات تقرر یافته و تا اکنون به وظیفه استادی خود در همین دانشگاه مصروف است. از او مقالات تحقیقی زیادی در مجله‌های ملی و بین‌المللی به چاپ رسیده است. او حدود ۴۵ مقاله پژوهشی منتشر نموده و ۲۲ اثر تألیفی تحقیقی. علاوه بر این‌ها فضل الرحمن فقیه به زبان فارسی و عربی شعر نیز میسراید. شعری که در زیر می‌آید، به عنوان نمونه کلام بیانگر شیوه سرایش و محتوای کلامی وی می‌باشد:

شعور دبستانی

مشتاق بوی روضه رضوانی توام
در دیده‌ام امید نگاه دوباره‌ی است
گفتم به کوی خویش فراخوانی ام دمی
ما را مخواه دیده و دل را فقط بخواه
نورانی شعور دبستانی توام
در دام آن غزاله روحانی توام
دیده به انتظار فراخوانی توام
ممنون مهربانی و مهمانی توام...^۱

احمد ضیاء رفعت فرزند نثار احمد در سال ۱۹۶۷م. در هرات متولد شد. در شش ساله‌گی به آموزش دانش‌های دینی پرداخت. ابتدایی را در مکتب انصاری سپری نمود. در ۱۹۹۰م. با خانواده به کابل کوچ کرد. به همین دلیل دوره متوسطه را در کارته پروان و دوره لیسه را در لیسه حبیبه کابل گذراند. در همین لیسه بود که با تعدادی از هم‌دوره‌هایش انجمن ادبی تأسیس کرد. رفعت در پانزده ساله‌گی به سرودن شعر پرداخت. او تمام دیوان حافظ و رباعیات خیام را در سال هشتم مکتب از حفظ داشت. در سال ۱۹۸۸م. به خاطر راهیابی به دانشگاه ناگزیر به سپری نمودن دوره سربازی شد، تا در سال ۱۹۹۲م. وارد دانشکده ادبیات دانشگاه کابل گردید. از او اشعار زیادی در نشریه‌های هرات و مرکز کشور به چاپ رسیده است. افزون بر این‌ها چند مجموعه شعری به نام‌های: «فریاد ناشنیده»، «همان یوسف همان بازار»، «کنار خیابان»، «شعر کوچک درد بزرگ»، «بن بست» و «اشتباه مشترک» تا کنون به چاپ رسیده است. در سال ۱۹۹۸م. انجمن ادبی هرات احیای مجدد نمود و چهار سال ریاست انجمن ادبی هرات را عهده دارد بود. از سال ۲۰۰۳م. به صفت استاد دانشکده ادبیات دانشگاه هرات مشغول به کار شد که تا کنون در همین شغل شریف مشغول است. شعری که در زیر می‌آید، به عنوان نمونه کلام بیانگر شیوه سرایش و محتوای کلامی وی می‌باشد:

دل کندن از کنار خودم دست من نبود
دی‌روز صرف کینه پری‌روز صرف عشق
با آن گفته بود نباید به شب بدر
با هیچ اهتزاز ندارم میانه‌ی
یعنی که اختیار خودم دست من نبود
این هفته کار و بار خودم دست من نبود
تا صبح انتظار خودم دست من نبود
سرینجه سه‌تار خودم دست من نبود...^۲

۱. <https://civilica.com/p/467262> / سیویلیکا

2. <https://www.iranketab.ir/profile/35623-%D8%B6%DB%8C%D8%A7%D8-B%8C-%D8%B1%D9%81%D8%B9%D8%AA>.

محمد احسان پاک‌زاد (۱۹۶۱- ...)

محمد احسان پاک‌زاد، از جمله شاعران مهاجر افغانستان، در سال ۱۹۶۱ میلادی در هرات به دنیا آمد. آموزش‌های ابتدایی و متوسطه خود را در هرات تکمیل کرد و سپس برای ادامه تحصیل به کابل رفت و در دانش‌گاه کابل ثبت‌نام نمود. در دوران تحصیل در دانش‌گاه کابل، به دلیل فشارهای رژیم کمونیستی مجبور شد تحصیلات دانش‌گاهی خود را نیمه‌تمام رها کرده و به ایران مهاجرت کند. در ایران، به صفوف مجاهدین پیوست و علیه حکومت افغانستان مبارزه کرد. پس از به قدرت رسیدن مجاهدین در سال ۱۹۹۲ میلادی، پاک‌زاد به هرات بازگشت و در رادیو و تلویزیون هرات به عنوان مجری و خبرنگار فعالیت نمود. با بازگشایی مجدد انجمن ادبی هرات در همان سال، پاک‌زاد عضو این انجمن شد و فعالیت‌های ادبی خود را ادامه داد. پس از به قدرت رسیدن طالبان، پاک‌زاد افغانستان را ترک کرده و به کانادا مهاجرت نمود و در شهر تورنتو ساکن شد.

اشعار محمد احسان پاک‌زاد در روزنامه‌ها و مجلات هرات و همچنین در مطبوعات مجاهدین در ایران و کانادا منتشر شده است.^۱ نمونه شعری از پاک‌زاد با عنوان «مصرع شعر» که در این جا آورده شده، بیان‌گر سبک و محتوای شعری او می‌باشد.

مصرع شعر

گل چو با بلبل شوریده هم‌آواز شود	مصرع شعر بدین‌گونه سرآغاز شود
بلبلان بر سر گل‌شاخه چه خوش می‌خوانند	مصلحت نیست چمن خالی از این ساز شود
هر اناری که در این باغ ترک بردارد	چتر خواهش به گلستان دلم باز شود
شود آیا که من سوخته‌دل هم‌گاهی؟	حلقه‌ی بر در شادی بزخم باز شود

ثریا واحدی (۱۹۶۲- ...)

ثریا واحدی، شاعر برنده جوایز، در سال ۱۹۶۲ میلادی در کابل به دنیا آمد. پس از تکمیل آموزش‌های ابتدایی و متوسطه در کابل، واحدی آموزش خود را در انستیتوت تعلیم و تربیت آغاز کرد و پس از دو سال تحصیل، از انستیتوت فارغ شد. پس از فراغت، به عنوان معلم ادبیات فارسی مشغول به کار شد و سپس به انجمن نویسندگان

۱. صابری هروی، سید جلیل. شعرای عصر حاضر افغانستان، جلد اول. کابل: نشر نوند، ۱۳۸۹. ص. ۴۳۳-۴۳۴.

افغانستان پیوست و در آن جا مربی نویسنده‌گان جوان شد. بعدها در موسسه نویسندگان جوان به عنوان منشی کار خود را آغاز کرد و مدتی بعد به سمت منشی بخش ادبیات کودکان منصوب شد و در نهایت منشی بخش نقد و پژوهش‌های ادبی آن موسسه شد. واحدی همچین عضو هیئت مرکزی انجمن نویسنده‌گان افغانستان بود و در نشریه رسمی انجمن، مجله ژوندون، مسؤولیت مدیریتی برعهده داشت.

اولین اشعار او در مجله ژوندون منتشر شد و نخستین کتاب شعرش با عنوان «میلاد با بهاران» در سال ۱۹۸۸ میلادی توسط انجمن نویسنده‌گان افغانستان به چاپ رسید. واحدی در سال‌های ۱۹۸۶ و ۱۹۸۷ میلادی دوبار موفق به دریافت جایزه کتاب سال وزارت فرهنگ شد و همچنین در سال ۱۹۸۹ میلادی جایزه ادبی حکیم ناصر خسرو را نیز دریافت کرد.^۱ ثریا واحدی در سبک و محتوا به نگارش اشعار مدرن می‌پردازد و نمونه شعری از او با عنوان «فریاد یا شگفتن» که در این جا آورده شده، بیان‌گر سبک شعری و محتوای آثار او می‌باشد.

فریاد یا شگفتن

شب تنهایی را

که به بی‌رحمی خاموشی من مانند است

با کدامین غم ناخواسته

آغازکنم...؟

لطیف پدram (۱۹۶۳- ...)

لطیف پدram، شاعر و نویسنده، در سال ۱۹۶۳ میلادی در کابل به دنیا آمد. او آموزش‌های ابتدایی و متوسطه خود را در افغانستان آغاز کرد و پس از آن در ایران تکمیل نمود.

پس از اتمام تحصیلات در ایران، پدram به افغانستان بازگشت و در زمان حمله روس‌ها کشورش را ترک نکرد. در سال ۱۹۷۶ میلادی به دلیل فعالیت‌های سیاسی بازداشت شد. پس از آزادی، عضو انجمن شاعران و نویسنده‌گان افغانستان و انجمن نویسنده‌گان جوان افغانستان شد و همچنین به انجمن خبرنگاران پیوست. پدram هم‌چنین به عنوان معاون مرکز فرهنگی حکیم ناصر خسرو فعالیت داشت و در دانش‌گاه حکیم ناصر خسرو به تدریس پرداخت. او همچنین عضو هیئت

۱. پهلوان، چنگیز (به کوشش). نمونه‌های شعر امروز افغانستان. تهران: بنیاد نیشابور، ۱۳۷۱. ص ۳۱۳.

تحریریه بین‌المللی مجله پیوند در تاجیکستان بود. پس از به قدرت رسیدن طالبان، پدram کشورش را ترک کرد و در سال ۱۹۹۸ میلادی به فرانسه مهاجرت نمود. وی در سال ۲۰۰۴ میلادی به افغانستان بازگشت و در کابل مستقر شد. آثار منتشرشده پدram عبارت‌انداز: «نقشی در آبگینه و باران»، «لحظه‌های مسلوب»، «شعرهای انزوا»، «خطابه‌یی از سکوی هندوکوش»، «چند نکته به شیوه طرح»، «دل‌آوران کوهستان»^۱. نمونه شعری از پدram با عنوان «باتفنگ و تکبیر» که در این جا آورده شده، بیان‌گر سبک شعری و محتوای آثار او می‌باشد.

باتفنگ و تکبیر

آنک، آنک

سبزینه جوانی از خاک

بهارینه

به هوای عشق بر رسته است:

کیست این

راستی کیست این؟

هشت شمع فروزان

در بارگاه ایزد روشنی

فریاد منفجر هزاران قرن

که آزادی را با هزار زبان می‌گویند.

ناهید بشردوست (۱۹۶۵ - ...)

ناهید بشردوست، شاعر و داستان‌نویس، در سال ۱۹۶۵ میلادی در کابل به دنیا آمد. او آموزش‌های ابتدایی و متوسطه خود را در کابل تکمیل کرد و در سال ۱۹۸۲ وارد دانشگاه کابل، دانش‌کده ساینس، رشته زمین‌شناسی شد و در سال ۱۹۸۶ میلادی فارغ‌گردد. پس از فراغت، بشردوست به خبرنگاری روی آورد و پس از سقوط طالبان، به عنوان معاون مدیر

۱. پهلوان، چنگیز (به کوشش). نمونه‌های شعر امروز افغانستان. تهران: بنیاد نیشابور، ۱۳۷۱. ص ۳۵؛ صابری هروی، سید جلیل. شعرای عصر حاضر افغانستان، جلد اول. کابل: نشر نوند، ۱۳۸۹. ص ۴۳۸-۴۳۹.

مجله ملالی فعالیت نمود. وی مدتی نیز به عنوان خبرنگار در خبرگزاری پژواک کارکرد. ناهید بشردوست از سنین جوانی به شعر سرودن پرداخت و نخستین شعر او در مجله درفش جوانان منتشر شد. این شعر باعث شد تا بشردوست به دریافت جایزه نخست نایل شود. آثار منتشر شده وی عبارت انداز: «پیامبر مهر»، شعر، ۱۹۹۴، کابل؛ «در جاده های غربت»، داستان، ۱۹۹۴، کابل؛ «خاطرات نگاه»، ۱۹۹۴، کابل؛ «شب های پرستاره»، ۲۰۰۶، کابل.^۱ نمونه شعری از ناهید بشردوست با عنوان «شیشه و سنگ» که در این جا آورده شده، بیانگر سبک شعری و محتوای آثار او می باشد.

شیشه و سنگ

من از غم ها گریز ام
ز نیرنگ ها گریز ام
در این جا جای من تنگ است
همه جنگ است، همه جنگ است
فضای تازه می خواهم
دل آزاده می خواهم
در این جا شیشه و سنگ است
همه جنگ است، همه جنگ است

عبدالسمیع حامد (۱۹۶۹- ...)

عبدالسمیع حامد، شاعر، در سال ۱۹۶۹ میلادی در بدخشان به دنیا آمد. نام پدر او غلام نبی مدهوش غزنوی است و حامد از دانش گاه بلخ، رشته طب فارغ شده است. پس از به قدرت رسیدن طالبان، حامد به پاکستان مهاجرت کرد و در پشاور اقامت گزید. وی در پشاور با مرکز همکاری افغانستان همکاری نمود. در سال ۲۰۰۰ میلادی همراه خانواده اش به دانمارک مهاجرت کرد. پس از تغییرات مدیریتی در افغانستان، به کشورش بازگشت و مرکز حمایت از حقوق نویسندگان افغانستان را در کابل تأسیس نمود. در دوران اقامتش در پشاور، اشعار و نوشته های حامد در مجله ها و نشریات متعلق به

۱. صابری هروی، سید جلیل. شعرای عصر حاضر افغانستان، جلد اول. کابل: نشر نوند، ۱۳۸۹. ص ۳۳۸.

مجاهدین منتشر شد. آثار وی عبارت‌اند از: «شیشه‌های تشنه»، ۱۹۹۰؛ «باغچه‌های شهید»، ۱۹۹۲؛ «یادها و فریادها»؛ «از دوزخ اردیبهشت»، ۱۹۹۳، بلخ؛ «رازبن‌ها در فصل شکفتن گل انجیر»، ۱۹۹۸، پاکستان؛ «من و آیین»؛ «شعر و شمشیر»؛ «تبعیدی همیشه»؛ «کوچه‌های کوچک پاییز»؛ «باگیسوان آبی آتش»؛ «بگذار شب همیشه بماند».^۱

نمونه شعری از حامد با عنوان «ای دل بگو» که در این جا آورده شده، بیانگر سبک شعری و محتوای آثار او می‌باشد.

ای دل بگو

ای دل! بگو که گل‌کده خشکید و کس نگفت	دستی تمام باغچه را چید و کس نگفت
بوی بلوغ نسترن از ییاد باد رفت	بر باد گشت خانه خورشید و کس نگفت
آتش گرفت دامن سبز گلاب را	ابری سرشک مهر نبارید و کس نگفت

شاعران دیگر این دوره (۱۹۰۱-۱۹۷۳)

در این بخش از پژوهش ما، صد و نود و دو شاعر ذکر شده‌اند که با نام شناسایی شده‌اند، یا اطلاعات کافی درباره‌شان در دست‌رس نبوده یا در دوران زنده‌گی‌شان چندان برجسته نبوده‌اند. اطلاعات جمع‌آوری شده از منابع قابل دست‌رس در طول مطالعه، می‌تواند برای پژوهش‌های آینده و همچنین برای کسب دیدی گسترده‌تر درباره‌ آن دوره مفید باشد.

محمد اکرم در سال ۱۹۰۲ میلادی در بدخشان به دنیا آمد. نخستین درس‌های خود را در محیط خانواده و از پدرش فراگرفت. در بدخشان نزد علمای زمان عربی خواند. اکرم در سنین جوانی بیمار شد و در سال ۱۹۴۵ میلادی درگذشت.^۲

میر عبدالله نصار در سال ۱۹۰۵ میلادی به دنیا آمد. به عنوان معلم فعالیت کرد و در دفاتر اتاق تجارت مزار شریف به عنوان منشی مشغول بود. او نقاش و مینیاتوربست نشراتی نیز بود.

محمد قاسم واجد، در سال ۱۹۰۵ میلادی در کابل متولد شد. آموزش ابتدایی و متوسطه خود را در کابل گذراند. مدتی در وزارت امور خارجه به عنوان کارمند و سپس در اداره مطبوعات فعالیت کرد. آثارش در روزنامه‌ها و مجله‌ها منتشر شد و با نام «اشعار واجد» به چاپ رسید.

گل محمد ژووندی، در سال ۱۹۰۵ میلادی در کابل متولد شد. پس از فراغت، ازلیسه حبیبیه

۱. صابری هروی، سید جلیل. شعرای عصر حاضر افغانستان، جلد اول. کابل: نشر نوند، ۱۳۸۹. ص ۶۱.

۲. خسته، خال محمد. معاصرین سخنور. چاپ دوم. پشاور: انجمن دانش، ۱۳۸۶. ص ۳۵.

وانستیتوت تعلیم و تربیه، در سال ۱۹۲۱ میلادی در شهرهای مزار شریف، اندخوی و بلخ به تدریس پرداخت. سپس در روزنامه‌های اصلاح و انیس فعالیت کرد. آثار او عبارت‌اند از: فیروز(رمان)، آرزوی پر آشوب (داستان کوتاه)، دیوان (شعر)¹.

محمد حسین طالب در سال ۱۹۰۶ میلادی در قندهار متولد شد. نام پدرش غلام حسین بود. پس از پایان آموزش ابتدایی، به کابل رفت و آموزش متوسطه را آغاز کرد. طالب در سال ۱۹۲۹ میلادی به استخدام رسمی درآمد. او از چهارده ساله‌گی شعر به فارسی و پشتو می‌سرود و آثارش در رسانه‌های مختلف منتشر شده است.

نجف علی نباتی در سال ۱۹۰۷ میلادی در کابل متولد شد. پس از پایان تحصیلات ابتدایی، از انستیتوت تعلیم و تربیه فارغ‌التحصیل شد و به‌عنوان معلم فارسی منصوب گردید. بعداً در مؤسسات مختلف مدیریت انجام داد.²

نجف علی نجاتی در سال ۱۹۰۷ میلادی در مزار شریف به دنیا آمد. پس از پایان تحصیلات، به استخدام رسمی پرداخت.

ابوالخیر خیری در سال ۱۹۰۷ میلادی در کابل متولد شد. نام پدرش احمد کولی بود و پدرش از بزرگان منطقه بود. خیری تحصیلات خود را در کابل به پایان رساند و مدتی به معلمی و مدیریت پرداخت. او یک دوره نمایندۀ میمنه در مجلس بود و در سال ۱۹۷۴ میلادی درگذشت. خیری به‌عنوان شاعر و نویسنده شناخته می‌شود و شعر و نوشته‌هایش را به فارسی و ازبکی سروده است.

عبدالرووف مولانا آزاد الکلام باقی در سال ۱۹۰۷ میلادی در غزنه متولد شد. آموزش اولیۀ خود را از مادر فراگرفت و در کابل نزد پدر عربی آموخت. مدتی در سمت اداری فعالیت کرد. در مسجد معروف به مفتی غزنه درس می‌داد و شاگردان تربیت می‌کرد.³

محمد شریف حسینی در سال ۱۹۰۹ میلادی در مزار شریف به دنیا آمد. نام پدرش محمد حسین بود. حسینی آموزش‌های ابتدایی و متوسطه خود را در مزار شریف به پایان رساند. مدتی به حرفه آزاد پرداخت و یک دوره به‌عنوان نمایندۀ شهرداری انتخاب شد. او در سال ۱۹۷۹ میلادی درگذشت.⁴

۱. خسته، خال محمد. معاصرین سخنور. چاپ دوم. پشاور: انجمن نشراتی دانش، ۱۳۸۶. ص ۱۸۷، ۱۲۱، ۱۲۶.

۲. خسته، خال محمد. معاصرین سخنور. چاپ دوم. پشاور: انجمن نشراتی دانش، ۱۳۸۶. ص ۱۳۷.

۳. خسته، خال محمد. معاصرین سخنور. چاپ دوم. پشاور: انجمن نشراتی دانش، ۱۳۸۶. ص ۱۸۶، ۱۸۸، ۳۳۶ - صابری هروی، سید جلیل. شعرای عصر حاضر افغانستان، جلد اول. کابل: نشر نوند، ۱۳۸۹. ص ۸۵۶.

۴. صابری هروی، سید جلیل. شعرای عصر حاضر افغانستان، جلد اول. کابل: نشر نوند، ۱۳۸۹. ص ۷۲۸. , 306 - Akyüz, Geç Dönem Çağatay Edebiyatından Günümüze Afganistan Özbek Edebiyatının Tarihi Gelişimi ve Faryab Edebi Muhiti, s. 92.

نورمحمد کله در سال ۱۹۱۰ میلادی متولد شد. نام پدرش میرزا محمد بود. کله پس از فراگیری آموزش‌های ابتدایی در خانواده، در پیشاور، لاهور و کوئته تحصیل کرد. سپس به افغانستان بازگشت و در وزارت مالیه و ظایفی را برعهده گرفت.

میرزا محمد علی طیب در سال ۱۹۱۰ میلادی به دنیا آمد. نام پدرش سیف الدین بود و پدرش نیز از شاعران دوره حبیب‌الله خان بود. طیب آموزش‌های ابتدایی خود را در زادگاهش به پایان رساند و نزد استادان خصوصی درس خط آموخت. او در سال ۱۹۲۰ میلادی در کابل درگذشت.

محمد ایوب حازی در سال ۱۹۱۰ میلادی در کابل به دنیا آمد. نام پدرش حاج محمد یوسف بود. حازی در هشت ساله‌گی همراه خانواده به مزار شریف مهاجرت کرد و آموزش‌های ابتدایی و متوسطه خود را در آنجا به پایان رساند. او از سال ۱۹۴۱ میلادی به شعر سرودن پرداخت و آثارش در مجله‌های بیدار و دیگر روزنامه‌ها و مجله‌های مزار شریف منتشر شد. ذبیح‌الله بسمل که با القاب بسمل و رضایی شناخته می‌شد، در سال ۱۹۱۰ میلادی در هرات متولد شد. نام پدرش محمد حسین رضایی بود. بسمل آموزش‌های ابتدایی خود را در هرات به پایان رساند و مدتی در کابل آموزش دید، سپس به تجارت مشغول شد. او به زبان‌های فرانسوی، اردو، انگلیسی و روسی مسلط بود. پس از کودتای کمونیستی، افغانستان را ترک و به ایران مهاجرت کرد و در شهر مشهد سکونت گزید. رضایی در سال ۱۹۸۶ میلادی در مشهد درگذشت.

مستوره غوری در سال ۱۹۴۵ میلادی درگذشت و در زمان فوت سی و چهار سال داشت. نام پدرش میر سید اعظم بود. غوری دارای یک دیوان شامل بیش از سه هزار و پنجاه بیت است. میر حق داد دل جو در سال ۱۹۱۱ میلادی در بلخ به دنیا آمد. نام پدرش میر ضیاء الدین بود و از او درس‌های عربی فراگرفت.

محمد ابراهیم ذکا ترکمنی در سال ۱۹۱۱ میلادی در پروان متولد شد. ذکا سپس به کابل مهاجرت کرد و به دلیل نارضایتی از آثارش، در سال ۱۹۴۹ میلادی تمامی شعرهای خود را آتش زد. تنها اثر شناسایی شده از ابراهیم ذکا، کتاب *حزینت الدرراست*. محمد ظاهر در سال ۱۹۱۱ میلادی در کابل متولد شد. او از پدر و چند استاد خصوصی

۱. خسته، خال محمد. معاصرین سخنور. چاپ دوم. پیشاور: انجمن نشراتی دانش، ۱۳۸۶. ص ۱۵۳، ۳۱۴؛ صابری هروی، سید جلیل. شعرای عصر حاضر افغانستان، جلد اول. کابل: نشر نوند، ۱۳۸۹. ص ۵۱۹، ۷۹۲، ۳۲۷-۳۲۸؛ غبار، میر غلام محمد. تاریخ ادبیات افغانستان (دوره محمد زایی‌ها). کابل: مطبعه دولتی، ۱۳۳۰؛ بازنشر: تهران، مرکز نشراتی آرش، ۱۳۷۸. ص ۱۲۰؛ کهزاد، احمد علی. تاریخ ادبیات افغانستان. کابل: مطبعه عمومی، ۱۳۳۰. ص ۳۹۴.

درس‌گرفت و در سال ۱۹۳۰ میلادی در وزارت مالیه مشغول به کار شد.^۱ امیراحمد برید، با القاب رنا و برید، در سال ۱۹۱۲ میلادی در کابل به دنیا آمد. نام پدرش سردار نورمحمد نوری بود و تحصیلات خود را در کابل به پایان رساند. رابعه اسیر که اصالتاً اهل کابل بود، در سال ۱۹۱۲ میلادی در شهر پنجاب هندوستان متولد شد؛ زیرا پدرش محمدعظیم در تبعید بود. اسیر، هنگامی که شش ماهه بود، پس از درگذشت پدرش همراه مادرش به افغانستان بازگشت. او اولین درس‌هایش را از مادرش فراگرفت و به تشویق مادر شعر می‌خواند و می‌نوشت. رابعه اسیر در سال ۱۹۳۷ میلادی در کراچی درگذشت. اثر او داغ لاله در سال ۱۹۸۵ میلادی در کابل منتشر شد. عبدالحسین ترابی در سال ۱۹۱۲ میلادی در هرات به دنیا آمد. نام پدرش محمداکبر بود. او آموزش‌های ابتدایی خود را در مدرسه محل گذراند و پس از آن در مشاغل مختلف دولتی مشغول شد.^۲

محمدحیدر امیر در سال ۱۹۱۳ میلادی به دنیا آمد و مدتی در پاکستان اقامت داشت. کتاب شعر او با عنوان نیشان در پاکستان منتشر شد. گوهر کابلی در سال ۱۹۱۳ میلادی متولد شد و به هند مهاجرت کرد. او به زبان‌های فارسی و پشتو شعر می‌سرود.

عزیزاحمد پنهان در سال ۱۹۱۳ میلادی در کابل متولد شد. نام پدرش شیراحمد خان صافی بود. پنهان به عنوان شاعر و موسیقی‌دان شناخته می‌شود. او آموزش‌های ابتدایی و متوسطه خود را در کابل به پایان رساند و از لیسه هنرهای زیبا کابل فارغ شد. در سال ۱۹۳۵ میلادی پس از فراغت، در همان مکتب به عنوان معلم مشغول به کار شد.^۳

عبدالحکیم ضیایی در سال ۱۹۱۴ میلادی در کابل به دنیا آمد. آموزش‌های ابتدایی و متوسطه خود را در لیسه استقلال به پایان رساند و برای تحصیلات عالی با بورس دولتی به جاپان رفت و هفت سال در رشته علوم تربیتی تحصیل کرد. پس از فراغت، به افغانستان بازگشت و وارد مشاغل دولتی شد. سپس مدتی در فرانسه تحصیل کرد و پس از بازگشت، به

۱. صابری هروی، سید جلیل. شعرای عصر حاضر افغانستان، جلد اول. کابل: نشر نوند، ۱۳۸۹. ص ۸۸۵-۸۸۶، ۸۵۹؛ خسته، خال محمد. معاصرین سخنور. چاپ دوم. پشاور: انجمن نشراتی دانش، ۱۳۸۶. ص ۱۴۴.

۲. صابری هروی، سید جلیل. شعرای عصر حاضر افغانستان، جلد اول. کابل: نشر نوند، ۱۳۸۹. ص ۲۲۳، ۱۳۱، ۵۳۶-۵۳۷. خسته، خال محمد. معاصرین سخنور. چاپ دوم. پشاور: انجمن نشراتی دانش، ۱۳۸۶. ص ۵۶.

۳. پهلوان، چنگیز (به کوشش). نمونه‌های شعر امروز افغانستان. تهران: بنیاد نیشابور، ۱۳۷۱. ص ۳۱۱. غبار، میرغلام محمد. تاریخ ادبیات افغانستان (دوره محمدزایی‌ها). کابل: مطبعه دولتی، ۱۳۳۰؛ بازنشر: تهران، مرکز نشراتی آرش، ۱۳۷۸. ص ۱۱۹؛

صابری هروی، سید جلیل. شعرای عصر حاضر افغانستان، جلد اول. کابل: نشر نوند، ۱۳۸۹. ص ۴۸۶.

ریاست دانش‌کده حقوق منصوب شد. ضیایی به زبان‌های فرانسوی و جاپانی مسلط بود و به هند سفر کرد.

ملا محمد عمر خان حسرت کشمی در بدخشان به دنیا آمد. نام پدرش ملا محمد ارباب بود. حسرت شاعر و خطاط بود. او سال‌ها به عنوان منشی و معلم فعالیت کرد و دانش جویان زیادی تربیت نمود. حسرت در سال ۱۹۱۵ میلادی درگذشت.

داملا محمد شریف حزین در بدخشان متولد شد. آموزش‌های ابتدایی و متوسطه خود را در بدخشان گذراند و برای ادامه تحصیل به بخارا رفت. پس از فراغت، به افغانستان بازگشت و به تدریس پرداخت. او در سال ۱۹۶۰ میلادی درگذشت.^۱

سراج‌الدین پژواک در سال ۱۹۱۵ میلادی در غزنی به دنیا آمد. آموزش‌های ابتدایی خود را در زادگاهش گذراند و سپس به کابل رفت و از انستیتوت تربیت معلم و سپس در سال ۱۹۵۲ میلادی از دانش‌گاه کابل، رشته زبان و ادبیات انگلیسی فارغ شد. پس از فراغت به معلمی پرداخت و در سال ۱۹۸۴ میلادی در غزنی درگذشت. اثر او با نام فانوس خیال در سال ۱۹۹۹ میلادی منتشر شد. محمد نسیم پروانه در سال ۱۹۱۵ میلادی در غور متولد شد. نام پدرش محمود خان غوری بود. نسیم پروانه درس‌های ابتدایی خود را از پدر و کاکایش فراگرفت. پس از تحصیل به مشاغل دولتی پرداخت و مدتی نماینده مردم پسابند و غور در مجلس بود. او به عنوان شاعر، نویسنده و خطاط شناخته می‌شد و در سال ۱۹۹۱ میلادی درگذشت.^۲

میرزا بهادر خان خادم در سال ۱۹۱۶ میلادی در بدخشان به دنیا آمد. نام پدرش وکیل رستم بیگ خان بود و پدر بزرگش نیز شاعر بود. خادم دروس ابتدایی خود را از معلم‌های خصوصی فراگرفت. او خانه خود را به عنوان مکتب دخترانه به وزارت معارف بخشید که نخستین مکتب دخترانه افغانستان شد. خادم در سال ۱۹۷۹ میلادی درگذشت. اشعارش در روزنامه‌های بدخشان منتشر شده است.

غلام محمد مخدوم، فرزند ملا رحمان‌علی، در سال ۱۹۱۷ میلادی به دنیا آمد. پس از تحصیل به عنوان معلم به مشاغل دولتی پیوست و مدتی به عنوان منشی اتاق تجارت میمنه فعالیت کرد.^۳

صاحبو عاجزه گل در سال ۱۹۱۸ میلادی در قندهار به دنیا آمد. نام پدرش محمدخان

۱. خسته، خال محمد. معاصرین سخنور. چاپ دوم. پشاور: انجمن نشراتی دانش، ۱۳۸۶. ص ۱۳۳؛ صابری هروی، سید جلیل.

شعراى عصر حاضر افغانستان، جلد اول. کابل: نشر نوند، ۱۳۸۹. ص ۶۷۸، ۶۸۲.

۲. صابری هروی، سید جلیل. شعراى عصر حاضر افغانستان، جلد اول. کابل: نشر نوند، ۱۳۸۹. ص ۴۴۹.

۳. صابری هروی، سید جلیل. شعراى عصر حاضر افغانستان، جلد اول. کابل: نشر نوند، ۱۳۸۹. ص ۷۸۷؛ خسته، خال محمد.

معاصرین سخنور. چاپ دوم. پشاور: انجمن نشراتی دانش، ۱۳۸۶. ص ۱۷۵.

قندهاری بود. عاجزه گل شاعری است که به زبان پشتو شعر می‌سراید. مرثیه‌یی که برای خواهرش نوشته، بسیار مشهور است.

عبدالقادر پورغنی در سال ۱۹۱۸ میلادی در کابل به دنیا آمد. نام پدرش عبدالغنی خان بود. پورغنی آموزش‌های ابتدایی و متوسطه خود را در زادگاهش گذراند و سپس در لیسه هنرهای زیبای کابل در رشته نقاشی تحصیل خود را آغاز کرد، اما تحصیل را نیمه‌کاره رها کرد و به حرفه پدرش در بخش معدن مشغول شد. او به هند، عراق و ایران سفر کرد و سپس افغانستان را ترک کرده و به هالند مهاجرت نمود. پورغنی در سال ۱۹۸۷ میلادی در هالند درگذشت. شعرهای او در مجلات مختلف افغانستان منتشر شده است و اثر او با نام دیوان پورغنی در سال ۲۰۰۵ میلادی در هالند به نشر رسیده.

غلام محمد عمر حیرت در سال ۱۹۱۸ میلادی در لوگر به دنیا آمد. نام پدرش امرالله بود و بعدها با خانواده به مزار شریف مهاجرت کرد. وی در مزار شریف آموزش ادبیات، عربی، صرف، نحو و منطق را گذراند و سپس در بخش‌های مختلف دولتی مشغول به کار شد. حیرت مدتی به عنوان مأمور گمرک فعالیت کرد و از سال ۱۹۴۸ میلادی به بعد معاونت و ریاست شهرداری مزار شریف را بر عهده داشت.^۱

نعمت‌الله ابدالی، نام پدرش حفظ‌الله بود و در سال ۱۹۱۹ میلادی متولد شد. ابدالی در سال ۱۹۳۹ میلادی آموزش ابتدایی خود را به پایان رساند و پس از آن مدتی در مؤسسات آموزشی به سمت مدیریت فعالیت کرد. از سال ۱۹۴۷ میلادی به بعد، در بدخشان به عنوان مفتش معارف مشغول شد.

محمد انور اسیری در سال ۱۹۱۹ میلادی به دنیا آمد. نام پدرش محمد عمر بود. اسیری آموزش ابتدایی خود را در هرات به پایان رساند و آموزش‌های حساب‌داری و بانک‌داری دید. مدتی در اتاق تجارت هرات کار کرد و در جوانی به شعر روی آورد. آثار شعری او در مجلات آن دوران هرات منتشر شده است.

غلام‌صادق حسابی در سال ۱۹۱۹ میلادی در کابل به دنیا آمد. نام پدرش اسکندر خان بود. پس از آموزش‌های ابتدایی و متوسطه، به عنوان معلم در لیسه حبیبیه منصوب شد و هجده سال به تدریس پرداخت. سپس وارد دانش‌کده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه کابل شد و در سال ۱۹۶۵ میلادی فارغ‌گردد.

۱. غبار، میرغلام محمد. تاریخ ادبیات افغانستان (دوره محمدزایی‌ها). کابل: مطبوعه دولتی، ۱۳۳۰؛ بازنشر: تهران، مرکز نشراتی آرش، ۱۳۷۸. ص ۱۱۸؛ خسته، خال محمد. معاصرین سخنور. چاپ دوم. پشاور: انجمن نشراتی دانش، ۱۳۸۶. ص ۹۴، ۲۲؛ صابری هروی، سید جلیل. شعرای عصر حاضر افغانستان، جلد اول. کابل: نشر نوند، ۱۳۸۹. ص ۴۸۶-۴۸۷، ۲۸۵.

هلال‌الدین بدری در سال ۱۹۱۹ میلادی در مزار شریف متولد شد. نام پدرش محمدعلیم بود. وی در خانواده‌یی با سواد و آموزش دیده رشد کرد. بدری مدیریت مجله بلخ را برعهده داشت و مدتی به‌عنوان نماینده مردم مزار شریف در مجلس فعالیت کرد.^۱

عبدالسلام عاصم در سال ۱۹۲۱ میلادی در کابل به دنیا آمد. عاصم که از معلمین خصوصی درس می‌گرفت، زبان عربی خود را پرورش داد. نام پدرش یوسف جان بود و او از اهل طریقه نقشبندی بود. عاصم در سال ۱۹۸۵ میلادی در کابل درگذشت.

میر محمد طاهر در سال ۱۹۲۱ میلادی به دنیا آمد. نام پدرش میرصاحب بود و طاهر از پدر خود درس گرفت و خود را پرورش داد.

تاج‌البیضا طیب دروازی در سال ۱۹۲۱ میلادی در بدخشان متولد شد. نام پدرش قاضی قربان محمد خان بود. او نخستین دروس خود را از پدرش فراگرفت و پس از اتمام آموزش ابتدایی، به کابل رفت و از انستیتوت تعلیم و تربیه فارغ شد. پس از فراغت، به معلمی پرداخت. در سال ۱۹۸۸ میلادی به‌عنوان نماینده مردم در مجلس حضور یافت و در سال ۲۰۰۸ میلادی درگذشت. دروازی که خوش‌نویس نیز بود، شاگردان زیادی تربیت کرد و با فرزندان خود در زمینه شعرکاری کرد و شعرهای فرزندان را اصلاح می‌نمود. اشعار طیب توسط فرزندان در مجلات مختلف منتشر شده است.

کشور حاذقی هروی در سال ۱۹۲۱ میلادی در هرات به دنیا آمد. نام پدرش محمد عثمان بود. حاذقی در ابتدا از پدرش درس‌های فارسی و عربی را فراگرفت و سپس انگلیسی آموخت و به مطالعه ادبیات غرب پرداخت. وی شعرهایش را به فارسی و پشتومی سرود و آثارش در مجلات اتفاق اسلام و هرات منتشر شده است. آثار حاذقی که جوایز متعدد ادبی دریافت کرده‌اند، عبارتند از: هیئت نسوان؛ همکاری به ملت؛ کلیات حاذقی هروی.

عبدالرب حیل در سال ۱۹۲۱ میلادی در کابل متولد شد. نام پدرش میرزا فضل احمد صحاف بود. حیل آموزش‌های ابتدایی و متوسطه را در کابل به پایان رساند و به زبان‌های آلمانی، انگلیسی، فرانسوی، روسی، اردو و عربی تسلط داشت. او در وزارت راه‌سازی به‌عنوان مترجم مشغول شد و در سال ۱۹۴۲ میلادی ریاست بانک افغانستان را برعهده گرفت.

محمد اسلام بهادری در سال ۱۹۲۱ میلادی در گل‌بهار متولد شد. سپس افغانستان را ترک کرده و به آلمان مهاجرت کرد. اثر او با نام منتخب اشعار در سال ۱۹۹۴ میلادی در آلمان

۱. صابری هروی، سید جلیل. شعرای عصر حاضر افغانستان، جلد اول. کابل: نشر نوند، ۱۳۸۹. ص ۹۷، ۲۰۸، ۶۷۰؛ خسته، خال محمد. معاصرین سخنور. چاپ دوم. پشاور: انجمن نشراتی دانش، ۱۳۸۶. ص ۵۵.

منتشر شد.^۱

غلام‌رضا هوشمند در سال ۱۹۲۲ میلادی در هرات متولد شد. او آموزش‌های ابتدایی را در کابل به پایان رساند و در سال ۱۹۵۰ میلادی از دانش‌کده پزشکی فارغ شد و به عنوان پزشک مشغول به کار شد.

محمداسرار دروازی در سال ۱۹۲۲ میلادی در بدخشان به دنیا آمد. او پس از پایان تحصیلات ابتدایی، به کشاورزی پرداخت. شعرهای او در مجلات و روزنامه‌های بدخشان منتشر شده است.

شمس‌الدین نابغ در سال ۱۹۲۲ میلادی در مزار شریف متولد شد. نام پدرش قدیم بود و با حمایت خانواده تحصیل نمود. نابغ در سال ۱۹۴۲ میلادی در کابل درگذشت. عبدالحکیم مزده در سال ۱۹۲۲ میلادی در پنجشیر به دنیا آمد. نام پدرش یارمحمد بود و وی در وزارت زراعت به عنوان کارمند مشغول شد.^۲

شریف نسیم پروان در سال ۱۹۲۳ میلادی متولد شد. نام پدرش غلام‌قادر بود. پس از پایان آموزش‌های ابتدایی، از انستیتوت تعلیم و تربیه فارغ شد و به عنوان معلم شروع به کار کرد. پروان مدیریت روزنامه‌های پروان و اتحاد بغلان را برعهده داشت و همچنین در سمت ریاست اداره مطبوعات بدخشان خدمت کرد.

میر شهاب‌الدین بدیع در سال ۱۹۲۳ میلادی در سمنگان به دنیا آمد. نام پدرش میر عمادالدین بود. بدیع پس از اتمام آموزش‌های ابتدایی و متوسطه، به خدمت دولتی پرداخت و تا مقام مدیریت کل ارتقاء یافت. او در شهرهای مختلف خدمت کرده و در سال ۱۹۸۱ میلادی بازنشسته شد.

جلال‌الدین جلال در سال ۱۹۲۳ میلادی در کابل متولد شد. نام پدرش میرمسجدی خان بود. جلال در سال ۱۹۳۰ میلادی در رشته مجسمه‌سازی دبیرستان هنرهای زیبا کابل شروع به تحصیل کرد و همزمان دروس خصوصی نقاشی را نیز فراگرفت. او در سال ۱۹۴۸ میلادی تحصیلاتش را تکمیل کرد و به تجارت پرداخت. جلال در سال ۱۹۷۷ میلادی درگذشت. آثار او عبارتند از: ارمغان ادب، ۱۹۷۳؛ گلبن ادب.

اسدالله جمیلی در سال ۱۹۲۳ میلادی در سمنگان به دنیا آمد. نام پدرش فیض‌الله بود. جمیلی آموزش‌های ابتدایی و متوسطه را در مزار شریف به پایان رساند و سپس علوم دینی

۱. خسته، خال محمد. معاصرین سخنور. چاپ دوم. پشاور: انجمن نشراتی دانش، ۱۳۸۶. ص ۱۹، ۱۲۸؛ صابری هروی، سید جلیل. شعرای عصر حاضر افغانستان، جلد اول. کابل: نشر نوند، ۱۳۸۹. ص ۱۲۶-۱۲۷، ۵۱۵-۵۱۶، ۶۵۱-۶۵۲، ۶۵۰، ۳۹۱.

۲. خسته، خال محمد. معاصرین سخنور. چاپ دوم. پشاور: انجمن نشراتی دانش، ۱۳۸۶. ص ۱۲، ۱۸۱، ۱۷۱؛ صابری هروی، سید جلیل. شعرای عصر حاضر افغانستان، جلد اول. کابل: نشر نوند، ۱۳۸۹. ص ۱۸۵.

وادبیات را فراگرفت. او در سال ۱۹۵۹ میلادی به خدمت دولتی پرداخت. جمیلی در سال ۱۹۷۶ میلادی شروع به سرودن شعر کرد. اشعار او در مجموعه پرتاووس و مجلاتی چون انیس، بیدار، اتحاد بغلان، سمنگان، ژوندون منتشر شده‌اند. اثرکشکول او در سال ۱۹۶۶ میلادی در پشاور توسط انجمن همکاری فرهنگی قوه کمر به نشر رسید.

میراحمد اکسیر در سال ۱۹۲۳ میلادی در کابل متولد شد. نام پدرش عبدالرحمن بود. اکسیر پس از پایان آموزش‌های ابتدایی، از دانش‌کده شیمی و زیست‌شناسی دانشگاه کابل فارغ شد. او پس از فراغت معلم شد و در سال ۱۹۵۴ میلادی به عنوان مفتش وزارت مالیه مشغول خدمت گردید. سپس دوباره به تدریس بازگشت و در سال ۱۹۷۹ میلادی بازنشسته شد.^۱

غلام حبیب نوایی در سال ۱۹۲۴ میلادی در کابل به دنیا آمد. فارغ از انستیتوت تعلیم و تربیه بود و به عنوان معلم فعالیت کرد. نوایی در روزنامه‌های اتحاد بغلان و بدخشان کار کرده و در مجلات پشتون ژغ و انیس مدیریت داشت. او دارای زبان شیوا و روان بود و آثارش عبارتند از: گل‌های خیال، سالنگ، هستی بدخشی، رابعه بلخی، لاله زار کوهسار، شیر و شکر.

عبدالحکیم واله در سال ۱۹۲۴ میلادی در کابل متولد شد. پس از پایان آموزش‌های ابتدایی و متوسطه، در سال ۱۹۴۸ میلادی وارد دانش‌کده علوم سیاسی و حقوق شد. پس از فراغت در رادیو افغانستان و سایر نهادها خدمت کرد و سپس افغانستان را در لندن نماینده‌گی نمود. واله به انگلیسی و فرانسوی مسلط بود و آثارش را به فارسی و پشتو ترجمه کرد. اشعار و نوشته‌های او در مجلات و روزنامه‌هایی چون انیس، اصلاح، آریانا، پشتون ژغ، ژوندون منتشر شده‌اند. آثار او عبارتند از: دیوان واله، درام تجدد ما، رهنمای تاریخی باختر، چتر اقلید کامیابی (ترجمه)، دی ژوند خوندونه (ترجمه پشتو).^۲

خلیل‌الله پیمان در سال ۱۹۲۵ میلادی در کابل متولد شد. نام پدرش نورالله بود. پیمان در لیسه مسلکی تحصیل کرد و پس از فراغت به تدریس پرداخت. او به زبان فرانسوی مسلط بود و به عنوان شاعر و نویسنده داستان فعالیت داشت.^۳

حسام‌الدین اسد در سال ۱۹۲۶ میلادی در مزار شریف به دنیا آمد. پس از پایان آموزش‌های ابتدایی و متوسطه در زادگاهش، به خدمت دولتی پرداخت و در شهرهای تخار و بادغیس

۱. صابری هروی، سید جلیل. شعرای عصر حاضر افغانستان، جلد اول. کابل: نشر نوند، ۱۳۸۹. ص ۳۱۹-۵۹۵، ۶۲۰، ۲۳۸؛

خسته، خال محمد. معاصرین سخنور. چاپ دوم. پشاور: انجمن نشراتی دانش، ۱۳۸۶. ص ۱۹۲، ۱۹۹.

۲. خسته، خال محمد. معاصرین سخنور. چاپ دوم. پشاور: انجمن نشراتی دانش، ۱۳۸۶. ص ۱۲۳.

۳. خسته، خال محمد. معاصرین سخنور. چاپ دوم. پشاور: انجمن نشراتی دانش، ۱۳۸۶. ص ۲۵۸؛ صابری هروی، سید

جلیل. شعرای عصر حاضر افغانستان، جلد اول. کابل: نشر نوند، ۱۳۸۹. ص ۵۰۸.

ریاست دادگاه‌ها را برعهده داشت.

حسین بیانی در سال ۱۹۲۶ میلادی در وردک متولد شد. اشعار او در مجلات کابل منتشر شده است. بیانی در سال ۱۹۷۹ میلادی مجبور شد افغانستان را ترک کرده و به ایران مهاجرت کند. اثر او نغمه‌های انقلاب در سال ۱۹۷۵ میلادی در ایران منتشر شده است. محی‌الدین امین نوابی در سال ۱۹۲۶ میلادی متولد شد. نام پدرش غلام حیدر نوابی بود. امین آموزش ابتدایی خود را در زادگاهش فراگرفت و سپس به کابل آمد و به حرفه خیاطی پرداخت. در سال ۱۹۵۲ میلادی در واحد مطبوعاتی دانش‌کده حقوق دانشگاه کابل مشغول به کار شد و همزمان آموزش مالی دریافت کرد. او مدیریت مجله حقوق را برعهده گرفت و سپس به سمت معاونت انتشارات دانش‌کده اقتصاد دانشگاه کابل منصوب شد. اشعار امین در روزنامه‌ها و مجلات مختلف منتشر شده است.^۱

میر محمد عثمان نالان در سال ۱۹۲۷ میلادی در کابل متولد شد. نام پدرش میر محمد شمس‌الدین بود. نالان پس از پایان تحصیلات، به خدمت دولتی پرداخت. سید بسم‌الله بسمل بادغیسی در سال ۱۹۲۷ میلادی در بادغیس متولد شد. نام پدرش عبد الاحد بود. بسمل در زادگاهش دروس فارسی، صرف و نحو، فقه، تفسیر و تاریخ اسلام را فراگرفت. او به کشاورزی و مال‌داری اشتغال داشت و در سال ۲۰۰۱ میلادی درگذشت. بسمل از چهارده ساله‌گی شعری سرود.^۲

فاطمه احاراری صاعقه در سال ۱۹۲۸ میلادی در هرات متولد شد. نام پدرش عبدالله احرار بود. احاراری در کودکی در محیط خانواده قرآن و آثار ادبی را خواند و از پدرش عربی و ادبیات آموخت. او در سال ۱۹۵۱ میلادی به تدریس پرداخت و با آمدن کمونیست‌ها در افغانستان بازنشسته شد. سپس به آلمان مهاجرت کرده و در هامبورگ اقامت‌گزید. اشعار فاطمه احاراری در مجلات هرات، سیستان، فراه، عرفان، سنایی و مجلات رنگین در آلمان منتشر شده‌اند.

برات علی فدایی در سال ۱۹۲۸ میلادی در هرات متولد شد. پس از فراغت در سال ۱۹۴۵ میلادی به تجارت پرداخت و سپس به ایران مهاجرت کرده و در مشهد اقامت‌گزید. او از سال ۱۹۴۵ میلادی به بعد به سرودن شعر پرداخت. آثار او عبارتند از: حج یا میعادگاه

۱. خسته، خال محمد. معاصرین سخنور. چاپ دوم. پشاور: انجمن نشراتی دانش، ۱۳۸۶. ص ۴۵؛ صابری هروی، سید جلیل. شعرای عصر حاضر افغانستان، جلد اول. کابل: نشر نوند، ۱۳۸۹. ص ۱۸۳، ۴۰۸-۴۰۹، ۲۶۹.

۲. خسته، خال محمد. معاصرین سخنور. چاپ دوم. پشاور: انجمن نشراتی دانش، ۱۳۸۶. ص ۱۸۴؛ صابری هروی، سید جلیل. شعرای عصر حاضر افغانستان، جلد اول. کابل: نشر نوند، ۱۳۸۹. ص ۳۲۵.

ابراهیم، فریاد خون، گل برگ‌ها، شکوفه‌ها.

عبدالسلام احدپورتاله در سال ۱۹۲۹ میلادی در هرات متولد شد. نام پدرش عبدالاحد بود. احدپورتا آموزش‌های ابتدایی و متوسطه خود را در زادگاهش به پایان رساند. او در سال ۱۹۴۶ میلادی به خدمت دولتی آغاز کرد و در مؤسسات مختلفی مانند اتاق تجارت، شرکت نساجی و ریاست گمرک کار کرد و در سال ۱۹۷۶ میلادی بازنشسته شد. پس از تهاجم شوروی به افغانستان، احدپورتا به آلمان مهاجرت کرد و در شهر هامبورگ ساکن شد.

محمد نسیم اسپر در سال ۱۹۲۹ میلادی در کابل متولد شد. نام پدرش قربان علی طیب بود. اسپر پس از پایان آموزش‌های ابتدایی، در سال ۱۹۴۳ میلادی در لیسه حبیبیه ثبت نام کرد و در سال ۱۹۴۹ میلادی فارغ شد. او سپس در بانک ملی به خدمت پرداخت و در سال ۱۹۸۳ میلادی به آلمان مهاجرت کرده و در شهر بن سکونت گزید. نخستین شعرش در سال ۱۹۴۶ میلادی در روزنامه انیس کابل منتشر شد و پس از مهاجرت، اشعار خود را در مجله رنگین در آلمان منتشر کرد.

محمد حسین بهروز در سال ۱۹۲۹ میلادی در کابل به دنیا آمد. نام پدرش بهاءالدین زرگر بود. بهروز به عنوان شاعر و نویسنده شناخته می‌شود. او آموزش‌های ابتدایی و متوسطه خود را در زادگاهش به پایان رساند و سپس در دانش‌کده علوم دانش‌گاه کابل ثبت نام کرد، اما پس از یک سال به دانش‌کده ادبیات منتقل شد. پس از فراغت، در سال ۱۹۵۳ میلادی در آموزش‌گاه آموزش به تدریس پرداخت و در سال ۱۹۵۶ میلادی هنگام کار در کتابخانه وزارت صنایع، مسئولیت نشریه رسمی وزارت خانه را نیز برعهده گرفت. حسین بهروز در سال ۱۹۹۴ میلادی درگذشت. آثار او عبارتند از: ادبیات افغانستان، دیوان اشعار.

غلام مجدد لایق در سال ۱۹۳۰ میلادی متولد شد. تحصیلات خود را در لیسه حبیبیه و موسسه تعلیم و تربیه کابل به پایان رساند و سپس از دانش‌کده ادبیات کابل فارغ التحصیل شد. لایق مدیریت مجله ژوندون را برعهده داشت. او به زبان‌های فارسی و پشتو شعر سروده است.

عبدالسلام دهزاد کهدستانی در سال ۱۹۳۰ میلادی در هرات متولد شد. نام پدرش محمد عثمان بود. کهدستانی آموزش‌های ابتدایی و متوسطه خود را در زادگاهش به پایان رساند و سپس از موسسه تعلیم و تربیه کابل فارغ شد. او پس از آن از دانش‌کده زبان و

۱. صابری هروی، سید جلیل. شعرای عصر حاضر افغانستان، جلد اول. کابل: نشر نوند، ۱۳۸۹. ص ۱۳۹؛ پهلوان، چنگیز (به کوشش). نمونه‌های شعر امروز افغانستان. تهران: بنیاد نیشابور، ۱۳۷۱. ص ۲۱۱.

۲. خسته، خال محمد. معاصرین سخنور. چاپ دوم. پشاور: انجمن نشراتی دانش، ۱۳۸۶. ص ۲۵، ۶۸؛ صابری هروی، سید جلیل. شعرای عصر حاضر افغانستان، جلد اول. کابل: نشر نوند، ۱۳۸۹. ص ۱۲۸، ۱۹۶، ۳۹۴-۳۹۵.

ادبیات فارسی دانش‌گاه کابل فارغ‌شد و در سال ۱۹۸۵ میلادی در هرات به عنوان منشی انجمن نویسندگان افغانستان منصوب‌شد. عبدالسلام کههدستانی همچنین عضو انجمن نویسندگان هرات بود و اثر او با نام آوایی از دهستان در سال ۱۹۴۷ میلادی در کابل منتشر شد.

عبدالباقی حمید حافظ در سال ۱۹۳۰ میلادی در هرات متولد شد. نام پدرش حافظ فقیر محمد حصار بود. حمید در سال ۱۹۶۰ میلادی در هرات درگذشت. اشعار او در مجله هرات و روزنامه اتفاق اسلام منتشر شده است.^۱

محمد امین سادم در سال ۱۹۳۱ میلادی در میمنه متولد شد. او در قندوز تحصیل کرد. سادم بیشتر اشعار خود را به زبان ترکی سروده و اشعار فارسی اش در مجله‌ها و روزنامه‌های مختلف منتشر شده است.

ایما در سال ۱۹۳۱ میلادی در هرات متولد شد. او از پانزده سالگی شروع به سرودن شعر کرد. **محمد ابراهیم زاده ایما** در سال ۱۹۳۱ میلادی در هرات به دنیا آمد. نام پدرش محمد مهدی بود. ایما تا سطح لیسه آموزش دید و سپس تحصیل را رها کرده و به تجارت روی آورد. با روی کار آمدن کمونیست‌ها، او به ایران مهاجرت کرده و در مشهد ساکن شد و سپس به استرالیا رفت. ایما عضو انجمن شاعران مهاجر افغانستان در مشهد بود و از سال ۱۹۴۶ میلادی شروع به سرودن شعر کرد. اشعار او در مجله‌های وابسته به مجاهدین ایران منتشر شده است.

میر فتح محمد حقی در سال ۱۹۳۱ میلادی در وردک متولد شد. حقی آموزش‌های ابتدایی و متوسطه خود را در زادگاهش به پایان رساند و در سال ۱۹۸۱ میلادی افغانستان را ترک کرده و به پاکستان مهاجرت کرد. او ریاست فرهنگی اتحاد سه‌گانه را در پاکستان بر عهده داشت و در سال ۱۹۸۲ میلادی به همراه خانواده اش به آلمان مهاجرت کرد. اشعار حقی در مجله‌های وحدت و راست‌گویان منتشر شده است. آثار او عبارتند از: سیل عشق، قلم غم، عشق و افغان.^۲

عبدالحمید آگه در سال ۱۹۳۳ میلادی در اندخوی متولد شد. نام پدرش بابه کول بود. آگه در سال ۱۹۴۱ میلادی وارد مکتب ابتدایی شد. او به عنوان شاعر، نقاش و خطاط شناخته می‌شود. پس از پایان آموزش‌های ابتدایی و متوسطه، در سال ۱۹۴۸ میلادی وارد

۱. خسته، خال محمد. معاصرین سخنور. چاپ دوم. پشاور: انجمن نشراتی دانش، ۱۳۸۶. ص ۱۵۷، ۱۲۸؛ صابری هروی، سید جلیل. شعرای عصر حاضر افغانستان، جلد اول. کابل: نشر نوند، ۱۳۸۹. ص ۸۷۲-۸۷۳، ۶۶۰.

۲. پهلوان، چنگیز (به کوشش). نمونه‌های شعر امروز افغانستان. تهران: بنیاد نیشابور، ۱۳۷۱. ص ۲۱؛ خسته، خال محمد. معاصرین سخنور. چاپ دوم. پشاور: انجمن نشراتی دانش، ۱۳۸۶. ص ۲۰۸، ۴۹؛ صابری هروی، سید جلیل. شعرای عصر حاضر افغانستان، جلد اول. کابل: نشر نوند، ۱۳۸۹. ص ۹۸، ۷۹۵.

موسسهٔ تعلیم و تربیه شد و در سال ۱۹۵۴ میلادی فارغ‌شد. آگه پس از آن در کتاب‌خانهٔ وزارت معارف به‌عنوان کتاب‌دار مشغول‌شد و هم‌زمان به مطالعه، نقاشی، خطاطی و موسیقی پرداخت. او به زبان‌های ازبیک، ترکی و انگلیسی مسلط بود و اشعار خود را به زبان‌های ازبیک و فارسی سرود.

مولوی عبدالعظیم دایی در سال ۱۹۳۳ میلادی در بادغیس متولد شد. نام پدرش قاضی محمد حیدر بود و او به‌عنوان شاعر و خطاط شناخته می‌شود. دایی از پدرش درس‌های فارسی و عربی فراگرفت.

خانجان مقبل در سال ۱۹۳۳ میلادی در کابل متولد شد. نام پدرش احمد جان بود. مقبل پس از پایان آموزش‌های ابتدایی و متوسطه، در سال ۱۹۵۸ میلادی از مکتب حرب فارغ شد. **عبدالاحد طیب** در سال ۱۹۳۳ میلادی متولد شد. نام پدرش ابراهیم بود. طیب آموزش‌های ابتدایی خود را در زادگاهش به پایان رساند و سپس برای تحصیل لیسه به مزار شریف رفت. طیب مدتی در عدلیهٔ کابل کار کرد و اشعارش در مجله‌ها و روزنامه‌های مختلف از جمله بیدار و بدخشان منتشر شده است.

عبدالمؤمن حمید فاریابی در سال ۱۹۳۳ میلادی در میمنه متولد شد. پدرش میرزا غلام دستگیر که به نام میرزا ملا شناخته می‌شد. فاریابی آموزش‌های ابتدایی و متوسطهٔ خود را در زادگاهش به پایان رساند و بین سال‌های ۱۹۴۹ تا ۱۹۵۱ میلادی در موسسهٔ عالی زراعت کابل تحصیل کرد. پس از فراغت وارد مشاغل دولتی شد. فاریابی در سال ۱۹۹۴ میلادی درگذشت. اشعار او از سال ۱۹۴۶ میلادی به بعد در مجله‌ها و روزنامه‌های مختلف کشور منتشر شده است. آثار او عبارتند از: رنگ‌های ادبی شعر، امراض نباتی، حک شناسی.^۱ **خلیفه محمدحسن هراتی** در سال ۱۹۳۴ میلادی در هرات متولد شد. نام پدرش محمد حسین بود. هراتی آموزش‌های ابتدایی را در خانواده فراگرفت و سپس از دانش‌مندان دورهٔ خود در هرات درس خواند. هراتی با نام مستعار شیرین سخن شناخته می‌شود و تقریباً در همهٔ سبک‌ها شعر سروده است. آثار او عبارتند از: دیوان هراتی، مثنوی یوسف و زلیخا، منظومهٔ التواریخ، غم عشق، عشق احمد، نور سرمد، وقایع اسلامی، راهنمای چیستان، حالات مجلس، نه خطابه، چمن‌کده.

عبدالمالک جوهری صادقی در سال ۱۹۳۴ میلادی در ننگرهار متولد شد. نام پدرش عبدالحق بود. صادقی آموزش‌های ابتدایی و متوسطه را در زادگاهش به پایان رساند

۱. خسته، خال محمد. معاصرین سخنور. چاپ دوم. پشاور: انجمن نشراتی دانش، ۱۳۸۶. ص ۷، ۱۸۰؛ صابری هروی، سید جلیل. شعرای عصر حاضر افغانستان، جلد اول. کابل: نشر نوند، ۱۳۸۹. ص ۹۰، ۸۵۷، ۵۲۱.

و سپس برای ادامه تحصیل به دانش‌گاه الازهر قاهره رفت. پس از فراغت به افغانستان بازگشت و وارد مشاغل دولتی شد. او مدتی ریاست عدلیه کابل و ریاست کمیسیون عالی عدلیه را برعهده داشت. جوهری صادقی پس از روی کار آمدن حکومت کمونیستی به پاکستان مهاجرت کرد. او به زبان‌های فارسی، عربی و پشتو مسلط بود و ترجمه‌هایی از عربی به فارسی انجام داد. اشعارش به زبان‌های فارسی و پشتو در مجله‌های مجاهدین منتشر شده است.

میر زمان الدین مثله در سال ۱۹۳۴ میلادی در هرات متولد شد. مثله تحصیلات و ترنری خود را در افغانستان و ترکیه گذراند و پس از فراغت سال‌ها در بخش دولتی به عنوان و ترنر خدمت کرد. پس از تجاوز روسیه به افغانستان، او ابتدا به ایران و سپس در سال ۱۹۸۶ میلادی به استرالیا مهاجرت کرده و در شهر ملبورن ساکن شد.^۱

عبدالحی آریان پور در سال ۱۹۳۵ میلادی در تخار متولد شد. او آموزش‌های ابتدایی خود را در زادگاهش گذراند و سپس برای ادامه تحصیل به کابل رفت و از دانش‌گاه کابل در رشته حقوق و علوم سیاسی فارغ شد. پس از فراغت وارد وزارت داخله شد. آریان پور مدتی در ولایت فاریاب به عنوان دادستان، در بامیان به عنوان قاضی و در هرات به عنوان مدیر امور چاپی فعالیت کرد. او در دهه ۱۹۸۰ میلادی مدتی در پاکستان بود. اثر او با نام نهال در سال ۱۹۶۴ میلادی در کابل منتشر شده است.^۲

خلیل الله حافد در سال ۱۹۳۶ میلادی در مزار شریف متولد شد. نام پدرش عزت الله بود. حافد پس از پایان تحصیلات لیسه، وارد مشاغل دولتی شد و مدتی ریاست کتاب‌خانه عمومی بلخ را برعهده داشت.^۳

محمود فارانی در سال ۱۹۳۸ میلادی متولد شد. فارانی از دانش‌گاه کابل فارغ شد و به عنوان یکی از پیش‌گامان شعر معاصر افغانستان شناخته می‌شود. وی در ابتدا شعرهای کلاسیک سرود، اما بعدها به طور کامل به شعر مدرن روی آورد. فارانی به گفته خود، بیشتر بر معنا تأکید داشت تا شکل. آثار او عبارتند از: رویای شاعر، سفر در طوفان، آخرین ستاره.

رؤوفه احراری در سال ۱۹۳۸ میلادی در هرات متولد شد. نام پدرش محمد صادق خطیب بود. احراری به عنوان شاعر و نویسنده شناخته می‌شود. پس از پایان تحصیلات در زادگاهش، به تدریس پرداخت. او پس از تجاوز روسیه به افغانستان در سال ۱۹۵۷ میلادی،

۱. صابری هروی، سید جلیل. شعرای عصر حاضر افغانستان، جلد اول. کابل: نشر نوند، ۱۳۸۹. ص ۶۵۹.

۲. خسته، خال محمد. معاصرین سخنور. چاپ دوم. پشاور: انجمن نشراتی دانش، ۱۳۸۶. ص ۱۰۰؛ صابری هروی، سید جلیل.

شعرای عصر حاضر افغانستان، جلد اول. کابل: نشر نوند، ۱۳۸۹. ص ۶۳۹-۶۴۰، ۸۷۲-۸۷۳، ۷۲.

۳. صابری هروی، سید جلیل. شعرای عصر حاضر افغانستان، جلد اول. کابل: نشر نوند، ۱۳۸۹. ص ۶۵۶.

کشورش را ترک کرد و در آمریکا مستقر شد. احراری در سال ۱۹۵۹ میلادی مجله مهری را منتشر کرد و اشعار خود را در مجله‌های مختلف از جمله مجلات هرات منتشر نمود.^۱

احمد دهزاد در سال ۱۹۳۹ میلادی در تخار متولد شد. دهزاد با کمک استادان محلی به تحصیل پرداخت و در سال ۱۹۶۸ میلادی شروع به سرودن شعر کرد. او نخستین کودکستان افغانستان را تأسیس کرد و چند بار به دلیل فعالیت‌های سیاسی زندانی شد. دهزاد در سال ۱۹۷۸ میلادی توسط حکومت کمونیستی بازداشت شد و در زندان درگذشت.^۲

جگرن حیات‌الله حیدریان در اواخر دهه ۱۹۴۰ میلادی در هرات متولد شد. وی در مکتب حربی تحصیل کرد و به عنوان افسر در ارتش خدمت نمود. حیات‌الله در شورش هرات در سال ۱۹۷۸ میلادی به گروه شورشیان کمک کرد و در سال ۱۹۷۹ میلادی مجبور به فرار به ایران شد. پس از فرار، به سازمان حزب‌الله افغانستان پیوست و آثار او در مجله‌ها و روزنامه‌های مجاهدین در ایران و پاکستان منتشر شده است.^۳

محسن باختری در سال ۱۹۴۱ میلادی در مزار شریف متولد شد. پس از پایان آموزش‌های ابتدایی و متوسطه، از دانش‌کده طب دانش‌گاه کابل فارغ شد و پزشک گردید. باختری در زمان حمله روسیه به افغانستان به ایران و سپس به آمریکا مهاجرت کرد. مدتی در اروپا اقامت داشت. اثر او با نام داستان‌های غرب در سال ۲۰۰۲ میلادی در شهر قم منتشر شد.

جمعه‌گل حبیب در سال ۱۹۴۱ میلادی در لوگر متولد شد. وی در سال ۱۹۶۰ میلادی از لیسه حبیبیه کابل فارغ شد و در سال ۱۹۶۴ میلادی از دانش‌کده حقوق و علوم سیاسی دانش‌گاه کابل فارغ گردید. از سال ۱۹۶۶ میلادی وارد وزارت خارجه شد و پس از روی کار آمدن حکومت کمونیستی در سال ۱۹۷۸ میلادی، به آلمان مهاجرت کرد.

میر عرب شاه حزین حسینی در سال ۱۹۴۱ میلادی در لوگر متولد شد. نام پدرش طاووس شاه بود. حسینی پس از پایان آموزش‌های ابتدایی و متوسطه در لوگر، با گرفتن درس‌های خصوصی، عربی آموخت. او سال‌ها در شهرداری کابل در پست‌های مختلف مشغول بود و در زمینه، ادبیات فارسی، پشتو و عربی خود را توسعه داد. آثار او عبارتند از: دیوان اشعار، تاریخ حسینی، حقیقت نماز.

خلیل‌الله حسن‌زاده در سال ۱۹۴۱ میلادی در هرات متولد شد. اشعار او در مجله‌های داخلی

۱. پهلوان، چنگیز (به کوشش). نمونه‌های شعر امروز افغانستان. تهران: بنیاد نیشابور، ۱۳۷۱. ص ۱۹۱؛ خراسانی، شجاع‌الدین. شعر معاصر دری. چاپ دوم. کابل: امیری، ۱۳۹۱. ص ۱۱۰؛ مولائی، محمد سرور. برگزیده شعر معاصر افغانستان. تهران: انتشارات رز، ۱۳۵۰. ص ۱۲۷؛ صابری هروی، سید جلیل. شعرای عصر حاضر افغانستان، جلد اول. کابل: نشر نوند، ۱۳۸۹. ص ۱۴۴.

۲. صابری هروی، سید جلیل. شعرای عصر حاضر افغانستان، جلد اول. کابل: نشر نوند، ۱۳۸۹. ص ۸۷۱.

۳. صابری هروی، سید جلیل. شعرای عصر حاضر افغانستان، جلد اول. کابل: نشر نوند، ۱۳۸۹. ص ۲۷۶.

افغانستان و همچنین در مجله‌های مجاهدین خارج از کشور منتشر شده است.^۱ سیدحسین آشفته باختری در سال ۱۹۴۲ میلادی در بلخ متولد شد. به صورت خصوصی تحصیل کرد و در دوران جوانی به شعر روی آورد. باختری به عنوان صفحه‌آرا در روزنامه بیدار بلخ فعالیت داشت و عضو انجمن آزاد نویسندگان افغانستان بود. او در دهه ۱۹۹۰ میلادی به ایران مهاجرت کرد و اشعارش در مجله‌های مختلف بیرونی منتشر شد. از آثار او می‌توان به شب چراغ اشاره کرد.

عبدالاحد بیریا در سال ۱۹۴۲ میلادی در مزار شریف متولد شد. نام پدرش عبدالحق بود. بیریا پس از پایان آموزش ابتدایی در زادگاهش، در سال ۱۹۵۸ میلادی وارد انستیتوت تعلیمی اسدیه شد، اما پس از مرگ پدر، آموزش خود را نیمه‌تمام گذاشت و به کفش‌دوزی پرداخت. سپس از سال ۱۹۶۹ تا ۱۹۷۷ میلادی در موزیم بلخ و بعد در اداره انتشارات و اطلاع‌رسانی افغانستان فعالیت کرد. بیریا که از جوانی به شعر پرداخته بود، آثارش در مجله بیدار مزار شریف و سایر نشریات منتشر شد.

یحیی خوشبین در سال ۱۹۴۲ میلادی در هرات متولد شد. خوشبین به عنوان شاعر و نویسنده داستان کوتاه شناخته می‌شود. پس از پایان آموزش‌های ابتدایی و متوسطه در هرات، در انستیتوت تعلیم و تربیه کابل تحصیل کرد. او پس از فراغت، به تدریس پرداخت و در سال ۱۹۷۸ میلادی، زمانی که کمونیست‌ها به قدرت رسیدند، در اداره فرهنگ ولایت هرات مشغول به کار بود. آثار شعر و داستان او از سال ۱۹۵۷ میلادی در روزنامه‌ها و مجلات منتشر شد. برخی از آثار او عبارتند از: آئینه آب؛ شهر آفتاب؛ قصه‌های فولکلوریک هرات؛ غور و بادغیس؛ چهاربیتی‌های مردم هرات؛ گزینه فکاهی‌های مردمی؛ کاروان سپیده، ۱۹۸۳ کابل؛ تشکی و سکه‌های طلایی؛ شهر آفتاب؛ مرغ تخم طلایی؛ تصویری در خورشید، ۱۹۹۰ کابل.^۲

شیراحمد آفل در سال ۱۹۴۳ میلادی در غزنی متولد شد. پس از اتمام آموزش‌های ابتدایی و متوسطه، به تدریس مشغول شد.^۳

میرزامحمد نبی که با تخلص مفتون طیبی شناخته می‌شود، در سال ۱۹۴۴ میلادی در کابل متولد شد.

عبدالغنی براتی در سال ۱۹۴۴ میلادی در هرات متولد شد. نام پدرش رمضان بود. او

۱. صابری هروی، سید جلیل. شعرای عصر حاضر افغانستان، جلد اول. کابل: نشر نوند، ۱۳۸۹. ص ۲۹۱، ۶۶۵، ۶۷۹، ۶۸۴-۶۸۵.

۲. کهزاد، احمد علی. تاریخ ادبیات افغانستان. کابل: مطبعه عمومی، ۱۳۳۰. ص ۳۹۱؛ صابری هروی، سید جلیل. شعرای عصر حاضر افغانستان، جلد اول. کابل: نشر نوند، ۱۳۸۹. ص ۸۶، ۴۲۳، ۸۵۳-۸۵۴.

۳. صابری هروی، سید جلیل. شعرای عصر حاضر افغانستان، جلد اول. کابل: نشر نوند، ۱۳۸۹. ص ۸۸.

نخستین آموزش‌های دینی، عربی و انگلیسی را از مادر بزرگ خود فراگرفت. پس از پایان تحصیلات، در سرکنسولگری ایران در هرات مشغول به کار شد. در سال ۱۹۶۳ میلادی پس از انجام خدمت سربازی، در وزارت دفاع فعالیت کرد و سپس در هرات به کارهای شخصی خود پرداخت. بر اثر فشارهای حکومت کمونیستی در سال ۱۹۸۱ میلادی، مجبور به ترک کشور شد و در مشهد ایران مستقر گردید.^۱

فایق هروی در سال ۱۹۴۵ میلادی در دارغون متولد شد. پس از اتمام آموزش‌های ابتدایی در زادگاهش، مدتی به تدریس پرداخت و سپس در امور مدیریتی فعالیت کرد. او در جنگ با روسیه شرکت داشت و پس از خروج روس‌ها از افغانستان، به عنوان مسؤول مجلس فرهنگ جنوب غربی افغانستان منصوب شد. فایق هروی به زبان‌های فارسی، عربی و پشتو مسلط بود و از سال ۱۹۶۶ میلادی به شعر روی آورد.

محمد محسن حسن سمنگانی در سال ۱۹۴۵ میلادی در سمنگان متولد شد. نام پدرش میرزا احمد حسن بود. سمنگانی پس از اتمام آموزش‌های ابتدایی و متوسطه در زادگاهش، وارد مشاغل دولتی شد. او سال‌ها در سمت‌های مختلف از جمله مدیریت روزنامه سمنگان، اداره عمومی فرهنگ و ریاست رادیو و تلویزیون افغانستان خدمت کرد و یک دوره نیز به عنوان نماینده سمنگان در مجلس فعالیت داشت. نخستین شعر او در سال ۱۹۷۴ میلادی در روزنامه انیس منتشر شد. از آثار او می‌توان به: یک دسته گل، ۱۹۹۸، پیشاور؛ ارمغان سمنگان؛ سمنگان باستان؛ سرود کوچه.

بی بی صفوره محجوبه در سال ۱۹۴۵ میلادی در بادغیس متولد شد. نام پدرش ابوالقاسم خان بود. او از پدر خود در زمینه فقه، صرف و نحو، ادبیات و علوم دینی آموزش دید. گفته می‌شود که حدود پنج هزار بیت شعر سروده است.

محمد اسحاق دل‌گیر در سال ۱۹۴۵ میلادی در بلخ متولد شد. نام پدرش محمد ابراهیم بود. دل‌گیر پس از اتمام آموزش‌های ابتدایی در زادگاهش و متوسطه در مزار شریف، وارد مشاغل دولتی شد. او از سال ۱۹۶۱ میلادی به سرودن شعر پرداخت و اشعارش در مجلات بیدار، اصلاح، انیس، عرفان، پشتون ژغ منتشر شد. دل‌گیر به فارسی و پشتو شعر می‌سرود و اثر او در خط اوج آرزو در سال ۱۹۸۴ میلادی در بلخ منتشر شده است.

غلام نبی خاطر در سال ۱۹۴۵ میلادی در کابل متولد شد. خاطر به عنوان شاعر و روزنامه‌نگار شناخته می‌شود. او در مکتب حربی تحصیل کرد و در کابل مجلات پیام امروز و سبا را

۱. خسته، خال محمد. معاصرین سخنور. چاپ دوم. پیشاور: انجمن نشراتی دانش، ۱۳۸۶. ص ۱۷۷؛ صابری هروی، سید جلیل. شعرای عصر حاضر افغانستان، جلد اول. کابل: نشر نوند، ۱۳۸۹. ص ۴۲۴.

منتشرکرد. خاطر مخالف کمونیسم بود و در برابر ببرک کارمل مبارزه کرد و نامزد نماینده‌گی مجلس شد. پس از کودتای داوود خان در سال ۱۹۷۳ میلادی به هند پناه برد و پس از حمله روس‌ها به افغانستان، به کانادا مهاجرت کرده و در تورنتو ساکن شد. اوریاست رادیو اتحادیهٔ افغان‌ها را برعهده داشت. خاطر در سال ۲۰۱۹ میلادی درگذشت.^۱

ناصر امیری در سال ۱۹۴۶ میلادی در هرات متولد شد. نام پدرش حاج امیر بود. پس از پایان آموزش‌های ابتدایی و متوسطه در هرات، از دانش‌گاه کابل فارغ شد. برای تکمیل تحصیلات به ایران رفت و در سال ۱۹۷۹ میلادی از دانش‌گاه تهران در رشتهٔ ادبیات فارسی دکتر گرفت. او در ایران عضو انجمن فرهنگ ایران و گروه ادبیات رادیو و تلویزیون شد. در سال ۱۹۸۵ میلادی به آلمان مهاجرت کرد و پس از مدتی به کانادا و تورنتو رفت. آثار او در رسانه‌های فارسی کانادا و آمریکا منتشر شده است و اثر او شعر دری افغانستان در سال ۱۹۷۷ میلادی در تهران منتشر شد.

آصف فکرت در سال ۱۹۴۶ میلادی در هرات متولد شد. پس از اتمام آموزش‌های ابتدایی و متوسطه در زادگاهش، تحصیلات عالی خود را در رشتهٔ ادبیات فارسی در کابل و در رشتهٔ خبرنگاری در دهلی نو به پایان رساند. او سال‌ها در روزنامه‌نگاری فعالیت کرد و در سال ۱۹۸۰ میلادی وارد انستیتوت زبان و ادبیات آکادمی علوم افغانستان شد. در سال ۱۹۸۲ میلادی به دلیل شرایط سیاسی، به ایران مهاجرت کرد و فعالیت‌های ادبی و تألیفی خود را در ایران و افغانستان ادامه داد.

احمدشاه ازهر در سال ۱۹۴۷ در غزنی متولد شد. آموزش‌های ابتدایی را در غزنی و دورهٔ متوسطه را در کابل گذراند و در سال ۱۹۷۳ میلادی از دانش‌گاه کابل، دانش‌کدهٔ ادبیات فارغ شد. ازهر در سال ۱۹۷۵ میلادی درگذشت.

شفیقه اصغر نعمت در سال ۱۹۴۷ میلادی در کابل متولد شد. او در سال ۱۹۷۰ میلادی از دانش‌گاه کابل، دانش‌کدهٔ تعلیم و تربیه فارغ شد. پس از فراغت به عنوان معلم فعالیت کرد و بعدها افغانستان را ترک کرده و به آلمان مهاجرت نمود. اشعار او بیشتر در مجلات خارج از

۱. پهلوان، چنگیز (به کوشش). نمونه‌های شعر امروز افغانستان. تهران: بنیاد نیشابور، ۱۳۷۱. ص ۳۱۱؛ غبار، میرغلام محمد. تاریخ ادبیات افغانستان (دورهٔ محمدزایی‌ها). کابل: مطبعهٔ دولتی، ۱۳۳۰؛ باز نشر: تهران، مرکز نشراتی آرش، ۱۳۷۸. ص ۱۲۱؛ کهزاد، احمد علی. تاریخ ادبیات افغانستان. کابل: مطبعهٔ عمومی، ۱۳۳۰. ص ۳۴۶، ۳۹۵؛ حجازی، بنفشه. تذکرهٔ اندرونی: شرح احوال و شعر شاعران زن در عصر قاجار تا پهلوی. چاپ دوم. تهران: انتشارات قصیده‌سرا، ۱۴۰۰. ص ۲۸۰-۲۸۱؛ صابری هروی، سید جلیل. شعرای عصر حاضر افغانستان، جلد اول. کابل: نشر نوند، ۱۳۸۹. ص ۶۹۱-۶۹۲، ۸۶۷-۸۶۸، ۷۹۳. ۲. صابری هروی، سید جلیل. شعرای عصر حاضر افغانستان، جلد اول. کابل: نشر نوند، ۱۳۸۹. ص ۲۶۴؛ پهلوان، چنگیز (به کوشش). نمونه‌های شعر امروز افغانستان. تهران: بنیاد نیشابور، ۱۳۷۱. ص ۲۲۷.

کشور منتشر شده‌اند. آثار او عبارتند از: گل مریم؛ الهه عشق^۱.

محمد شریف پیغام در سال ۱۹۴۸ میلادی در بدخشان متولد شد. نام پدرش دولت محمد بود. پس از اتمام آموزش‌های ابتدایی و متوسطه، به کابل رفت و در دانش‌گاه نظامی ثبت نام کرد و در سال ۱۹۶۶ میلادی از بخش پیاده نظام فارغ شد. پس از فراغت، به عنوان فرمانده بخش پروتکل در ستاد دانش‌گاه نظامی منصوب شد. نخستین شعر او در سال ۱۹۶۸ میلادی در مجله ژوندون منتشر شد. اثر قابل ذکر او نوای موج است.

عبدالقدوس توکل در سال ۱۹۴۸ میلادی در هرات متولد شد. نام پدرش حاج ابوبکر کبابیانی هروی بود. پس از اتمام آموزش‌های ابتدایی و متوسطه در هرات، مدتی به معلمی پرداخت. توکل علاوه بر شعر، به موسیقی نیز علاقه مند بود. اشعار او در مجله هفت قلم و آثاری مانند زبانه‌های برج خاکستر و بگذار تا از شب دشوار بگذرم، منتشر شده‌اند. آثار او عبارتند از: شیون؛ فریاد.

رفعت حسینی در سال ۱۹۴۸ میلادی در کابل متولد شد. آموزش‌های ابتدایی و متوسطه را در زادگاهش به پایان رساند و در سال ۱۹۷۱ میلادی از دانش‌گاه کابل، دانش‌کده حقوق و علوم سیاسی فارغ شد. پس از انجام خدمت نظام وظیفه، در سال ۱۹۷۲ میلادی در دانش‌گاه کابل به کار مشغول شد و در سال‌های ۱۹۷۷-۱۹۷۸ میلادی با بورس دولتی برای تکمیل تحصیلات به استرالیا رفت. شعر گفتن را از دوران متوسطه آغاز کرده بود و آثارش در استرالیا، اتحاد جماهیر شوروی، ایران و آلمان منتشر شده‌اند. اثر او تصویر صدا است.^۲ علی شاه حکیمی هروی در سال ۱۹۴۹ میلادی در هرات متولد شد. او آموزش قرآنی را در خانواده دریافت کرد و در دوران مدرسه، دیوان حافظ، بوستان و گلستان سعدی را خواند. در سن شانزده ساله‌گی شروع به شعر گفتن کرد و در سال ۱۹۷۸ میلادی با فدایی هروی ملاقات نمود و تحت تأثیر شعر او قرار گرفت.

نظام‌الدین شکوهی در سال ۱۹۴۹ میلادی در هرات متولد شد. او در محیط خانواده قرآن و دیوان حافظ را مطالعه کرد و نخستین اشعار خود را بین سال‌های ۱۹۷۶-۱۹۷۷ میلادی سرود.^۳

محمد ظاهر رستمی هروی در سال ۱۹۵۰ میلادی در هرات متولد شد. او اثری را درباره

۱. صابری هروی، سید جلیل. شعرای عصر حاضر افغانستان، جلد اول. کابل: نشر نوند، ۱۳۸۹. ص ۱۸۳، ۲۱۱.

۲. پهلوان، چنگیز (به کوشش). نمونه‌های شعر امروز افغانستان. تهران: بنیاد نیشابور، ۱۳۷۱. ص ۸۷.

۳. صابری هروی، سید جلیل. شعرای عصر حاضر افغانستان، جلد اول. کابل: نشر نوند، ۱۳۸۹. ص ۵۰۷، ۵۷۶، ۷۴۷-۷۴۸ - پهلوان، چنگیز (به کوشش). نمونه‌های شعر امروز افغانستان. تهران: بنیاد نیشابور، ۱۳۷۱. ص ۸۷، ۹۵، ۱۶۵.

بیوگرافی صدشاعر افغانستانی تدوین کرده است.^۱

عبدالرسول آرزو در سال ۱۹۵۱ میلادی در هرات متولد شد. نام پدرش اختر محمد بود و مانند سه برادر دیگرش شاعر و نویسنده بود. آرزو آموزش های ابتدایی را در زادگاهش گذراند و در سال ۱۹۷۵ میلادی از دانش گاه کابل، دانش کده پزشکی فارغ التحصیل شد. در سال ۱۹۸۱ میلادی افغانستان را ترک کرد و به ایران مهاجرت نمود. پس از دریافت وضعیت پناهنده گی در ایران، در وزارت صحت مشغول به کار شد و در شهر بیرجند فعالیت کرد. آرزو در سال ۱۹۸۶ میلادی درگذشت. اشعار او در مجله هرات منتشر شده اند. آثار او عبارتند از: عشق؛ ابریک؛ بدرود؛ باده عرفان؛ خروش خشم؛ در ساحل هریرود.

هما محاسب زاده آذر در سال ۱۹۵۱ میلادی در هرات متولد شد. آموزش های ابتدایی و متوسطه را در هرات گذراند و سپس از دانش گاه کابل، دانش کده ادبیات فارغ شد. پس از فراغت در مکتب های مختلف کابل به معلمی پرداخت و در سال ۱۹۹۵ میلادی افغانستان را ترک کرده و به آلمان مهاجرت نمود. نخستین شعر او در بیست ساله گی در روزنامه اتفاق اسلام در هرات منتشر شد.

نعمت الله ترکانی در سال ۱۹۵۱ میلادی در هرات متولد شد. نام پدرش حفیظ الله بود. ترکانی آموزش های ابتدایی و متوسطه را در هرات و کابل گذراند و سپس از دانش گاه کابل، دانش کده علوم طبیعی فارغ شد. در سال ۱۹۷۶ میلادی بورسیه تحصیلی در انگلستان دریافت کرد و دوره کارشناسی ارشد را در آن جا به پایان رساند. پس از بازگشت به افغانستان، به تدریس پرداخت و در سال ۱۹۹۲ میلادی به دلیل جنگ داخلی به هرات رفت و در مؤسسات خیریه فعالیت کرد. ترکانی در سال ۲۰۰۲ میلادی افغانستان را ترک کرده و به اتریش مهاجرت نمود. اشعار او از سال ۱۹۷۸ میلادی در مجلات مختلف افغانستان منتشر شده اند.^۲

عبدالغفور امینی در سال ۱۹۵۲ میلادی در غزنی متولد شد. نام پدرش عبدالصمد بود. او آموزش های دینی را در زادگاهش گذراند و پس از اتمام دوره متوسطه برای ادامه تحصیل به کابل رفت و از دانش گاه کابل، دانش کده زراعت فارغ شد. پس از بازگشت به غزنی در وزارت زراعت مشغول به کار شد. امینی مدتی مدیر مجله آواز بود و برنامه بی نیز در رادیوی افغانستان ارائه می کرد. او بعدها مجبور شد افغانستان را ترک کند و به سویدن مهاجرت نمود و در شهر لوند سکونت گزید.

۱. پهلوان، چنگیز (به کوشش). نمونه های شعر امروز افغانستان. تهران: بنیاد نیشابور، ۱۳۷۱. ص ۱۱۶.

۲. صابری هروی، سید جلیل. شعرای عصر حاضر افغانستان، جلد اول. کابل: نشر نوند، ۱۳۸۹. ص ۴۷-۴۸، ۳۱، ۵۳۹-۵۴۰.

علی شاه احمدی عتاب در سال ۱۹۵۲ میلادی در مزار شریف متولد شد. نام پدرش غلام جان کابلی بود. او در کودکی همراه خانواده به کابل نقل مکان کرد. پس از اتمام تحصیلات، بین سال‌های ۱۹۷۳ تا ۱۹۸۵ میلادی در وزارت آب و برق فعالیت داشت و در سال ۱۹۸۴ میلادی به دلیل شرایط کشور مجبور به ترک افغانستان شد و به هند مهاجرت کرد. حدود چهار سال در دهلی اقامت داشت و در سال ۱۹۸۸ میلادی همراه خانواده به کانادا مهاجرت کرده و در شهر تورنتو سکونت یافت. احمدی از پانزده ساله‌گی شعر می‌گفت و نخستین آثار او در روزنامه‌ها و مجلاتی چون پشتون ژغ، ژوندون، پامیر و بیدار منتشر شد. بعدها اشعار او در مجلات افغانستان تایمز، زرنگار و پگاه در تورنتو منتشر شد. اثر او باغ در آتش در سال ۱۹۹۷ میلادی در دهلی منتشر گردید.^۱

انیس آزاد در سال ۱۹۵۳ میلادی متولد شد. پس از اتمام تحصیلات، در سال ۱۹۸۰ میلادی به خدمت سربازی رفت و همراه گروهی از سربازان و افسران هم‌قطار خود از ارتش فرار کرده و به صفوف مقاومت پیوست. در سال ۱۹۸۱ میلادی به دست نیروهای روس اسیر شد و در کابل اعدام گردید. آزاد در دوران زندان در کابل تعداد زیادی شعر سرود که اشعار او در مجله‌ی جمعیت منتشر شده‌اند.^۲

عبدالقدير رسين در سال ۱۹۵۳ میلادی در هرات متولد شد. آموزش‌های ابتدایی و متوسطه را در زادگاهش گذراند و در سال ۱۹۷۸ میلادی از دانش‌کده علوم انسانی دانشگاه کابل فارغ شد. پس از آن در انستیتوت تعلیم و تربیه هرات به معلمی پرداخت. رسین در جبهه علیه روس‌ها جنگید و در سال ۱۹۸۴ میلادی به ایران مهاجرت نمود.

اسد حبیبی در سال ۱۹۵۳ میلادی در هرات متولد شد. او در خانواده‌ی مذهبی و با آموزش قرآن، صرف و نحو و دیوان حافظ رشد کرد. پس از اتمام آموزش‌های ابتدایی و متوسطه در سال ۱۹۷۸ میلادی وارد دانش‌کده پلی تکنیک کابل شد اما با آغاز حمله روسیه به افغانستان، تحصیلات خود را نیمه‌کاره گذاشت و کشور را ترک کرد. در اوایل دهه هشتاد میلادی به آلمان رفت و وضعیت پناهنده‌گی گرفت. حبیبی در آلمان با مجله راه همکاری کرد و اشعار و نوشته‌هایش در رسانه‌های مهاجران افغانستان در ایران و آلمان منتشر شد.

محمود جوادى در سال ۱۹۵۳ میلادی در قندهار متولد شد. آموزش‌های ابتدایی و متوسطه را در زادگاهش گذراند و پس از فراغت وارد خدمت دولتی شد. در سال ۱۹۸۰ میلادی مجبور به ترک کشور شد و به ایران مهاجرت کرد و در مشهد سکونت یافت. پس از دو سال

۱. صابری هروی، سید جلیل. شعرای عصر حاضر افغانستان، جلد اول. کابل: نشر نوند، ۱۳۸۹. ص ۲۶۳، ۱۵۰-۱۵۱.

۲. صابری هروی، سید جلیل. شعرای عصر حاضر افغانستان، جلد اول. کابل: نشر نوند، ۱۳۸۹. ص ۸۰.

اقامت در مشهد به افغانستان بازگشت و در رادیوی زاهدان، بخش پشتو مشغول شد. بین سال‌های ۱۹۸۳ تا ۱۹۹۶ میلادی در رادیو و تلویزیون ایران، بخش پشتو به عنوان گوینده و مترجم فعالیت کرد. اشعار و نوشته‌های جوادی در افغانستان و خارج از کشور، در رسانه‌های مرتبط با مجاهدین منتشر شده است.^۱

محمد حیدر نیسان در سال ۱۹۵۴ میلادی در غزنی متولد شد. نام پدرش امیر محمد بود. نیسان فارغ‌التحصیل لیسه استقلال و کارمند وزارت خارجه بود. او به زبان فرانسه مسلط بود و با سبک ساده و روان شعری سرود.

محمد صادق خروش باختری در سال ۱۹۵۴ میلادی در مزار شریف متولد شد. آموزش‌های ابتدایی و متوسطه را در مزار شریف گذراند و از سال ۱۹۸۱ میلادی در اداره گمرک مزار شریف مشغول به کار شد. خروش از سال ۱۹۷۱ میلادی شعر سرودن را آغاز کرده و آثارش در مجلات مختلف منتشر شده است. او عضو انجمن شاعران و نویسندگان بلخ بود.

فاطمه اختر در سال ۱۹۵۴ میلادی در هرات متولد شد. آموزش‌های ابتدایی را در هرات و متوسطه را در کابل گذراند و از دانش‌گاه کابل، دانش‌کده حقوق و علوم سیاسی فارغ شد. مدتی در دادگاه کابل کار کرد و در سال ۱۹۸۴ میلادی کشور را ترک کرده و ابتدا به ایران، سپس به پاکستان و بعد از مدتی به هند مهاجرت نمود و نهایتاً در تورنتوی کانادا ساکن شد. اختر از هجده ساله‌گی شعری سرود و آثارش در مجلات مهاجران منتشر شده است. آثار او عبارتند از: شفق از موج دریا می‌زند سر، منتشر شده توسط موسسه فرهنگ مجاهدین، هند؛ از آن سوی آینه، منتشر شده در مجله برگ، کانادا.^۲

علی اصغر بختیاری در سال ۱۹۵۵ میلادی در کابل متولد شد. آموزش‌های ابتدایی و متوسطه را در کابل گذراند. پس از خدمت سربازی، در سال ۱۹۷۸ میلادی به عنوان معلم مشغول به کار شد. در سال ۱۹۸۰ میلادی مجبور شد کشور را ترک کرده و به ایالات متحده آمریکا مهاجرت کند و در شهر نیویورک سکونت گزید.

محمد آصف پیدارد در سال ۱۹۵۵ میلادی در بدخشان متولد شد. نام پدرش عبداللطیف بود. آموزش‌های ابتدایی و متوسطه را در زادگاهش گذراند و سپس از انستیتوت تعلیم و تربیه بلخ فارغ شد. پس از فراغت، در بدخشان به تدریس پرداخت و از سال ۱۹۷۵ میلادی به سرودن شعر مشغول شد.

۱. پهلوان، چنگیز (به کوشش). نمونه‌های شعر امروز افغانستان. تهران: بنیاد نیشابور، ۱۳۷۱. ص ۶۷-۶۸؛ صابری هروی، سید جلیل. شعرای عصر حاضر افغانستان، جلد اول. کابل: نشر نوند، ۱۳۸۹. ص ۶۶۶-۶۶۷، ۶۳۳-۶۳۴.

۲. خسته، خال محمد. معاصرین سخنور. چاپ دوم. پشاور: انجمن نشراتی دانش، ۱۳۸۶. ص ۲۰۵؛ صابری هروی، سید جلیل. شعرای عصر حاضر افغانستان، جلد اول. کابل: نشر نوند، ۱۳۸۹. ص ۸۱۲، ۱۶۸.

صالح محمد خلیق در سال ۱۹۵۵ میلادی در مزار شریف متولد شد. آموزش‌های ابتدایی و متوسطه را در زادگاهش گذراند و در سال ۱۹۷۶ میلادی از دانش‌کده انجمنی زمین‌شناسی دانشگاه مزار شریف فارغ شد. خلیق عضو انجمن شاعران و نویسندگان بلخ بود و در سال ۱۹۹۰ میلادی ریاست این انجمن را برعهده گرفت. او برای مدتی مسه‌ولیت مجله ام‌البلاد را برعهده داشت و سال‌ها در مزار شریف به فعالیت‌های روزنامه‌نگاری پرداخت. آثار خلیق عبارتند از: سلام به آفتاب، ۱۹۸۴؛ کاخ بلند، ۱۹۸۷؛ برپای ابریشم، بلخ، ۱۹۹۳؛ جشن‌های آریایی.

شفیقه دیباج یارقین در سال ۱۹۵۵ میلادی در سرپل متولد شد. پس از پایان آموزش‌های ابتدایی در زادگاهش، دوره متوسطه را در کابل گذراند. در سال ۱۹۷۷ میلادی از دانش‌کده روزنامه‌نگاری دانشگاه کابل فارغ شد و سپس مدرک کارشناسی ارشد خود را در همان دانشگاه، این بار در رشته زبان و ادبیات فارسی دریافت کرد. او به عنوان مجری و خبرنگار در رادیو و تلویزیون افغانستان فعالیت کرد و برای مدتی نیز معاونت وزارت امور زنان را برعهده داشت. یارقین در سال ۱۹۹۷ میلادی به ازبیکستان مهاجرت کرد. او به زبان‌های ترکی و فارسی شعر سروده و آثارش در افغانستان، ایران، پاکستان، تاجیکستان و آلمان منتشر شده است.^۱

غلام‌رسول پویان در سال ۱۹۵۶ میلادی در هرات متولد شد. آموزش‌های ابتدایی و متوسطه را در زادگاهش گذراند و سپس برای ادامه تحصیل به کابل رفت و در سال ۱۹۷۹ میلادی از دانش‌کده اقتصاد دانشگاه کابل فارغ شد. پویان در سال ۱۹۸۰ میلادی به ایران مهاجرت کرد و عضو انجمن شاعران مهاجر افغانستان در مشهد شد. او از سال ۱۹۷۲ میلادی شعر سرودن را آغاز کرد و اشعارش در سال‌های ۱۹۷۲-۱۹۷۳ میلادی منتشر شد. آثار پویان در مجلات مرتبط با مجاهدین در ایران و پاکستان منتشر گردیده است.

امان‌الله امان فناویزی در سال ۱۹۵۶ میلادی در هرات متولد شد. پس از پایان آموزش‌های ابتدایی و متوسطه در زادگاهش، در سال ۱۹۸۰ میلادی از دانش‌کده ادبیات دانشگاه کابل فارغ شد. به دلیل آشفته‌گی‌های سیاسی افغانستان، او کشور را ترک کرده و به آلمان مهاجرت کرد و در شهر فرانکفورت سکونت یافت. اثر او با عنوان نوای دل در سال ۱۹۹۶ میلادی در شهر مشهد ایران منتشر شده است.^۲

۱. صابری هروی، سید جلیل. شعرای عصر حاضر افغانستان، جلد اول. کابل: نشر نوند، ۱۳۸۹. ص ۳۱۲، ۴۱۸، ۸۲۴، ۸۸۱.
 ۲. پهلوان، چنگیز (به کوشش). نمونه‌های شعر امروز افغانستان. تهران: بنیاد نیشابور، ۱۳۷۱. ص ۶۷؛ صابری هروی، سید جلیل. شعرای عصر حاضر افغانستان، جلد اول. کابل: نشر نوند، ۱۳۸۹. ص ۴۹۷، ۲۵۱.

سهیلا حسرت دوستیار در سال ۱۹۵۷ میلادی در کابل متولد شد. پس از اتمام آموزش های ابتدایی و متوسطه در زادگاهش، مدتی به عنوان معلم و خبرنگار فعالیت کرد. سهیلا در دهه ۱۹۹۰ میلادی به تاجیکستان مهاجرت کرد و در شهر دوشنبه سکونت گزید و پس از مدتی به آمریکا مهاجرت کرده و در هیوستون ساکن شد. او در دوشنبه به فعالیت های فرهنگی پرداخت و با انجمن فرهنگی آریانا همکاری داشت. کتاب او با عنوان صدای دردها در سال ۲۰۰۱ میلادی منتشر شد.

ضیاگل سلطانی در سال ۱۹۵۷ میلادی در هرات متولد شد. پس از اتمام دوره متوسطه در سال ۱۹۷۳ میلادی، در سال ۱۹۸۰ میلادی از دانش کده تعلیم و تربیه، رشته ریاضیات و فیزیک فارغ شد و در هرات به تدریس پرداخت. سلطانی در سال ۱۹۸۴ میلادی به ایران مهاجرت کرد و سال ها در مکتب های مهاجرین در ایران به تدریس ادامه داد. او اولین اشعار خود را در سال ۱۹۷۸ میلادی سرود.

قدمدار انگیز در سال ۱۹۵۷ میلادی در بدخشان متولد شد. پدرش عزت الله بیگ بود. آموزش های ابتدایی و متوسطه را در فیض آباد و تخار گذراند و سپس به کابل رفت و از دانش گاه کابل فارغ شد. پس از فراغت در بخش رسانه و نشر فعالیت کرد. اثر او با عنوان شهر سبز در سال ۲۰۰۶ میلادی در کابل منتشر شد.

سید علی اکبر آذری در سال ۱۹۵۷ میلادی در هرات متولد شد. او به عنوان شاعر و نویسنده پژوهشگر شناخته می شود و اشعار و مقالاتش در مجلات و روزنامه های مرتبط با مجاهدین در ایران و افغانستان منتشر شده است.^۱

عظیم الیاس نوذر در سال ۱۹۵۸ میلادی در هرات متولد شد. پس از اتمام آموزش های ابتدایی و متوسطه در زادگاهش، در سال ۱۹۷۸ میلادی به کابل رفت و در دانش گاه کابل، دانش کده حقوق و علوم سیاسی، تحصیلات عالی را آغاز کرد و در سال ۱۹۸۲ میلادی فارغ شد. سپس افغانستان را ترک کرده و به ایران و از آن جا به هند مهاجرت کرد. در سال ۱۹۸۷ میلادی از هند به کانادا رفت. اشعار نوذر، به ویژه در مجله زنگار در تورنتو و سایر روزنامه ها و مجلات مجاهدین منتشر شده است. آثار او عبارتند از: آینه حق (۱۹۸۶، دهلی، هند)، از میان شب (تورنتو، کانادا)، کابل ترانه های من (تورنتو، کانادا).

بارش در سال ۱۹۵۸ میلادی در پنجشیر متولد شد. نخستین آموزش ها را از پدرش گرفت و در سال ۱۹۸۰ میلادی از دانشگاه کابل، رشته زبان و ادبیات فارسی فارغ شد. پس از فراغت

۱. پهلوان، چنگیز (به کوشش). نمونه های شعر امروز افغانستان. تهران: بنیاد نیشابور، ۱۳۷۱. ص ۱۳۱؛ صابری هروی، سید جلیل. شعرای عصر حاضر افغانستان، جلد اول. کابل: نشر نوند، ۱۳۸۹. ص ۶۸۳، ۲۸۳، ۳۹.

به همان دانشکده مشغول تدریس شد و مدیربخش تحریریه مجله سپیده در کابل بود. اثر او با عنوان یک روزی دروغ در سال ۱۹۸۷ میلادی توسط انجمن نویسندگان افغانستان در کابل منتشر شد.

محمد ابراهیم تیمس در سال ۱۹۵۸ میلادی در فاریاب متولد شد. پدرش رحمت‌الله بود. پس از اتمام آموزش‌های ابتدایی و متوسطه، در سال ۱۹۸۰ میلادی از دانشگاه کابل، دانش‌کده داروسازی فارغ شد. تیمس که زبان مادری او ازبکی بود، به زبان‌های فارسی و ازبکی شعر سروده است.

لیلاصراحت روشنی در سال ۱۹۵۸ میلادی در پروان متولد شد. پس از آموزش‌های ابتدایی در زادگاهش، از دانشگاه کابل، دانش‌کده زبان و ادبیات فارسی فارغ شد. او اولین شعرهایش را در سال ۱۹۷۴ میلادی سرود و اشعارش در مجلات و روزنامه‌های مختلف، از جمله ژوندون منتشر شد. آثار روشنی عبارتند از: طلوع سبز (۱۹۸۶)، فصل مرجانی.^۱

صبورالله سیاه‌سنگ در سال ۱۹۵۹ میلادی در غزنی متولد شد. پس از گذراندن آموزش‌های ابتدایی و متوسطه در شهرهای مختلف، در سال ۱۹۷۷ میلادی وارد انستیتوت طبی کابل شد. پس از زندانی شدن در سال‌های ۱۹۷۷ و ۱۹۸۱ میلادی، تا سال ۱۹۸۷ میلادی در زندان بود. پس از آزادی، تحصیلات طبی را ادامه داد و در سال ۱۹۹۰ میلادی از دانش‌کده پزشکی فارغ و در بیمارستان بیماری‌های روانی کابل مشغول به کار شد. سیاه‌سنگ که از ۱۹۷۷ میلادی به شعر پرداخت، در مجله خبری هفته‌گی سباوون نیز فعالیت داشت. او همچنین ترجمه اشعار انگلیسی و هندی را به صورت کتاب منتشر کرده است. آثار او عبارتند از: سخن یا کلید، آتش تهی دریا، های آذرشین، زخم شیشه (اشعار ترجمه شده).

آرش حافظ در سال ۱۹۵۹ میلادی در هرات متولد شد و به آلمان مهاجرت کرد. شعرها و نوشته‌هایش در مجلات راه و سایر نشریات مهاجرین افغانستان در آلمان منتشر شده است.^۲ محمد حنیفی دشتی در سال ۱۹۶۰ میلادی در هرات متولد شد. اشعارش در مجله‌های مختلف افغانستان و مجله خط سوم در مشهد منتشر شده است.^۳

حبیب‌الله ذبیحی در سال ۱۹۶۱ میلادی در هرات متولد شد. پس از آموزش‌های ابتدایی و متوسطه، با حمله شوروی افغانستان را ترک کرده و به ایران مهاجرت و در مشهد مستقر شد.

۱. پهلوان، چنگیز (به کوشش). نمونه‌های شعر امروز افغانستان. تهران: بنیاد نیشابور، ۱۳۷۱. ص ۱۷۵؛ صابری هروی، سید

جلیل. شعرای عصر حاضر افغانستان، جلد اول. کابل: نشر نوند، ۱۳۸۹. ص ۲۴۶، ۲۵۳، ۵۵۴.

۲. پهلوان، چنگیز (به کوشش). نمونه‌های شعر امروز افغانستان. تهران: بنیاد نیشابور، ۱۳۷۱. ص ۱۳۵؛ صابری هروی، سید

جلیل. شعرای عصر حاضر افغانستان، جلد اول. کابل: نشر نوند، ۱۳۸۹. ص ۶۵.

۳. صابری هروی، سید جلیل. شعرای عصر حاضر افغانستان، جلد اول. کابل: نشر نوند، ۱۳۸۹. ص ۷۵۹.

پس از مهاجرت به ایران، به صفوف مجاهدین پیوست و در سال ۱۹۸۸ میلادی به انجمن شاعران مهاجر افغانستان ملحق شد. اشعار او در مجله های مجاهدین در ایران منتشر شد. ذبیحی در دهه ۱۹۹۰ میلادی به همراه خانواده به اروپا مهاجرت کرده و در آلمان ساکن شد. محمد بشیر بختیاری در سال ۱۹۶۱ میلادی متولد شد. وی در جنگ علیه شوروی فعال بود و در حین حضور در جبهه، اشعار خود را در مجلات مجاهدین منتشر کرد.^۱

اسدالله عقیف باختری در سال ۱۹۶۲ میلادی در مزار شریف متولد شد. آموزش های ابتدایی خود را در زادگاهش گذراند و مدتی در دانش گاه های بلخ و کابل، دانش کده زراعت تحصیل کرد. در سال ۱۹۸۶ میلادی به دلیل فشارهای حکومت کمونیستی، تحصیلات را نیمه تمام گذاشته و به مزار شریف بازگشت. پس از روی کار آمدن طالبان، افغانستان را ترک و به ایران مهاجرت کرد و پس از تغییر حکومت دوباره به کشورش بازگشت. اشعار او در مجلات مهاجرین افغانستان در ایران منتشر شده است.

علی حلیمی در سال ۱۹۶۲ میلادی در جوزجان متولد شد. در سال ۱۹۸۲ میلادی افغانستان را ترک کرده و به ایران مهاجرت و در مشهد اقامت گزید. از سال ۱۹۹۱ میلادی به شعر پرداخت و آثارش در مجله های مشهد منتشر شد.

محمد حسن حسین زاده در سال ۱۹۶۲ میلادی در هرات متولد شد. پس از روی کار آمدن کمونیست ها، افغانستان را ترک و به ایران مهاجرت کرده و در مشهد سکونت گزید. از سال ۱۹۸۷ میلادی به شعر پرداخت و آثار او در شعر مقاومت افغانستان، صبح در زنجیر و مجلاتی چون فتح، سراج، فریاد عاشورا منتشر شده است.^۲

مغفرت شاه آذری در سال ۱۹۶۳ میلادی در بدخشان متولد شد. پدرش اکرم شاه بود. مغفرت آموزش ابتدایی خود را در زادگاهش به پایان رساند. از سال ۱۹۷۹ میلادی به سرودن شعر پرداخت. منابع اشاره دارند که آذری دارای یک کتاب شعر، یک کتاب داستان و دو کتاب تاریخی است.

حفیظ الله حازم در سال ۱۹۶۳ میلادی در شیرغان متولد شد. آموزش های ابتدایی و متوسطه را در شیرغان و کابل گذراند و سپس از دانش گاه کابل، دانش کده پلی تکنیک فارغ شد. پس از آن، به روسیه رفت و از دانش گاه مسکو در رشته مهندسی برق فارغ شد. پس از مدتی مجبور به ترک افغانستان شد و به هالند مهاجرت کرد. اشعار او در روزنامه ها و مجلاتی

۱. صابری هروی، سید جلیل. شعرای عصر حاضر افغانستان، جلد اول. کابل: نشر نوند، ۱۳۸۹. ص ۸۸۳، ۳۱۵؛ پهلوان، چنگیز (به کوشش). نمونه های شعر امروز افغانستان. تهران: بنیاد نیشابور، ۱۳۷۱. ص ۱۱۱.

۲. صابری هروی، سید جلیل. شعرای عصر حاضر افغانستان، جلد اول. کابل: نشر نوند، ۱۳۸۹. ص ۲۸۹-۲۵۲-۲۵۳، ۷۰۰.

همچون جوزجان وانیس منتشر شده و اثرش با عنوان غربت در هالند منتشر شده است. شجاع‌الدین خراسانی در سال ۱۹۶۳ میلادی در بدخشان متولد شد. آموزش‌های ابتدایی و متوسطه را در زادگاه خود گذراند و سپس برای تحصیلات عالی به کابل رفت. اشعار او در مجلات مختلف افغانستان و ایران منتشر شده است.^۱

عبدالله آرزو در سال ۱۹۶۴ میلادی در هرات متولد شد. پدرش اختر محمد بود و همانند سه برادر دیگرش شاعر و نویسنده بود. پس از اتمام آموزش‌های ابتدایی، به تحصیلات عالی پرداخت، اما به دلیل ناآرامی‌های سیاسی پس از کودتای افغانستان، تحصیلاتش را نیمه‌تمام گذاشت و در سال ۱۹۸۱ میلادی به ایران مهاجرت کرده و در مشهد سکونت گزید. غلام‌نبی اشراقی هراتی در سال ۱۹۶۴ میلادی در هرات متولد شد. به دلیل وضعیت سیاسی کشور، به ایران مهاجرت کرده و در مشهد مستقر شد. او عضو انجمن ادبیات مشهد بود.

عبدالکریم اسماعیل‌زاده وحدت در سال ۱۹۶۴ میلادی در هرات متولد شد. پدرش محمد اسماعیل بود. وحدت آموزش‌های ابتدایی خود را در زادگاهش گذراند. پس از حمله شوروی به افغانستان، در سال ۱۹۷۹ میلادی به ایران مهاجرت کرد. اولین شعر او در مجله اشک قلم منتشر شد و آثارش در مجلات فریاد عاشورا و دانشور منتشر شده‌اند.

اشراقی هروی در سال ۱۹۶۴ میلادی در هرات متولد شد. او عضو انجمن شاعران مهاجر افغانستان در مشهد بود و اشعارش بیشتر در مجلات مجاهدین خارج از کشور منتشر شده است.

انجیل‌پگاهی در سال ۱۹۶۴ میلادی در کابل متولد شد. آموزش‌های ابتدایی و متوسطه را در کابل گذراند و سپس در دانش‌کده پلی تکنیک کابل به تحصیل پرداخت. از سال ۱۹۸۱ میلادی در بخش رسانه‌یی فعالیت داشت و در دهه ۱۹۹۰ میلادی به آلمان مهاجرت کرد. او از شانزده ساله‌گی به شعر پرداخت و از سال ۱۹۸۲ تا ۱۹۸۶ میلادی عضو تحریریه مجلات درفش جوانان و پیامیر بود.

سعید حسینی در سال ۱۹۶۴ میلادی در هرات متولد شد. پدرش میر آقا بود. حسینی در زمان حکومت کمونیست‌ها مجبور شد تحصیلاتش را نیمه‌تمام گذاشته و به ایران مهاجرت کند. او از سال ۱۹۸۶ میلادی به شعر پرداخت و اشعارش در مجلات و روزنامه‌های مجاهدین منتشر شد. اثر او با عنوان عشق قلم در سال ۱۹۹۱ میلادی در مشهد توسط انجمن اسلامی شاعران مهاجر افغانستان منتشر شده است.^۲

۱. صابری هروی، سید جلیل. شعرای عصر حاضر افغانستان، جلد اول. کابل: نشر نوند، ۱۳۸۹. ص ۴۱، ۶۵۳، ۸۰۳.
 ۲. صابری هروی، سید جلیل. شعرای عصر حاضر افغانستان، جلد اول. کابل: نشر نوند، ۱۳۸۹. ص ۵۰-۵۱، ۴۸۳-۴۸۴، ۲۰۹.

(تا این جا کار شده است)

فریبا آتش صادق در سال ۱۹۶۵ میلادی در کابل متولد شد. او شاعر و نویسنده است. پس از پایان آموزش های متوسطه، در دانش گاه کابل در دانش کده زبان و ادبیات ثبت نام کرد و در سال ۱۹۸۷ میلادی از همان دانش کده، رشته روزنامه نگاری فارغ شد. پس از فراغت، در مجلات پامیر، هویدا (وطن)، اخبار و بخش هنر و ادبیات رادیو و تلویزیون افغانستان فعالیت داشت. در سال ۱۹۹۲ میلادی به تاجیکستان مهاجرت کرده و مجله پیوند را در دوشنبه منتشر کرد. در سال ۱۹۹۳ میلادی به آلمان مهاجرت و در شهر ازلانگن سکونت یافت. نادر احمدی در سال ۱۹۶۵ میلادی در غزنی متولد شد. پس از حمله شوروی به افغانستان، در سال ۱۹۸۱ میلادی به ایران مهاجرت کرد و در مشهد آموزش مذهبی دید. احمدی از سال ۱۹۹۰ میلادی به شعر پرداخت و عضو انجمن شاعران مقاومت افغانستان در مشهد بود. او پس از سال ها توانست برای مدتی کوتاه به کشورش بازگردد و در سال ۲۰۰۲ میلادی به همراه خانواده به استرالیا مهاجرت کرد. آثار او عبارتند از: شعر مقاومت افغانستان (۱۹۹۳)، تهران، مردان برنو (۱۹۹۷، تهران)، گل پیراهن سارا (ایران)¹.

احمد سعید حقیقی در سال ۱۹۶۶ میلادی در هرات متولد شد. اشعار او در مجموعه زیانه های برج خاکسترو مجلات هفت قلم و هری منتشر شده اند.

محمدالله افضلی در سال ۱۹۶۶ میلادی در هرات متولد شد. پدرش امان الله نطقی بود. افضلی شاعر و نویسنده یی شناخته شده است و از دانش گاه کابل، دانش کده ادبیات فارغ شد. پس از مهاجرت به ایران، در مشهد سکونت یافت و ریاست هیئت تحریریه مجله مومنان را بر عهده گرفت. در سال ۲۰۰۰ میلادی مسؤولیت سردبیری مجله فرهنگی و ادبی هری را عهده دار شد. آثار او عبارتند از: شکوه داغ ها (شعر، ۱۹۹۷، مشهد)، برگ سبز، سراب رویا.

پروین پژواک در سال ۱۹۶۶ میلادی در کابل متولد شد. پدرش نعمت الله پژواک بود. او آموزش های ابتدایی و متوسطه را در کابل گذراند و از دانش کده پزشکی به عنوان پزشک کودکان فارغ شد. پژواک از پدرش درس ادبیات آموخت و در سال ۱۹۹۲ میلادی به دلیل جنگ داخلی افغانستان به کانادا مهاجرت کرد. او برای کودکان شعر و داستان نوشته است. **سعدیه دهاتی** در سال ۱۹۶۶ میلادی متولد شد. آموزش های ابتدایی را در کابل و متوسطه را در بدخشان گذراند و از دانش کده پزشکی دانش گاه کابل فارغ شد. دهاتی با سازمان ملل متحد همکاری کرد، دوره های کمک های اولیه برای مجاهدین برگزار و مجروحان و بیماران

۱، ۱۸۸، ۷۲۹؛ پهلوان، چنگیز (به کوشش)، نمونه های شعر امروز افغانستان. تهران: بنیاد نیشابور، ۱۳۷۱. ص ۹، ۳.

۱. صابری هروی، سید جلیل. شعرای عصر حاضر افغانستان، جلد اول. کابل: نشر نوند، ۱۳۸۹. ص ۲۶، ۱۶۰-۱۶۱.

جنگی را درمان کرد. پس از جنگ در کندز مستقر شد و در بیمارستان سعیدی دهاتی کندز فعالیت داشت. اشعارش در مجلات مختلف افغانستان منتشر شده است.^۱

گل نور بهمن در سال ۱۹۶۷ میلادی متولد شد. به دلیل بی‌ثباتی افغانستان، به پاکستان مهاجرت کرده و در پیشاور مستقر شد. او سردبیر مجله حقوقی روزنه بود و پس از تغییرات سیاسی افغانستان به کشورش بازگشت.

محمد سرور تگویی در سال ۱۹۶۷ میلادی در غزنی متولد شد. او در دهه ۱۹۸۰ میلادی به ایران مهاجرت کرد و در قم تحصیل کرد. از سال ۱۹۹۱ میلادی به شعر پرداخت و به عنوان یکی از شاعران مهم مقاومت شناخته می‌شود.

سیمین حسن زاده غزل در سال ۱۹۶۷ میلادی در کابل متولد شد. او پس از آموزش‌های ابتدایی و متوسطه از دانش‌کده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه کابل فارغ شد. در سال ۱۹۹۰ میلادی مجبور به ترک افغانستان شد و به ایران مهاجرت کرد و در مشهد به فعالیت ادامه داد.

حبیب‌الله حسینی در سال ۱۹۶۷ میلادی در بلخ متولد شد. در سال ۱۹۹۱ میلادی به ایران مهاجرت کرده و در مشهد ساکن شد و در زمینه علوم دینی تحصیل کرد.^۲

فریدون وارسته در سال ۱۹۶۸ میلادی در کابل متولد شد. سپس به ایران مهاجرت و در مشهد مستقر شد و شعرگفتن را آغاز کرد.

محمد کاظم کاظمی در سال ۱۹۶۸ میلادی در هرات متولد شد. از پانزده ساله‌گی به شعر پرداخت و بعداً به ایران مهاجرت و در مشهد ساکن شد.

لیلا خرم در سال ۱۹۶۸ میلادی در کابل متولد شد. پس از آموزش‌های ابتدایی و متوسطه از دانش‌کده حقوق فارغ شد. در سال ۱۹۸۸ میلادی به پاکستان مهاجرت و در پیشاور ساکن شد. او سردبیر مجله پیام زنان مسلمان بود و تا سال ۱۹۹۴ میلادی مجله‌یی به نام نسا منتشر کرد. تا سال ۲۰۰۱ میلادی در پیشاور زنده‌گی کرد و سردبیری مجله وطن را نیز برعهده داشت. او شاعر و کارتونیست است و اشعارش در مجلات صبح، فریاد عاشورا و کتاب‌های شعر زنان افغانستان منتشر شده‌اند. آثار او شامل: حب فردا (شعر، پاکستان)، کارتون سخن می‌گوید (کاریکاتور، پاکستان).

عزیزالله آریافر در سال ۱۹۶۸ میلادی در پروان متولد شد. آموزش‌های ابتدایی و متوسطه را در زادگاهش گذراند. در سال ۱۹۸۷ میلادی در مبارزه مسلحانه علیه شوروی شرکت کرد

۱. صابری هروی، سید جلیل. شعرای عصر حاضر افغانستان، جلد اول. کابل: نشر نوند، ۱۳۸۹. ص ۷۴، ۲۲۶، ۴۷۳، ۸۶۹.

۲. صابری هروی، سید جلیل. شعرای عصر حاضر افغانستان، جلد اول. کابل: نشر نوند، ۱۳۸۹. ص ۴۰۱، ۵۴۴، ۶۸۶، ۷۰۷-۷۰۸.

و در طول جنگ به عنوان خبرنگار و فیلم‌بردار فعالیت داشت. او مسؤولیت سردبیری مجله شوری را برعهده داشت و بین ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۶ میلادی مسؤولیت افغان فیلم و رادیو و تلویزیون را داشت. در همین زمان تحصیلات خود را در دانش‌کده حقوق ادامه داد. پس از تسلط طالبان بر کابل، علیه حکومت فعالیت سیاسی و فرهنگی داشت و مقالات و اشعار متعددی منتشر کرد. اثر او با عنوان آیات آفتاب در سال ۲۰۰۲ میلادی به نشر رسید.

کاوه آهنگ شفق در سال ۱۹۶۸ میلادی در کابل متولد شد. پدرش محمد آصف آهنگ بود. او آموزش‌های ابتدایی و متوسطه را در کابل گذراند و پس از تسلط کمونیست‌ها در سال ۱۹۸۳ میلادی به آلمان مهاجرت کرد. پس از گذراندن دوره زبان آلمانی، دیپلم گرفت و در فرانکفورت جامعه‌شناسی خواند. اشعارش در مجلات آلمان مانند راه و نامه رنگین منتشر شده‌اند.

احمد فرید بختیاری در سال ۱۹۶۸ میلادی در کابل متولد شد. آموزش‌های ابتدایی و متوسطه را در زادگاهش گذراند و سپس مجبور شد افغانستان را ترک کند. به پاکستان مهاجرت کرد و در اکادمی پلیس وابسته به دولت موقت افغانستان تحت نظارت آلمان تحصیل کرد. پس از پایان تحصیلات، به آمریکا مهاجرت و در شهر نیویورک ساکن شد.^۱

خالده بارش تحسین، در سال ۱۹۶۹ میلادی متولد شد. از دانش‌کده ادبیات دانشگاه کابل فارغ شد. اشعار او در مجلات مهاجرین افغانستان و کتاب شعر زنان افغانستان منتشر شده است. او دارای اثر ابر کوچک غزل نیز می‌باشد.

قنبر علی تابش در سال ۱۹۶۹ میلادی در غزنی متولد شد. به ایران مهاجرت کرد و در شهر قم تحصیل نمود. تابش از سال ۱۹۹۱ میلادی به شعر پرداخت. اشعارش در مجلات وحدت، فریاد عاشورا، میثاق و امین منتشر شده و مدتی سردبیری مجله فجر امید را برعهده داشته است. آثار او شامل: دورتر از چشم اقیانوس (۱۹۹۷)، ایران، حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی و آدمی پرنده نیست (۲۰۰۶، تهران) می‌باشد.

شهاب‌الدین حسینی نژاد بلخی در سال ۱۹۶۹ میلادی در جوزجان متولد شد. به دلیل بی‌ثباتی سیاسی، افغانستان را ترک و به ایران مهاجرت کرد و در قم تحصیل نمود.

نقشبند حیدری در سال ۱۹۶۹ میلادی در کابل متولد شد. پدرش غلام حیدر وجودی بود. آموزش‌های ابتدایی خود را در زادگاهش آغاز کرد و به دلیل بی‌ثباتی کشور در سال ۱۹۸۶

۱. پهلوان، چنگیز (به کوشش). نمونه‌های شعر امروز افغانستان. تهران: بنیاد نیشابور، ۱۳۷۱. ص ۳۲۵، ۲۴۷؛ صابری هروی، سید جلیل. شعرای عصر حاضر افغانستان، جلد اول. کابل: نشر نوند، ۱۳۸۹. ص ۸۰۹، ۷۱، ۹۴، ۲۰۹.

میلادی مجبور به ترک افغانستان شد.^۱

شاعران دوره‌های گذشته که صرفاً نام‌شان در منابع ثبت شده است:

عزیزالله خان قاتل، پسر سردار نصرالله خان و از شاعران دوره امیر حبیب‌الله خان. در سال ۱۹۳۳ میلادی درگذشت.

ابراهیم حقی هروی، متولد ۱۹۰۱ میلادی هرات، در سال ۱۹۲۶ میلادی به هند مهاجرت کرده و دیوانش در هند منتشر شده است.

محمدعظیم الفت، متولد ۱۹۰۱ میلادی ایبک، پس از تحصیل ادبیات و عربی مدتی منشی بود و در مزار شریف درگذشت.

هدایت‌الله ایمانی، متولد ۱۹۰۷ میلادی سمنگان، فرزند میرزا رحمت‌الله. ملاله، متولد ۱۹۱۸ میلادی.

غلام حضرت، متولد ۱۹۱۹ میلادی سمنگان، فرزند میرزا رحمت‌الله.

الله‌قلی با تخلص شعری محزون و حاجی، متولد هرات، در سال ۱۹۲۳ میلادی درگذشت.

ضیا قاریزاده، متولد ۱۹۲۱ میلادی افغانستان.^۲

محمدآصف رحمانی، متولد ۱۹۶۴ میلادی هرات.

سید احمد هاشمی، متولد ۱۹۵۲ میلادی هرات.

حافظ محمد اکبر فروغ، پسر حافظ مجذوب، شاعر دوره امیر حبیب‌الله خان.

محمد خان فرحت پسر عبدالقادر خان، شاعر دوره امیر حبیب‌الله خان.^۳

عبدالرحمن، از شاعران نوگرای دوره امیر حبیب‌الله خان، آثارش در روزنامه‌ها و مجلات آن دوره منتشر شده است.

صاحب‌داد کوهستانی، شاعر نوگرای دوره امیر حبیب‌الله خان، اشعارش به گویش محلی نوشته شده و برخی در سراج‌الاکخبار منتشر شده‌اند.

حاج محمد سالنگی، شاعر محلی دوره امیر حبیب‌الله خان، اشعارش در سراج‌الاکخبار منتشر شده است.^۴

۱. صابری هروی، سید جلیل. شعرای عصر حاضر افغانستان، جلد اول. کابل: نشر نوند، ۱۳۸۹. ص ۳۰، ۵۲۸، ۸۳۲، ۷۷۱.

۲. خسته، خال محمد. معاصرین سخنور. چاپ دوم. پشاور: انجمن نشراتی دانش، ۱۳۸۶. ص ۲۴۰؛ پهلوان، چنگیز (به کوشش). نمونه‌های شعر امروز افغانستان. تهران: بنیاد نیشابور، ۱۳۷۱. ص ۲۳۳.

۳. غبار، میرغلام محمد. تاریخ ادبیات افغانستان (دوره محمدزایی‌ها). کابل: مطبعه دولتی، ۱۳۳۰؛ بازنشر: تهران، مرکز نشراتی آرش، ۱۳۷۸. ص ۱۳۳؛ کهنزاد، احمد علی. تاریخ ادبیات افغانستان. کابل: مطبعه عمومی، ۱۳۳۰. ص ۱۳۳.

۴. پهلوان، چنگیز (به کوشش). نمونه‌های شعر امروز افغانستان. تهران: بنیاد نیشابور، ۱۳۷۱. ص ۱۱۵، ۱۴۴؛ صابری هروی، سید جلیل. شعرای عصر حاضر افغانستان، جلد اول. کابل: نشر نوند، ۱۳۸۹. ص ۷۳۴، ۶۵۰-۶۵۱؛ خسته، خال محمد. معاصرین

نتیجه

تاریخ شعر هم‌زمان با تاریخ بشریت آغاز شده است. شعر در همه دوره‌ها ارزشمندترین بیان و مورد بحث‌ترین هنرهای کلامی بوده است. گفته شده است که «ابتدا کلام بود» و این حقیقت، برتری شعر را نسبت به دیگر هنرهای کلامی نشان می‌دهد. در سراسر جهان، اولین آثار مکتوب هر فرهنگ، ادبیات و زبان معمولاً شعر بوده است. شعر در تمام دوره‌های زنده‌گی انسان و همچنین در زنده‌گی خصوصی او حضوری مستمر داشته است. بنابراین، تاریخ ادبیات جهان با تاریخ شعر آغاز می‌شود. در تاریخ ادبیات افغانستان نیز قدیمی‌ترین و قدرتمندترین متون، شعرها بوده‌اند. شعر مدرن، همان‌طور که از نامش پیداست، در افغانستان همانند سراسر جهان در پی روند مدرن‌سازی پدید آمده است. شعر مدرن افغانستان که گفته می‌شود از سال ۱۹۰۱ میلادی با انتشار سراج‌ال‌اخبار و سپس امان افغان ظهور کرده و توسعه یافته است، به رهبری شاعرانی همچون محمود طرزی، عبدالهادی پریشان داوی و عبدالرحمن لودین شکل گرفته و رشد یافته است. در شکل‌گیری شعر مدرن افغانستان، انجمن ادبی کابل و مجله کابل و انجمن ادبی هرات و مجله ادبی هرات تأثیر مهمی داشته‌اند. شاعرانی که در اطراف این انجمن‌ها و مجلات گرد آمده‌اند، با توسعه دیدگاه و سبک هنری مشترک، مسیر رشد شعر مدرن افغانستان را تعیین کرده‌اند. می‌توان گفت که شاعران تأثیرگذار این دوره اطراف این انجمن‌ها و مجلات گرد آمده و بدین ترتیب یک فهم و سبک شعری مشترک ایجاد کرده‌اند.

نمونه‌های شعر این دوره به صورت عموم در افغانستان و دیاسپورای آن در تاریخ‌های مختلف

سخنور. چاپ دوم. پشاور: انجمن نشراتی دانش، ۱۳۸۶. ص ۲۳۱، ۲۳۵؛ کهزاد، احمدعلی. تاریخ ادبیات افغانستان. کابل: مطبعه عمومی، ۱۳۳۰. ص ۳۹۶، ۳۷۶، ۳۷۸، ۳۸۹، ۳۹۱؛ غبار، میرغلام محمد. تاریخ ادبیات افغانستان (دوره محمدزایی‌ها). کابل: مطبعه دولتی، ۱۳۳۰؛ بازنشر: تهران، مرکز نشراتی آرش، ۱۳۷۸. ص ۶۵۷، ۲۴۱، ۲۵۳، ۱۲۲، ۸۲، ۸۵، ۱۰۳، ۱۱۳.

در مجلات و روزنامه‌هایی مانند اتفاق اسلام، بدخشان، ترکمن، اتحاد اسلام، هرات، کابل، ژوندون، فاریاب، اتحاد ننگرهار، طلوع افغان، اخبار زری، اصلاح، هویدا (وطن)، اتحاد مشرقی، آزاد افغانستان، پوهنی نندری، ستاره فاریاب، میرمن، آریانا، پشتون ژغ، کابل، وحدت، فروغ انقلاب، نگین، سخن، رودکی، فردوسی، اطلاعات، طنین انقلاب، شین و آمورودی منتشر شده و به بلوغ رسیده‌اند.

شعر مدرن افغانستان که تحت تأثیر ادبیات غرب و ادبیات ترکی شکل گرفته، در دوره آغازین خود با فعالیت‌های ترجمه گسترده‌ی همراه بوده است. در این دوره، هم ترجمه از زبان‌های ترکی، انگلیسی، اردو و عربی به فارسی و پشتو صورت گرفته و هم از فارسی به زبان‌های غربی از جمله انگلیسی، روسی، چکی و آلمانی ترجمه شعر انجام شده است. شعر شاعران دوره مدرن در کشورهای مختلف از جمله افغانستان، پاکستان، تاجیکستان، ایران، آلمان، استرالیا، هلند، کانادا، آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی با حروف فارسی و سیریلیک منتشر شده است.

شعر مدرن افغانستان متناسب با واقعیت‌های کشور، شعر چندزبانه است. شاعرانی که زبان مادری شان پشتو و ازبکی بوده، آثار خود را هم به زبان مادری و هم به فارسی و عربی نوشته‌اند. به طور کلی، مطالعات متعددی در مورد دوره‌بندی تاریخ ادبیات افغانستان و به ویژه تاریخ شعر این کشور انجام شده و هر بار تقسیم‌بندی متفاوتی ارائه شده است. منابع موجود نشان می‌دهند که هنوز توافق جامعی در مورد دوره‌بندی مشخص نشده است. برخی مطالعات، تقسیم‌بندی را بر اساس سبک و مکتب‌های برجسته ارائه داده‌اند و برخی دیگر بر اساس موضوعات و مضامین شعر دوره‌ی مناسب دانسته‌اند. در تاریخ ادبیات، علاوه بر تقسیم‌بندی بر اساس شکل و محتوا، اغلب تقسیم‌بندی سیاسی و زمانی نیز به کار رفته است. به همین دلیل، در این مطالعه نیز دوره‌بندی بر اساس فرآیندهای سیاسی انجام شده است.

صرف نظر از روش انتخاب شده، در همه تقسیم‌بندی‌ها دوره انتقالی و برخی شاعران میان دو دوره وجود دارد که هیچ مرز دقیقی قابل ترسیم نیست. برخی شاعران ممکن است در دو دوره مختلف ارزیابی شوند و برخی دیگر در دوره انتقالی قرار می‌گیرند. با این حال، در این مطالعه، با استفاده از تقسیم‌بندی زمانی، سعی شده است این مسأله حل شود.

تقریباً در همه زبان‌ها، یکی دیگر از موضوعاتی که در نوشتن تاریخ ادبیات مطرح می‌شود، بحث پیرامون دامنه مفهومی «دوره مدرن» و «دوره معاصر» است. مفهوم مدرن در نهایت برای آثار ادبی‌ی به کار رفته است که در دوره مدرن سازی خلق شده‌اند و به همین صورت پذیرفته شده است. مفهوم معاصر اما برای آثاری استفاده می‌شود که در دوران جاری نوشته شده‌اند.

بنابراین، در این مطالعه، اصطلاح «معاصر» برای شعر امروز به کار رفته و حوزه شعر مدرن تنها شامل اشعاری است که در جریان فرآیند مدرن سازی نگارش یافته‌اند.

در روند انجام این پژوهش، منابع و داده‌های به دست آمده درباره تاریخ شعر و ادبیات افغانستان نشان دادند که افغانستان دارای حافظه فکری بسیار قدرتمند و پیشینه ادبی کهنی است. متأسفانه در ترکیه این جنبه افغانستان هنوز دیده نشده و مطالعات کافی در این زمینه انجام نگرفته است. ضرورت انجام پژوهش‌های مرتبط با تاریخ فرهنگی افغانستان در ترکیه به طور روشن احساس می‌شود. همچنین گنجاندن ادبیات افغانستان در برنامه‌های درسی رشته‌های زبان و ادبیات فارسی در ترکیه و اختصاص دادن بخشی از برنامه‌های رشته‌های زبان و ادبیات ترکی به ادبیات ترک افغانستان، اقدامی دیرنگام اما ضروری است. به طور کلی، باید گفت که حوزه ادبیات افغانستان و به ویژه حوزه ادبیات ترکی افغانستان بسیار غنی است. آموزش زبان‌های افغانستان در ترکیه نیز فرصتی برای آشنایی با میراث فرهنگی و حافظه فکری این کشور فراهم خواهد کرد. در جریان این پژوهش، بیش از هزار شاعر ثبت شده در تاریخ شعر افغانستان شناسایی شدند. همین عدد به تنهایی نشان دهنده باروری فرهنگی و ادبی این سرزمین است. ترجمه آثار افغانستان به ترکی و تهیه آنتولوژی‌ها، به ویژه پس از دوره‌یی که این ادبیات از دیده‌ها پنهان بوده، اهمیت بالایی در تداوم روابط فرهنگی ترکیه و افغانستان دارد.

به ویژه در دوران اخیر، توجه به این نکته ضروری است که میراث فرهنگی افغانستان مورد غارت و تخریب قرار گرفته و حافظه فکری این کشور هم نادیده گرفته شده و هم مخفی شده است. تصویری که از افغانستان ارائه می‌شود و تلاش می‌شود بدون میراث ادبی کهن، سطح سلیقه زیبایی شناسی و تاریخ فرهنگی آن معرفی شود، با واقعیت جغرافیایی و فرهنگی این کشور همخوانی ندارد.

مآخذ

- ابراهیمی، سید فریدون و ضیا احمد صدیق افضلی (به کوشش و گزینش). یک شاخه به سوی نور: نمونه‌های شعر معاصر دری. پشاور: میوند، ۱۳۷۸.
- پهلوان، چنگیز (به کوشش). نمونه‌های شعر امروز افغانستان. تهران: بنیاد نیشابور، ۱۳۷۱.
- حبیب، دکتور اسدالله؛ به اهتمام پوهنیار ضیاءالدین ضیا. ادبیات دری در نیمه اول سده بیستم: با نگر بر مسئله دوره بندی در ادبیات دری و مرور بر چگونه گی ادبیات سده های هفدهم، هجدهم و نوزدهم. کابل: انتشارات پوهنتون کابل، ۱۳۶۶.
- حبیبی، عبدالحی؛ به اهتمام محمد هاشم بهرامی. جنبش مشروطیت در افغانستان. کابل: دولتی مطبعه و نشر جمهوری دموکراتیک افغانستان، ۱۳۶۳.
- حجازی، بنفشه. تذکره اندرونی: شرح احوال و شعر شاعران زن در عصر قاجار تا پهلوی. چاپ دوم. تهران: انتشارات قصیده سرا، ۱۴۰۰.
- خبرگزاری جمهور. «تجلیل از نودمین سالروز تأسیس انجمن ادبی هرات». یکشنبه ۱۰ حوت ۱۳۹۹. دسترسی در: [\[https://www.jomhornews.com/fa/news/136860\]](https://www.jomhornews.com/fa/news/136860) (<https://www.jomhornews.com/fa/news/136860>)
- خراسانی، شجاع الدین. شعر معاصر دری. چاپ دوم. کابل: امیری، ۱۳۹۱.
- خسته، خال محمد. معاصرین سخنور. چاپ دوم. پشاور: انجمن نشراتی دانش، ۱۳۸۶.
- رضوی غزنوی، علی. نثر دری افغانستان (سی قصه). تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۷.
- روان فرهادی، عبدالغفور. «پشتو، ادبیات». در: مرکز دائرت المعارف بزرگ اسلامی،

- مقاله شماره ۵۵۳۱، جلد ۱۳، تاریخ انتشار: ۲۲ خرداد ۱۳۹۹. دسترسی در: https://www.cgie.org.ir/fa/article/229434/
- زریر، تاج محمد. تاریخ ادبیات افغانستان از روزگار کهن الی گسترش زبان فارسی دری. کابل: انتشارات امیری، ۱۳۹۷.
- ژویل، محمد حیدر. تاریخ ادبیات افغانستان. پیشاور: بنگاه نشراتی میوند، ۲۰۱۰.
- سینا، پروین؛ به اهتمام حیات‌الله صدیقی. زنان دری پرداز سده‌های دوازدهم و سیزدهم هجری افغانستان. کابل: مطبعه دولتی، ۱۳۶۷.
- شریفی، محمد فاضل. ادبیات کودک در افغانستان. تهران: انتشارات سعید، ۱۳۸۹.
- شفق، اسماعیل و رضا چهرقانی. «بازگشت ادبی در شعر فارسی افغانستان». فصلنامه فنون ادبی، دوره ۴، شماره ۷، پاییز و زمستان ۱۳۹۱.
- صابری هروی، سید جلیل. شعرای عصر حاضر افغانستان، جلد اول. کابل: نشر نوند، ۱۳۸۹.
- طرزی، سردار غلام محمد خان. کلیات دیوان طرزی. به کوشش و اهتمام ننگیالی طرزی. تهران: برگ زیتون، ۱۳۸۳.
- غبار، میر غلام محمد. تاریخ ادبیات افغانستان (دوره محمد زایی‌ها). کابل: مطبعه دولتی، ۱۳۳۰؛ باز نشر: تهران، مرکز نشراتی آرش، ۱۳۷۸.
- فاطمی، فاطمه. «ادبیات افغانستان ریشه در ادبیات کهن فارسی دارد». در: خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا)، ۱۸ اردیبهشت ۱۳۹۰. دسترسی در: https://www.ibna.ir/news/104054/
- فقیهی هروی، فضل‌الرحمن (۱۴۰۰). تاریخ ادبیات هرات (از اوایل قرن دوازدهم تا امروز)، جلد دوم، تهران: نشر احسان.
- فضل‌الله زركوب نوشته شده توسط منوچهر برومند - <https://manoutchehr-broomand.com>
- از رخنانه فیس بوک محمود منجم زاده ۱۸ اکتوبر ۲۰۲۵. <https://www.iranketab.ir/profile/35623-%D8%B6%D-B%8C%D8%A7%DB%8C-%D8%B1%D9%81%D8%B9%D8%AA>.
- <https://civilica.com/p/۴۶۷۲۶۲/سیویلیکا>
- فضایی، حسن. «تأثیرات سیاسی و اجتماعی دوره کمونیستی بر ادبیات معاصر فارسی دری افغانستان». فصلنامه پژوهش‌های ادبی، سال ۲، شماره ۷، بهار ۱۳۸۴.
- کاظمی، محمد کاظم. «بزرگداشت قهار عاصی، شاعر افغان، در ایران». بی‌بی‌سی

فارسی، شنبه ۸ مهر ۱۳۸۵. دسترسی در:

https://www.bbc.com/persian/afghanistan/story/2006/09/print-able/060930_s-kazemi-qahar

- کمال‌وند، لیلی. «بررسی شعر معاصر افغانستان با تکیه بر ادبیات مقاومت و همسویی با ادبیات پایداری مشروطیت در ایران». در: کنگره بین‌المللی علوم اسلامی و علوم انسانی، تهران، آذر ۱۳۹۵.

- کهدویی، دکتر محمدکاظم. ادبیات افغانستان در ادوار قدیمه. تهران: انتشارات بین‌المللی الهدی، ۱۳۸۴.

- کهزاد، احمدعلی. تاریخ ادبیات افغانستان. کابل: مطبعه عمومی، ۱۳۳۰.

- مرکز دأئرت‌المعارف بزرگ اسلامی. دانش‌نامه بزرگ اسلامی. جلد ۱۳، مدخل «پشتو، ادبیات». تهران: مرکز دأئرت‌المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۸۸، ص. ۵۵۳۱.

- مسلمانیان قبادیانی، رحیم. پارسی دری: مجموعه گفتارها. تهران: امیرکبیر.

- موسوی، سیدعسکر. هزاره‌های افغانستان. ترجمه: اسدالله شقایب. تهران: موسسه نقش سیمرغ، ۱۳۷۹.

- مولائی، محمد سرور. برگزیده شعر معاصر افغانستان. تهران: انتشارات رز، ۱۳۵۰.

- نادری، نصرالله «پرتو». زنده‌گینامه من. دسترس پذیر در:

<http://www.partawnaderi.com/Zindaginamah/Zindaginamah.html>

- نارون، رجایی. (۱۴۰۴). شناخت‌نامه انجمن ادبی هرات، هرات: انجمن ادبی هرات، صص: ۳۳-۴.

- نیک‌خواه، عبدالرحیم. «تحلیل و بررسی عناصر ادبیات مقاومت در شعر معاصر افغانستان». ادب فارسی، دوره ۱، شماره ۲، ۱۳۸۸.

- یاحقی، محمدجعفر. چون سبوی تشنه: تاریخ ادبیات معاصر فارسی. تهران: نشر جامی، ۱۳۷۵.

KAYNAKÇA

- Akyüz, Murat. Geç Dönem Çağatay Edebiyatından Günümüze Afganistan Özbek Edebiyatının Tarihi Gelişimi ve Faryab Edebi Muhiti. 2012. (Yoktez.gov.tr).

- Rubin, R. Barnett. The Fragmentation of Afghanistan. New Haven: Yale University Press, 1995.

- Bigzad, Nejibullah. «Afganistan Sahası Tahar İli Çağdaş Özbek Şiirinde Çağatay Türkçesinin Biçim Bilgisel İzleri». Uluslararası Türk

- Lehçe Araştırmaları Dergisi, 5(1), 122-130, 2021.
- Bilgü, İlhan. «Afganistan: Sovyet İşgali ve Sonrası». DİA, Cilt I, 401-408, 1988. İstanbul: İSAM.
 - Burget, Fazıl Ahmad. Yakınçağda Afganistan ve Osmanlı Devleti ile İlişkileri. Doktora tezi, Ankara: Gazi Üniversitesi, 2017.
 - Çelikkilek, Abdul Metin. Afganistan’da Modernleşme Çabaları (1834-1919). Yüksek lisans tezi, Bilecik: Şeyh Edebali Üniversitesi, Sosyal Bilimler Enstitüsü, 2016.
 - Dames, M. Longworth. «Afganistan». İslam Ansiklopedisi. Eskişehir: MEB, 1997.
 - DEİK. Afganistan Ülke Bülteni. 2012. Erişim: 15 Ocak 2022. <https://www.deik.org.tr/>
 - Farzan, Ehsanullah. «Afganistan’ın Modernleşme Çabalarında Türkçenin Etkisi». Uluslararası Yabancı Dil Olarak Türkçe Öğretimi Dergisi, Cilt 2, Sayı 2, 189-200, 2019.
 - Fevzi, Firuz. «Afganistan’da Türk Kültürü ve Edebiyatı Üzerine Bir Araştırma». Journal of Life Sciences, Cilt 1, Sayı 1, 549-553, 2012. Batman: Batman Üniversitesi.
 - Fevzi, Firuz. «Afganistan’da Türk Dili ve Eğitimi». Tehlikedeki Diller Dergisi, 2015, 39-43.
 - Fevzi, Firuz ve Hasan Cankurt. «Afganistan’da Türkoloji ve Türkçe Çalışmaları Hakkında Bir Araştırma». CBÜ Sosyal Bilimler Dergisi, Cilt 11, Sayı 2, 493-503, 2013. Manisa: Celal Bayar Üniversitesi.
 - Hakbin, Humayun. Afgan Modernleşmesinde Terzi’nin Rolü ve Türkiye ile İlişkisi. Yüksek lisans tezi, Konya: Selçuk Üniversitesi Sosyal Bilimler Enstitüsü, 2009.
 - Hamşioğlu, Oğuz. Afgan Modernleşmesi ve Türkiye (1880-1933). Yüksek lisans tezi, Ankara: Hacettepe Üniversitesi, Atatürk İlkeleri ve İnkılap Tarihi Enstitüsü, 2006.
 - Özmen, Süleyman. Mahmud Tarzi’nin Hayatı, İnkılâpçılığı ve Faaliyetleri. Doktora tezi, İstanbul: Marmara Üniversitesi, 2008.
 - Öztürk, Rıdvan. «Afganistan Türkmenlerinin Ferhengi Encümeni ve Güneş Dergisi». Turkish Studies, Cilt 4, Sayı 3, 2009.
 - Öztürk, Rıdvan. «Kazım Emîni’nin Şiirlerinden Hareketle Afganistan Özbek Şiirinde “Badarga” Teması». SUTAD, Sayı 49, 93-104, 2020.

- Saikal, Amin. «Kemalizm'in İran ve Afganistan'daki Etkileri». Tarih İncelemeleri Dergisi, Cilt 14, Sayı 1, 271-279, 1999. (Çeviri: Hasan Mert)
- Saray, Mehmet. «Afganistan». DİA, Cilt I, 401-408, 1988. İstanbul: İSAM.
- Söylemez, İsmail. «İran Kültüründe Şâhnâme-hânlık Geleneği». Current Research in Social Sciences, 3(2), 64-70, 2017.
- Tarzi, Abdulvehhab. «Afganistan». İslâm Ansiklopedisi. Eskişehir: MEB, 1997.
- Tolkun, Selahittin. «Afganistan'dan Bir Özbek Kadın Şair: Kübrâ Keyvân». IJETSAR, 1, 174-183, 2017.
- Yazıcı, Orhan. Modern Afganistan'ın Kuruluşu. Malatya: Mengüçeli, 2011.
- Zahin, M. Humayoon. Afganistan (İslamcılık-Cihat-Siyaset). Kayseri: Tezmer, 2020.

